

ژوندون

وزارت اطلاعات و کلتور

A-P

77-938031



15521/027lyco

شنبه ۱۳ دلو ۱۳۵۸
۲، فروردین ۱۹۸۰

شماره ۲۹ - ۱۶

Ketabton.com

سال سی و یکم

شیت
استیلا مبارک در میهن

قیمت یک شماره ۱۳ افغانی



متن بیانیه ملی و تاریخی ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان در باره منشی سیاسی دولت که بتاریخ شش جدی ۱۳۵۸ انتشار یافت.

بسم الله الرحمن الرحيم

وطنداران رنجکشیده و مسلمان افغانستان
اسلام علیکم !

مردان و زنان قهرمان کشور !

از همه اولتر اجازه دهید، تا قبل از ارائه منشی سیاسی دولت و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، از طرف کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان از طرف خود اینجانب ببرک کارمل عمیقترین تأثرات و همدردیها، عظیم ترین احترامات و درودهای آتشین را بمناسبت رنجهای بیکران و اشکهای خونین شما، بمناسبت حبس و زندان، تبعید و مهاجرت های جبری، زجر و شکنجه های وحشیانه و غیر انسانی، شهادت و کشتار جمعی ده ها هزار مردان و پسران ما، برادران و خواهران ما، دختران، پسران و کودکان ما که از طرف حقیقت الله امین میر غضب و بدستور مستقیم این جلال آدمکش بعمل آمده به پیشگاه شما تقدیم بدارم. از سوی دیگر اعلام میگردد که حقیقت الله امین، این دشمن غدار الله و امین که بنام خدا و اسلام، بنام انسانیت و ملیت، بنام خلق و خلقی علیه خدا و اسلام، علیه انسانیت و ملیت، علیه خلق و خلقی وحشیانه جنگید، این دشمن وطن و ضد ملی که اردوی آزادبخش افغانستان را، بنفع دشمنان داخلی و خارجی پارچه پارچه کرد و بهترین سر باز آن، خورد شاهان، افسران قهرمان و جوانان ما را، هموطنان شرافتمند و زحمتکش ما را، به فجیعترین وضع به زندانبانها و کشتارگاهها فرستاد. حقیقت الله امین این نماینده (سی آی ائی) و جاسوس توطئه گر امپریالیزم امریکا، این خائن به وحدت حزب و دولت به قوای مسلح و انقلاب آزادبخش شور، این قاتل و شیاد تاریخ که حتی در برابر شادروان نورمحمد ترهکی رهبر عزیز و بنیاد گذار شرافتمند حزب ما، نخستین منشی عمومی ح. د. خ. ۱۰ و نخستین رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان که نام بزرگش جاویدان باد ! به میرمن بیمار، نجیب ولدیرش و به خانواده شریفش رحم نکرد، استقلال افغانستان را مورد معامله ارتجاع خارجی قرار داد و معادل هزاران میلیون ثروت ملی ما را غارت و حیف و میل کرد، غیرت و شرف و ناموس مردم غیور و بانگ افغان را مورد تحقیر و توهین قرارداد برای ابد از صحنه زندگی وطن محبوب میان افغانستان محو گردید و بنابر طوفان خشم و نفرت خلق، قهر و غضب ملت در دادگاه عادلانه انقلابی خلق و مستضعفین افغانستان یکجا با چند

چاگوش بسزای اعمال طاغوتی و شیطانی خود رسید و میرسد.

هموطنان ستمدیده !

اکنون در این لحظاتی که بر اساس اراده اکثریت مردم افغانستان وارد مرحله نوینی از انقلاب ملی و دموکراتیک کبیر شور، میشویم دوران تاخت و تاز و حاکمیت دودمان امینی ها، این مستکبرین و خائنان به خلق و وطن بپایان رسید و جبهه ملی پدر وطن برهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، با اتکاء به اراده اکثریت عظیم توده های مردم کشور و به کمک اردوی آزادبخش افغانستان، بغاطر دفاع از دست آورد های بزرگ انقلاب کبیر و بر جلال شور، قدرت حاکمه را بدست گرفت. اکنون ما ایمان راسخ داریم، که انقلاب ما از تاریخ مردم مادر این لحظات یکی از بزرگترین و شکست انگیز ترین چرخشی را انجام میدهد، که برای احراز آزادی و زندگی مستقل مردم ما، اهمیت عظیم و بی پایان دارد. این چرخشی است، از ظلم و وحشت بسوی خوشبختی، کار و زندگی صلح آمیز، این چرخشی است از مصائب و آلام بی پایان، از استبداد استمگران درنده خوی و استثمار گران خونخوار از جامعه مصیبت زده طراز استبداد آسیایی، بسوی آینده تابناک دموکراسی واقعی، آزادی و برابری ترقی و عدالت و ایجاد جامعه و افعا دموکراتیک چرخشی است از جنگ و نفاق داخلی بسوی صلح، بسوی اعتلای وحدت ملی و برادری ملیتها، اقوام و صاحبان مذاهب مختلف خلقهای ما، اعم از پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، ترکستانی و غیره، و مذاهب ما، اعم از اهل تسنن و تشیع و دیگر مذاهب و قبایل دلیر ما، از اینجاست که بر اساس اراده آهنگین مردم افغانستان اعلام میگردد که : تمام هموطنان مسلمانیکه در افسر ظلم و ستم حقیقت الله امین خون آشام، چه در خارج کشور پناه گزینند و یا در داخل، ناگاهانه و یا انتقام جویانه، در افسر تحریکات استمگران و دشمنان داخلی و خارجی به برادر کشی مشغول اند، برادرانه و صادقانه دعوت میگردد که به سر زمین مستقل و صلحجوی پدری و مادری خود، افغانستان محبوب با تمام آزادی و اطمینان عودت کنند سلاحهای دشمن را بدولت انقلابی و ملی خود تحویل دهند، به برادر کشی خاتمه دهند و داوطلبانه آرامش و مصونیت را در کشور باز گردانند، دولت جدید انقلابی و ملی افغانستان، در حدود امکانات در تأمین شرایط جبران خسارات مادی و معنوی تمام هموطنانیکه از ظلم و ستم امینی ها چون سنگ های زنجیری اش اسد الله

امین، عبدالله امین، خساره مند شده اند چو- جبهه خواهد ورزید. همچنان به رهبران و کادر- های حزبی، به تمام ضابطان، ماموران نظامی و ملکی از بالا تا پایین و نو جوانان خلقی و وطنپرست که اشتغال بوظایف حزبی و دولتی دارند اطمینان داده میشود که در صورت وفاداری و همکاری با مرحله نوین انقلاب پر افتخار شور، به استثنای عده انگشت شمار چنایتکار امینی ها، دیگر تمام حقوق حزبی، دولتی، نظامی و معنوی آنان جدا رعایت خواهد گردید.

اردوی آزاد ببخش و قهرمان افغانستان !
به تبلیغات دروغین دشمنان باور نکنید !
دلیر و با انضباط از شرف و ناموس مردم وطن تان آگاهانه و فدا کارانه دفاع کنید !
هموطنان رنجکشیده و غلاب دیده کشور !
معلوم و آشکار است که بتاريخ ۷ ثور ۱۳۵۷ انقلاب ملی و دموکراتیک مردم افغانستان آغاز نهاد. پیروزی انقلاب شکوهمند شور، غریبه شدید و تکاندهنده برپیکر ارتجاع فیودالی. ارتجاع منطقه و امپریالیزم جهانی وارد آورد و دور نمای در خشنای را برای رهایی خلق زحمتکش وطن گشود و در اثر آن یک سلسله اصلاحات دموکراتیک و تحول انقلابی، اعم در- ساحه سیاسی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی بنفع خلق افغانستان صورت گرفت.

ولی با کمال تأسف بنابر استنباطاتی، بخصوص بنابر رهبری توطئه آمیز و چنایتکارانه ضد حزبی ضد دولتی و ضد انقلابی و ضد انسانی حقیقت الله امین، در بسیاری جهات، حزب و دولت، در انحراف و گمراهی ها، در کوره راههای مهلك و عذیب، مطابق به خواست ارتجاع و امپریالیزم، سوق داده شد، که هر گاه اکنون نیروهای اصیل انقلابی و وطنپرست، ابتکار خلاق انقلابی را بتاسی از اندیشه های مترقی انقلاب پر شکوه شور در دست نمیکرفتند امکان آن برده میشد که حاکمیت ملی، استقلال و تمامیت ارضی وطن پر افتخار مان، افغانستان محبوب و صلح منطقه در خطر جدی قرار میگرفت و افغانستان بیک کشتار گاه ملیونها فرزند خود تبدیل میگردد. بدین جهت شورای جدید انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، خود را ادامه دهنده و تکامل دهنده آرمانهای والای انقلاب کبیر شور اعلام میدارد و وظیفه اولی خود میداند که انقلاب رهایی بخش شور را در صراط المستقیم سمت دهد، اشتباهات و خطاهای مهلك و غم انگیز را تصحیح و اصلاح نماید، فجایع را جبران کند و بحران رافع نماید.

اصول اساسی که نظام سیاسی افغانستان روی آن ها استقرار میابد و دولت جمهوری اجتماعی، اقتصادی و از جمله تاسیس صنایع

دموکراتیک افغانستان بر مبنای تشکیل جبهه متحد ملی پدر وطن ما، به رهبری حزب طبقه کارگر و تمام زحمتکشان افغانستان (ح. د. خ. ۱۰) موظف بتأمین و دفاع آنپاست عبارتند از :
حاکمیت ملی، استقلال ملی، تمامیت ارضی دموکراسی واقعی، ایجاد سیستم دموکراتیک دولت و اداره، تحکیم بنیان قانونیت انقلابی دموکراتیک در حیات جامعه و دولت بسط و توسعه سازمانهای توده ای.
در حالیکه وظیفه مستقیم ما، در شرایط کنونی «معمول داشتن» سوسیالیزم نیست، دولت جدید جمهوری دموکراتیک افغانستان و طبقه تاریخی ملی خود میداند که : پایه های مترقی اجتماعی و سیاسی جمهوری دموکراتیک افغانستان این دستاورد بزرگ انقلاب شور را بسط و توسعه و استحکام بخشد، انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امپریالیستی و ضد کهرادوری را به پیروزی نهایی برساند و در اولین فرصت ممکن وظایف مبرم زیرین را اجرا کند:

۱- اعلام آزادی تمام زندانیان سیاسی، که از دم ساقطور حقیقت الله امین تپیکار، سر سلامت برده باشند و در شرایط لازم تفوقاً قانون اعدام. ۲- لغو تمام مقررات ضد دموکراتیک و ضد انسانی، و منع گرفتار بیا، توقیف ها و تعقیبات خودسرانه و تفتیش منازل و عیال.

۳- احترام به اصول مقدس اسلام، آزادی وجدان، عقیده و مراسم مذهبی، حمایت از نظام کانون خانواده، رعایت اصل مالکیت قانونی، مشروع و عادلانه شخصی که عاری از استثمار استمگرانه اختلاس رشوه خوری، سود خوری، احتکار و قاچاق قبری باشند.

۴- احیای امنیت و مصونیت فردی و اجتماعی آرامش و صلح و نظم انقلابی در کشور.

۵- تأمین شرایط سالم آزادی های دموکراتیک اعم از آزادی تشکیل احزاب مترقی و وطنپرست و سازمانهای توده ای یا اجتماعی، مطبوعات، تظاهرات، اجتماعات و نمایشهای خیابانی، تأمین حق کار و تحصیل، تأمین آزادی و معریت مکاتبات، مخابرات، مسافرت و مصونیت منزل.

۶- توجه و کمک جدی و بنیادی به نسل نو جوان و شاگردان مکاتب، محصلان و روشنفکران کشور بدون تبعیض.

هموطنان گرامی !
در حالیکه از بین بردن فقر مرض و عقب ماندگی اقتصادی جبل و بیسوادی، بیکاری و نابرابری، ستم ملی و اجتماعی در افغانستان، ایجاد یک اقتصاد مستقل ملی و تسریع آهنگ رشد اقتصادی، بر طبق پلان های علمی رشد اجتماعی، اقتصادی و از جمله تاسیس صنایع

«سیاست اصولی صلحجویانه، بر مبنای اصول بیطرفی مثبت و فعال و همزیستی مسالمت‌آمیز، از سیاست دفاع از صلح و دینانت (تسلیج زدایی)، از تعدید سلاحهای ستراتژیک هسته‌ای و خلق سلاح عام و تام از حقوق بشر و جنبش‌های آزادیبخش خلقهای تحت ستم، بمنابه یک عضو وفادار سازمان ملل متحد و کشور های غیر متعهد، پشتیبانی و پیروی میکند و تمام قرار داد های متعقد، میان افغانستان و کشور های جهان را رعایت و احترام مینماید و بانبروهای صلح دوست، دریک جنبه وسیع جهانی، علیه جنگ و جنگ طلبان، اسعمار کهن و اسعمار نو، امپریالیزم و صهیونیسم، فاشیسم و نازیسم، اپارتاید و نژاد پرستی می‌رزمند، و همبستگی بین المللی خود را با سیستم جهانی اصلالت اجتماعی، جنبشهای جهانی کارگری و نهضت‌های آزادیبخش ملی و اجتماعی کشورهای آسیا، افریقا و آمریکای لاتین بسط و توسعه میدهد»

مردم و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان با رعایت کامل معاهده دوستی و همکاری مورخ ۷ دسامبر ۱۹۷۸ مطابق به شانزدهم قوس ۱۳۵۷ که ماهیتا ضامن صلح و امنیت دائمی بقیه در صفحه ۶۸



بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ج. د. خ. ا. رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان

استقلال ملی و صنعتی ساختن کشور و اعتلای سطح زندگی توده های مردم اهداف عمومی انقلاب کبیر شور است . دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان ، در کوتاه ترین زمان ممکن وظایف اساسی زیرین را انجام میدهد .

در رشته سیاست داخلی :

اجرای مراحل بعدی اصلاحات ارضی دموکراتیک الهای بقایای مناسبات فئودالی، پایان دادن به تسلط تاجران خارجی و نمایندگی های انحصارات امپریالیستی بسط و توسعه بخش عامه در عرصه های اقتصادی ، رهنمایی تشویق و حمایت اهل کسبه ، زمینداران و تاجران کوچک و متوسط و سرمایه داران ملی دموکراتیک کردن بنیادی حیات سیاسی ، اجتماعی و دستگاه دولتی رشد و تکامل زبانها و فرهنگهای ملی تمام ملیت ها و اقوام برادر افغانستان اجرای انقلاب فرهنگی برد نفوذ بقایای استعمار کهن ، استعمار نو امپریالیزم در تمام عرصه .

در رشته سیاست خارجی :

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان ، از



دوکور صالح محمد زبیری عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی



نور احمد نور عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی و عضو هیات رئیسه شورای انقلابی



سلطانعلی کتتمند عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی معاون شورای انقلابی معاون صدراعظم و وزیر امور پلانگذاری



اسدالله سروری عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم



دگرم نل آقا عضو هیات رئیسه شورای انقلابی



دگرم محمد اسلم وطنجار عضو هیات رئیسه شورای انقلابی و وزیر مخابرات



جنرال عبدالقادر عضو هیات رئیسه شورای انقلابی



دوکور اناهیتا رآب زاد عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی و وزیر تعلیم و تربیه



دستگیر پنجشیری عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی

اساس مصوبه کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، مورخ ۸ جدی ۱۳۵۸، بعمل آورد :

لصفا ورق بزنید
صفحه ۳

بیرک کارمل ، منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان تشکیل جلسه داد و تصاویر و بایگ را بر

پلینوم کمیته مرکزی ج. د. خ. ا. تصاویر مهمی اتخاذ نمود

مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در تالار عمارت چهلستون تحت ریاست

ساعت پنج بعد از ظهر روز بیست جدی ۱۳۵۸ پلینوم (مجمع عمومی) کمیته

کمیته مرکزی ح. د. خ. افغانستان

اعضای دفتر سیاسی کمیته مرکزی

ح. د. خ. افغانستان

به ترتیب حروف الفبا :

- ۱- ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان.
- ۲- اسد الله سروری.
- ۳- انا هیئا راتب زاد.
- ۴- سلطانعلی کشتمند.
- ۵- صالح محمد زیری.
- ۶- غلام دستگیر پنجشیری.
- ۷- نور احمد نور.

اعضای دارالانشای کمیته مرکزی ح. د. خ. افغانستان

به ترتیب حروف الفبا :

- ۱- ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان.
- ۲- صالح محمد زیری.
- ۳- نور احمد نور.

اعضای اصلی کمیته مرکزی ح. د. خ. افغانستان

به ترتیب حروف الفبا :

- ۱- ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان.
- ۲- اسد الله سروری.
- ۳- امتیاز حسن.
- ۴- انا هیئا راتب زاد دو کتور.
- ۵- حبیب الله منگل، دو کتور.
- ۶- خلیل الله، جگرن.
- ۷- راز محمد پکتی، دو کتور.
- ۸- سلطان علی کشتمند.
- ۹- سید محمد گلاب زوی.
- ۱۰- شاه محمد دوست.
- ۱۱- شیر جان مز دوریار، دو کتور.
- ۱۲- صالح محمد زیری، دو کتور.
- ۱۳- عبدا لرشید آرین.
- ۱۴- عبدا لظهور رز مجو، انجنیر.
- ۱۵- عبدا لقادر، جنرال.
- ۱۶- عبدا القیوم نورزی.
- ۱۷- عبدا لمجید سر بلند.
- ۱۸- عبدا الوکیل.
- ۱۹- غلام دستگیر پنجشیری.
- ۲۰- فدا محمد دهنشین.

بقیه در صفحه ۶۶

وهم در شورای انقلابی
جمهوری دموکراتیک
افغانستان، عضویت حاصل
نمایند و در زمان لازم، بر تعداد
اعضای غیر حزبی شورای
انقلابی افزایش بعمل آید.
درا دارة امور دولتی،
تمام اشخاص با تجربه و
پاک، متخصصان و دانشمندان
ورو شنفکران غیر حزبی،
بدون تبعیض، و سبباً
جلب شوند.

مقامات رهبری حزب دمو-
کراتیک خلق افغانستان
ودولت جمهوری دموکراتیک
افغانستان، باتمام اشخاص،
محافل وسازمان های ملی
ودموکراتیک، ترقیخواهان
اسلامی وروحانیون وطنپرست
مطابق به خط مشی حزب
ودولت، مذاکرات دوستانه
را آغاز نمایند. حزب و
حکومت، بمنظور تأمین
آزادی وامنیت مردم، احیای
صلح و آرامش در کشور،
وایجاد شرایط کار صلح
آمیز برای مردم و همچنان
بمنظور امحای تجاوزات
تروریست ها، قطاع الطریقان
،راهنزان و آدم کشان ومتجاوزان
وزان ارتجاع امپریالیستی
ونوکران دشمنان استقلال
ملی، حاکمیت ملی وتمامیت
ارضی کشور و دشمنان
ضد مرحله نوین انقلاب کبیر
تور، تمام تدابیر لازم را
اتخاذ نمایند.

برای هموطنانیکه بنا بر
ظلم وستمگری باند امین وامینی
ها از وطن بخارج رفته اند،
شرایط بازگشت مصئون
به وطن تدارک دیده شود.

۱- اسمای اعضای اصلی وعلی-
البدل کمیته مرکزی اعلام
شود.

۲- اسمای اعضای دفتر سیاسی
کمیته مرکزی اعلام گردد.

۳- اسمای اعضای دارالانشاء
کمیته مرکزی اعلام گردد.

۴- اسمای اعضای جدید حکومت
جمهوری دموکراتیک
افغانستان، که از طرف
کمیته مرکزی نامزد شده اند
پس از تصویب شورای انقلابی
جمهوری دموکراتیک
افغانستان اعلام گردد.

۵- اسمای اعضای شورای انقلابی
جمهوری دموکراتیک افغان-
ستان اعلام شود.

۶- اسمای اعضای هیات رئیسه
شورای انقلابی بار دیگر
اعلام گردد.

در جلسه پلینوم کمیته
مرکزی فیصله بعمل آمد که
مطابق به اصول ومواظین
اساسنامه وبرحسب شایسته
یستکی در شرایط لازم،
کمیته مرکزی، دفتر سیاسی
کمیته مرکزی ودارالانشاء
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک
خلق افغانستان
وهمچنان شورای انقلابی
جمهوری دموکراتیک
افغانستان، با انتخاب و
انتصاب اعضای جدید توسعه
یابند.

در شورای انقلابی و
حکومت جمهوری دموکراتیک
تیک افغانستان ودر دستگاه
اداره دولت، تناسب لازم از
لحاظ جبهه ملی پدروطن جد
رعایت گردد.

در قدم اول، بحیث مقدمه
کار جبهه، سه عضو غیر-
حزبی- وزرای زراعت، تجارت
وصحت عامه- هم در حکومت



عبدالکامیل وزیر مالیہ



نوسرین محمد رفیع وزیر دفاع ملی



سید محمد لاطب زوی وزیر امور داخلہ



شاہ محمد دوست وزیر امور خارجہ



نوسرین شیرجان مزدوریار وزیر ترانسپورت



نوسرین فیض محمد وزیر سرحدات و قبایل



عبدالمجید سربلند وزیر اطلاعات و کلتور



عبدالرشید آراین وزیر تعلیم



انجنیر نوسرین محمد وزیر فواید عامہ



گلداد وزیر تعلیمات عالی



انجنیر محمد اسماعیل دانش وزیر معادن و صنایع



داکتر راز محمد یکتین وزیر آب و برق



یوہاند محمد ابراہیم عظیم وزیر صحت عامہ



محمد خان جلال وزیر تجارت



فصل الرحیم مومند وزیر زراعت و اصلاحات ارضی



بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان، هنگام ایراد بیانیہ در مراسم پانزدهمین سالگرد تأسیس حزب دموکراتیک خلق افغانستان.

متن بیانیہ ببرک کارمل بمناسبت پانزدهمین سالگرد حزب دموکراتیک خلق افغانستان

متن بیانیہ انقلابی ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان، بمناسبت پانزدهمین سالگرد تأسیس حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان.

بسم الله الرحمن الرحيم

رفقای عزیز!

درست پانزده سال قبل در این روز حادثه مهمی در کشور ما بوقوع پیوست، حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان باتشکیل نخستین کنگره آن در راسش شادروان (نور محمد تره کی) بخاطر امر بزرگ نجات طبقه کارگر و تمام توده های مورد ستم و سعادتمند ساختن انسان زحمتکش وطن درین روز بنیاد گذاشته شد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان بمنابه مدافع راستین منافع زحمتکشان کشور در عرصه پیکار طبقاتی راه خود را به پیش گشود و امکان تطبیق خلق ایدیالوژی رهایی بخش طبقه کارگر را در شرایط مشخص جامعه ما

بوجود آورد.

کار و پیکار خستگی نا پذیر حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان این سلاح بران زحمتکشان دورا ساز کشور در عرصه مبارزه علیه ارتجاع و امپریا لیزم و بخاطر پایان بخشیدن به تسلط جبهه ملی طبقات و اقشار حاکم استثمارگر در جامعه ما، در عرصه جلب متحدین طبقاتی طبقه کارگر کشور، در عرصه مبارزه بخاطر دموکراسی، ترقی و عدالت اجتماعی، در عرصه تطبیق و تحقق آزادیهای اجتماعی و ملی که باهم پیوندناگسستگی دارند حایز اهمیت عظیم و پر بها است.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان طی تاریخ پانزده

ساله خویش از مرا حل گونا گونی گذشته و تجارب فراوانی در عرصه های مختلف مبارزات اجتماعی و سیاسی، سازمانی و ایدئولوژیک کسب کرده است. طی این سالهای جوانی مبارزه علیه ارتجاع و امپریا لیزم بخاطر استقلال و دموکراسی و در راه بیدار

کردن و متشکل ساختن مردم و حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیروزیهای بزرگی دست یافته و به مشکلات عدیده ای بر خورده است، مساعی برای تأمین وحدت رهبری و سازمانی حزب که در سال ۱۳۵۶ بموفقیت انجامید، حادثه مهمی در تاریخ پر از نشیب و فراز حزب ماست که زمینه های بسیار مساعدی برای فعالیت انقلابی در کشور بوجود آورد، وحدت حزب دموکراتیک خلق افغانستان به بزرگترین و عمده ترین منبع پیروزی های بعدی آن مبدل گردید.

طی یک دهه و نیم حزب دموکراتیک خلق افغانستان به محور اساسی پیکار انقلابی بخاطر تغییر انقلابی جامعه ما تکامل یافت، حزب رسالت

عظیم خود را در امر تدارک و رهبری انقلاب ظفر مندملی و دموکراتیک در کشوری یعنی انقلاب کبیر نور مو ففانه بسر رساند و بدینقـرار تیوری انقلابی را با عمل انقلابی بطور خلاق پیوند داد.

انقلاب شکوهمند نور و تحول بر جسته و مهم انقلابی اخیر که انقلاب مارا بهر حله تکامل یافته نوین وارد کرد بانام و کار خلاق حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیوند ناگسستگی دارد.

این یک حقیقت در خشان است که انقلاب ظفر آفرین نور نمیتوانست بدون شرکت وسیع همه جانبه حزب و دیگر نیروهای ملی و دموکراتیک در امر تدارک و اجرای آن به پیروزی برسد،

نو آوری خلاق اخیریکه بخاطر وارد کردن انقلاب ملی و دموکراتیک ما، پیر حله نوین کیفی و تکامل یافته انقلابی آن به ظهور پیوست، اهمیت و نقش حزب دموکراتیک خلق افغانستان را، برجسته تر و درخشانتر ساخت. تحولات اخیر در کشور شواهد انکار ناپذیر و نوینی است که حقانیت و اصولیت و حقیقت حزبی ما را به اثبات میرساند. اهمیت حیاتی حزب ما در آنست که منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور و تمام طبقات و اقشار دموکراتیک ملی را بنحو دقیق و عمیق منعکس میسازد و در یکجبهه وسیع ملی پدر وطن راه ترقی اجتماعی را هموار میکند و امکانات آنرا بوجود می آورد که به تمامی مسائل حاد و بغرنج اجتماعی مرحله کنونی تکامل جامعه ما پاسخ مثبت داده شود و پرا بله های زندگی اجتماعی و اقتصادی کشور یکی پی دیگر حل و فصل گردد، پروگرام مرحله نوین تکامل انقلاب ثور در معرض اجرا قرار گیرد و هر چه زود تر شرایط کار صلح آمیز امنیت و آزادی واقعی و دموکراسی آماده گردد.

جامعه ما بسر کردگی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در راهی پیش خواهد رفت که تبحر به درخشان کشور های پیشرو عصر ما نشانداده است.

تحول جامعه ما بسوی پیشرفت و ترقی در جهت صنعتی کردن کشور، جمعی کردن زراعت و انجام انقلاب فرهنگی، و وظیفه اساسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان است که آنرا در یک جبهه وسیع به شایستگی انجام خواهد داد و باید هم انجام دهد.

رفقای پیکار جو! اکنون عمده ترین مطلب که در برابر خلق کشور قرار

گرفته دفاع از انقلاب در برابر ضد انقلاب داخلی و مدافعان خله گران امپریالیستی است و حزب دموکراتیک خلق افغانستان در پیشاپیش این مبارزه قهرمانانه و شجاع و دلیر قرار دارد.

نیرو های ارتجاع و امپریالیزم، این دشمنان واقعی و اصلی استقلال ملی و منافع حیاتی کشور ها و خلق ها، اکنون از هیچ تلاش و تقلای خود داری نمیکنند تا واقعیات را در کشور ما دگرگون جلوه گر سازند، و بهانه جدیدی برای تشدید مداخلات خود در امور داخلی کشور های منطقه و از جمله کشور ما بدست آورند.

نیرو های امپریالیستی در رأس امپریالیزم امریکا و هوا داران سیاست ارتجاعی آن در منطقه ما، از آغاز پیروزی انقلاب کبیر ثور در بو خانه تلاش ورزیده اند تا بطرق گوناگون سیاسی جنبش آزادیبخش خلق ما را مختنق

سازند و راه پیشرفت و ترقی کشور ما را سد کنند. امپریالیزم به موازات ایجاد تحریکات ارتجاعی مداخله گرانه و سیاست تهاجمی و تجاوز کارانه خود در کشور مادر پی آن بود تا دست آورد های انقلابی خلق ما را توسط اعمال و جواسیس خود که در درون نفوذ داده بود تخریب نماید و لی سیاست گزاف و زورخورد هشیارانه حزب، خلق و کمک های بیشایبه مادی و معنوی دوست واقعی راه پیشرفت و ترقی، آزادی و استقلال ملی کشور ما، اتحاد شوروی و کمک به هنگام برادرانه آن که این توپنه های دشمنان خارجی افغانستان خنثی گردید، اکنون امپریالیزم و وابستگان آن با گرفتن چهره حق بجانب در واقع به خاطر برافراشتن رژیم فاشیستی حفیظ الله امین خاين و خونخوار و مرگ این جاسوس سا بقمه دار

امپریالیزم امریکا و امینی های جنايتكارش گریه و نوحه سرایی میکنند، رهبران کشور های امپریالیستی و سگهای زنجیری آنها به سر دمداری آقای کارتر با اظهارات مداخله گرانه و تلاشهای تب آلود خویش صریحاً در امور داخلی ما مداخله مینمایند، مگر میتوانند پنهان کنند که هم اکنون به چه مقیاسی مصروف تدارك برای تجاوز به حقوق آزادی و استقلال خلق ها و کشور های مختلف جهان هستند؟ و نیرو های ارتجاعی ضد پیشرفت و ضد ترقی را

در نقاط مختلف جهان و از جمله در کشور ما مسلح میسازند، آقای کارتر ماشین خون آشام امین این توپنه گر رسوا و جاسوس سیا را (حکومت رسمی) و قانونی و شخص او را بنام رئیس جمهور افغانستان یاد کرده است و از حفیظ الله امین چون فرزند وفادار امپریالیزم امریکا دفاع میکند، وضع کار ملارو شن است.

نیرو های امپریالیستی و ارتجاع منطقه، از امین و بناد تروریستی وی بصراحت دفاع مینمایند و باینوسیله خود را شریک جرم يك قاتل حرفه ای که ده ها هزار تن از وطن پرستان و هموطنان مسلمان ما را به شهادت رسانده است نشان میدهند.

بنابه سیاست خارجی صلح آمیز ماست که در باره همسایگان خویش ایران، پاکستان و چین و همچنان برخی کشور های عربی و مسلمان علی الرغم هر گونه تحریکات محافل ارتجاعی حرفی نمیگوییم ولی تعجب آور است که چگونه صدا های این کشور ها با صدای امپریالیزم امریکا و دیگر کشور های امپریالیستی در یکجبهه هماهنگ گردیده است؟ به قاطعیت و با اطمینان کامل میتوان گفت که مساعی حلقه های امپریالیستی و ارتجاعی ضد انقلاب ما برای

واژگون جلوه دادن تغییرات مثبتی که در زندگی خلق ما و در کشور ما اخیراً بوقوع پیوسته است به شکست کامل مواجه میشود، اکنون خلق کشور ما هدف تبلیغات زهر آلود امپریالیستی و وابستگان آنرا بدرستی تشخیص میدهند و وطنپرستان و هوا داران راه ترقی و پیشرفت، دموکراسی و استقلال ملی در باره تحول انقلابی اخیر در کشور و درباره مناسبات دوستانه و برادرانه حسن همجواری که بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و همسایه بزرگ شمالی ما اتحاد جماهیر شوروی و همچنان بادیکر کشور های برادر و صلحدوست موجود است مطابق به منافع و مصالح توده های مردم ما ارزیابی مثبت دارند.

مناسبات عمیق دوستانه و برادرانه که بین کشور ها و خلق های جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد شوروی موجود است و همکاری و یارمادی های بزرگ و بی شائبه اقتصادی و فنیکی، سیاسی و نظامی اتحاد شوروی که از سالهای طولانی باینسو بمنظور پیشرفت و ترقی، دفاع از دموکراسی استقلال ملی و تمامیت ارضی کشور ما مبذول میگردد پیوسته با قدردانی از پشتیبانی وسیع مردم ما بر خوردار بوده و می باشد.

باین جهت ارائه پاسخ مثبت از جانب اتحاد شوروی به مطالبه دولت و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان مبنی بر اعطای کمک های سیاسی و معنوی به شمول کمک های عاجل نظامی مطابق به معاهده دوستی و حسن همجواری مورخ ۱۴ قوس ۱۳۵۷ مطابق ۵ دسمبر سال ۱۹۷۸ بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی به عکس العمل مثبت و فوق العاده مساعد خلق شریف و آزاده ما مواجه گردیده است.

بقیه در صفحه ۴۳

پیروزی انقلاب ملی ودموگراتیک نور درسزمین باستانی ما مورد پشتیبانی و استقبال بیدریغ توده های وسیع خلق مسلمان تمام ملیتها واقوام ساکن کشور پرافتخار ما قرار گرفت .

انقلاب نور بنا بر ما هیئت عمیقاً ملی ودموگراتیک خود مظهر نیرومند اراده توده های مسلمان خلق کشور در راه ایجاد عدالت واقعی اجتماعی و گام عظیم در راه بر آورده شدن آرزوهای دیرینه مسلمانان پاکسرشت کشور ما بود . این انقلاب رسالت نجیبانه دفاع از مردم مظلوم و توده های زحمتکش ومؤمن مسلمان را به عهده داشت ، از آنجائیکه منافع توده های وسیع مردم با خواسته ها و نقشه های استثمارگران جهانی در تضاد

نظر داشت تا از نزدیکی بین خلقهای افغانستان ، ایران و پاکستان جلو گیری نماید و میان خلقهای مسلمان و شرافتمند این کشور ها که دارای پیوندهای عمیق تاریخی ، فرهنگی و مذهبی اند ، نفاق ایجاد نماید ، امین جلاد با دامن زدن آتش اختلافات نژادی ، قومی ، زبانی ومذهبی میخواست انقلاب نور را در انظار جهان لکه دار وید نام سازد .

در تحت رژیم امین موجی از خون واشك کشور ما را فرا گرفته بود ، طبق مشوره امپریالیستهای امریکایی امین ابلیس صفت وهمکاران جنایت پیشه اش به ترور خونین علیه مسلمانان صادق پرداختند ، روحانیون شریف و دانشمندی را که از اندیشه ها واهداف انقلاب پشتیبانی

کنند ، چنانکه ران امینی باروی دست مگر فتن پلان های تبعیضی ایکه از نهاد ابلیسی شان حکایت میکرد در پی امحای دستجمعی گروه ها و خلقهای مسلمان کشور بودند ، از جمله روشی را که آنان در برابر مردم شرافتمند مسلمان شیعه و برادران زحمتکش وطنپرست و دلیر هزاره ما در پیش گرفتند و روحانیون و علمای اهل تسنن را تار و مار کردند ، برای همیشه در دل تاریخ کشور ما به سان لکه ننگی به دامن امین جا سو س و خاین باقی خواهد ماند . بعد از حوادث انقلابی ماه جدی که به سلطه مطلقه و خونین امین ویران جنبه میباشید ، بخشیده شد و انقلاب نور تحت رهبری حزب دموگراتیک خلق افغانستان

منافع و مواضع غارتگران و تجاوزکارانه خود علیه استقلال ملی ، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور ما و علیه آزادی خلقهای مستضعف مسلمان کشور ما توطئه و دسیسه میکنند ، این دشمنان سوگند خورده مردم ما در برابر مقدسات اسلام به بی حرمتی میپردازند و در گوشه هستاندین مقدس اسلام را بوسیله ای جهت دستیابی به اهداف شوم جنبه می خود به نفع امپریالیزم ودشمنان اسلام قرار دهند ولی خلق های شریف کشور داغردبر جبین این ابلیس های نقاب پوش خواهد کوبید . در تحت چنین شرایطی که امپریالیزم ، شوو نیزم چینی و تمام نیروهای سیاه ابلیسی مرتجع منطقه در برابر منافع ملی وتوده های وسیع خلق

پیام هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموگراتیک افغانستان به خلقهای مسلمان افغانستان و جهان

بنیادی است ، امپریالیزم جهان نغوار امریکا در سازش با رهبری چینی و ارتجاع داخلی ومنطقه بخاطر دشمنی با مردم کشور ، با مردم مسلمان کشور ما دست به تحریکات وتوطئه ها زدند وبوسیله جاسوس مشهور سی آی ای ، امریکا ، حفیظ الله امین خون آشام و دد صفت به عملی نمودن نقشه خود در جهت سرکوبی انقلاب ، مجودست آورد های انقلابی و وطن پرستانه آن و جلو گیری از پیروزی نهایی انقلاب پرداختند .

امپریالیزم امریکابه کمک جاسوس ابلیس صفت وجبار خود حفیظ الله امین و دیگر متحدین و چاکران خود در

میکردند تحت تعقیب ، شکنجه وآزار قراردادند آنها را جسمه و روحاً در هم شکستند وبالاخره به کشتار وسیع بیسابقه و ظالمانه بر علیه آنها دست زدند ، مسجد ها ، مدرسه ها و تکیه خانه ها از وجود علمای شریف روحانی تهی گردیدند ، جامعه روحانیت در عزای سهمگین نشسته بود .

در کنار این جنایات هولناک و حیوانی امین خاين ودار و دسته خونخوار او برای پیشبرد اهداف ضدملی ضد دموگراتیک وضد ترقی خود از ایجاد تفرقه در میان ملیتها ، اقوام و گروه های مذهبی کشور ما کار می گرفتند آنها میخواستند هموطنان را بر علیه همدیگر استعمال

با اتکاء مردم مسلمان افغانستان و به کمک اردوی قهرمان کشور در مسیر تکامل اصولی خود قرار گرفت ، ده ها هزار مسلمان شریف ومومن وطن آزاد شدند وایدالها و اهداف انقلاب احیا گردید .

با پیروزی مرحله نوین در تکامل انقلاب نور ارتجاع بین المللی ، امپریالیستها و در راس امپریالیزم امریکا بکمک شوو نیزم چین ودیگر نیرو های ارتجاعی منطقه که نقشه های شوم خود را بر باد شده دیدند از وجود عده از مسلمانان افغانستان که از طرف دشمنان مردم ما فریب خورده اند سوء استفاده مینمایند و حدت مسلمانان را بر هم میزنند وبر اساس

مسلمان کشور ما صف بندی نموده اند حکومت افغانستان مجبور بود از اتحاد شوروی دوست صمیمی و صدیق خلق مسلمان افغانستان تقاضای کمک نماید واتحاد شوروی با کمک صادقانه به موقع ، بیش از بیه و برادرانه خویش تابست ساخت که دوست صمیمی خلق مسلمان افغانستان وهمه مسلمانان جهان برای دفاع از استقلال ، آزادی وحاکمیت خلقها و ملل مظلوم میباشد ، مسلمانان افغانستان ورود قوای محدود نظامی اتحاد شوروی را که برای دفع تجاوزات خارجی حاکمان امین وامینی ها دعوت شده اند وفوراً پس از مخو خطر خارجی از کشور خارج خواهند شد

بقیه در صفحه ۴۳

اقتصاد و فرهنگ

دارودسته فاشیستی حفیظ الله امین این خائن به خلق و وطن عزیز ما افغانستان سقوط کرد و حاکمیت امینی های جنایت کار به پایان رسید .

بیرک کارمل از طرف کمیته مرکزی حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی جدید جمهوری دموکراتیک افغانستان به حیث منشی عمومی کمیته مرکزی حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان انتخاب شدند .

...

پالزد همین سالگرد تاسیس حزب واحد پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان بعد از ظهر ۱۱ جدی طی جلسه مشترک کمیته مرکزی حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان و هیأت رئیسه شورای انقلابی ، اعضای حکومت و بعضی از فعالین حزبی در تالار عمارت چهلستون تجلیل گردید .

...

گروه های بزرگی از زندانیان سیاسی در کابل که اژدم تیغ امین جلاد جان سلامت برده بودند از ششم جدی تا شانزدهم جدی از مجلس پلچرخ و ولایات در حدود شش هزار تن رها گردیدند .

...

امین جلاد و سفاک ده ها هزار تن از روشنفکران روحانیون کارگران ، کسبه کاران و زحمتکشان دیگر ، انجیران دانشمندان ، اطباء ، نویسندگان و شخصیت های سیاسی واجتماعی کشور بشمول عده از وزراء و صد اعظم سابق واز جمله بیش از هزار تن از اعضای قهرمان حزب دموکراتیک خلق افغانستان را که باز داشت و زندانی کرده بود سر به نیست کرده و به شهادت رسانده است .

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان سعی خواهد کرد تا چایکه اسناد در دست است قهرستی از کشته شدگان و شهدا را به نثر بباد .

...

و من قتل مومنا متعدد فجاء چمنم .
د افغانستان د دموکراتیک جمهوری دولت د مخکینی فیصلی اعلامی او خبرتی له مخی .
زموږ رنځید لو ، کړیدلو خلکو نارینه وو که ښځی د جدی په ۲۳ نیټه په جامع جومال تونو او ښاري سالونو کی په ټول هیواد کی دملی ماتم او خواخوږی او فاتحی اخیستلو مراسم په غای کړل .

...

د افغانستان د خلکو د دموکراتیک گوند د مرکزی کمیته عمومی منشی د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورا رئیس او صدراعظم بیرک کارمل د جدی په ۲۵ نیټه د انقلابی شورا د مرکز په تالار کی د بهرنیو بین المللی خبری آژانسونو ، رادیو تلویزیون او جریډو یوشمیر زورنا لیستان او استازی د مطبوعاتی مرکي له پاره و منل .

...

جلسه مشترک بیوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در حالیکه وزرای دفاع و داخله نیز شرکت داشتند روز ۲۷ جدی ۱۳۵۸ در مقر ریاست شورای انقلابی (ارگ) در تحت



بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شوای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان هنگامیکه به سوالات زور نالستان کشورهای دوست پاسخ میدهند .

هایکه در جاده ها ، چار راهی ها در داخل و خارج عمارت و ادارات دولتی و خصوصی در سر تاسر کشور نصب ، حک ، نقاشی و تحریر گردیده است و اغلب آنها خصوصیت جبروا له داشته و با مرحله کنونی انقلاب ملی و دموکراتیک ما مطابقت ندارد جمع و زایل گردد .

در صورتیکه در آینده ضرورت به نصب و تحریر شعار ها احساس گردد در تحت نظر کمیسیون تیوری و تبلیغات کمیته مرکزی حزب مطابق به ضرورت و مرحله کنونی تکامل انقلاب ملی و دموکراتیک نور تصامیم لازم اتخاذ خواهد شد . همچنان تمام فوتو های رهبران حزبی و دولتی کشور اعم از گذشته و موجود هر گاه در ادارات دولتی و خصوصی در سر تاسر کشور نصب و تعلیق شده باشد باین گردیده و جمع آوری شود .

بر اساس این فیصله نامه بیوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب تمام ادارات و مقامات مربوطه حزبی و دولتی اقدام ورزند .

...

سه شنبه نهم دلو ۱۳۵۸ هـ ش مطابق به دوازدهم ربیع الاول ۱۴۰۰ هـ قی مصادف با روز مولود مسعود حضرت سرور کائنات محمد مصطفی (ص) پیامبر بزرگ عالم اسلام بوده و از این روز خجسته و میمون مردم متدین و مسلمان مادر سر اسر کشور تجلیل بعمل آوردند .

به مناسبت تولد مسعود حضرت محمد رسول الله (ص) بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم ، میعاد باقی مانده حبس ۴۸ نفر از مجوسین و محبوسات جنایی مرکز و ولایات کشور را مورد غنو قرار دادند .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت پنج عصر دوم دلو جلالتماب ادوارد پراچی سفیر کبیر جمهوری مردم یولند در کابل را جهت ملاقات تعارفی در مقر شورای انقلابی پذیرفتند .

...

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان قبل از ظهر چهار دلو هیأت سازمان همبستگی خلق های آسیا و افریقا را در تالار مقر شورای انقلابی ملاقات کردند .

بیرک کارمل ضمن اظهار تشکر از اعلام پشتیبانی سازمان همبستگی خلق های آسیا و افریقا با انقلاب نور و بخصوص مرحله نوین آن گفتند از مطالعه ، ارزیابی و نتیجه گیری عینی و علمی که شما از انقلاب نور ، حزب و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان طی چند روز اقامت در کابل بعمل آوردید صمیمانه تشکر می کنیم .

...

بیوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در جلسه تاریخی ۴ دلو ۱۳۵۸ خویش که تحت ریاست بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان دایر گردید منجمله مصوبات دیگر فیصله نامه زیرین را بعمل آورد که به غرض آگاهی و اجراء آن اعلام میگردد . تمام لوحه ها ، تابلوها ، شعارها و نوشته

ریاست بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان انعقاد یافت .

...

د بهرنیو چارو وزارت د اطلاعاتو مدیریت خبر را کوی د افغانستان دخلکو د دموکراتیک گوند د مرکزی کمیته عمومی منشی د انقلابی شورا رئیس او صدراعظم بیرک کارمل د جدی په ۳۰ نیټه له غرمی وروسته په پنځو بجو په کابل کی دمنگولیا د خلکو د جمهوریت لوی سفیر جلالتماب مینگل جاونډاش د انقلابی شورا ریاست په مقر کی دپیژند گلوی کتنی لپاره وماله .

...

مدیریت اطلاعات و وزارت امور خارجه خبر میدهد امده الله سروری معاون ریاست شورای انقلابی و معاون صدراعظم ساعت ۱۱ قبل از ظهر ۳۰ جدی با جلالتماب دیوکیش سفیر کبیر جمهوری خلق هنگری مقیم کابل وساعت دوی بعد از ظهر با جلالتماب زئیک کارملینا سفیر کبیر جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا مقیم کابل در مقر صدارت ملاقات های تعارفی بعمل آورد .

طبق خبر دیگر مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه سلطان علی کشتمند معاون ریاست شورای انقلابی ، معاون صدراعظم و وزیر امور پلانگذاری ساعت له ولیم قبل از ظهر ۳۰ جدی با جلالتماب دیوکیش سفیر کبیر جمهوری خلق هنگری در کابل وساعت دویتم قبل از ظهر با جلالتماب مینگل جاونډاش سفیر کبیر جمهوری خلق افغانستان مقیم کابل در مقر صدارت ملاقات های تعارفی بعمل آورد .



بیانیه تاریخی ۶ جدی ببرک کارمل
منشی عمومی کمیته مرکزی حزب
دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری
دموکراتیک افغانستان درباره مشی
سیاسی دولت

اتخاذ تصامیم پلینوم کمیته
مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغان-
نستان

متن بیانیه ببرک کارمل بمناسبت
پانزدهمین سالگرد حزب دموکرات-
یک خلق افغانستان

راپور جالب از جریان آزاد شان
ژانلانیان سیاسی از زندان مرگبار
پلچرخ

چگونه مسلمانان در اتحاد شوروی..

برادران کیو - شعبه بزازان
نامی ...

پیشگویی آینده توسط مودل اکا-
نومتری

وضع سالخوردگان در ایالات -
متحدہ امریکا

داشت مو قفهای طبقاتی، نژادی،
مذهبی، اید یا لوزیکی و غیره درهم
شکست و هزاران، هزار زندانی
بیگناه آزاد شدند و به فامیلهای
منتظر و چشم براه شان پیوستند.
بجاست که آنها نمی بینند که
با از میان رفتن امین، احساس
مصونیت در کشور احیای مجدد
یافت.

بجاست که آنها نمیدانند که
دیگر در کشور ما ترور، اختناق،
تعقیب و آدم کشی بادر گور شدن
امین در گور شد.

باید اظهار داشت آنچه که این
دشمنان آزادی و کرامت انسانی را
از راه انسانیت کشیده است همانا
آزادی بایان و ولع تسکین نا پذیر این
چپا و لگران و تا را جگران هستی
خلقیاست که هیچ چیز رانمی بینند
بجز منافع غارتگرانه و غیر انسانی
خود شانرا، حتی انسانیت را (۱)

پس میتوان گفت که خلق
آزاد منش افغانستان از مدتهاست
که این جو فروشان گندم نم را
می شناسند و دیگر به یاوه سرایی
های این دشمنان بشریت گوش
نمیدهند و فریب آنرا نمی خورند
و نمیکذارند باز هم در دامهای تزویر
استعمار گران و امپریالستان یغماگر
بیفتند و تقلا نمایند، آنها دیگر
آزادی شانرا به قیمت سرو جان
حراست می نمایند و به سروده این
شاعر آزادی پرست ایمان دارند
که گفته است:

« در دنیا،

اگر صدای

بماند

اگر سرودی

بماند

اگر کلمه ای

بماند

صدای انسان،

سرود انسان،

درین کلام است:

عشق من، ای رهایی پر واک از
قفس!

آزادی، ای طلوع مقدس!

«سود نری پولو مسلمانانو ته دوستی او و روی لاس و ر غزوو
او هغوی ته دسولی او آزادی، خپلواکی او ترقی او ټولنیز
عدالت، وروړی او برابری لپاره د گډې مبارزې بلنه وړ کوو.»
«ببرک کارمل»

شنبه ۱۳ دلو ۱۳۵۸ - ۲۴ فبروری ۱۹۸۰

«آزادی، ای طلوع مقدس!»

با ایجاد تفتین و تو طئه و با بکار
بستن نیرنگهای محیلانه، اجنت -
هایشانرا در لباس خادم به خلق که
در واقع خاین بخلق بوده اند -
فرستاده و کوشیده اند تا بدانوسيله
سر نوشت خلق ما را در چنگالهای
پلید خود داشته باشند.

هنوز تلخی خاطرات زهرآلود
سقوط دوره امانی و رویکار آوردن
حبیب الله و به تعقیب آن بـ
قدرت رساندن خاندان نادر توسط
استعمار انگلیس، خلق مارا اذیت
میکرد که امپریا لیزم جهانخوار
امریکا نماینده راستین و چاکرکوش
بفرمانش و «امین» سی، آی، ای آن
حفیظ الا امپریا لیزم را در کشورتازه
از بند رسته ما بخد مت گماشت تا
اهداف والای انقلاب شکوهمند ثور
رابه پیراهه بگشاند و خلق آزاده
افغانستان سر بلند را به انواع
مصایب رو برو سازد، زجر و شکنجه
بدهد، در باستیل مرگبار پلچرخ
بیاندازد و بالا خره سر به نیست
نماید.

اکنون که خلق رنج کشیده ما
با رهبری صادقانه و یورش بسی
امانش دژهای استبدادی امین خون
آشام را از بیخ و بن برکنند و چشم
امید ارتجاع و امپریا لیزم جنایتکار
امریکا را کور ساختند، تصادفی
نیست که نو حه گران امپریا لیزم
امریکا و متحد پنش ضجه و ناله
سر داده و اشک تمساح میریزند
و آفتاب را به دو انگشت می پو -
شاند (۱) زیرا آنها نه تنها «امین»
خود را از دست داده اند بلکه آرزو
و امید شان بگور رفته و به امید
های بر باد رفته شان حق دارند
بگیرند.

پس بجاست که نمی بینند که
با مر حله نوین انقلاب ثور در های
زندانیهای مرگبار امین خونریز
وباند جنایتکارش بر روی همه
زندانیان سیاسی آنها بدون در نظر

آنچه که گرامی تر و عزیز تر
از همه از زشتهای جهان در نزد بشر
و حتی سایر زنده جانها مقام و منزلت
شامخی دارد و هر چه را در پای آن
میریزند همانا نام مقدس آزادیست.
آری! انسان این آرزو و آرمان
مقدسش را با خونش، با جانش،
و با رگ و پو ستش میخواهد و در راه
حصول آن هیچ مانع و مشکلی را
نشناخته و بی باکانه به پیش میرود
و هر گونه سدی را ولو سد سکندر
هم باشد خورد و خمیر می سازد.

چنانچه در دوازدهم آگوست -
بشریت، شیفتگان این راه انسا -
نیت برای بر آورده شدن این آرزوی
انسان از هیچ چیز نهرا سیده و با
استواری و پایداری هر چه تما متر
و تر لزل نا پذیر به پیش رفته اند
و هر گونه موانع را سیل آسا از
سر راه شان رو فته و به سر منزل
مقصود رسیده اند، که ما منجمه
مثالهای زنده این مدعای ما را در
کشور قهرمان پرور و زنجیر شکن
خود مان افغانستان میتوان یاد آور
شد و آن اینکه خلق آزاده و قهرمان
مانه تنها هیچگاه و در هیچ زمانی در
برابر دشمنان آزادی و کرامت -
انسانی سر تسلیم خم نکرده و به
کرنش و تضرع نیر داخته اند بلکه
شجاعانه در برابر آنها رزمیده و برج
وباره آنانرا بخاک یکسان نموده اند
که قیام دلیرانه و آزادیبخش ۱۹۱۹
خلق رزمنده افغانستان را در برابر
استعمار انگلیس و انقلاب شکوهمند
ثور را در برابر چاکران و ریزه
خواران استعمار بحیث مثالی از
ده ها مثال میتوان یاد آور شد.

ولسی متا سفا نه گاه می ایسن
خواسته بر حق و انسانی خلق مارا
استعمار گران انگلیس و امپریا -
لستان جهانخوار امریکا دستخوش
تلاشهای مذبو خانه و غیر انسانی
خویش نموده و برای بر آور دن
مقاصد شوم استعماری و امپریالستی

کمتر از دو سال کوچکترین نشانه‌ای از عزیزان خود نداشتند.

امین جلاد و دارودسته اش چنان وضعی را بوجود آورده بود و باعمال وحشی صفت خود چنان زندگی را بر مردم بی چاره و پلاکشیده ماتنگ ساخته بود که روزگار بیاد ندارد. در این روز تاریخی، هزاران جفت چشم بدر زندان شوخته شده است گویی این چشمان می خواهند از لایله دیوارهای قتلور عبور نموده و عزیزان شانرا که اگر در پشت آن قرار داشته باشند ببینند بالاخره این انتظار به پایان رسید و در بزرگ زندان باز گردید و زندانیان سیاسی آزاد گشتند.

هوا آفتابی و نسبتا گرم است. باینکه فصل زمستان و سرما است ولی مردم رنجیده ماباهر وسیله که در اختیار داشتند به سوی زندان پلچرخ رو آوردند.

باباز شدن درب زندان هزاران زندانی از این دژستم و ظلم بیرون گشتند و فریاد مستقبلین یا دیدن زندانیان سیاسی دیوارهای این زندان را به لرزه درآورد. قبل ازینکه دروازه زندان باز گردد، نظام الدین تهذیب و محمود بریالی بیابیه پرشوری ایراد نمودند که باکف زندانهای مستقبلین بدرقه شد.

بالاخره لحظه حساس، لحظه‌ای که شاید هرگز فراموش انسان نگردد فرا رسید.



دورنمای از زندان مخوف پلچرخ که هزاران هموطن مادران محبوس گشته بودند

باباز شدن درهای زندان پلچرخ هزاران زندانیان سیاسی ازبند آزاد گشتند



زندانیان آزاد گشته از با ستیل پلچرخ با دوستان و عزیزان شان مصافحه می نمایند

صدا های گریه و آواز مستقبلین و زندانیان آزاد گشته از ظلم و ستم فضای وسیع پلچرخ را فرا گرفت. این هاجرا گریه میکنند؟ این این گریه خوشی و این گریه شادی از مردم رنج کشیده ما است که امین و امینی هازندگی را بر آنها تنگ ساخته بود.

بیر مردی دمی بینم که از خوشحالی زیاد میگریه او در میان زندانیان پسر خود را که شانزده ماه قبل باز داشت شده بود دیده است لحظه ای بعد پدر و پسر دست در گردن هم انداخته و تنگ یکدیگر خویشی را درآغوش گرفته اند زیر لب چیز هایی میگویند که برایم نامفهوم است. آنطرف دیگر زنی جوانی دست بگردن همسر خویش انداخته و با آواز بلند میگریه. او پس از ماه ها بالاخره لطفا ورق بزنید

صفحه ۱۱

هموطنان ما اطلاع دارند که روز یکشنبه ۱۶ جدی عده زیادی از هموطنان شریف ما که در زندان پلچرخ محکوم بودند ازبند آزاد گشتند و با این آزادی هزاران خانواده از سرگردانی و پلاکشی نجات یافتند. شاید شما که این سطور را مطالعه میکنید جزء آنانی بوده باشید که از صبح وقت به انتظار عزیزان خود در پشت دیوارهای زندان پلچرخ دقیقه شماری نموده باشید. درین صورت شما شاهد عینی هستید از آن روز تاریخی که شاید بزرگترین اجتماع مردم ما در طول چند سال اخیر بوده است. منبم جز شما ها بوم و به انتظار عزیزان خسود دقیقه شماری میکردم. عدهی زیادی در ناراحتی پسر میبردند زیرا آنها در طول



تنی چند از زندانیان که از محبس پلچرخ آزاد شدند.

مادری با چشمان اشکبار در انتظار فرزند زندانی اش پدربزرگ زندان پلچرخسی چشم دوخته ، نزدیکش می روم ازش میبرسم: پسر چه مدت است که در زندان است ؟ میگوید : بیش از پنج ماه ، نامش اسمالله نورزی است دریم سائمن است او را از مزار گرفتند بعد شنیدم که به کابل آورده شد ولی در این مدت کوچکترین نشانه ای دال بر زنده بودنش نداریم . پدرش مریض قلبی دارد میترسم که اگر پسر نابود شده باشد ، پدرش از غصه بمیرد ... هنوز حرفهای مادر تمام نشده بود که صدای غریو مردم ، صدای هلهله ، شادی و صدای فریاد ها بلند شد . این صداها ، این غریو و هلهله و این شادی بخاطر آزادی زندانیان سیاسی بود که بالاخره پس از ماه ها دروازه زندان بر روی آنان باز شد .



این هم گوشه ای از سلول زندان پلچرخسیست که منجایش سی تا چهل زندانی داشت ولی در آن صد تا یکصد پنجاه زندانی را نگهداشتند

ساعت در حدود یازده قبل از ظهر است ، آفتاب هنوز گرمی خود را از دست نداده سبیل زندانیان میا می در حال خروج از دروازه زندان هستند . به چهره های شکسته و خسته به قیافه های آشنا بر می خورم ، هریک از این زندانیان ماه ها زیر شکنجه دژخمیان امین و امینی ها قرار داشتند . بسیاری از زندانیان که از محبس پلچرخسی آزاد گشتند صحت و سلامتی خود را از دست داده اند . برای اینکه خوانندگان ارجمند ژوندون تا اندازه ای احوال این زندانیان آزاد شده آگاهی حاصل نمایند با چند تن گفتگویی بعمل آوردیم که اینک از نظر شما میگذرد : عبدالجبار معلم مکتب سردار جانخان اولین زندانی آزاد شده بود که باوی صحبت کردم . میبرسم چه مدت را در این زندان سپری کرده ، میگوید : ۱۹ ماه را در این زندان گذراندم از ظلم و زجر که بر ما

عبدالشکور سرمعلم متقاعد ولسوالی نجراپ در مورد برادر زاده اش که هشت ماه قبل زندانی شده است میگوید :
- برادر زاده ام معلم صنف ۱۲ لیسه حری بوده ازوقتی که او را به زندان افکندند تا امروز کوچکترین اطلاعی از او ندارم . حالا در انتظار او هستم که آیا از زندان می برآید یا خیر ، زیرا امین خون آشام و دارو دسته اش هزاران جوان مارا به خاک و خون کشیده است ، این جلاد خون آشام عطش فروکش نا پذیری داشت که خون بر گناهان را بریزد ...

- پسر چه کار میکرد ؟
- پیاده وزارت زراعت بود ، اسمش محرم علی بوده و شش ماه قبل از سرکارش او را بردند ، آیا علت زندانی شدن پسر را نمیدانی ؟
- نه نمیدانم ، اما فکر میکنم که خصومت شخصی باشد ، شما میدانید که در وقت امین جلاد و دارو دسته اش چقدر ظلم بود . هرکس که زور داشت هرکاری را میتوانست بری چارگان و مظلومان تحمیل نماید . از همین سبب میترسم که پسر ، یگانه فرزندم از زیر تیغ امین جلاد جان به سلامت نبرده باشد .

گمشده خویش را باز یافته بود این گریه نینه گریه خوشی است .
خلاصه در هر طرف شور و هیجان است ، بی قایی است و انتظار و ترس و امید . هزاران فامیل بالاخره پس از ماه ها گمشده های خویش را باز یافته اند . امین جلاد و دارو دسته اش هزاران انسان شریف را ، هزاران هموطن ما را بدون در نظر داشت کرامت انسانی و بدون در نظر گرفتن حقوق بشر در زندان پلچرخسی نگهداشتند . و هزاران انسان را سر به نیست کردند و به شهادت رساندند .

این همه هموطن ماچه گناهی را مرتکب شده بودند ، که ماه ها در زندان نگهداشته شدند ؟ این سوالی بود که مستقبلین از خود می نمودند . بهر حال برای اینکه خواننده خود را در جریان این روزتاریخی بهتر گذاریم با چند تن از مستقبلین و پسای و ازمان و باتنی چند از زندانیان سیاسی که تازه آزاد گشته اند گفتگوی بعمل آوردیم که اینک از نظر شما میگذرد : از خانمی که در انتظار یکی از نزدیکانش چشم بدر زندان دوخته بود پرسیدم ، شما انتظار چه کسی را میکنید؟ میگوید : یکی از نزدیکانم را که اسمش سیدامان الله است او عضو خارتوالی ولایت کابل بوده و پنج ماه قبل از خانه اش او را برده بودند ، در حالیکه صرف ۲۵ روز از عروسی اش میگذشت . به اتهام اینکه در خانه اش اسلحه وجود دارد بازداشت کردند باید بگویم که تمام این حرف ها جز دروغ و ریا چیز دیگری نبود و از این گناه این مدت را در زندان سپری کرد ، و حالا ما اینجا منتظر او هستیم و ...
پیر زنی سمید موی میگریه ، غلتش را جویا میشوم ، میگوید پسر را جستجو میکنم ، میترسم که در میان آزاد شدگان نباشد .



چند لحظه قبل از باز شدن درب زندان پلچرخسی مستقبلین به انتظار عزیزان نزدیک دروازه زندان جمع شده اند.

کدام جر می به زندان افگندند . دودوده
منفرد را مین و امینی ها
زحمتهای بیشترین فشار از افسارچامه
ما یعنی معلمین بد و ن هیچ دلیل
وبرهانی به زندان افگندند میشدند . تا جهان
وجود دارد مردم این خاک لعنت و نفرین به این
دژخیمان و جلادان خواهند فرستاد .
گلجان ولد اختر محمد معلم در لیسه
حبیبیه یازده ماه قبل نظر به خصومت شخصی
به زندان افگندند شد موصوفی میگوید : در
این مدت کوچکترین اطلاعی از فامیل و
خانواده ام ندارم .

او در مورد آزادی میگوید : آزادی
بزرگترین و زیباترین کلمه است که در عمرم
شنیده ام آه ! آزادی چقدر زیبایی !
جوانی دیگر که اسمش محمد حسن و
محصل پوهنخی طب کابل است میگوید :
چهارده ماه قبل من زندانی شدم ، صرف نظر
از شکنجه و عذابی درد ناک که در زندان
دیدم و آن را تحمل کردم تا حال علت زندانی
شدن خود را ندانستم و ...

- خوب خوانندگان ارجمند زوندون بایک
تعداد زیادی از زندانیان سیاسی پلیچر خکی که
روز یکشنبه از زندان آزاد گشتند صحبت
کردیم و هر یک از این از خاطرات زندان
برای ما قصه ها کردند در تمام حرف ها و
گفته های این ها یک چیز مشترک وجود دارد
و آن زندانی نبودن بدون موجب آنان .

بهر حال دور و ر ه سیاه و منفور امین جلادو
دار دوسته اش بالاخره با قهرمانی خلق نجیب
و شریف ما برای همیشه به گورستان تاریخ
سپرده شد .

دروود پر روح شهدای که خون های پاک
شان بخاطر میهن ریخته شده است

عده جوانان وطن پرست را شکنجه داده اند...
سید ناصر پیلوت میدان هوای بگرام در
مورد مظالم بی شمار امین و امینی ها میگوید:
بیست ماه قبل مرا به زندان افگندند و تا
روزی که از زندان آزاد شدم ، گناه خود
را ننهمیدم و مانند من هزاران هموطن دیگر
ما نیز به چنین سرنوشتی دچار بودیم .
گفتنی ها زیاد است و نمیشود بایکی دودقیقه
این همه مظالم را بیان کرد ...
شاه وزیر معاون جنایی مرکزی وزارت
داخله میگوید :

هشت ماه قبل مرا با فامیلیم به زندان
افگندند در این مدت نمیدانستم که من و فامیلیم
چه گناهی را مرتکب شده ایم ولی بعد ها
دانستیم که صرف خصومت شخصی و عناد
شخصی یک عده من و فامیلیم را در مدت هشت
ماه در زندان نگهداشتند .

وزیر محمد جوانی دیگری است که تازه
از محبس پلیچرخی آزاد گشته او می خواهد
هرچه زود تر به خانه اش به زندگی اش به
پدر و مادرش که در انتظار او اند برسد . او
که در صنف چهارم پوهنخی و تئوری تحصیل
میکرد شانزده ماه قبل او باز داشت گردید .
قبل از اینکه او را باز داشت کنند ، خانه
آنها از طرف پانده امین چور و چپاول گردید .
او در ضمن میگوید : در مدت شانزده ماه
ندانستم که چرا مرا به زندان افگندند اند .
مدت ها بود که از خانه و زندگی ام خبر
نداشتم پس از سه ماه بالاخره این اجازه
را یافتیم که پای واز بدیدن ما بیاید .

احمد جان معلم از ولایت بامیان میگوید:
پنج ماه قبل من و یک عده از معلمین دیگر
را که تعداد شان به هزده نفر میرسد بدون



زندانیان بعد از رهایی منتظر دیدار هر یک از فامیل های خویش می باشند

پس با کثیف ترین و پست ترین شیوه با
ما رفتار میکردند تا دروغ بگوئیم و یک عده
وطنپرستان دیگر را به آنها قلمداد نمائیم
اما ما این کار را نکردیم و هر قدر امتناع
میکردیم بیشتر مورد غضب و شکنجه قرار
میگرفتیم .

فضل الدین از لیسه حبیبیه ، او را بخاطر
هیچ به زندان افگندند و مدت ۵ ماه را باید
ترین شرایط سپری کرد .
او میگوید : برق دادن ها ، شلاق زدن ،
لگد زدن قین و فانه کردن از جمله کار های
بود که جلادان امین بر جوانان و روشنفکران
روا میداشتند و ...

محمد داود که چهارونیم ماه قبل باز داشت
گردید میگوید : من بیاد دارم که در ظرفی
بازده روز متواتر به مدت ۱۴ ساعت یک

تحمیل شد نرسید . اصلا پاور انسان نمی
شود که این همه زجر و ظلم و ستم را بر انسان
تحمیل نمایند .

شمارا به چه اتهامی زندانی کردند ؟
لیخند تلخی لبان کرمه بسته اش را از
هم باز میکند و میگوید : کوچکترین گناهی
را مرتکب نشده بودم نمیدانم چرا مرا محکوم
به این مدت در زندان نموده بودند . اصلا
تمام زندانی هارا که پیرسید شاید به شما
بگویند که از جرم خویش خبر ندارند .

محمد اسحق محصل پوهنخی انجنیری که
به تاریخ ۹ تور ۱۳۵۷ زندانی شده بود میگوید:
برای امین و دارودسته اش محکوم نمودن
انسان های شریف یک امر ساده بود . اصلا
در نزد این خولخواران کرامت انسانی مطرح
نبود . هزاران جوان و انسان های شریف بدون

کوچکترین جرمی به زندان افگندند شدند ،
هزاران خانواده ، وده ها هزار فامیل ، بدبخت
و بی چاره گشتند .

سید فیروز ولد سید گوهر که وظیفه
معلمی دارد نوزده ماه قبل بدون هیچ علتی
به زندان افگندند شد و در طول این مدت چه
رنج ها و شکنجه ها که ندید ، لت و کوب ،
برق دادن ها و شلاق زدن از جمله کار های
عادی و روزمره این جلادان خون آشام بود .

امین و امینی ها کثیف ترین انسان هایی بودند
که حیف است بر آن نام انسان را گذاشت ...
محمد سلیم معلم از ولایت بدخشان در

علت زندانی شدنش گفت : هفده ماه و سیزده
روز قبل ما را بخاطر اینکه والی می آید یک
عده معلمین را به استقبال بردند ولی ایسن
حرف ها صرف یک دروغ شرم آور بود و پس .

واژ همان تاریخ ما را به زندان افگندند
علت اینکه چرا ما زندانی شدیم تا امروز
برای ما نا معلوم است باینکه آن دژخیمان

بارها میکوشیدند که از ماحرف های دروغ
بکشند ولی ما چیزی نداشتیم که برای آنها
بگوئیم با حرف و دلیل هم قناعت نمیکردند .



یک عده زندانیان را بعد از رهایی از باستل پلیچر خکی مشاهده می نمایند .

سا زند ...

در جای دیگری همین اطلاعیه گفته می شود: «تر دیدی نیست که چنین کنفرانسی با نقشه ی امریکا طرح ریزی شده است جهان اسلام می داند که تا امریکا رازین غار تگری ها و ظلم و ستم ها و آدمکش ها سا قط نکند مسا له ی حل نخواهد شد و ملت های مسلمان و جهان اسلام میدانند که تا امریکایی خونخوار را از پس بیعدالتی های بزرگ نزنند و سرانچنانیکار امریکارابه محاکمه نکشند عدالت پانخواهد گرفت ما هرگز فراموش نمی کنیم که دشمن شماره یک ملت های مستضعف، امریکای جهان خوار است ...»

آری این امیر یالیزم امریکا ست که در طول تاریخ خود با ملت ها و خلق های مسلمان جهان دشمنی و کینه تو زی کرده است نه کدام قدرت دیگر .

اگر سادات درصدد آنست که اسلام را به خلق مسلمان افغانستان بیا مو زدد در حالیکه خود ش همین حالا و در همین روز ها با بزرگترین و مخوف ترین دشمن تاریخی اسلام یعنی صهیونیزم در زدو بند و خیانت با اسلام است (کشور خوانده است زیرا این خلق شجاع و وفادار افغانستان بود و است که صادقانه و بشکل سالم آن پیرو و وفادار به اسلام بوده و است . و اگر مرام از این نوحه سرانی ها دولت انقلابی افغانستان است باید اذعان داشت که این دولت نه بلکه دولت مورد تأیید حمایت امپریالیزم امریکا (دولت امین و باندهی) بود که با اسلام و مسلمان و با وطن مسلمانان افغانستان خیانت و ظلم کرد و خون آن پر دمان امیر یالیزم امریکا نقش بسته است .

بعد از مرحله ی نوین انقلاب شکوهمند نور هما نظور یککه همه امور در مسیر عملی و طبیعی خود مطابق خواست مردم مآلنداخته شد برخورد با اسلام نیز فرزانه و صادقانه می باشد چنانچه بزرگ کارمل منشی عمومی کمیته ی مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان شام جمعه ۵ دلو طی بیانیه رادیو نیشنل منجمله چنین فرمودند: «... اعلام میدارم که دین مقدس اسلام ، رسوم و عتعات ملی ما از اجداد و نیاکان ما بحیث میراث گرانبه برای مردم ما بجا ماند و هیچ کس حق ندارد علیه آنها قرار گیرد و از آنها رو برو گر داند . دین مقدس اسلام رسوم و عتعات پسندیده اقوام و ملت ها و خلق های کشور ما اصول جدا نا پذیر نظام ملی و کلتور ملی و گنجینه های گرانبه ای معنوی وطن عزیز ما هستند... با قاطعیت اظهار می گردد کما نیکنه بخوانند نسبت به معتقدات دینی و مذاهب نسبت به سنن و عتعات مردم مایب احترامی کنند مردم مسلمان ما را بنا بر معتقدات شان مورد تحقیر و توهین و تحت فشار قرار دهند و علیه دین مقدس اسلام قرار گیرند قانوا نا جلب و بر طبق قوانین دولتی مجازات خواهند شد ...»

در روشنی همین بیانیه جامع و صادقانه می توان به صراحت اظهار داشت که بقیه در صفحه ۶۵

تو سعه طلبی و تجا وز اسرائیل و زاندارم منطقه بودن آن که در اثر آن سر زمین های زیاده را از بیکر های ممالک مختلفی عرب (مصر ، سوریه ، اردن) جدا ساخته و در اشغال ظالمانه ی خود در آورده از کجا آب می خورد و قلا ده دار ایمن سنگ زنجیری کی می باشد ؟ مسجد اقصاء یا اولین قبله گاه مسلمانان را کی به آتش کشید ، آیا این بزرگترین اهانت به دین مقدس اسلام و معتقدات پاک مذهبی آن نبود ؟

آیا این امیر یالیزم و در پشما پشی آن امیر یالیزم امریکا نبود که سالبهای دراز بزرگترین شیاد ها و قاچاقچران منطقه یعنی پهلوی ها را بر خلق رنجیده و مسلمان ایران تحمیل کرد و در همین حالا نیز و قیحانه و در زیر پرده ازومحافظت می کند ؟

آیا این امیر یالیزم و در صفا ولل امیر یالیزم امریکا نیست که سادات ایمن حنیظالله امین مصری را برای درز اندازی و تفاق در بین ممالک برادر عرب در آغوش گرفته و ماهر ترین سیمه سازان سی، آئی ، ای را برای مشوره دادن و پیاده ساختن نقشه های خود در پهلوی سادات در قصر «قبه» مسکون ساخته است ؟

آیا این امیر یالیزم و در خط مقدم امیر یالیزم از مند امریکا نیست که نفت یا این طلای سیاه ممالک مختلفی اسلامی را غارت و مفت ستانی می کند ؟ ...

آیا همین حالا از اثر چپاولگری ها و مظللم امپریالیزم امریکا نیست که خلق ایران بخشم آمده اند و این خشم خود را با اشغال سفارت پانکی ها و گروگان گرفتن کارکنان آن بروز داده اند؟ بهر صورت اینک تازه ترین پرده ی این درامه نیز در اسلام آباد بروی سن پیاده ساخته شد و آن نیز از اثر فعالیت های «میان مصری» یعنی سادات ایمن اتحاد شکن نا مدار و این شیاد وطن فروش و به دایرکت «کارگردانی» امیر یالیزم امریکا نمایا شده است .

ما برای اینکه به ما هیت این درامه خبتر بی بیریم شمه از نود و هفتین اطلاعیه ی دا تشجویان پیرو خط امام مستقر در لانه ی جاسوسی امریکا را که روز هفتم دلو ۱۳۵۸ صادر شده است در اینجا نقل می کنیم : «اخباری از تشکیل یک کنفرانس از سران کشور های اسلامی در پاکستان می رسد . هدف از این کنفرانس به ظاهر محکوم کردن کمک اتحاد شوروی به کشور برادر افغانستان است . بدیهی است که هدف از چنین کنفرانس با زی کردن با سر نوشت ملت های مستضعف و حیثیت انقلابی ملت ایران و لکه دار کردن انقلاب اسلامی و منحرف و تسلیم ثا ندانن آن در افکار و اذهان عمومی جهان می باشد . بزرگترین اثر مطلوب این طرح برای امریکا اینست که بخیا ل با طل خود اذهان مسلمین منطقه و ملت ها را نسبت بخود منحرف کرده و متوجه شوروی کند و خط انقلابی امام را در بر خورد با دشمن سر سخت اسلام و مسلمین که همان امریکا ست منحرف

جهت تطمیع را هزنان پرداخته می شد (بفرار گفته می وزیر امور داخله ی افغانستان که حفیظ الله امین بیست و پنج میلیون افغانی به مبدیسن حکمتیار پرداخت) و حتی برای دوام حکومت جهنمی خود امین جاسوس وطن واحد و مقدس مآلرا به معامله گذاشت و با زهم حتی نیم نفوس وطن را برای ادامه کامروائی خود تلف می نمود . به نظر امیر یالیزم مطابق دفا عسی بی پایانی که امیر یالیزم امریکا و انگلیس در عمل و نظر براه انداختند و می اندازند قانونی قلمداد کردن حکومت امینی صحه گذاشتن و قانید آن همه جنایات می باشد آری ز ما نیکه امپریالیزم و متحدین آن ، حکومت امین را حکومت قانونی می خوانند و بر نقش کشیف او اشک تساه می ریزند نتیجه گیری دیگری جزا نیکه قانون نزد آنها به معنی جبر ، و ستم و کشتن و جاسوسی و وطن فروشی می باشد ، چیز دیگری نمی تواند باشد و همین چنان این دفاع بیشرمانه نمودار ما هیت و خاصیت امیر یالیزم نیز می باشد . این درامه اقتضای آمیز امیر یالیزم امریکا و انگلیس و ماسو نیسم یکتی در همین یک پرده خلاصه نمی شود

لعنت و نفرین بر امین این امانت دار منافع دشمنان انسان و اسلام و بر روح شیطانی او این روح سفاک و انسان دشمن ، لعنت و نفرین بر باند فاسد چنانیکار و اوباش امین این دلقک های بلی گوی و این دزخیمان انسان دشمن و آزادی دشمن . جملات فوق شمه یی از ندبه ها و ناله های خلق محنت کش و بیچاره است که از اظلم و مفاکرو خونخواری و استبداد دار و دسته ی پسر دمداری امپریالیزم و در قدم اول امپریالیزم آزمند و مسلمان دشمن امریکا در هر خانه و هر کوی و برزن طنین انداز است .

مردم بلا کشیده و رنجیده ی ما حالا دیگر کاملاً فهمیده اند که آن همه بیداد گرایی را که در تحت استبداد ظاهرا امین و امینی ها متحمل شده اند ، کار شخص امین و باند اوباش اونه بلکه درین بازی دست دشمن دیرین و آشتی ناپذیر خلق های جهان یعنی امپریالیزم قویا شامل بوده و می باشد چه بعد از آنکه طوفان قبر مسردم افغانستان این باند اساس صفت و فاشیست را دفن تاریخ ساخت و وطن را از شرسفاکی ها و خیانت های آنان قهرمانانه رهانید علیه این

امپریالیزم رهزن

در لباس پاسبان

خون ناحق دست از دامان قاتل برنداشت دیده پاشی داغ های دامن قصاب را

پرده ی دوم آن ظاهر شدن شان در لباس مدافع اسلام و مسلمانان است و باز هم درین پرده کوشش می کنند که برای بدست آوردن منافع آژمندانه و سیاه خود لباس سپید بپوشند و خوشنما تر اینکه اراده ی خلق مسلمانان افغانستان مبنی به در خواست کمک انسانی از یک کشور دوست شان اهانت کنند و نام آرا تجاوز ؟ و اشغال بگذارند .

بیا نید که با وجدان و راستکاری با امپریالیزم و در راس امیر یالیزم امریکا محاسبه نمائیم .

آیا معاهده ی با نفور را که در نتیجه ی آن خلق عرب فلسطین تا امروز دور از خانه و کاشانه ی خود و بشکل آواره و بیچاره زندگی می کند نتیجه فعالیت ها ، نقشه ها و دسایس کیست ؟

ویرانی و قتل و غارت را که صهیونیزم و سایر مرتجعین در لبنان درین شش سال برده انداخته اند از کمک و پشتیبانی حاتم طایی ما با نه ی کی پر خور دار است و مدافع و مشوق آن کیست ؟

بیکار عادلانه ی آنها از آنسوی اوقیانوس هائز قصر سفید یعنی مرکز (سیا) و سیا هکاری ها نعره های اعتراض بلند شد و این عمل برحق خلق را عمل ظالمانه ؟! و معوگننده ی حکومت قانونی ؟! قلمداد کردند و به طعنه ی معروف : نیش عقرب نه از پی کین است اقتضائی طبیعتش اینست :

آری خلق افغانستان به نیکی دانستند که نزد امپریالیزم و در راس امپریالیزم امریکا قانون و قانونیت چیست ؟ یعنی آوانیکه امین و باند نو کرش با وسعت بی پایان بر خلق ما ظلم روا می داشت ، طفل و شیخ و برنار و بزرگبر می کشید زنده ، زنده بگور می کرد ، ناخن های بی گناهان را با جبر و شقاوت می کشید میهن ، خانه و ناموس هموطنان ما مصون نبود هراو باشی صلاحیت قتل ، حبس و شکنجه ی انسان این سرزمین را داشت . زبوندهای غدیبه ای با - چپاولگران جریان داشت و از دارایی عامه یعنی دسترنج زحمتکشان هموطن ماملیون ها افغانی

امين و کام امين به کام

مرگ فر و رفتند

هیچ نا موزد ز هیچ آموزگار

هر که ناموخت از گذشت روزگار

شیرین شان در طی سومین نبرد قهرمانانه‌ی خویش با انگلیس، استقلال سیاسی کشور را تحصیل و درصدد رفع عقب ماندگیهای اقتصادی و اجتماعی خویش برآمدند باز هم در فضای روشن و آزاد کشور ما جغد کور دیگری پدیدار گشت که همه نیروهای اریستوکرات و استثمارگر را بدور خود جمع کرد و به شکل بسیار ناجوانمردانه و محیله مطابق دساتیر امپریالیزم خلق مارا نه تنها از دست آورد های حاصله از جانفشاری شان محروم ساخت بلکه هرچه آزاده و آزادیخواه هرچه وطنپرست و مترقی یافت به سیه چال های مخوف گسیل داشت و پنجاه سال تمام او و خلایق این کشور قهرمان و خلق آزاده‌ی آرا از پیشروی باز داشت .

چون مضمون تکامل جامعه عبارت از پیشرفت و سیر دایمی بشر و جوامع بشری در جهت آرمان اساسی شان، یعنی نا مین سعادت مادی و معنوی فردی و جمعی کلیه انسانهایی باشد، بازهم مطابق همین حکم عام، خلق آزاده و مبارز افغانستان بخود جنبید و اینبار و درین جنبش گردان و رهبر پیش آهنگ و علما آماده شده ای (حزب دموکراتیک خلق افغانستان، پیش آهنگ طبقه کارگر و سایر زحمتکشان افغانستان) بنابه قسط نمای جنبش وجود داشت .

خلق های مستمیده‌ی افغانستان به پایمردی حزب قهرمان خود، آهنگ تحصیل استقلال اقتصادی و تحکیم همه جانبه‌ی استقلال سیاسی را نمودند . آری مردم مسایینبار انقلاب رهایی بخشی، ملی و مترقی کشور را بارشادت و مردانگی بی مانندی به بیروزی رسانیدند و با سرعت ممکنه به تحکیم دست آورد های انقلاب شکوه آفرین ثور همت گماشتند و تحت رهبری حزب زنجیر شکن دموکراتیک خلق افغانستان برای پیروزی و بهزیستی خود و معبود نمودن کشور خود میان همت بستند . مردم کشور ما با امید و آرزوی فراوان سرشار از روح وطنپرستانه با خلوص لیت با دولت مترقی خود همنوا و همگام بسوی روشنایی ها رهسپار شدند .

ولی این بار دشمن کینه توز تراز دیگران سفاک خون آشام، هنلرده‌ی هشتم قرن بیست، اجنت نامدار و ثابت شده‌ی امپریالیزم خون خوار و جهان خوار امریکا سادیست فرومایه وی بهره از علم و فرهنگ که قلم باعار و ننگ نام سیاه اش را رقم می کند یعنی امیر حفیظ خان امین منافع املاقی و

تاریخ به پیش میروید و هرکه را که سدره پیشرفت آن شود اگر چه خیلی محیل باشد اگر چه با ظواهر بو قلمون قد علم کنند اگر چه زد و بند ها گوناگونی با بزرگترین قدرت های ارتجاعی و عجالتا بزرگ داشته باشد اگر چه ... بابیرحمی خوردو خمیر می کند . آری تاریخ حرکت می کند و این حرکت جهت و سمت مشخصی دارد ... و این حرکت در مجموع بطرف ارتقاء و تکامل و پیشرفت بشریت است . نمی توان تردید داشت که درین حرکت بعضا سیر بجانب قهتر و تاریکی نیز دیده می شود ولی در عمل تجربه ثابت شده است که این مراحل سخت کوتاه مدت وزود گذر است و اگر در مجموع وکل تکامل تاریخ بدقت بنگریم سیر ارتقائی تاریخ بکلی مشهود است . از این حقیقت روشن جز کماینکه خیره سر وبدون ایمان مترقی و علمی اند هیچکس نمی تواند انکار نماید یعنی هر آنکسیکه به استدلال علمی و تجربی موضوع را بررسی نماید به صدق کلام بالا صحه خواهند گذاشت .

با نگرش ژرفی به تاریخ تکامل بشری می توان مراحل را در حیات هر جا مع دید که خیره سرانی چند مذبحخانه تلاش ورزیده اند برخلاف حرکت و سمت پیشرونده‌ی تاریخ خود را قرار دهند و برای لیل به اهداف ارتجاعی و اهریمنی خود بوسایل ارتجاعی و اهریمنی متوصل می شوند . اگر این نگرش را متوجه تاریخ کشور و بویژه تاریخ معاصر آن بنماییم مثال های روشن و گویای نمودار خواهند شد که خیلی آموزنده و پنددهنده هستند :

آوائیکه مردم سلحشور و شجاع افغانستان در دومین جنگ افغان و انگلیس بر علیه بزرگترین قدرت استعماری وقت شوریدند و بزور بازو و بقیعت جان های شیرین شان این قدرت تجاوزگر یعنی انگریز را وادار به عقب نشینی و مواجه با شکست ساختند دارو دسته‌ی استثمار گر و درباری وقت به سردمداری امیر عبدالرحمن نه تنها نگذاشتند مردم وطن ما از دست آورد های این فداکاری به نفع مادی و معنوی خویش مستفید شو ند بلکه این امیر دست نشاند، اردوی کارومار شده و آبرو ریخته‌ی دشمن را با عزت و حرمت زیاد از خشم و وطنپرستان رهانید و سلامت به هند رهسپار ساخت .

آوائیکه خلق دلاور و با شرف افغانستان با ریختن خونهای گرم شان و نثار جان های

می شد . تازه ترین و مجلانه ترین هدایات آنها را برای به بند کشیدن خلق ما و بدنام ساختن انقلاب و ترقی بدست می آورد و عمل می نمود . امین و باند فساد پیشه واسی ، اس صفت او بجای اینکه (مطابق ظاهر شان) در جهت بهبود حیات خلق تکاپو نمایند . برای کشف و اختراق و آموزش طرق شکنجه و آزار خلق و بسط خدمتگذاری به امپریالیزم و سی.آی.ای در تکاپو بودند .

در اینجا لازم است که جهت رنگین شدن و موق شدن کلام خویش نکاتی چند از گفتنی های بزرگ کارمل منشی عمومی کمیته‌ی مرکزی حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان را نقل نماییم . ایشان در مصاحبه‌ی مطبوعاتی ای که شام سیزدهم جدی ۱۳۵۸ با ژورنالستان داخلی و خارجی انجام دادند در جواب سوالی خبرنگار آژانس باختر منجمه چنین فرمودند: «... بنابر شناختی که ما از وی (حفیظ الله امین) داشتیم، بنابر شواهد و دلایلی که در دست بود، بنابر تمام ظلم و قسوت و توطئه و دسایس نقشه های محیله‌ای که در بین خلق افغانستان، در داخل حزب، در داخل اردوی آزادیبخش افغانستان، در داخل جمهوری دموکراتیک افغانستان و یاده می کرد، گام به گام، قدم به قدم ما همه آرا مطالعه می کردیم . تجزیه و تحلیل می نمودیم .

آخرین اطلاعات و کشف چیزی بود که به صورت مشخص یا سخنگوی سوال شمامت، امین با شبکه های دقیقش باسیا (سی.آی.ای) یعنی سازمان جاسوسی امریکا) مشترکا در تباری و طرح توطئه بود . او ظاهرا خود را زیر ماسک اصطلاحات و ترمینولوژی انقلابی چون مارکسیزم، لیننیزم و سوسیالیزم و کمونیزم می پوشاند اویسورت یک کلکتیست مفاهیم و اصطلاحات را نادرست و توطئه گرانه گلچین می کرد، و تبلیغ می کرد تا به این ترتیب به موازات استبداد و وحشتناک خود اندیشه های مترقی، آزادی، ترقی، پیشرفت، دموکراسی و غیره را بد نام سازد ...»

آری امین با روح شیطانی و خودپرستانه‌ی خود با اکت های عوامفریبانه و ماکیاویستی خود نه تنها بددل همه مردم آزادی ماداغ های عمیق گذاشت و همه را به ماتم نشاند باستیل ساخته شده از طرف ارتجاع سلطنتی را از آزادیخواهان و وطن پرستان مملو ساخت و دسته دسته آنها را به شکنجه گاه ها و قتل گاهها فرستاد، بلکه همه کشور را به یک زندان عمومی مبدل ساخته بود .

موجودیت، کسب اقتدار و اعمال امین و دارودسته‌ی اویش او در پهلوی آنکه زجر و شکنجه‌ی روحی و جسمی نصیب مردم آزادی افغانستان نمود و همه را متالم و سوگوار ساخت تجربه‌ی بزرگی بر گنجینه‌ی تجارب تاریخی خلق افغانستان افزود و آن اینکه اولا خلق ما دانستند کماینکه دانش و سوابق انقلابی و وطنپرستانه‌ی روشن نداشته باشند نه تنها نمی توانند به آنها مصدر خدمتی شوند بلکه برای ارضای خواست های شیطانی و دون خود از هیچنوع ظلم، ستم، توطئه، دسیسه،

بقیه در صفحه ۵۸

همکاران تبهکار خویش (امیر عبدالرحمن خان، امیر محمد نادرشاه خان و والاحضرت محمد هاشم خان و غیره)، در عرصه‌ی کشور بدلا کشیده‌ی ما قد علم کرد و پس از آنکه اولین منشی عمومی کمیته‌ی مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، نخستین رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان شادروان نور محمد تره کی را بابی شرمی و قساوت زیاد از بین برد و شهید ساخت با دارو دسته‌ی او باش و دهسزن خود برادریکه‌ی قدرت چپمنی تکیه زد و مطابق پلان انتقام جویانه‌ی دشمن دیرین مردم ما و بدستور دژخیمان امپریالیست امریکایی فضایی را بر خلق بالا دیدی ما مستولی ساخت که روی آدمکشان و دژخیمان معروف تاریخ چون آتلا، لیرون، هلاکو، چنگیز، هتلر و... را سفید ساخت و با تاسف با دید گفت که اگر مردم ما قصه های ظلم و بیداد و آدم کشی و آدم سوزی وزنده زنده بگور کردن هتلر را در فلم ها و قصه ها و کتاب دیده و خوانده و شنیده بودند آرا بر گوشت و پوست خود و عزیزان و هيوطنان خود احساس کردند و دیدند امین واداره مارهای متحده با آلتچان درنده خویی و سفاکی با خلق ما برخورد کردند که روح نا آرام همه آدم - کشان تاریخ را آرام ساخت چه آنها دیدند که این موجود ددمنش و خونخوار چندین برابر ظالمانه تر و رذیله تر، انسان یعنی انسان شریفترین موجود طبیعت را آزار و شکنجه و معدوم کرد .

اگر با پیروزی انقلاب ثور همه مردم ما، همه فامیل های زحمتکشان و آزادیخواهان ما و بالاخره همه تمام مردم شریف افغانستان خورسند و امیدوار به آینده بودند، در اثر توطئه، دسیسه زور و اختناق، جبر واکراه و شکنجه و قتل امین این روسیاه ترین عنصر تاریخ کشور و دارو دسته‌ی سفاک و او باش او، همه مردم ما، همه فامیل های شریف و وطن پرست همه خلق آزاده‌ی افغانستان سوگوار شدند و نقش خنده های شان درخون و عزای عزیزان شان غرقه گشت و به جای دست خوشی و سرور زالوی غم در بغل گرفتند امین این جاسوس وفادار و باستانی (سی.آی.ای) این بی خرد و بی فرهنگ و متظاهر به مترقی بودن؟! این جبار دون صفت نه تنها با اعمال غیر انسانی خود روز تاروز و لحظه به لحظه ماهیت اصلی یعنی سیاه و «سیاه» خود را بر ملامی ساخت بلکه بناء بدستور و نقشه‌ی با داران امپریالیستی خویش با جا زدن خود بحیث یک انقلابی و مترقی؟! می خواست انقلاب و ترقی را نیز چون خود

سیاه و «سیاه» جلوه دهد، امین فاشیست واجت در طول روز و در ملای حزب و دولت و خلق با مهارتی که داشت و تهرینات ابتدایی آرا نزد متخصصین (سی، آی، ای) بیست سال قبل کاملا فرا گرفته بود، یک انقلابی تمام عیار؟! می نمود ولی در طول شب و در واقعیت امر دروس و هدایات همکاران اصلی و جاسوس خویش را تکرار می نمود و توسط شبکه‌ی وسیعی که بقیعت عرق ریزی های خلق، و خلق های زحمتکش دولت های امپریالیستی در راس امپریالیزم امریکا تمویل

در زمان میلاد پیغمبر اسلام در تاجکستان پوه نظرات خود را در مورد چنین ابراز نموده است: مردمی که در مسجد اجتماع نمودند بودند بعد از ختم اجتماع به اتاق دیگر رفته شربتی های را که به غرض سرگرمی ترتیب شده بود با هم یکجا صرف نمودند درین زمان صحبت های شیرین و دوستانه میان مردم صورت میگرفت. بعد از یک نفر مفتی به اتاق دیگری رفته نغمه سرور آمیز را نواخت که مردم همه به پا خاسته رقص های شادی و شغف انگیز را اجرا نمودند بعد از ختم مراسم مفتی خاطرات سفر خود را در کشور عربستان که در جلسه شورای مساجد جهانی به حیث یک فرد مسلمان اشتراک نموده بود به حاضرین بازگو نمود.

اسلام یکی از دومین مذهب بزرگ در اتحاد جماهیر شوروی حساب میشود که در آن جا چهل نوع مذهب عمومیت دارد مساجد بزرگ در تاجکستان ازبکستان، قزاقستان، قرغز، ترکمنستان، آذربایجان، داغستان و تاتار وجود دارد. چار شورای مذهبی اسلامی در اتحاد شوروی تأسیس گردیده که آنها مسؤول نشر آثار کلاسیک اسلامی خصوصاً قرآن هستند همچنان این شورا وظیفه دارد که مساجد و تدریس اصول دینی و فتوا های مذهبی را انجام دهد شورای مذکور هم چنان مسؤولیت ارسال محصلین اتحاد شوروی را به دانشگاه های بزرگ اسلامی در کشورهای عربی داشته و هم امور ارسالی حاجیان را نیز تنظیم و اداره می نمایند.

امامان و رهبران مذهبی از میان مردم بصورت آزاد و رای گیری مستقل انتخاب می شوند امامان از مردم اعانه جمع نموده و آنها صرف امور دینی می نمایند که هر قدر در آمد سالیانه مردم زیاد باشد به همان اندازه اعداد مردم نیز زیاد تر صورت می گیرد. محمد سقا امینی سرکتر جنرال شورای اسلامی در اتحاد شوروی گفته است که مردمان مناطق اسلام نشین در اتحاد شوروی از مالیات و بر عایدات معاف هستند.

دو زمان تسلط تزار، اسلام موقف خوبی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نداشت و مسلمانان تحت شکنجه، فقر و بد بختی زندگی میکردند اما بعد از انقلاب کبیر اکثر که نظام سوسیالیستی در اتحاد شوروی برقرار گردید در پرتو اندیشه های رهبر بزرگ انقلاب کارگری خلق مسلمان مناطق مختلف



نسخه های قدیمی قرآن شریف که بدستور خلیفه مسلمین، حضرت عثمان ترتیب گردیده (۱۲۰۰)، دونسخه آن مفقود شده و سو مین آن در تاشکند وجود دارد.

ترجمه حبیب الله آهنگر

چگونه مسلمانان در اتحاد شوروی

سوسیالیستی در راه زندگی و مناسبات نوین

پیکار می کنند

این روز در پرتو ترندهای نوین زندگی خطابه های پرشوری ایراد نمود. جاکیز فوریر رهبر فرقه کاتولیک ها که

ماهیت وجود اسلام خواهان صلح و همزیستی است صلح و همزیستی را تسبیق و از آن سرسختانه دفاع می نماید و در سایه صلح و امنیت است که خلق ها میتوانند فرهنگ و کلتور شان را همای پیشرفت های مادی زندگی بهبود و تکامل بخشند.

شیخ یحیی به خبرنگار مذکور گفته است که خلق های مسلمان اتحاد شوروی امسال در حالیکه در ماسکو- اوف- کزان سرمای شدید جریان داشت توانستند به مراسم عید قربان پرداخته و مانند خلق های مسلمان سایر کشورها قربانی هایی انجام دهند.

در حالیکه در تاجکستان، فرغانه به تاریخ دهم نوامبر آنقدر پرودت و سردی و جود نداشت مردم به مساجد رفته نماز عید را به جا آوردند درست ساعت هشت و نیم صبح بود که مرد ها داخل مسجد شده و زنان در بیرون محوطه مسجد اجتماع بزرگ را تشکیل دادند بعد از ادا نماز ملا امام مسجد دعایی به روح پاک پیغمبر اسلام نموده و راجع به سچایای

خلق های مسلمان در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از هر گونه آزادی مذهبی برخوردار بوده و به آزادی میتوانند مراسم مذهبی شان را در هر یک از نقاط کشور اجرا نمایند.

شیخ یحیی عباس بایف طی مصاحبه ای با نماینده بی بی سی در تاجکستان گفته است که نظام سوسیالیستی نه تنها آزادی های مذهبی را به خلق مسلمان اتحاد شوروی به ارمغان آورده بلکه عملاً در پهلوی این آزادی و فراتر نعمات مادی را نیز به ودیعه گذاشته که خلق مسلمان از قید هر نوع بی بندوباری های اقتصادی، فقر و بدبختی نجات یافته اند و توانسته که خلق این منطقه را به فرهنگ و تمدن جدید آشنا سازد.

موصوف علاوه نموده است که سوسیالیسم به هر نوع رقابت های بی بندوبار فئودالی که برگرفته خلق سنگینی می نمود پایان بخشید و به حیث یک فرد مسلمان عقیده دارد که نظام سوسیالیسم همان طوریکه

صفحه ۱۶



مسلمانان در اتحاد شوروی سوسیالیستی، مصروف ادا فرایض مذهبی دیده می شوند

تخنیک معاصر در خدمت زراعت



تراکتور تی-۳۰۰ مجهز با قلبه

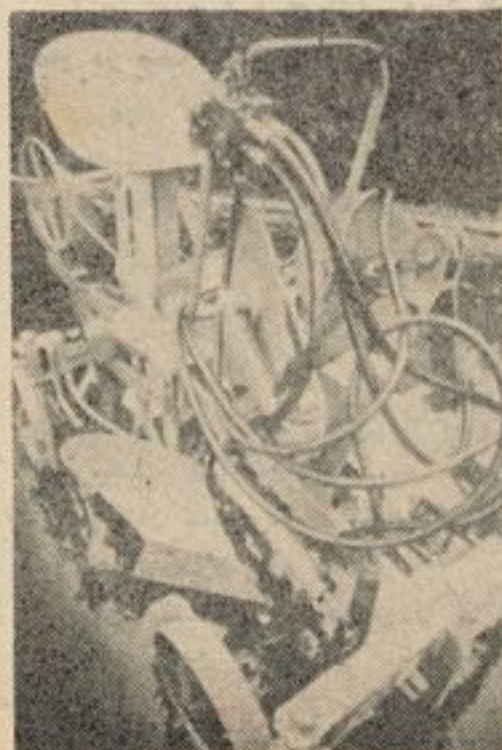
در امور زراعتی نه تنها از تراکتور ها، ماشین های قلبه، ماله و غیره استفاده می شود بلکه در کمپاین ها و ماشین های جمع کننده ی محصولات زراعتی نیز استفاده به عمل می آید. در بهلولی این ماشین ها، مجمع های دیگر برای خشک ساختن حفر کانال ها، نهال شانی، آبیاری مصنوعی دادن کود مایع بر زمین و غیره بکار می رود.

مقیاس وسیع اقلیمی در کشور پهناور اتحاد شوروی باعث شده تا ماشین های عصری تر برای کار در شرایط سر مای شدید شمال در سیبیریا و بخش های غربی کشور ساخته شود. این تخنیک برای اعمار سیستم های آبیاری، خشک سازی، مرطوب سازی مقدماتی زمین که ساحه میلیون ها هکتار را احتوا می کند نیز در نظر گرفته می شود. باید تذکر داد که بسیاری عملیات

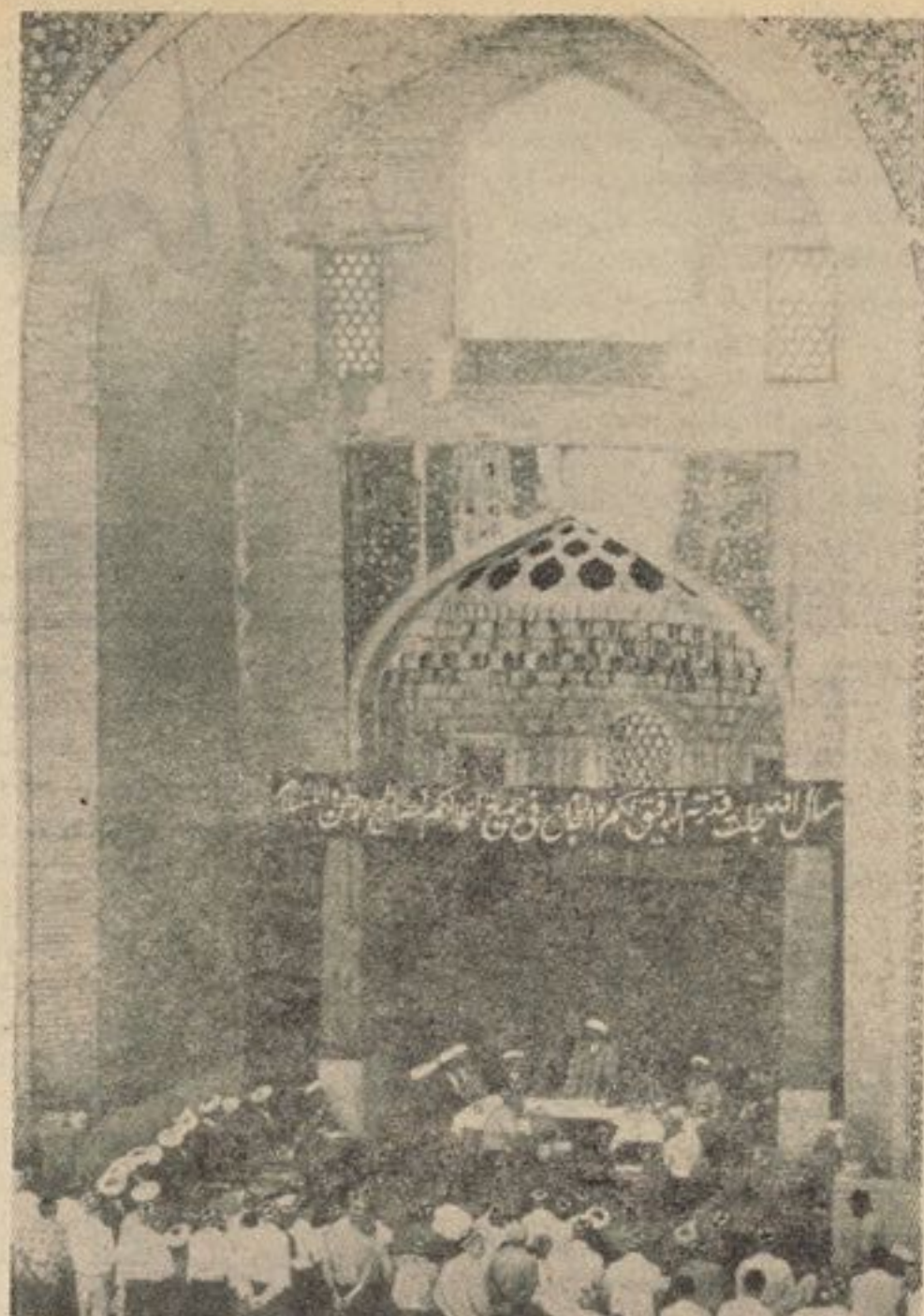
در زراعت حتی در گذشته ای نه چندان دور به قسم دستی پیش برده می شد که دهقان زمان و نیروی زیاد کار را به مصرف رسانیده و محصول کم بدست می آوردند. اما امروز مجمع های بزرگ زراعتی ساخته شده که عملیات دشوار را انجام میدهد. کمپاین های مخصوصی ساخته شده که نباتات را پاش داده آبیاری نموده، جمع کرده و حتی حاصل آنرا سورت می کند.

در کنار رشته های مختلف دیگر تخنیک یکی هم صنایع ماشین سازی برای افزایش تولیدات زراعتی و ساده ساختن کار انسان در دشت ها و مزارع است. مو سسات بزرگ در اتحاد شوروی متشکل از هجده فابریکه تراکتور سازی و تور سازی باجپل و دو فابریکه تولید ماشین آلات دیگر زراعتی وچپل و ششس کارخانه ای سازنده برزه جات و بخش های مختلف ماشین ها می باشد. فعلا در اتحاد شوروی به همان اندازه تراکتور ها و ماشین های زراعتی ساخته می شود که در ایالات متحده، انگلستان، فرانسه و آلمان غربی تولید می گردد که به بیش از شصت کشور جهان صادر می گردد.

در سال گذشته تنها در کشورهای پیشرفته سر مایه داری یازده، اعدشباریه پنج هزار تراکتور، پنجمصد بلدوزر و بیش از یک هزار نیمه تریلر زراعتی به فروش رسانیده شد. تراکتور ساخت فابریکه یکه ی مشهور مینسک بر تری خویش را در جزیره مدغا سکو (در اینجا یک هزار ماشین فر ستاده شد) جاپان و بیرو ثابت ساخت. بلدوزر ها و ماشین های صادر شده به بسیاری کشور ها مانند افغانستان، ایران، ایتالی، موزمبیک نتایج مثبت در کار بجا گذاشته است.



ماشین برای ریختن کود مایع در زمین



بهترین و پر شور ترین دوره است که مردم مسلمان جهان به تجلیل هزاره چار صدومین سالگرد هجرت نزدیک میگردند.

وی هم چنان گفته است که نظریات متعددی در مورد مردم مسلمان در اتحاد شوروی خلق گردیده بود که تعداد زیاد این نظرات قابل قبول نبود روی آن لحاظ بود که عدها هزار برادران مسلمان از کشور های مختلف با ما ارتباط برقرار نمودارین دیدوباز دید آنها واقعا درك کردند که خلق مسلمان در اتحاد شوروی از نعمت ها و آزادی های سرشاری برخوردارند چون صلح و تفاهم متقابل اساس ایدئولوژی اسلامی را تشکیل میدهد به حیث يك شخص مسلمان همیشه امید داریم که چنین فرصت های دید و باز دید و تبادل فرهنگی میان خلق های مسلمان سراسر جهان صورت گیرد.

ابوجزه رئیس دانشگاه اسلامی پاریس گفته بود که وی با گنجینه دانش اندک در اتحاد شوروی سفر نمود اما در ختم مسافرت وی گنجینه بزرگتری را که حاوی معلومات، درك و دانش وسیعتری در مورد اسلام و مسلمانان در اتحاد شوروی بود با خود همراه آورده است. در ختم مسافرت ابوجزه که نقاط مختلف اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را بازدید نموده بود گفت که وی خریطه کوچک دانش خود را همین جا گذاشته و با خریطه بزرگ و عالی که مملو از صداقت درك و دانش وسیع از خلق مسلمان و شیوه زندگی مردم اتحاد شوروی است کشور اتحاد شوروی را به قصد پاریس ترك میگوید.

اتحاد شوروی آزادی های سیاسی، مذهبی دریافتند هر نوع بی عدالتی، امتیازات مسلمان خلق ها مردود دانسته شد و تساوی کامل ملیت ها بصورت درست عملی گردید.

درست بعد از برانداختن قدرت نزاری بود که دولت سوسیالیستی به رهبری رهبر بزرگ کارگران جهان در قدم اول کوشید که حیات و زندگی مردم مسلمان مناطق آسیای مرکزی سیبیریا را تضمین نموده آنها را از جنگال مرگ و میر که ناشی از فقر و گرسنگی بود نجات دهد و در قدم دوم کوشید تا بستر سوادتی را از میان خلق ها بر دارد.

شمس الدین بایا خانوف که مسؤول امور مذهبی در اتحاد شوروی است از مکتب در اتحاد شوروی فارغ و بعد به دانشگاه مذهبی تاشکند مصروف تحصیل گسردید. بعدا موصوف به قاهره رفته و از دانشگاه جامع الازهر در درجه دکتری خود را گرفته است او میگوید که پدرش از سال ۱۹۴۳ الی ۱۹۷۵ مسؤول رهبری خلق مسلمان در اتحاد شوروی بوده است. داکتر بایا خانوف سه مرتبه به زیارت خانه خدا نایل گردیده است.

در سال ۱۹۷۸ به اساس گفته داکتر شمس الدین بایا خانوف تعداد زیاد خلق مسلمان ملیت های مختلف اتحاد شوروی به زیارت خانه خدا رفتند که مسن قرین حاجیان به سن ۷۰ سالگی و جوانترین آنها به سن ۴۰ سالگی قرار داشتند که مفتی عبدالباری یکی از رهبران مسلمان دیگر اتحاد شوروی گفته است که وی چند بار حج نموده و حج آخری که او در نظر دارد گفته است که

صدای ما در کوستان

قسمت دوم

مردم هارا گور کردند. و قبیله میخواستند دعا کنند مارزک صدا کرد: برادر ها! هیچ وقت آنقدر هجانی دیده نشده بود رنگش پریده بود و گلویش را بغض میفرد. مارزک گفت: جنگ را چه کسی به ده تان آورد؟ دشمنان تان، آنالیکه همه دشت های خدا را قبایله کرده بودند و سالها شما مزدوری شما را می کردند. و قبیله باداری شما را گرفتند، ز من هایشانرا به شما دادند که حق تان بود به کشتن تان و به سرخس ده کمر بستند. در میان شما هستند کسانی که هنوز نمی فهمند و آثارا دوست خوش بش می پندارند. اجنه و سایه ها به شما کاری ندارند. خونخوار ترین دشمنان شما همان آدمها هستند.

آدمهایی که نیاز محمد را کشتند، صوفی یاسین را کشتند و اگر شما متفق نشوید تمام ده را به خون سرخ خواهند کرد. نیاز محمد را خدا بیاورد. با مرگ او ده پدرش را از دست داده است...

سکوت تلخ و سپهنگین حکمفرما بود صدای گریه پسر نیاز محمد بالا شد با گلوئی گرفته نالید: پدرم! صدای گریه چند پسر مرد هم بالا شد و مردم به مراسم دعای عمومی معطل نشدند از شدت غم دشتی به رو کشیدند و به راه افتادند.

راه پیمایی با سکوت همراه بود. در وسط های گورستان و ده داد خدایه گوش مارزک گفت:

نفر های عبدالروف خان؟
شمان گفت: ده خود را آتش میزدیم؟
مردم خود را می کشتیم؟
خدا نگاه کند، عجب آدمی هستید...
ما رزک گفت: پس چطور دشمنان مردم خود را جای داده ای؟
شمان گفت: همین است که گفتیم. پنهان نکردم که. دشمنان را بسته به دست تان میدم. زشت تلاق هر که دروغ بگوید. مرد ناشناس را که گلوله ما رزک شب بالای پل را تان را را سوراخ کرده بود پهلوان مردان، جمعه و برهان الدین به ولسوالی بردند. مردم ده نخست مطمئن نبودند که جمعه و برهان الدین با دو تنگ جره بی از عهده این مأموریت برآمده بتوانند. امکان حمله گمانندگان عبدالروف خان وجود داشت. پهلوان مردان خودش داوطلب شد. مارزک مردم ده را مخاطب ساخته گفت:

چه میگوید، پهلوان هم برود؟
مردم گفتند: اگر او برود خاطر ما جمع خواهد بود. پهلوان مردان یک شهر را پس است. ما رزک ماشیندار خود را بوسید و به دشت پهلوان داد و گفت: این اسلحه را هم به پهلوان دلاور ده می سپارم. خدا همراهت. شیر محمد آهسته گفت: ما رزک زود اعتماد میکنی.

مارزک گفت: من به خلق همیشه اعتماد دارم
شیر محمد گفت: پهلوان تا دیروز در پهلوی دشمنان خلق قرار داشت.

مارزک گفت: هیچ دلیلی وجود ندارد که او در صف دشمنان خلق بایستد.

شیر محمد گفت: مگر واقعیت چیز دیگری میگوید.

ما رزک گفت: بلی واقعیت همین را می گوید که اشتباه و قصد را باید از هم جدا کرد.

شیر محمد گفت: خوشبینی تو زیاد است.

ما رزک گفت: شاید واقع پستی کله بهتر باشد. هر دو خندیدند.

سر ازان شب مردم ده پنج پنج نفر تعیین می کردند تا بهره بدهند.

خیسه مارزک و رفقایش را از پشت گردنه جمع کردند و خود شان را در میان ده در یکی از خرگاه های کنار دریا جای دادند. آنان شب با غرش

شمان با تو گپی دارد خصوص می میگوید. متعاقب آن شمان نزدیک آمد.

در حالیکه زیاد مواظب اطرافش بود گفت: سلام علیکم. من به شما چیزی میخواهم عرض کنم نیمه شب یک آدم ناشناس با پسی زخمی به خانه من آمد. خواست او را پناه بدهم. فردا گفت به دنبالش می آیند و میزنندش.

مارزک گفت: کسی بد نباش می آید عثمان گفت: خوب معلوم است که نفر های عبدالروف خان.

مارزک گفت: تو تمام شب در خانه بودی؟
شمان گفت: بلی بودم.

مارزک گفت: صدای تفنگ ها را که حتی شنیده ای چرا تیرا مدی به کمک

یک آهنگ دریا به خواب میرفتند و صبح با صدای غنایب ها بیدار می شدند.

حلیم و شیر محمد میرفتند بدو بالا که باگروپ و فقا نیکه در آنجا مصروف توزیع زمین بودند کمک کنند. مارزک دشت های تب آلودش را در آب سرد دریا فرو می برد و به اطفال ده که در کنار دریا برای تنگ بازی جمع می شدند ترانه یاد میدادند:

ای انقلاب سرخ
ای لاله گون شفق
مارا زآمد آمد خورشید مژده ده
ما با تو زنده ایم
دل با تو بسته ایم
از بر تو سعادت جاوید مژده ده
آسودگی خلق
امید گرم ماست

از خنده کردن گل امید مژده ده...
در آن سه چهار روز ما رزک بسیار لاغر شد. تبش یکسان بود. نه کم می شد نه زیاد.

زنان ده هر روز چهار یک کاسه آب تلخ برگ بید را میدادند که بنوشد. اما تأثیری نمی کرد. هر چه رفقا اصرار می کردند که برود به خانه، به تداوی و استراحت پردازد نمی پذیرفت. سخت مخالفت می کرد. میگفت: به زودی جور خواهیم شد و آتوقت بدون درنگ در همان نقطه بلند اولی مکتب را دو باره خواهیم ساخت و مردم را خواندن و نوشتن یاد خواهیم داد. از این حرف ها برق خوشی در چشمانش و نوا می شد.

یک روز شام پوسته رسان از شهر آمد. در ده جنب و جوش افتاد.

نان شب را که خورد از طیرافش دو سه نامه کشید که یکی آن به ما رزک نوشته شده بود.

ما رزک نامه را در روشنی چراغ لیلی جویده جویده خواند.

مکتبی کرد و سطرهایی از آنرا باز خواند. باز خواند و به فکر رفت.

چند نفر که متوجه شدند پرسیدند: خیریت است؟

مارزک گفت: خیریت، پدرم مریض شده است.

حلیم گفت: پدرت؟ افسوس... چه مریضی؟

مارزک گفت: اما من به مادرم گفته

بودم که تا چیز مهمی نباشد به من نگویند.

شیر محمد گفت: خوب بماله مر یضی پدرم است آخر.

یکی به دیگری پس پس کردند و مردمی که در آن خرگاه مانده دیگر شب ها برای ساز و ساعت تیری جمع شده بودند از شوخی و خنده باز ماندند. الله یار دنبوره اش را در پوشش داخل نمود و آنگاه گین به چوب خرگاه تکیه کرد.

مارزک گفت: الله یار امشب دو بیستی های سیاه عوی و جلالی را بخوان؟

الله یار گفت: مارزک لالا باز کدام شب دیگر که دل ها شاد باشد.

مارزک گفت: بیاد بیار سیاه عوی را که در برج آشکارا زندانی بودند، جلالی میخواند: صدای از عوج دریا میزند سر چو لعل از سنگ خارا میزند سر طلوع صبحم روی سیاه عوی ز برج آشکارا میزند سر

باز الله یار گفت: مارزک لالا امشب دل نمیخواند. خدا غم را دور داشته باشد بارها برایت خواهیم خواند.

در میان خرگاه به تدریج دامن دیگر سخن ها چیده شد.

یکی از دیگری می پرسیدند که کدام اسب بهتر است که فردا ما رزک را به ولسوالی ببرد. شمان با پسر نیاز محمد در یک گوشه خصوصی گپ زدند و بعد گفتند که اسب نیاز محمد فردا تیار خواهد بود. یک کسی دیگر هم باید همراه مارزک برود. ما رزک باز هم قبول نمی کرد. نمی گفت و دلیل می آورد. هر یضی پدرش را جزئی نشان می داد. مگر تصمیم گرفته شد.

آتش دهاتیان زودتر از دیگر شب ها گرفته و غمگین خرگاه مهمانان شهری را ترک گفتند. فردا تمام ده از نامه بیکه به ما رزک آمده بود با خبر بودند پسر نیاز محمد اسب سمند پدرش را قشوه و صافی کرد. با ل و دمش را شست و آنجا تکه بر ای پدر خود آماده می ساخت حتی سمایش را با تکه تر باک کرد. اسب را که زین کردند هوس تاخت و تاز در رنگ هایش نوید. به جلو و عقب خودش را می کشید. گوش ها پیش را وچ کرده بود. گاه نقطه های دوری را با کنجکاو می دید و گاهی هوا بی را که در سینه قید کرده بود با سر و صدا از بینی خارج می کرد. چشمانش هر آن براق تر می شد.

مردم ده که برای وداع جمع شده بودند از تما شای بهترین اسب ده لذت می بردند.

از دهن دره تا ولسوالی پیا پی با ن فراخی خفته بود.

مارزک ربابا دعای خیر بر اسب سوار کردند. از هر خانه گوسفست پخته، کلبچه روغن و تخم جوش داده آوردند در خور جینی گذاشتند و آنرا هم پریشان زمین بسته کرد. به پدر مارزک شفا خواست. به کسی که قرار بود همراه ما رزک برود هم بقیه در صفحه ۸۸



لابراتوار یکه در آن تحقیقات طبی رامحصلین انجام میدهند.

کننده و با فلتر خشک کننده مورد استفاده قرار گیرد، که به تدریج این ماسک ها در اردوی اتحاد شوروی و بعد ها به کشور های دیگر نیز سرایت نمود. از آن زمان محققین دریافته اند که چگونه کاربن را در نجات انسان ها نیز میتوانند مورد استفاده قرار دهند.

انکشافات سریع مواد فلزی و دستگاه های کیمیاوی که حاوی مواد سلنوریک و سایر مواد خام بود بکار اتحاد به تدریج در کشور های دیگر نیز صنعت دی سلفاید مورد استفاده قرار گرفت.

بنا برین دانشمندان درصدد آن شد ند که چگونه زیاده تر بتوانند از سیوع و بخش چنین گازات جلوگیری نمایند.

دانشمندان عقیده دارند که مواد مضره میتواند توسط موجودیت کاربن به حیث مواد جذب کننده این امر را بصورت دقیق انجام دهد.

متخصصین عقیده دارند که ماده جذب کننده نهایت موثر تمام شده میتواند چنانچه ماده مذکور را در پایب های که از آن دود دستگاه

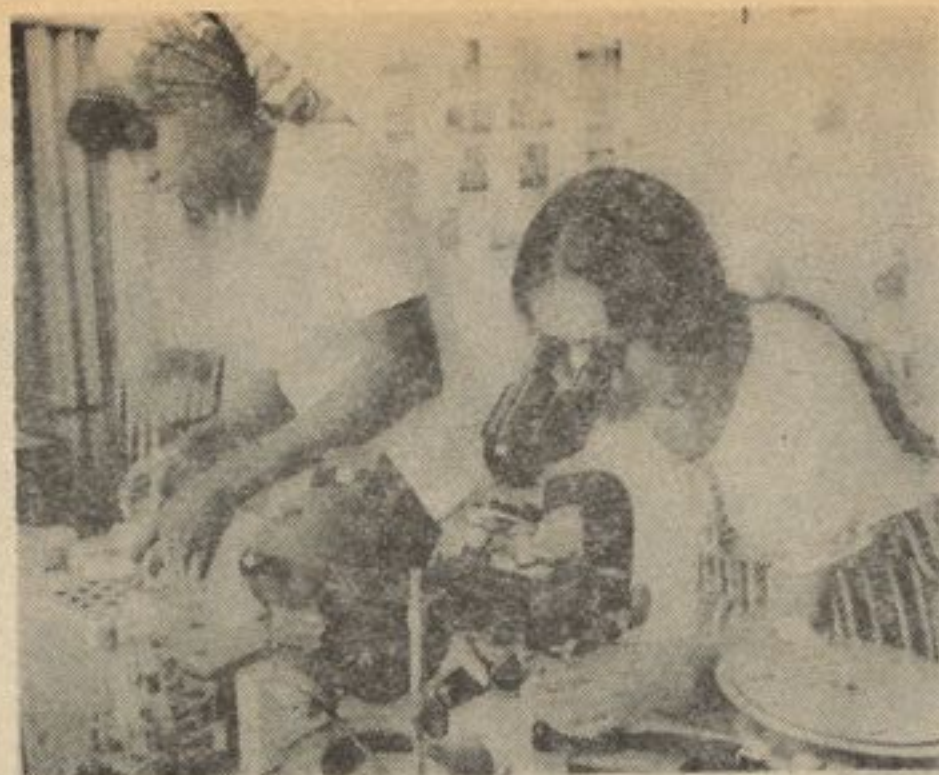
ها خارج میشود قرار داده و ماده مذکور در تصفیه و پاک سازی دود داخل با یپ ها خیلی ها موثر بوده و این تجربه در موسسه صنعتی ماسکو مورد آزمایش قرار گرفت و نتایج خوبی از آن بدست آمده است.

امروز در صنعت گاز کاربن بهیث تصفیه کننده د ر مورد آب های نوشیدنی هنوز هم مورد استفاده قرار می گیرد این امر در مورد طبابت وادویه جات نیز مورد استعمال قرار دارد.

مادری زمانی که بیرون می رفت د خنجر پنج ساله اش را در خانه تنها گذاشت دخترک مذکور چند تابلیت خواب آور را خورد زیرا او فکر میکرد که فقط شیرینی است دختر را به شفاخانه انتقال دادند و توسط تزریق گاز کاربن توانستند حیات او را نجات دهند.

چندین سال قبل موسسه بزرگتری طبی ماسکو توسط دانشمندان بزرگ اتحاد شوروی یوری لوبوچن افتتاح گردید این موسسه فقط به منظور تصفیه گاز کاربو نیک که در خون تأثیر داشته شروع به فعالیت نموده است.

در صورتی که خون در شرابین لخته شود گاز کاربن میتواند در تصفیه و عادی گردانیدن جریان خون نقش مهم ایفا نماید که در گذشته ها کمتر درین مورد فکرمی شد.



ستازان طب، حین بررسی تصفیه مواد کاربونیك دیده میشود.

ترجمه : حبیب الله عمادی

چگونه کاربن در تداوی و نجات

بعضی از امراض بکار می رود؟

زمانیکه برای اولین بار گازات کشنده در جنگ جهانی اول مورد استفاده قرار گرفت در حدود اضافه تر از ۶۰۰۰ نفر جان شان را از دست دادند. از آن زمان به بعد دانشمندان و متخصصین در صدد آن بر آمدند تا وسایل ضد گازات زمانیکه برای اولین بار گازات کشنده در جنگ جهانی اول مورد استفاده قرار گرفت در حدود اضافه تر از ۶۰۰۰ نفر جان شان را از دست دادند. از آن زمان به بعد دانشمندان و متخصصین در صدد آن بر آمدند تا وسایل ضد گازات



تکنشین های ورزیده، حین انجام تحقیقات و بررسی تأثیر مواد کاربن

متخصصین طب در جهان امروزی عقیده دارند که بشر در آینده نزدیک قادر خواهد بود تا چنان کارهای بزرگ را انجام دهد که در گذشته های دور وحی در شرایط فعلی انجام چنین عملیات و کار ها، بعید به نظر می رسد آن زمان است، که حیات و مسئولیت حیاتی آدمیزاد در مقابل هر گونه مصائب جسمی تضمین خواهد شد.

یکی از متخصصین ورزیده چنین می اندیشد که اگر طب و طبابت فقط در خدمت کسالتی باشند که آن را فقط وسیله درآمد و منافع شخصی میدانند، طبابت به سطح نازل تنزل خواهد نمود و این امر در جوامع سرمایه داری زیاده تر مروج بوده زیرا قانونندی جوامع سرمایه داری که بر سلووده منافع شخصی استوار است همه چیز را فقط با معیار پولی ارزیابی میکنند اما در جوامعی که مالکیت شخصی به مالکیت دسته جمعی مبدل گردیده این امر کاملاً جنبه اجتماعی پیدا نموده و حیات انسان والا تر و بالاتر از همه چیز قرار میگیرد و تلاش های متخصصین

در جهت بهبود وسایل طبی و حفظ حیات انسانها مینول میگردد نه از دید درآمد شخصی.

پیر و زی نهایی از آن خلق فلسطین

جوانب منفی معاهده کمپ دیوید و اثرات زیان بخش آن در امر غلبه جهان عرب بر صهیونیسم که به قسم دو جانبه در پشت پرده به اقصاء رسیده با گذشت زمان بر ملا تر شده و موقف های دو همبازی کمپ دیوید با اشاره امپریالیسم بین المللی روز تا روز آفتابی می شود .

چندی قبل تشرات رسمی ایالات متحده امریکا در مورد تیزس انعطاف پذیری و تمایل واشنگتن به معضله فلسطین سخن پراگندی نموده و از رسیدن به تدویر دیالوگسی با سازمان آزادی بخش فلسطین در آینده نزدیک چیزهایی نوشتند که حوادث بعدی ثابت ساخت که این مشورت ها و گفتگو ها نتوانست از سطح یک مائور دیپلوماتیک خارج شود . بروز به اصطلاح تمایل مذاکره با سازمان آزادی بخش خلق فلسطین وسیله ارضاب دیگری است که امپریالیسم در مقابل کشور های عربی و در قدم اول در برابر نول مولد نفت حوزه خلیج فارس بکار برده و بدین ترتیب در صدد استحکام نفوذ خویش برآمده است .

واقعیات نشان داد که در نتیجه نارضایتی اسرائیل و حامیان آن در ایالات متحده، قصر سفید با عجله و شتاب زدگی اعلام داشت که در سیاست امریکا نسبت به فلسطین و سازمان آزادی بخش آن هیچگونه تغییری رونمائی نشده است .

رویداد های سیاسی گواه بر آنست که حلقه های ضد فلسطینی در واشنگتن به حقوق حقه خلق فلسطین برای تعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل فلسطین احترام نداشته و سازمان آزادی بخش فلسطین را به حیث یگانه نماینده قانونی خلق عرب فلسطین برسمیت نمی شناسند . بطور مثال در مصاحبه که اخیرا در روزنامه «نیویارک تایمز» به چاپ رسیده ، سعی شده تا پرابلم فلسطین به سطح خود مختاری داخلی پایین آورده شده و در برابر تشکیل دولت مستقل فلسطینی چپه گیری شود .

درین حال و احوال سیاست طرد سازشکاری سازمان آزادی بخش فلسطین ضربه مهلکی برخیزال خام و باطل دیپلماتهای جهسان امپریالیستی وارد نموده و به آنها ثابت شده که این سازمان در برابر حقوق غیر قابل انکار خلق خویش به سازشکاری و تسلیم طلبی متوسل نخواهد شد .

استغناء نماینده دایمی ایالات متحده در سازمان ملل متحد بخوبی واضح ساخت که چگونه حلقه های صهیونیستی و هواداران اسرائیل، زعماداران اسرائیل را در راهی که پیش گرفته اند تشویق و ترغیب می کنند .

حمایت بی چون و چرای سیاسی، نظا می اقتصادی تل ایب از جانب کشور های امپریالیستی، به تهاجم نیرو های صهیونیستی بر کشور های همسایه توانایی بیش داده و باعث می شود تا حق انکار ناپذیر خلق فلسطین زیر پا و زمینه تجاوز بر دیگران بیشتر از پیش فراهم گردد . تشدید پیروسی ترور و فشار که سمت عمده سیاست اسرائیل را در مناطق اشغالی تشکیل میدهد انعکاس

فلسطین است .

یابان



قهرمانه غشی ویشتو نکى دخلى لو بی دتمیرین په حال کی لیدل کیری .

د غورندوی

د شوروی اتحاد د تکره غشی ویشتو نکى

بشپړه تو گه زده شی او په عین وخت کی باید لوبغاړی به فزیکي او روانی بڼه تربیه ولری ځکه مسابقه د ختمیدو نه خو شیبی مخکی نتیجه ور کوی .

دی پیغلی د لومړی ځل لپاره په ۱۹۷۰ کال خپل لومړی غشی له لیندی ځینی خو شی کړ . له هغی نیټی نه تر اوسه دی خو واره دغواپی هغه ستر که چی قطر یی دولس سانی متره ده د لیندی په غشه ویشتملی ده . او ددی ویشتونو شمیر نژدی زر څلو ته رسیدی . ددی

قهرمانی پیغلی د سپور تی جایزو کلکسیون د شوروی اتحاد د قهرمانی مدال ، د ۱۹۷۵ کال طلا یی جایزی ، دار ویا د قهرمانی طلا یی مدالو نو او د ۱۹۷۶ کال د مونتر یال له مدالو نو څخه عبارت دی او داسی اټکل شوی چی دمسکو داو لمپیک دلوبو طلا یی مدال به هم ددی په کلکسیون کی اضافی شی .

د شوروی اتحاد د خلکو سترگی به لاره دی چی دمسکو داو لمپیک به مسابقو کی به ددی د هیواد تکره غشی ویشتو نکى پیغله طلا یی مدال تر لاسه کړی . دا تکره پیغله زیب النساء نومیری او د شوروی اتحاد د تاجکستان د جمهوریت په مرکز یعنی ددو شنبی په ښار کی استو گنه لری .

دا تکره غشی ویشتو نکى دعالی دار المعلمین د وروستیو ټو لگی محصله ده او ددی د دیپلوم د دفاع مو ضوع د لوبو او ورزشس سایکا لوژی ده چی ددی مو ضوع د دفاع نه به وروسته دیپلوم او شپا دتنا مه تر گو تو کړی . دمسکو دغشو ویشتونکو دتیم مشر عقیده څرگندوی چی دا پیغله به دمسکو داو لمپیک په لوبو کی طلا یی مدال تر لاسه کړی . دغشی ویشتلو په لوبه کی یواځی دتیمی ویشتل کفایت نه کوی بلکی لازمه ده چی داهتر به

رژیم ارتجاعی و دست‌نشانده امپریالیزم افریقای جنوبی دوبار تجاوز نمود. که در نتیجه آن چندین پل ویران شد و بیش از بیست نفر اشخاص بیگناه ملکی بقتل رسیدند. امپریالیزم بین‌المللی به چنین تجاوزهای غیر قانونی و ضد انسانی حقوق بشر اکتفا نکرده. و بطور مداوم باید هاو دسته‌های تروریستی را در این کشور عسی فرستند. امپریالیزم بین‌المللی بعد از مرگ اگوستینو رهبر انقلابی آنکشور آرزو داشت تا این کشور از مسیر سوسیالیسم طفره خواهدرفت. و راه رشد پر از رنج و عذاب کاپیتالیستی را اتخاذ نمود.

ولی این خواست امپریالیزم بین‌المللی نیز نقش بر آب شد. در اجلاسیه تا ریخی ماه سپتمبر کمیته مرکزی حزب کارگر جمهوری خلق انگولا جوگی ادوارد و دوش را بحیث رئیس جدید حزب انتخاب نمود. که به اساس قانون اساسی انگولا وی رئیس جمهور آنکشور نیز می‌باشد. درین اجلاسیه جوس، ادوارد دوش خاطر نشان نمود، که دولت انقلابی خلق انگولا به اساس پرنسپ‌های اصولی و علمی ایدیالوژی دوران ساز طبقه کارگر، در مسیر نظرمند سوسیالیسم به پیش خواهد رفت. و درین راه تمام موانع را که ارتجاع محلی آنکشور و امپریالیزم آبرو باخه بین‌المللی ایجاد می‌کند یکی بر دیگری عقیم خواهد ساخت.

همچنان او اعلام نمود که «حزب کارگر جمهوری خلق انگولا و دولت انقلابی با درک رسالت‌مندی تاریخی خود، راه را که اگوستینو در برابر خلق انگولا گشوده بود با متانت و بی‌گیری تعقیب خواهد کرد». روابط دوستانه بین اتحاد شوروی و جمهوری خلق انگولا از همان زمانی آغاز یافته است که خلق‌های انگولا تحت شرایط دشوار برضد ارتجاع داخلی و امپریالیزم در جنگ بودند. همکاری‌های این کشور با کشورهای دیگر جامعه سوسیالیستی و تمام کشور های

صلح‌نوست و مرفی جهان گسترش می‌یابد. اتحاد شوروی در قسمت صنایع ترانسپورتی، مخابرات، جیولوژی و غیره کمک‌های فراوانی بآن کشور نموده است و عده زیادی از محصلان آنکشور در پوهنتون‌های اتحاد - شوروی به کسب تحصیل می‌پردازند، و کادر های فنی زیادی این کشور در اتحاد - شوروی تربیت فنی و تکنیکی یافته اند.

جمهوری خلق انگولا دوست وفا دار تمام جنبش‌های ملی و ضد امپریالیستی قسا ره پناور افریقا و سراسر جهان می‌باشد و مبارزات ضد امپریالیستی این کشور بخش

از پروسه انقلابی جهان را تشکیل میدهد. به جرئت می‌توان گفت که انگولا در آینده نزدیکی در شاهراه سوسیالیسم موفقیت‌های

مزیدی را نصیب خواهد شد. و توطئه‌ها و دسایس امپریالیزم بین‌المللی جز نقش بر آب شدن چیزی دیگری را در قبال نخواهد داشت.

زراعتی دولت انقلابی انگولا سیستم کورپراتیوی را در سرتاسر آنکشور تعمیم نموده است. تا بحال درین کشور چارصد و پنجاه کورپراتیف بزرگ زراعتی و ساحه بیش از چهار میلیون

هکتار زمین را احتوا میکنند کمیته مرکزی حزب کارگر انگولا در ماه دسامبر سال ۱۹۷۸ فیصله بعمل آورد. که دولت باید صنایع کوچک خصوصی و بورژوازی ملی متوسط و کوچک را تشویق و ترغیب نماید در سراسر کشور معافه‌های بزرگ خلقی تأسیس شده است که نیاز مندی روزمره زحمتکشان را با تنزیل در قسمت‌ها رفع می‌نماید طبقه کارگر این کشور در اثر مساعدی دولت و حزب کارگر جمهوری خلق انگولا از لحاظ شعور سیاسی به سطح عالی‌ترین قرار گرفته است. دولت انقلابی انگولا برای امحای یسوا دی که میراث شوم رژیم‌های استعماری گذشته می‌باشد اقدامات ارزشمندی را در ساحه عمل پیاده نموده است. تا بحال در طی دوره کوتاه بعد از انقلاب به تعداد یکصد و نود هزار نفر از نعمت سواد بهره‌مند گردیده اند. حزب کارگر انگولا و دولت خلقی آنکشور ریشه‌های عمیق توده‌ای و مردمی دارد. و در اثر مجاهدت آنها و حدت موجه بیشتر شما طبقات زحمتکش و اقشار مرفی تحقق یافته است.

چنانچه کمیته‌های با صلاحیت حزبی در بیش از هفده ایالت این کشور تأسیس شده است. و درین کمیته‌ها هزاران زحمتکش و روشنفکران مرفی شرکت دارند و در حال حاضر تعداد اعضای این حزب بیش از هشتاد هزار نفر می‌باشد.

در جلسه‌های سر قاسری حزب کارگر جمهوری انگولا در ماه مارچ خاطر نشان گردید که دولت باید سطح تولیدات مادی را بلند برد. و در تمام ارگان‌ها و موسسات دولتی و اجتماعی باید دسپلینی کارگری حکمفرما باشد.

دولت انقلابی انگولا برای تدریس ایدیالوژی و اندیشه‌های طبقه کارگر بیش از هفت مؤسسه تعلیمی را تأسیس نموده است. اتحادیه‌های کارگری این کشور نیز نیرومند شده است و بیش از نیم میلیون کارگران در این اتحادیه‌ها عضویت دارند سازمان‌های جوانان و زنان این کشور نیز منسجم تر گردیده است.

ولی این پالیسی خلقی و ضد امپریالیستی انگولا باعث نگرانی قوای ارتجاع و امپریالیزم گردیده است. و ازینرو در راه تحقق اهداف انقلابی جمهوری خلق انگولا دسیسه‌ها و توطئه‌های خرابکار را می‌چینند. درین مورد حکومت ارتجاعی و تبعیض‌پسند افریقای جنوبی از همه قوای امپریالیستی پیش قدمی می‌کند. و چندین بار به قلمرو‌های جمهوری خلق انگولا تجاوز نموده است. چندی قبل در قسمت‌های جنوبی جمهوری خلق انگولا قوای تجاوزکار

بتاریخ یازدهم نومبر سال جاری خلق‌های انگولا را جشن گرفتند. این کشور انقلابی افریقای در طول چهارده سال تحت شرایط فوق العاده دشوار بر ضد امپریالیزم، قوای تبعیض طلب افریقای جنوبی و استعمار پرتگال مبارزه نموده است. و بعد ازین تاریخ مجدانه در راه اعمار جامعه فاقد بهره‌کشی تمام نهاده است. در اولین کانگرس جنبش خلق برای آزادی انگولا در سال (۱۹۷۷) تأکید به عمل آمد که این جنبش پیش آهنگ طبقه کارگر این کشور می‌باشد. و با ایدیالوژی دوران ساز طبقه کارگر مجهز می‌باشد. خلق‌های انگولا سالجتن جمهوری خلقی را در حالی استقبال می‌نمایند که اگوستینو رهبر فقید آنکشور در میان خلق آنجا نیست، اگوستینو رهبر انقلابی خلق‌های انگولا بتاریخ دهم سپتمبر سال جاری در گذشت. او خلق‌های این کشور را در سال‌های جنگ عادلانه خلق‌های این کشور برضد استعمار پیروز نموده رهبری نمود. چنانچه در سوره‌گواری این رهبر انقلابی ده‌ها هزار انسان زحمتکش این سرزمین اشتراک نمودند.

بعد از انقلاب خلقی درین کشور سیمای جامعه بصورت دینامیک تغییر نموده است. ترفیات مزید کنونی اقتصادی اجتماعی این کنسور دینامیزم تغییرات انقلابی را به وضاحت نشان می‌دهد. در ماه‌های می و جون سال جاری بیش از یکصد هفتاد و هفت دستگاه‌های بزرگ ترانسپورتی تجارتنی و غیره در لوندنا (مرکز انگولا) و دیگر شهرهای این کشور تحت کنترل مستقیم دولت گرفته شد. مثال چهارم انقلاب بنام سال‌تربیه کادرها و پرسونل فنی اعلام شده است.

ذخایر نفتی این کشور کاملاً تحت کنترل دولت می‌باشد. و در عواید محصولات و تولیدات نفتی این کشور تولید قابل ملاحظه ایجاد شده است. تولیدات نفت این کشور در هر سال هشت میلیون تن میباشد. در تعداد فابریکات صنعتی و دستگاه‌های بزرگ انرژی بسرق نیز افزایش بعمل آمده است. منازل مسکونی و راه‌های برای فامیل‌های زحمتکشان دوسر تاسر انگولا تحت اعمار می‌باشد. و دولت انقلابی انگولا برای بهبود سطح تولیدات نعم مادی در کشور اقدامات موثر را روی کار گرفته است. در دهات نیز پیوسته رژیم‌های رادیکال انقلابی تحقق می‌یابد. برای بلند بردن سطح تولیدات زراعتی بهبود شرایط زندگی دهقانان تامین و هم‌بستگی دهقانان با کارگران و اقشار زحمتکش دیگر دولت انگولا بیش از دوهزار فارم بزرگ در گوشه و کنار کشور تأسیس نموده است. اکثر امور مربوط به فارم‌ها و غیره با کارهای رفیقانه و داوطلبانه جوانان و زحمتکشان تحقق می‌یابد. بطور مثال در ماه اکتبر بیش از شصت تیم جوانان و زحمتکشان این کشور به روحیه رفیقانه در یک فارم بزرگ زراعتی در حصه شمال شهر لوندنا کار نمودند. در دهات این کشور مناسبات قسرو نسطایسی و پاتریکال و همچنان رشد طبیعی و کند اقتصاد خاتمه یافته است، و رهبر این کشور علاقمندی خاصی به بلند بردن سطح کلتوری و معنوی مردم انگولا دارند. بمنظور تطبیق اصل مدر نیزه کردن امور

از نیونایمز
ترجمه: احسان آذری

جمهوری خلق انگولا در مسیر سوسیالیزم

مد تنها است که دیگر کسی به کار های خارق العاده و غیر طبیعی باور ندارد. معینا نیم قرن نمایش شعبده باز نا می شوروی ا میل کیو خلاف این ادعا را بیان می کند. او در نمایش های خود آدم ها را در برابر چشمان حیرت زده تماشاگران نا پدید میساخت، پیا پی بزرگ را بدون آنکه بان دست بزند به حرکت در میآورد و علی الرغم قانون جاذبه آن را در میان هوا معلق نگه میداشت. او دختر زیبایی را در درون قفسی بزرگ از سقف سیرک میا و یخت و بعد در یک چشم بهم زدن دختر زیبا را به شیری درنده بدل میساخت. دختری دیگر را باره یی بزرگ (از نیمه قطع) میکرد و دیگری را بدون اینکه کو چک ترین آسیبی به وی برسد به درون شعله های آتش پرتاب میکرد. اودا و طلبانی از بین جمعیت می خواست، آن ها را در درون صندوقی بزرگ قفل میکردند ولی در مدت کمتر از یک دقیقه امیل کیو از ردیف های بالایی تیاتر ظاهر می گردید.

روز نا مه های بسیاری کشورها کیو را یکی از بر جسته تر یمن شعبده بازان عصر ماویکی ا ز معما های قرن بیستم تو صیف کرده اند. او با نمایش های مهیج و شکفت انگیز خود سر تا سر اروپا آسیا و افریقا را فتح کرده بود. مرد مان عا می از شگرد ها و چال های او در شکفت میشدند و استادان فن مهارت و توانایی بی نظیر او را می ستودند. نام کیو مترادف کارهای ناممکن و حتی به ضرب المثل مبدل شده بود. مثلا و قتی کسی می گوید (من که کیو نیستم) مرادش اینست که نمی تواند کاری ناممکن را انجام دهد.

امیل تیو دوزو بیچ در سال ۱۹۶۵ جهان را وداع گفت. جسد او بروی صحنه سیرک جایی که اودهاسال بر آن حکومت میکرد قرار داده شد، هنر مندان هنر پیشگان و دیگر علاقمندان در مقابل جسدش به صف ایستا دند تا آخرین درود و احترام خود را نثار این نمایشگر بزرگ کنند. شام همان روز کلمه ای آشنای کیو یکبار دیگر بر سر درو رودی سیرک ظاهر گشت. مرد با- امیل نخستین بار و قتی فقط دو سال داشت بروی صحنه سیرک ظاهر گشته بود واقعه چنان بود که وقتی پدر و مادرش خود را برای اجرای نمایش آماده می کردند در پشت ستیز کسی اورا اذیت کرد و او هم از لچ خود را درون صندوق جادویی پدر پنهان کرد و قتی نمایش آغاز شد صندوق به صحنه سیرک انتقال داده شد و در آن باز شد تا نشان داده شود که درون آن خالیست که ناگهان امیل از درون صندوق بیرون پرید البته تما شا گران به حساب اینکه این هم یک شوخی و جزیی از نمایش است شروع به کف زدن کردند!

دومین ظهور او بروی صحنه هم بسیار جالب بود خود ش در یمن مورد می گوید: (من در آن زمان سه سال داشتم و همراه پدر و مادر برای اجرای نمایش به سیرک رفته بودم. پدرم و مادرم بروی صحنه مشغول اجرای نمایش بودند و من ایشان را نظاره میکردم. مادر درون جعبه بزرگ چو بی خوابید، پدر اره ای بزرگی را در دست گرفت و شروع کرد به اره کردن و دو نیم کردن صندوقی که مادر در آن خوابیده بود من بروی صحنه پریدم و بامشت های کوچکم شروع کردم به زدن پدر در حالیکه فریاد میزد (اورا آزاد کن! آزادش کن) همه عجبی برپا شد. بالاخره مادر بدون اینکه آسیبی دیده باشد از درون صندوق بر خاست مرا بو سید دو باره بر جایم نشانید! امروزه خودم هم سرم را بر روی صحنه درون جعبه می گذارم و او را



از سپو تنیک

تر جمه (نیزک)

برادران کیو - شعبده - بازان نامی شوروی



امیل کیو (برادر بزرگ) همراه با موتر در یک چشم بهم زدن بدون باقی ماندن اثری از خود و موتر از مقابلی چشمان تماشاگران غایب می شود.



ایگور کیو اسپستانانت خود را بدون اتکالی درین زمین وهوا معلق نگه داشته است .

کاری از پیش نبردند. آن ها شخصیت ها و کار اکثر های نا متجانس بودند طبیعت ها و ذو قهای مختلف داشتند . و بالاخره از هم جدا شدند و بین شان شکاف ایجاد شد . ایگور جوان نقش و کار پدر را به ارث برد . امیل پذیرفت که تقبل یک چنین نقشی بسیار دشوار خواهد بود . بالاخره او نمایش های خاص خود را بوجود آورد اسپستانانت های رابکار گرفت ، شگرد ها و چال های راکه از پدر آموخته بود و چیز های راکه خودش اختراع کرده بود بنمایش گذاشت .

قبل از اینکه نمایش های جدید شکل گیرند و عملی شوند شبها روز های بسیاری ، طراحان متخصصین نورو مکا نیک ، کارکنان قدیمی سیرک و بسیاری دیگر تلاش های خود را برای تحقق بخشیدن ایده های ایگور در عمل بکار انداختند . تاکنون امیل کیو (برادر بزرگتر) بیش از پنج هزار نمایش در تقریبا تمام سیرک های عمده جهان انجام داده است . در هر جایی مردم در برابر غرفه های فروش تکت ازدحام میکردند و مطبوعات نمایش های او را ستایش میکردند .

ایگور عالیترین جایزه هنری سیرک و جایزه اسکار را کسب کرده است . در جاپان گروهی از برجسته ترین دانشمندان بحث عمومی را در باره شگردهای باور نکردنی این نمایشگر شوروی دایر کردند . حتی از او پرسیده شد جای دخترانی را که در نمایش آن هارامی سوزاند . چگونه پرمی کند . او با سخن گنایه آمیزی جواب داد من باری از دختران به همراه دارم . این ذخیره تا ختم سفرم کفایت می کند در سیرک شو روی دو کیو وجود دارد . شگرد ها و چال های آن ها بعضا با هم شباهت دارند .

ایگور شخصیتی مسطور تحرك است . در حالیکه برادرش مردی آرام و محبوب و دورونگرا است . این دو چهره ها بی نام آور سر کس شوروی اند و مرتبا چیز های تازه بی بر میراث هنری پدر شان می افزایند .

سیرک بمثابه خانه او بود ، خاطرات اواز ها و بیرو بارو فضای شاد سیرک انباشته بود . امیل تیود دورویچ (پدر) تشخیص داد . بود که ایگور وارث حقیقی او می باشد و بنابراین تمام رازهای حرفه خود را با وی در میان گذاشت . از یورو ایگور بخوبی آمادگی یافته بود . او در پانزده سالگی نمایش حرفوی خود را اجرا کرد .

روزی پیش آمد کرد که امیل تیودورو پیچ مریض شد و به شفاخانه انتقال داده شد . همه حیران بود که چه باید کرد ؟ چگونه جای پر نشدنی امیل تیودورو پیچ را پر کرد ؟ ایگور بعد از آن تقریبا نیم نمایش را به تنهایی انجام داد .

حتی امروز نیز وقتی ایگور آن زمان را بخاطر میاورد به هیجان میاید . او میگوید :

من بروی صحنه ایستا دم بدون اینکه تماشاگران را ببینم ، احساس گیجی میکردم . وقتی نمایش را تمام کردم کارگردان نزدیک آمده مرا بو سید . و بالای شان هایش سوار کرد من معتقد شدم که موفق خواهم شد . من دو ماه تمام به تنهایی نمایش را اجرا میکردم تا آنکه حال پدر خوب شد و من دوباره به حیث اسپستانانت او به کار پرداختم .

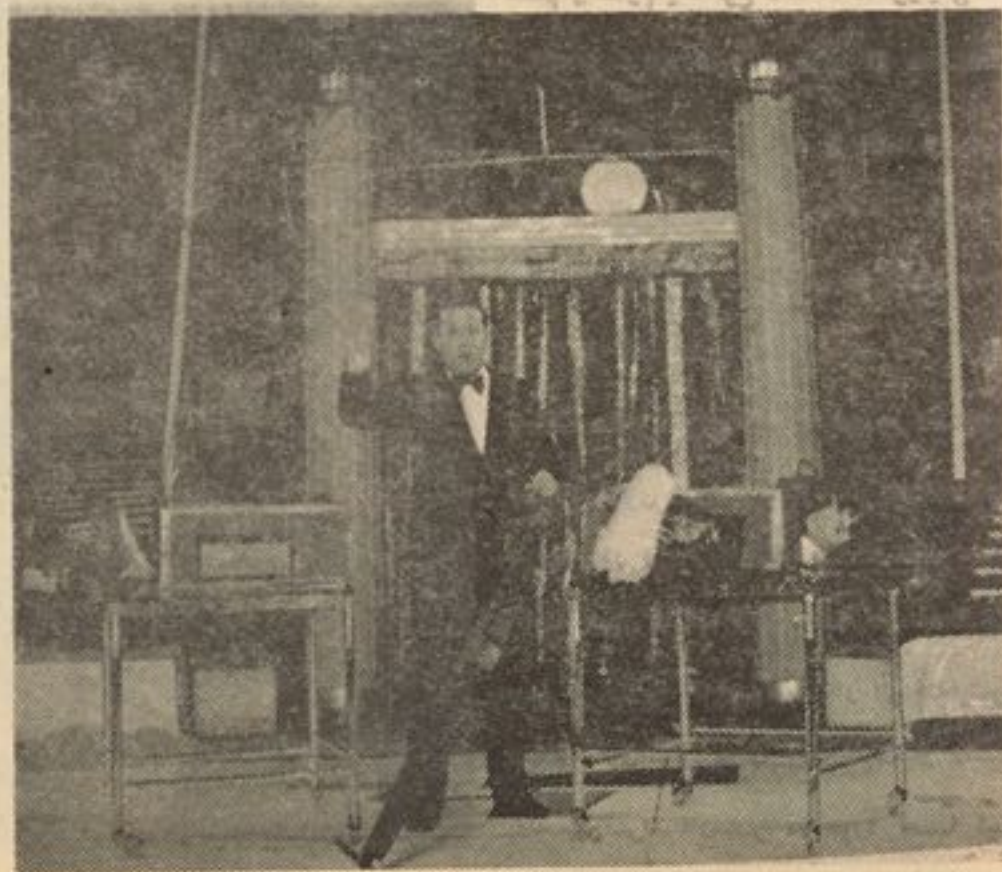
بعد از مرگ پدر ، هر دو برادر یکجا به کار پرداختند و لی چندان

(اره) می کنم در حالیکه صدای کف زدن ها و تحسین تماشاگران را می شنوم) .

امیل از کودکی چندان به کار سیرک شیفتگی نشان نمیداد و کار پدرش غلاقه او را زیاد جلب نمیکرد در حالیکه برادر کو چکترش ایگور همراه با گروه سیرک با طرف کشور سفر می کرد امیل در مسکو می ماند و در درس ها یش غرق می بود . و نمرات خوب می گرفت . او مخصوص در فزیک ، ریاضی و کیمیا شاگرد لایقی بود . در سال ۱۹۶۰ او از از انستیتوت انجیری ساختمانی مسکو فارغ التحصیل شد و به حیث انجیر شروع به کار کرد . ولی باید درون

او جرعه یی بوده باشد که یکبار مسر کشید . روزی فرار سید که امیل حس کرد نمی تواند بدون سیرک زندگی کند او بشوخی میگوید : ندای اجداد من مرا بسوی سیرک فرا خواند . شورای خانوادگی دایر شد همه کوشش میکردند او را متقاعد سازند که از تصمیمش باز گردد ولی او با آرامش و قاطعانه بر تصمیم خود اصرار می کرد او حس میکرد در غم ها و شادی های پدرش به حیث یک نمایشگر سپیم است .

وقتی امیل نخستین نمایش حرفوی خود را انجام داد برادر جوانتر او ایگور قبلا یک نمایشگر سابقه دار سیرک بود . از آوان کودکی صحنه



ایگور کیو اسپستانانت زیبای خود را از نیم تنه اره کرده است .

انستیتیوی حیاتی و طبیعتی ایران

کهن سال ترین موجودات تاریخی



کهن سال ترین آثار تاریخی که قدمت ۳۱۰۰ سال دارد در جهان تاکنون کشف نگردیده بود اما دانشمندان مربوط باستان شناسی به اثر زحمات و تلاش های شباروزی شان توانسته اند کهن سال ترین موجودات تاریخی را در یابند این آثار تاریخی عبارت از مجسمه ده حیوان است که روی عاج کنده شده و در پوهنتون توپنگن در معرض نمایش عامه قرار گرفته است. این مجسمه های کوچک که در حدود چند سانتی متر طول داشته و در آن شاخ اسب های وحشی بصورت برجسته نشان داده شده است. کشف گردیده است. به اثر تحقیقات که به عمل آمده و دانشمندان

در مورد آن ابراز نظر نموده گفته اند که این ابدات در حدود ۳۱۰۰ سال قبل وجود داشته است آثار مذکور در قسمت شهر هیدن هم کشف گردیده است.

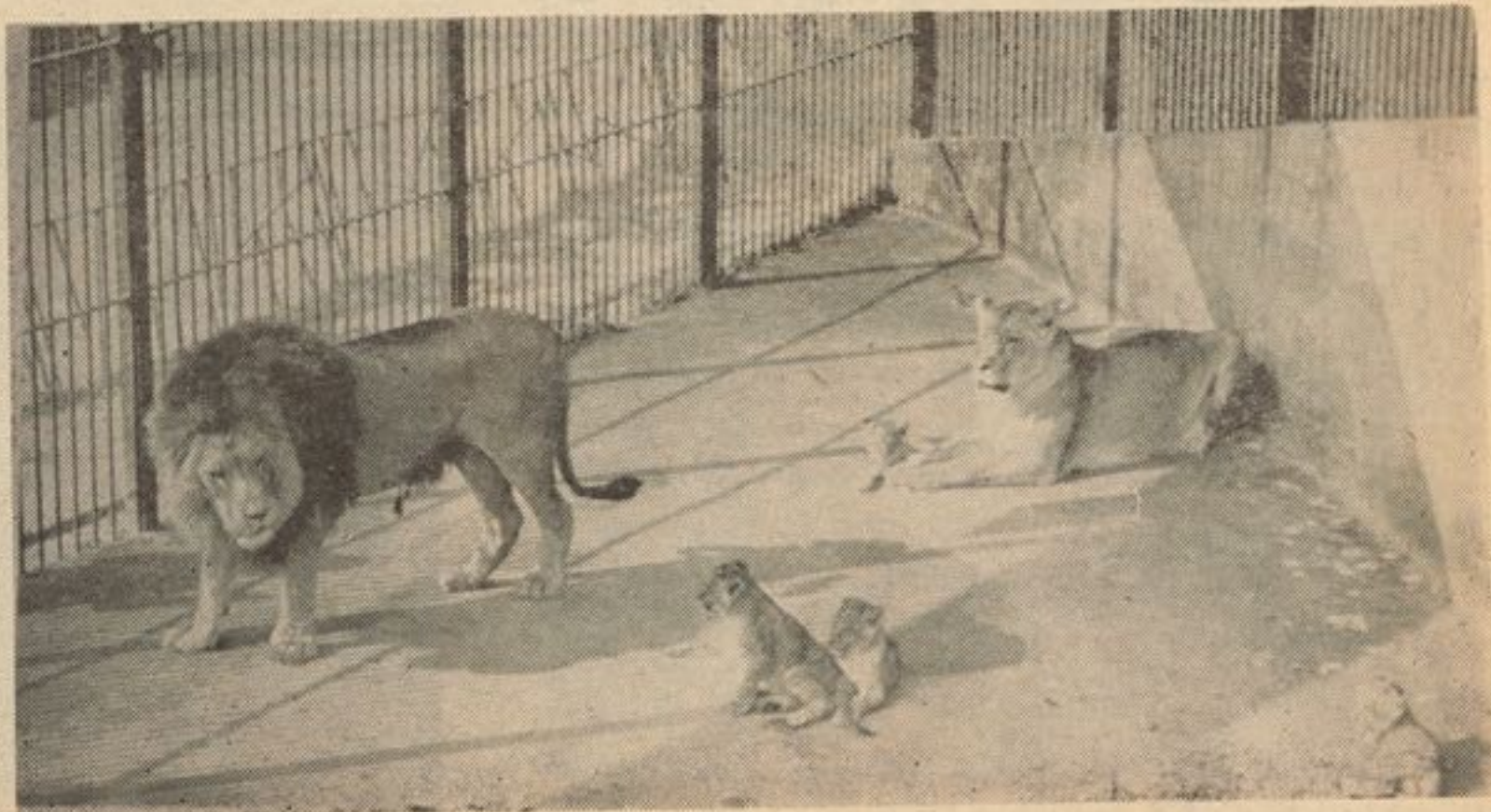
استفاده همه جانبه از باغهای وحش

باغ و وحش که در سوا حل بحیره سیاه در حصص شمالی شهر واد نا موقعیت دارد اخیرا بحیث یک مرکز بزرگ تحقیقات و زیکی مبدل گشته است. گروه بزرگی از دانشمندان امور زو لژیکی از کشورهای مختلف حوزه با لقا ن هر سال در این مرکز سرازیر شده در چو کات سمپو زیوم ها و سمینار ها به بحث و مذاکره میپردازند.

باغ وحش بحیره سیاه نه تنها اکنون یک انستیتو تحقیقات امور زو لژیکی در حوزه با لقا ن بشمار میرود بلکه در عین حال در جلب و تشویق توریزم نیز نقش مهمی را بازی می کند.

در این باغ انواع واقسام پرند ها ن حیوانات و خزند ها ن که نظیر آن در سراسر دوا ل کمتر دیده میشود جمع آوری و به نمایش گذاشته میشود. در او اسط تا بستان سال جاری در یک فامیل حیوانات از یک شیر ماده چهارهنگام تر تولد گردید که اکنون تعداد حیوانات این نفس به شش میرسد. بمنظور جلوگیری از معلوم شدن نسل حیوانات بخصوص حیوانات درنده در نظر است الی او آخر سال آینده سه پروگرام نسل گیری در باغ های وحش بلغاریا تحت نظر زولو.

جستان تطبیق و عملی گردد. کشور خلق بلغاریا یگانه کشوری است که در حوزه با لقا ن در مورد احیای نسل حیوانات درنده مساعی زیادی را بخرج میدهند.



گوشه از زندگی یک جفت شیران بانوزادان آنها

دستگاه جدید برای اندازه گیری فلزات

اخیرا عده از دانشمندان امور فلزکاری شهر بور گاز موفق به بکار انداختن یک دستگاه جدیدی شده اند که با استفاده از آن میتوان عمق و ضخامت انواع و اقسام فلزات را اندازه گیری نمود.

دو سال قبل در یکی از لابراتوار های شهر بلا گوگراد چنین احساس گردید تا بمنظور اندازه گیری مقاومت انواع و اقسام فلزات خیلی

محکم و مقاوم یک نوع دستگاه الکترونیکی تحت ساختمان گرفته شود. دوتن از دانشمندان شهر بور گاز حاضر شدند تا نقشه و دایگرام این دستگاه را پی ریزی نمایند. در اواخر سال (۱۹۷۸) امور ساختمانی آن پایان رسید و پس از آنکه راپوری در زمینه نشر گردید دستگاه مذکور برای اولین مرتبه در انستیتو تحقیقات فلزی شهر بور گاز بکار انداخته شد. طوری که در راپور تذکار رفته دستگاه جدید اندازه گیری فلزات از سه حصه علیحدہ متشکل بوده توسط یک تریپتور بکار انداخته میشود دستگاه فوق الذکر به یک ولتا ثابت نیاز داشته به نصب ترانسفارمر در مورد فعالیت احتیاجی بنظر نمیخورد.



والری هنگام ترتیب کلکسیون چوب های هاکمی دیده میشود

یک کلکسیون عجیب

زیرا والری اسمای تمام اشترک کنندگان مسابقات قهرمانی هاکمی را بیک می آورد. یکی از این جوانان هائنامستیک سویدبرگی شناخته شده است که بهنامیت مرغک تراژیک بیک پلیر سویدلی (لینارد سویدبرگ) بنام مذکور مسمی گردیده است. اگر چه والری هرگز به بازی هاکمی نپرداخته است او با علاقه عطش ناپذیر به تحریر و تسویق این بازی وقت خود را وقف نموده است موصوف هیچیک از مسابقات مهم افرای را می نکرده و توجه زیاد به دایر شدن چنین جلسات تریبوی داشته است او نزد جوانان سازان - پلیران - دوکتوران خیلی مشهور و شناخته شده است و از طرف این اشخاص تسویق میگردد تا والری کلکسیون خود را توسعه دهد.

تلفون بداخل موتر

مشترکین این سرویس تلفون تعهد کرده اند که برای بکار انداختن این تلفون های بیسیم مبلغ هشتاد هزار ین (واحد پول جاپان) و برای هر بار تلفون کردن شش نایبه بی ده ین بر علاوه محصول ماهانه (سی هزار ین) بپردازند.

برای اینکه سرویس تلفون مذکور بتواند کار کند ۱۳ استیشن فرعی بی سیم در شهر توکیو اعمار خواهد شد. و در یوران در ساحه قابل تماس شان می توانند دستگاه های تلفون را بداخل موتر های شان نصب نمایند. این شبکه از دریوران خواهد خواست که آنها هنگامی که حرکت سریع دارند و یا زمانی که از دحام ترافیک بوجود می آید نباید تلفون نمایند.

گروه های مخالف به نسبت اینکه سرویس جدید باعث بوجود آمدن واقعات های ترافیکی خواهد شد انتقاد نموده اند.

انجنیر والری زلوبین یک مشغولیت عجیب دارد او چوبهای هاکمی جمع کرده و چوبان های نامبرده را به سلسله نامگذاری شان ترتیب داده است که بدون استثناء اکثر این ستیک های کلکسیون مذکور به بازیکنان مشهور هاکمی جهان در دهه اخیر مربوط بوده و تماماً مزین به امضای خود مصنف می باشد همچنان والری مخصو صا افتخار جمع آوری آن ستیک های را دارد که توسط پلیران شوروی: وینیامین الکساندر و ف - الکساندر - راگولین - ویکتور کوزین اناطولی فیروموف و پلیران کانادائی: پروفسور گوردی - هوی - بابی - هوم - فیل - اسپیو - بابی - ویت - و دیگران طور ماهرانه و استادانه مورد استفاده قرار گرفته است.

این کلکسیون تاریخ قهرمانی تمام جهان و اروپا را از سال ۱۹۵۴ تا کنون نشان میدهد.

دریوران در آینده نزدیک قادر خواهند بود که دستگاه تلفون را بداخل موتر های شان جای داده و حین رفتار در حالیکه از ضیاع وقت و انرژی جلو گیری خواهند کرد به غرض های عمومی تلفون ارتباط بر قرار نمایند.

شبکه بزرگ تلفون و تلگراف (نیپون) یک کمپنی جدید را به منظور فعال ساختن سرویس تلفون (موبل) به اشتراک شرکت موتر سازی و بعضی موسسات مالیاتی جاپان تاسیس خواهد کرد شبکه مذکور قبلا اشتراک غیر یکپوزاموتر را بختاطر سرویس تلفون های اتومات پذیرفته است و توقع میرود که ماه آینده تعداد این اشترک کنندگان دو چند خواهد شد همچنان پیشبینی گردیده است که سال آینده ساحه سرویس مذکور از شعاع پنجاه کیلومتر تجاوز نموده و در بیشتر از ۲۳ سمت تاشیر اوساکا توسعه پیدا کرده و در آینده تعداد مشترکین این سرویس به بیشتر از یک میلیون یونت خواهد رسید.

انسان و دستگاه های خود کار

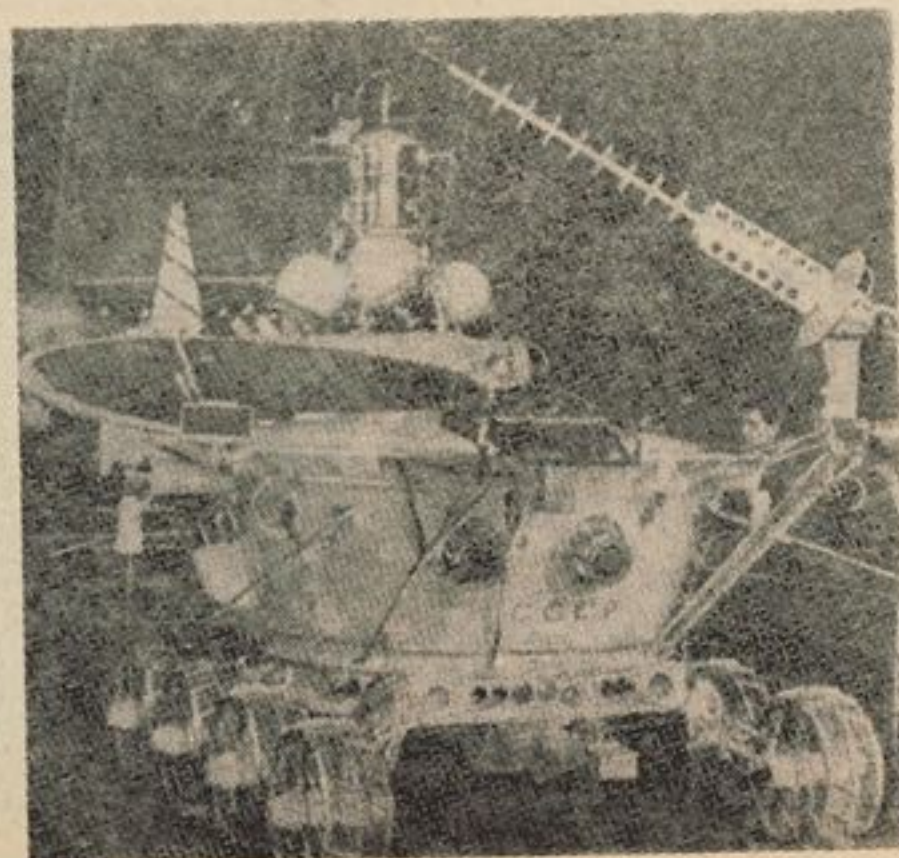
بروی مهتاب

در سال ۱۹۶۹ کشتی فضائی بنام «ایولو» - ۱۱ - یک مسافرت و ماموریت فضائی را بالای سطح کره ماه انجام داد طوریکه دو نفر سر نشینان آن بنام های نیل آرمسترانگ و

آدوین ادرین بروی سطح ماه فرود آمدند میخائیل کالوین در مدار معین مهتاب بخاطر کنترل سفینه شان باقی ماند اولین ماهنورد خود کار شوروی در جنوری ۱۹۵۷ بنضا پرتاب گردید. در همین سال یک ماهنورد تحقیقاتی دومی از نزدیک سطح

مهتاب را اندازه گیری کرد و ماهواره سومی که در ماه اکتوبر همان سال پرتاب گردید مدار مهتاب را دور زده و از سطوح مختلف آن عکاسی نمود. اگرچه مسافرت به مهتاب مستلزم پیاده کردن انسان بروی کره ماه بود مگر مسافرت بدون انسان یک مزیت داشت و آن عبارت از این بود

نشست دورادور آن ساحه را نیز تحقیق و کشف نمایند بعدتر این موضوع پس از اینکه (لونا - ۱۷) شوروی اولین دستگاه خود کار را به سطح مهتاب پیاده کرد آشکار گردید که عمل پیاده شدن مذکور توسط یک دستگاه مسافرتی خود کار بصورت موفقانه انجام داده شد. در آینده بشر قادر خواهد بود که در جوار دستگاه های خود کار، خودش به تحقیقات فضایی بپردازد به این صورت اهمیت مترگ پرواز های فضایی را که تحت پروگرام های ایولو صورت گرفته است نمی توان تخمین کرد زیرا پرواز های مذکور یک حادثه بزرگ در تحقیقات فضایی بشر شمرده که فضا نوردان توانستند علاوه ز ساحه می شود.



دستگاه خودکار «لونا خود»

سینما

در

چکوسلواکیا

سلواکیا ، اکنون بکلی با ادبیات و هنر های زیبای اروپا آشنایی پیدا نموده و موسیقی و شعر و ادبیات آنها در میان کشور های اروپایی بلند آوازه و مجسم کننده زندگانی نوین آنان شده است . گذشته از موسیقی و ادبیات تولید و تهیه فیلمهای سلواکی نیز امروز اهمیت خوبی را در جهان سینما کسب نموده و نمایانگر کلچر درخشان در ساحات گوناگون زندگانی مردمان مختلف چکوسلواکیا میباشد . پیشرفتها و ترقیاتی که در این اواخر نصیب سینمای چکوسلواکیا گردیده است در جهان سینما کم نظیر و چشمگیر میباشد . در چکوسلواکیا سینما در سال ۱۹۴۵ ملی گردید و از آن بعد در

سلواکیا ، اکنون بکلی با ادبیات و هنر های زیبای اروپا آشنایی پیدا نموده و موسیقی و شعر و ادبیات آنها در میان کشور های اروپایی بلند آوازه و مجسم کننده زندگانی نوین آنان شده است . گذشته از موسیقی و ادبیات تولید و تهیه فیلمهای سلواکی نیز امروز اهمیت خوبی را در جهان سینما کسب نموده و نمایانگر کلچر درخشان در ساحات گوناگون زندگانی مردمان مختلف چکوسلواکیا میباشد . پیشرفتها و ترقیاتی که در این اواخر نصیب سینمای چکوسلواکیا گردیده است در جهان سینما کم نظیر و چشمگیر میباشد . در چکوسلواکیا سینما در سال ۱۹۴۵ ملی گردید و از آن بعد در

نمودند . کرد تا پیش از پیش در بوجود آوردن فیلمهای عالی و بی نقص بگویند و در این راه از هرگونه فداکاری و خود گذری مالی و جسمی خود داری ننمایند . در زمانی که فیلم «زمین رامی» در چکوسلواکیا تهیه گردید و موفقیت های درخشانی را کسب نمود هنوز سینمای آن کشور جوان بود و عمر زیاد نداشت . بعد از آن روزگار صنعت فیلم

زیرا این فیلم نمایشگر زندگانی واقعی سلواکیا است و کارها و کار نامه های دلیرانه و خلاق آنها را تمثیل میکند . با تولید فیلم «موسوف در چکو» سلواکیا این امید و آرزومندی رونما گردید که تهیه فیلم و پیشرفت سینما در آن کشور امید بخش است . فیلم «زمین را میخورند» گذشته از شهر های چکوسلواکیا در اکثر



صحنه ای از موفقیت هنر متنان چکوسلواکیا

کشور های اروپایی نیز بمعبرض نمایش قرار داده شد و مورد استقبال گرم مردم واقع گردید و در جهان سینما سرو صدایی را برپا انداخت . نقادان هنر سینمای لندن نیز این فیلم را خوب خواندند و هم در بعضی قسمت ها از آن انتقاد نمودند .

کشور های اروپایی نیز بمعبرض نمایش قرار داده شد و مورد استقبال گرم مردم واقع گردید و در جهان سینما سرو صدایی را برپا انداخت . نقادان هنر سینمای لندن نیز این فیلم را خوب خواندند و هم در بعضی قسمت ها از آن انتقاد نمودند .

همین توصیف ها و انتقادات کارکنان سینما های ممالک اروپایی هنرمندان و تهیه کنندگان فیلم را در چکوسلواکیا سخت تحریک و

اکنون در چکوسلواکیا علاقمندان و دوستداران هنر سینما خیلی زیاد بوده و سالانه یک عده جوانان برای تحصیل در رشته هنر تمثیل و سینما داوطلب میباشند .



ستاره ای از ستارگان جهان فیلم چکوسلواکیا

محسوب میشود کافی است که از موجودیت سینما تو گرافی خوبی در چکو سلواکیا و پیشرفت‌های آن اطمینان داشته و قبول کنیم که کشور مذکور باملی ساختن سینما-تو گرافی، سلواکیا پیشرفت‌های قابل وصفی را نصیب گردیده و در آینده نیز ترقیات شاندار را بدست خواهند آورد.

از قلمها بیکه درین اواخر در چکو سلواکیا تهیه شده یکی هم (جستجو کنند گان روسی) می باشد که توسط (میرو آرنگ) دایرکت گردیده و سمبول عمده صنعت فلم گیری در چکو سلواکیا شناخته شده و نمایا نگر موفقیت های محسوب میشود که در ساحه فلم و هنر سینما نصیب سلواکیا گردیده است.

موضوعات کمیدی هنوز جایی برای خود در فلمهای سلواکیا اشغال نکرده اما انتظار می رود در آینده نزدیک سلواکیا بتواند و بخواهند که فلمهای کمیدی و خنده دار را نیز در اختیار دو ستداران سینما بگذارند.

سلواکیا هم اکنون دیده میشود اینجا بگر این است که انکشافات گسترده تری در ساحات مختلف حیاتی مردم بوجود آید و انکشاف هنر سینما نیز شامل انکشافات مذکور باشد. لذا خواستهای جدید و تقاضای های نو مردم، هنر-پیشگان جهان سینمای آن دیار را وا داشته تا با کاروان تمدن و ترقی کشور شان یکجا پیش بروند و در جهان سینمای خویش تازه های پیرا بوجود آورند.

اگرچه چکو سلواکیا یک کشور زراعتی و آب هوای آن برای زراعت خیلی مساعد است مگر با آنهم کشور مذکور خود را در ردیف عصری ترین ممالک صنعتی قرار داده و همه ای نیرو و قدرت بشری خویش را وقف ساحه صنعت نموده و این خود میرساند که صنعت فلم گیری نیز در آن کشور ترقی خوبی نموده و به پیشرفت های درخشانی نایل خواهد گردید همینکه چکو سلواکیا در قطار صنعتی ترین کشور های جهان

واقعیت های گذشته و پدیده های زندگانی امروزی مردم کشور شان و مردمان جهان باشد. علاوه برین امروز اکتور های سینما، دایر کتر های فلم، داستان نو یسان و کسانی که کم-ره فلمبر داری را در چکو سلواکیا بدست گرفته اند خویش را در مرحله انکشاف و ترقی دیده ترقیات درخشانی را در ساحه های مختلف زندگی خویش روی پرده تلویزیون کشور خود مینگرند.

در نظر است که در چکوسلواکیا مرکز فلم (برا ستیلا وا) عنقریب افتتاح شود. این مرکز بزرگ فلم که خیلی مطلوب و شایسته اعمار گردیده و با آلات عصری و مدرن مجهز می باشد سالانه از ۱۵ تا ۲۰ فلم هنری، از پانزده تا بیست فلم تمام قد و از بیست تا بیست و پنج فلم تلویزیونی و یک تعداد فلمهای کوتاه و آموزنده تهیه کند.

سرعت انکشاف اقتصادی و اجتماعی که در سر زمین چکو-

اکادمی فلم، مکتب های موسیقی و دانشگاه اکت و تمثیل تیاتر سالانه شاگردان زیادی را می پذیرد و بعد از یک دوره تربیه بجامعه تقدیم میدارد.

امروز کار کنان سینما های چکو سلواکیا پلان بزرگی را رو یدست گرفته و در نظر دارند تا ۲۵ سال آینده صد ها فلم مستند و هنری و هزاران فلم کوتاه علمی و تربیتی را تهیه و بنمایش قرار دهند.

اکنون همه نی کار گران و هنر-پیشگان چکو سلواکیا مصروف مطالعات دامنه دار و تجارپارزنده در زمینه های مختلف سینما بوده و میکوشند تا خود را با ترقیات و انکشافاتی که در سایر رشته های زندگی با آن مقابل هستند موافق سازند و در باره تاریخ کهن و زندگی نوین مردم خود و سایر کشور ها اندوخته هایی داشته باشند، تا فلمهایی را تولید و تقدیم مردم کشور خویش و سایر کشور ها بکنند که نما یشگر

چگونه تیاتر، راهش را در میان تو ده ها باز میکند

رادر ذهن آنها توزیق کند و آنها را میتواند در جهت خاص ترغیب و رهنمون گردد. متخصصین مربوط تیاتر هم چنین اظهار عقیده میکنند که تیاتر باید عینانش مکاتب و مدارس بقیه در صفحه ۶۴

که تیاتر در مکتوبه دهی و سازمان بخشیدن عقاید و نظریات مردم نقش ارزنده و مهم بازی میکند او میگوید تیاتر و کار کنان تیاتر طوری باید کار کنند که بیننده گان را از حالت جمودیت بیرون کشیده افکار جدیدی

دولت و سایر موسسات شخصی و سایر تصدی هادر امور مالی و اقتصادی تیاتر مذکور را کمک و مساعدت می نمایند. یکی از مسوولین مربوط تیاتر عقیده دارد

هنر تیاتر یکی از بهترین هنرهای است که تاثیر زیادی بر تماشاچیان وارد می نماید این هنر از زمانه های باستان تا کنون در جهان رواج داشته و روز به روز رونق می یابد.

بزرگترین تیاتر که تاکنون در جهان وجود داشته تیاتری است در آلمان فدرال که درین تیاتر ۳۵۲۷ اکتور (۲۳۱۱ مرد ۱۲۱۶ زن) ۹۲۷ آواز خوان مرد و ۶۰۹ زن هم چنان ۲۷۲۴ نفر مرد و ۷۷۱ نفر زن در امور رقص و ۴۰۱۰ نفر دیگر در امور ارکستر آن مصروف کارند. این تیاتر در سال ۱۹۶۵ در حدود ۱۷۴۲ نمایش را انجام داد که در حدود ۱۲۱ نمایش آن در جمله نمایش های مسابقات تیاتر بین المللی صورت گرفته بود.

مصارفیکه برای پیشبرد تیاتر مذکور صورت گرفته از سال ۶۶-۱۹۶۵ یعنی در مدت یکسال بالغ بر ۵۱ میلیون مارک رسیده بود اما عایدات تیاتر مذکور به شکل خالص آن بالغ بر ۱۵۳ میلیون مارک در سال میگردد.



یکی از صحنه های تیاتر

دوران ما، دوران رستاخیز ملت هاست، دوران نفی ارزش های از پیش ساخته ی استعماری، دوران شگفتن لاله های آزادی و بهاران اندیشه های پیشرو و زمستان اندیشه های زمان زده و طاعونی، طغوت های جهانخواه از اریکه های قدرت های اهریمنی و کذابی خویش با نیروی ملت ها و اراده ی مردم به خاک می نشینند. روزگار ننگین فرائض به پایان رسیده است، عصر ما، عصر پیروزی حق است بر باطل، اهورا است بر اهریمن، خرد است بر بی خردی، روشنائی است بر تاریکی، ملت ها اینک برپا خاسته اند و مشعل راه شان اندیشه های پیشرو زمان است، ملت ها بیدار شده اند، قطره ها دیگر قطره نیستند، قطره ها به دریا ها پیوسته و دریا شده اند.

ما هم از قطره گی برآمده ایم به دریا پیوستیم و خود دریا شده ایم. ما همگام کاروان بشریت مرقی به سوی سپیده دمان راستین می رانیم، به سوی شگفتن ها و شگفتی ها. ما را پیام آوران دروغ گو دلقک های بی ارامه، بسیا و روز ها به سپیده های دروغین فریفتند، ما دیگر دروغ و فریب را می شناسیم، ما با هر چه بیداد است و ستم به ستیز برخاسته ایم. شب راوشب پرستان را، آن دلبستانان ظلمت را نابود می کنیم. ما را دیگر از بردگی و تیرگی هراسی نیست، ما مرغان آتشی و شب را به زیر سرخ پر خویش می کشیم؛ ما را دیگر صبح های کاذب و روشنائی های دروغین نمی تواند بفریبد، «مادیر، یکی، دوتا، سه تا نیستیم، دست های برادران با ما است، «من» های مابه «ما» ها تبدیل شده است، «ما» دهر چارگنده ایم»، در کار خانه ها، در کوهپایه ها، و در کشتزارها، ما بسیاریم، دست های یاران با ما است، آن مشعل های پراگنده، آن فروغ های نلک، آن لاله های سرخ جدا مانده اکنون یگانه شده اند و هم بسته.

درمیان آزاد ما ناقوس های دروغین بسیار نواخته اند، اکنون گوش های ما آواز های آشنارا و آواز های مزدوران را و بیگانگان را به خوبی درمی یابند. در سرزمین ما دشمنان با شمایل مختلف باقیافه های متفاوت و جامه های گوناگون بسیار ظهور کرده اند. و به اغفال مردم پرداخته اند و چه دردناک است این که ما از کاروان تمدن گام ها به دوریم. ما را به دور نگاه داشتند، «ما از روز ازل این نبوده ایم». «ما از اول در بند نبودیم، آزادگان بودیم، اما در اسارت مان گذاشتند به تاریکی ها مان خو پذیر ساختند. بیدادگران نادری و امیران و سلاطین پیش از او همه غارتگران بودند، تفسیر گران اندیشه

های منطحت ارتجاعی، سردمداران شکنجه و عذاب زمامداران خود سرو پادشاهان خودنگر و خود ستاهمه در فکر آن بودند که جیب هارا غارت نمایند و مال های مردم را و ناموس های شان را بر باد دهند. دولت های ستمگر همیشه از ملت دور بودند. رفح فرزند یتیم را، اندوه، پیوه زنان را غم کشاورزان را، فقر کارگران را کسی نمیدانست، زمام داران بر مرکب مراد خوش سوار بودند و دو اسبه به سوی سعادت های احتماله شخصی می راندند. باغ و سرای و عمارت دارک می دیدند آن امیران، آن پادشاهان و آن ارباب های محلی همه بیداد گران بودند.

م. عاقل بیرنگ کوهدامنی

عصر شگفتن ها و شگفتی ها

بودند، ما اکنون چه داریم از آن پامداران استعمار و سر سپردگان امپریالیسم به ما چه به میراث رسیده است؟
حفیظ الله امین که امپریالیسم او را در لباس انقلابی (!) به این سامان فرستاد به خاک چه کرد، جنایت او دو چند آن است که در لباس انقلابی گری دست بست به کشتار زد، برومندترین فرزندان انقلابی این آب و خاک را روانه زندان ها کرد و گورستان ها، و تروت های ملی را بر باد داد. بیداد او را تاریخ نمی بخشد، خود سری هایش را و جنایات او را، شعار های او همه قلابی بود مصوونیت، قانونیت و عدالتی را که او از آن دم می زد، خیانت بود، رذالت و جنایت، تحریک، تشبث و ابتکار او، در حقیقت تجسس، توحش

و اختناق بود. در زمان سیطری او. هیچکس احساس امنیت و آزادی نمی کرد، زن، مرد، کودک، پیر و جوان همه.

با اعمالی که انجام داد نام او در کناره تیر و موسولینی و چنگیز و صحاك قرار می گیرد. آن ستم باری بی غرور دزدان همه ی افراد ملت ما کوبیده شده است. اکنون که سایه ی شوم اواز سرمایه پاییزی فرزندان راستین این آب و خاک پس شده است و همه احساس امنیت، آزادی و شادمانی می نمایم. امپریالیسم امریکا و وابستگان او به دفاع از آن جنایت کار معلوم الحال برخاسته اند. دفاع از حفیظ الله امین، دفاع از استبداد، دفاع از تاراج و آدم کشی و دفاع از اختناق

استعمار و امپریالیسم در درازنای تاریخ در سرزمین ما، در آشیانه ی عقاب ها و کتاف شیران، نمایندگان سر سپرده و سنگهای زنجیری خویش را فرستاده، گاهی دزدی را به امیری رسانیده و زمانی بی خردی را به پادشاهی و خاینتی را به حکم روایی. دست نشاندگان استعمار بودند آنان برای مردم چه کردند. نادر چه کرد و ظاهر چه و داود چه، آیا سرکی ساختن، شفاخانه ای بنیاد نهادن و مکتبی افتتاح کردن پیشرفت است؟! که بلندگویان اجیر آنان صفحه ها سیاه می کردند و به مدح و تهنات مشغول

و وحشت و ترور. ستمگر گیری، امپریالیسم امریکا و سنگهای زنجیری او و متحدان خاین او بازگو کنندگی این واقعیت است که امین نماینده ی «سپاه» بود و جاسوس امپریالیسم جهانی و با تغییر این قیافه می خواست وطن آزادگان را، افغانستان ارجمند را در کام آن غول جهانخواه اندازد. و گرنه چنین است و منافع امریکا به خطر نیافتاده این تفلها این شایعه سازی ها و یوم سرایی حاجیست؟ این زوزه کشیدن های کارتر و متحدین او را بین چه معنی دارد؟ با این بازتابی که مرحله نوین انقلاب شکوهمند نور در کشور های امپریالیستی و استعماری یافته است دیگر جای هیچ تردیدی باقی نمی ماند که حفیظ الله امین، امینی ها و داروستانه ی او خدمت گاران امپریالیسم و استعمار بودند و راه نابودی این سرزمین را در پیش گرفته بودند و نقشه های شومی را در سر می پروراندند. واقعیت اندیشان هرگز و هیچگاه به تبلیغات خصمانه مطبوعات و رسانه های گروهی غرب گوش فرا نمی دهند و فریب این غول خون آشام را نمی خورند. کمک های معنوی و نظامی همسایه ی کبیر ما اتحاد شوروی برای دفاع از ارزش های انقلاب شکوهمند نور و رهایی هزارتن از هم میپندان در بند کشیده ی مابه معنی مداخله درمیان مانیست. این عمل هرگز با منشور ملل متحد ضدیت ندارد. اتحاد شوروی وظیفه ی انسانی و انترناسیونالیستی خویش را انجام داده است. دست همه ی کشور های آزادی خواه و طرفداران صلح و ترقی با ما است، ما تنها نیستیم، ما بسیاریم و تلاش های مذبوحانه امپریالیسم امریکا و وابستگان غارتگران هم به جایی نمی رسد. حق با ما است.

یادداشت ها

«من مرغ آتشم،

شب را به زیر سرخ پر خویش می کشم

درمن هراس نیست ز سرفی و تیرگی

من از سپیده های دروغین مشوشم

«سپاوش کرای»

«تصویرها در آینه هائمره می کشند

ما را ز چار چوب طلایی رها کنبد

نادر، نادرپور

«مادر هر جا پراگنده ایم

در صیدا، در صدر، در رمله -

شعر مقاومت در فلسطین

«من» اگر «ما» نشوم

«تو» اگر «ما» نشوی

دو منظومه، حمید مصدق

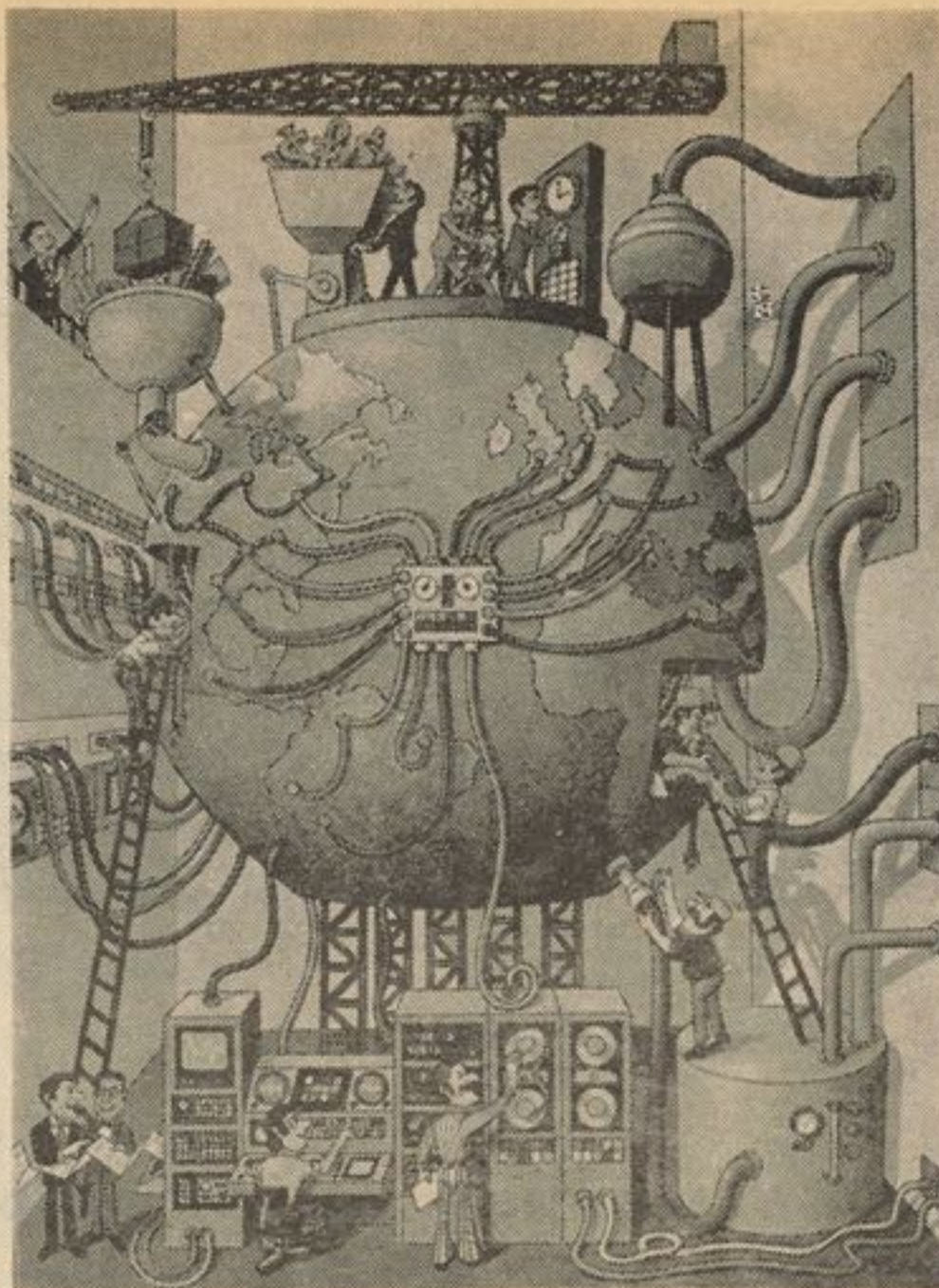
«نه شیم نه شب پرستم که حدیث خواب گویم

چون غلام آفتاب، همه ز آفتاب گویم.

مولانا جلال الدین بلخی رومی

میباشد تا مودل مذکور به تفصیل اثرات عوامل مختلف سیاسی را نشان داده بتواند مثلا تاثیر (۱۰) فیصد تقلیل مالیات را بر حجم مصرف استهلاکی معلوم نمودن. علمای اکانومتری از عهده روابط بین عوامل اقتصادی برآمد میتوانند تقریبا در هر مودل بطور مثال معادله وجود دارد که نشان دهند روابط بین مصارف و عواید مستهلکین است. عین همین مودل دارای معادله ایست که روابط بین عایدات و تولیدات عمومی ملی را نفی میکند که از آنجمله جزء مهم آنرا مصرف استهلاکی تشکیل داده است بنا براین باید اندازه مصرف را بدانیم تا بتوانیم بلند رفتن عایدات را پیشبینی کنیم و عایدات در معادله که حجم استهلاك را نشان میدهد باید واضح باشد تقریبا هر متحول اقتصادی بصورت مساوی بواسطه باقیه متحولین ارتباط دارد بزرگترین مشکل تکنیکی را یافتن قیمت واحد داخلی برای هر متحول مختلف تشکیل میدهد که برای این کار از متود تجربی به وسیله کمک کامپیوتر استفاده میشود. در مودل یونیورسیتی واتسون متود فوق در حدود (۱۷۰) متحول را قیمت گذاری میکند. از مصرف برای لباس گرفته تا پولی که جهت تعمیر دستکاهای صنعتی و تجهیزات آن بکار میرود در بر دارد.

بعضی از متحولها بصورت استثنائی بر مشکلات است و مودل یونیورسیتی



مودل اکانومتری

باوجود شهرت خرابی که آتیة شنا سانی (۱) اقتصادی در سالهای اخیر گمانی کردند هنوز هم احتیاج زیاد به پیشگوییهای اقتصادی محسوس است. مودل اکانومتری رسالتی را که به اساس متود سیمو لیشن میکانیزم اقتصادی انجام داده موفقیت آمیز بوده است البته بیجا نخواهد بود اگر در اینجا افزوده شود که جهت حصول منظور فوق از کامپیوتر استفاده شده است.

در صورتیکه کامپیوتر تحت پلان معین و دقیق پروگرام شود که در آن سیستم معادلات نشان دهنده تصویری از اقتصاد مملکت باشد میتوان توسط آن قیاس و پیشرفت واقعی اقتصادی، انفلاسیون، سهم فیصدی در عایدات ملی، تعداد کارگر مصرف کار، تعداد بیکار، عاید کار، افزایش مفاد و پرداخت و غیره را پیشگویی و معین ساخت.

مبتکر این نوع مودلها لارنس کلاین پرو فیسور پنجا و پنج ساله دیپارتمنت مالیات و تجارت یونیورسیتی تورماس ورتوان شهر پنسلوانیا است. او از سی سال به این طرف مصرف و تنظیم مودل اکانومتری یک اقتصاد ایالات متحده امریکا بوده است.

مودل واتسون که توسط پرو فیسور کلاین نظارت میشود غالبا پیشگویی مطلوب اقتصادی را بدست میدهد. تاثیر کلاین را بر مودلهای دیگری که بنا آنها بصورت غیر مستقیم ارتباط داشته نیز میتوان دریافت.

مترجم: دکتر جیلانی فرهمند

پیشگویی آینده توسط مودل اکانومتری

توان مثل دیگر مودلها باید همیشه عیار شود در ست است که پیشگویی که توسط کامپیوتر صورت میگردد دقیق تر و کاملتر است.

پیشگویی اقتصادی یونیورسیتی که از کامپیوتر استفاده نمیکند اما از طرف دیگر نتایجی که با اساس مودل اکانومتری حاصل میشود باید همیشه با حقایق که بصورت غیر الکترونیکی بدست آمده عیار گردد.

ضرورت های متنوع:

پیشگوییهای ملی که به اساس مودل یونیورسیتی و واتسون تهیه میشود خاص برای استفاده علمی میباشد و یا در مقابل پرداخت معین به دسترس تجار هم گذاشته میشود. از مودلهای اقتصادی به صورت کامل فعلا دو مودل در ایالات

متحده استفاده میکنند. یکی دفتر تحلیل دیپارتمنت تجارت امریکا است که از یکی از مودلهای او لی اصلاح شده یونیورسیتی

بقیه در صفحه ۶۷

صفحه ۲۹

تحت مالیات و عرضه مودلها ی جدید را تذکر میدهد. تنها شعبه اخیر الکترونیک هفت ماهه یا هفت متحول را در بر میگیرد که از آنجمله عاید بالقوه اموال قیمت موثرها به مقایسه قیمت دیگر اشیای استهلاکی و اندازه بیکاران را میتوان ذکر کرد. تعداد داده های نیز مربوط به هدف مودل است.

عالم اکانومتری پیشگویی اقتصادی را صرف به اساس اجزاء مهم تولیدات عمومی ملی چون مصرف استهلاکی، مصرف تجارتی و صنعتی و غیر تنظیم نموده به دست یازده معادله اکتفا میکند. اگر مشتریهای پیشگویی مداخله و تجارت باشند در آن صورت پیشگویی شامل معلومات مفصل درباره ارزش و مفاد در شعبه از صنایع خواهد بود.

اگر عالم اکانومتری مودل را در امور سیاسی حکومت بکار میبرد در آن صورت پیشگویی شامل معلومات مفصل تر بوده و از اجزاء بیشتر در آن استفاده شده

پیشگویی فرضیه:

مودل اقتصادی طوریکه تذکر دادیم فرضیه ایست که تعامل اقتصادی را در بر دارد میتوان آنرا توسط عبارات ساده بیان داشت واکثر نویسندگان مودل به نسبت پیشگویی و مطلق بودن موضوع ترجیح میدهند که از معادلات گامی بردارند. مودلهای اقتصادی که در آن از متودهای متممیک یا ریاضی استفاده شده باشد بنا بر مودلهای اکانومتری یاد میشود که این اصطلاح در سالهای ۱۹۳۰ استعمال و سبک داشت. اگر ایجاد کننده مودل، میکانیزم فعالیت های اقتصادی را بصورت نسبتا ساده مانند شرح لکهای آفتاب که نتیجه حرکت دو رانسی آفتاب است بیان کند به تحریر چند معادله راضی میشود. اکثر دانشمندان علم اکانومتری یک تعداد زیاد معادلات را بکار میبرند مثلا در مودل یونیورسیتی و واتسون تعداد این معادلات به (۴۰۰) میرسد به این معنی که صد ها فرست مختلف مانند فیصدی اسناد بها دار منتشره دیپار-

پرو فیسور کلاین در چندین مملکت شهرت کسب کرده است. او زیاد سفر میکند تا معلومات جدید علمی در ساحه اکانومتری حاصل کند و آنرا بین رفقای هم مسلکش انتشار دهد بطور مثال در جریان رخصتی علمی شش ماهه اش در سال ۱۹۷۴ در انستیتوت مطالعات پیشرفته در ویانا یک سلسله لکچرها در مورد پرابلمهای ساختار مودل ایراد کرد که بعد از آن در چندین کنفرانس اختصاصی که در شهرهای مختلف اروپا دایر شده بود اشتراک کرد.

(۱)

آتیة شناسی: علمی که مورد بحث آن متودهای پیشگویی آینده ذریعه تست های علمی شکل آینده جامعه، مودل کلتور آن، عوامل سیستم ارزشها و انتخابها ایجاد فرضیه ها در مورد طرق استهلاك، کلتور عمومی، انکشاف اقتصادی و پلانهای توسعه و غیره است. (مترجم)



پیکره «زن آب ده»

واستعداد بسیاری از معماران و نقاشان زابه نبرد می‌طلبید در این شهر که درجه حرارت تا مثبت ۴۵ می‌رسد دیگر نمیتوان ساختمان‌ها و بنا های آن زابه شکل قراردادی بر پاداشت. در این صورت میدان بزرگ شهر به «تابه سوزان» بدل خواهد شد. در اینجا معماران با همدستی هنر مندان تصمیم گرفتند تا یک مجموعی از ۲۷ برکه را که بتواند هوای میدان را مرطوب نگه‌دارد بسازند.

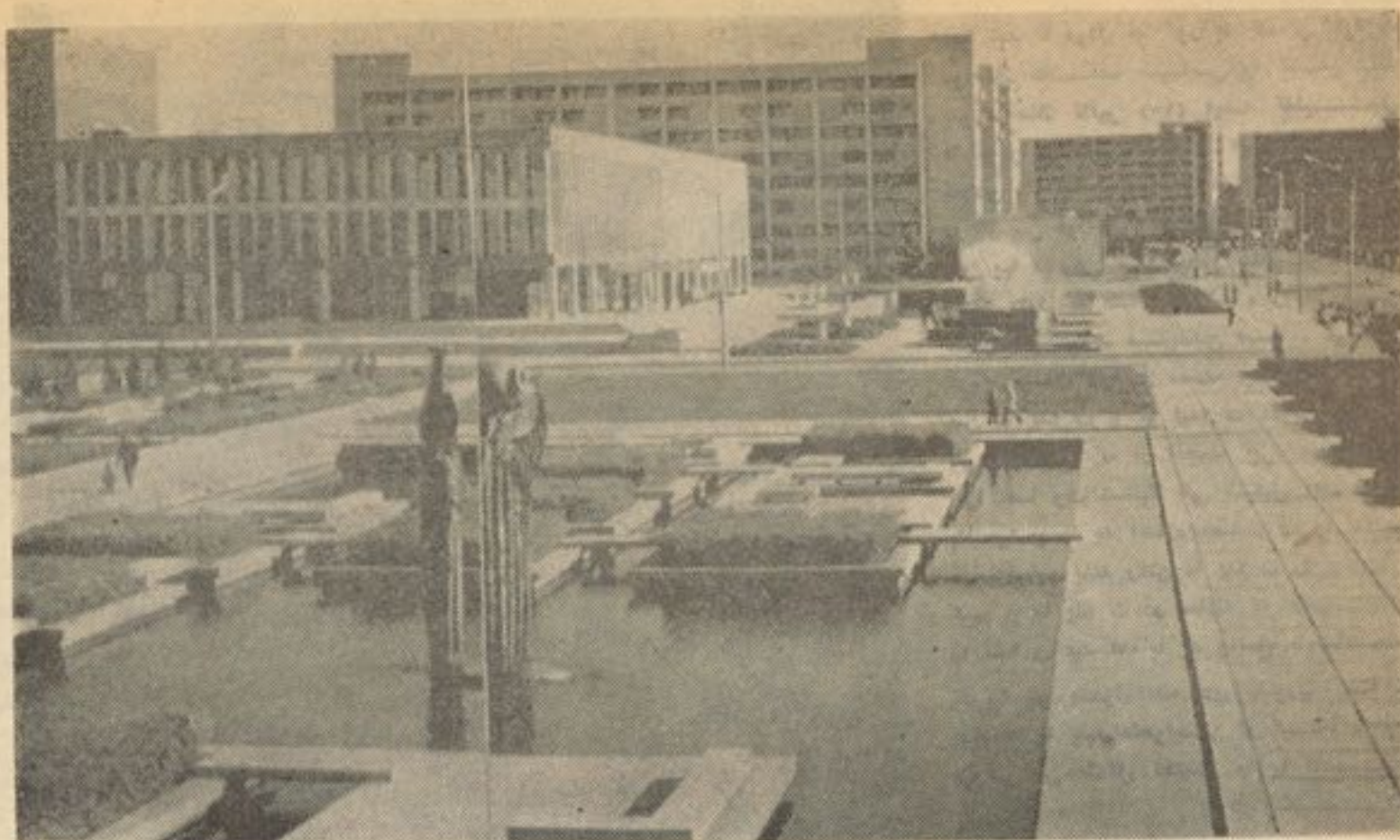
حالا اگر علی شیر نوایی این شاعر معروف قرن ۱۵ و ۱۶ پای به‌شهر بگنارد بافرهاد قهرمان مورد علاقه اش دیدار خواهد کرد.

پیکره این دل‌داده نامدار در وسط میدان قرار دارد. در الفسانه‌ها آمده است که فرهاد با نیروی اراده و باز ویش توانست کوه‌ها را از سر راه رسیدن آب به شهر بر دارد و به انسان آب، این سرچشمه حیات را بیاورد.

سویلی پیکره فرهاد را در لحظه‌ای ساخته است که تمام نیروی جان و تنش به‌اوج سازندگی رسیده است. بازوهای یولاد یش به هم گره خورده و آب زلال و گوارا از سنگ سرخ خاوا بیرون آمده است. با آنکه قهرمان در اوج تلاشش قرار دارد ولی آرامش بازوی راستش نشان می‌دهد که او در لحظه یافتن به هدفش قرار دارد.

چشمه، آب حیات بخش بیرون داده است این آب که بانور زندگی ساز خورشید تابان آسیا دیدار نموده است و باغرور تا ارتفاع ۳۰ متر قدمی افرازد و بر که را باروان زلالش بر می‌کند سه زن در حالیکه سه گوزه را که هر کدام نمادی از دریاها و سه گانه از بکستان است به دوش می‌کشند این آب را که حاصل تلاش

طاعت فرسا و نبرد بی‌امان فرهاد در برابر طبیعت است به سوی زمین های لب تشنه می‌برند. این سه زن که در اساطیر کهن نمونه‌ای از باروری و حیات اند این هدیه را به کشتزار های آب‌گدیده می‌



میدان بزرگ شهر نوایی

ترجمه کاو شکر

از: سپو تنیک

کلیک‌های هنر آفرینی که شهر را می‌آراید

حالا این شهر یکی از بزرگترین شهر های صنعتی ازبکستان است. در آن ساختمان‌های چند دارد. اسکوبه، با تفریحگاه‌ها، باغ‌ها و بوستان آرایش و تزئین میدان بزرگ شهر قریحه



پیکره «فرهاد» که جوی شیر را روان می‌سازد

پیکره های که میدان شهر زیبای نوایی را زیبایی خاصی بخشیده است حاصل کار انگشت های هنر آفرین بوریس سویلی است که خودش اهل لینینگراد میباشد و تئیکه آدم به یکی از این مجسمه‌ها نگاه میکند فکر مینماید که یک انسان با تمام صفای باطنی و روانیش در حالیکه نور دانش و آگاهی از سیمایش ساطع است و جدل وی را در برابر سیاهی هادر درازی سده هانشان میدهد، قرار دارد.

جای دیگر نزدیک برکه کوچک چشم انسان به اژدهایی می‌افتد که دهان باز کرده است و به جای شعله های آتش آب‌گوارا و مست اژدهانش بیرون می‌آید. این اژدها نمادی از نبرد گلشتگان انسانی در برابر نیروهای اهریمنی طبیعت بود که سعی میکرد در گم‌نردام انسان نیفتد گردنش به اسب های بیابانی و دمنش به شکل حلقه‌ای که سمبول جاویدانگی است دور خورده است. در الفسانه های کهن اژدها به بزرگی کوه های بلند تصور می‌شد. در کارگاه های سفال سازی ازبکستان این سمبول هنوز هم بر پشت ظروف نقش می‌یابد و جاودانگی این اسطوره‌ها را نشان می‌دهد.

تابه همین تازگی هاشما نمیتوانستید شهری را به نام «نوایی» در روی نقشه بیابید و لی

شا هکار آثار هنری سوینی را میتوان
بیکره یادگاری «ارثا غات لیمو لوا»
دانست. این بیکره هابه خاطر جا و دان
ما ختن نام آنانی برپا شده است که
در راه دفاع از میهن جان به کف گرفته
اند. اینان عدا فغان شهر محاصره شده
لینگراد اند.

در چهره های پر از تنگ این عدا فغان
خطرات و آلام آرامش را نمیتوان دید سرها
شان نه ها و با زوان شان چون صخره هایی
اند که بر زمین هوار قرار گرفته با شد
نام مجنوعی این قهرمانان «خلق»
است.

بیکر تراش میگوید: «برخی میگویند
که مجسمه احسان گنگ و صامت است
من با این زبان خاموش سعی کرده ام تا
بهترین عناصر احسان که در وجود
انسان چون: دلیری، زیبایی و عاطفه
قرار دارد بنمایانم».

به نظر سوینی در شهرهای عصری
و نو که بیشتر بناها رنگ خشک را می
گیرند نقش آرايش بادست آورد های هنری
مهمتر از پیش بر اهمیت میگردد. یادگارها
بیکره ها، مجسمه ها، پرکه ها، آبنماها
فواره ها و رنگ های روشن چون
رنگ سبز محیطی را خلق میکند که به
زادگاه او لی انسان یعنی طبیعت نزدیک
می باشد.



از بالا به پائین: بیکره های ارثا غات لیمو لوا
بیکره «ازدها» در کنار پرکه بزرگ

بخشد. از دهان کوزه های آنها آب زلال
وزندگی بخش می ریزد.

سوینی می گوید: «برای من درو نمایه
های اساطیری شکوه دارند زیرا جاودانه
اند. این جاودانگی پیوند ناگسستنی
به امروز دارد».

در پرکه بوستان دیگر نیروی سر-
توان پشت یک گلو گر که این خودمبول
نیرو و کار است سر از آب بیرون کرده
است. بر پشت آن دختر نازک اندامی
به نام یورو پسه نشسته است چهره شرفی
این دختر رادهان کوچک و لبان گویشت
الود زیبایی خاص می بخشد. ولی اگر
ازنیم رخ به آن نگاه کنیم زیبایی های
دختران یونانی در برابر چشم های آدم
تصویر می شود.

بیکر تراش در مورد چنین نظر دارد:
«افسانه کهن در باره زیوس و یوروپه
به من توانایی آن را داد تا در مورد دو سر
جسمه فنا پذیر زندگی یعنی زن و مرد
آثاری بیافرینم. زندگی را جناس است
این خود یک نیروی جاودانی برای زندگی
است. در این بیکره زیوس نمادی از
عناصر مردانه دارد که همه آنها را با تمام
روشنی و بی پردگی ابرا زمیندارد.

زیوس چون عناصر طبیعت است مانند
موجی که میتوان جلوان را گرفت و لی
نیتوان از آن فرار کرد. نیروی مجسمه دیگر
در نقطه مقابل زیوس قرار دارد اوطرافتهای
زنانه و زیبایی آن را در خود نهفته
دارد».



بیکره «دایره توازن» اثر سوینی بیکره لوانی



سوینی بیکر تراش در کارگاهش

تحويل فابريکه نمايند. فابريکه جهت مساعدت به دهقانان پول پيشکي بنام قفاوی يا قرصه به آنها ميدهد که البته سي فيصد آنرا بعد از قرار داد بنام خيشاوه پولی دريافت می - دارند. همچنان فابريکه، کودکيمياوی را خريداري نموده و به دهقانان قسم قرصه توزيع مينمايد. بهمين قسم قفاله و ميلاس لبلبو به دهقانان به قيمت نازل مساعدت ميگردد که مواد مذکوره بهترين غذا برای حيوانات شان می باشد.

موصوف همچنان اضافه می کند که :
ساحه کشت لبلبو در حدود ۱۸۰۰۰ جریب زمین را احتوا می نماید و قرار داد با دهقانان به اساس فيصدي مواد قندي لبلبو مسورت می گيرد به عبارتي ديگر فی تن لبلبو به قيمت ۱۰۲۰ افغانی از دهقانان خريداري ميشود.

انجنير عبدالقدير راجع به تعداد کارگران فابريکه شکر بغلان اظهار داشت که :

درين فابريکه در حدود هفتاد نفر کارگر ماهر فنی، هشتاد نفر کارگر عادی و ۸۰۰ نفر کارگر موقتي کار می کنند البته کارگران دائمی به اساس لوايح و مقررات کارگري ماهوار معاش دريافت ميدارند و مزد کارگران موقتي قسم روز مزد تعيين ميگردد که از ۲۵ تا ۳۰ افغانی به اضافه سه وقت نان ميشود.

حقوق و امتيازات کارگران فنی مطابق حقوق و امتيازات مامورين محاسبه می گردد بعد از انقلاب شکوهمند ثور به حقوق کارگران نو چه زيادی مبنول گردیده است که حق بیمه صحت کارگران را ميتوان طور مثال تذکر داد. انجنير عبدالقدير رئيس فابريکه قند بغلان فعاليت توليدي فابريکه را بعد از انقلاب شکوهمند ثور به مقايسه سالهای قبل از انقلاب مثبت و اميدوار کننده خوانده و گفت که :

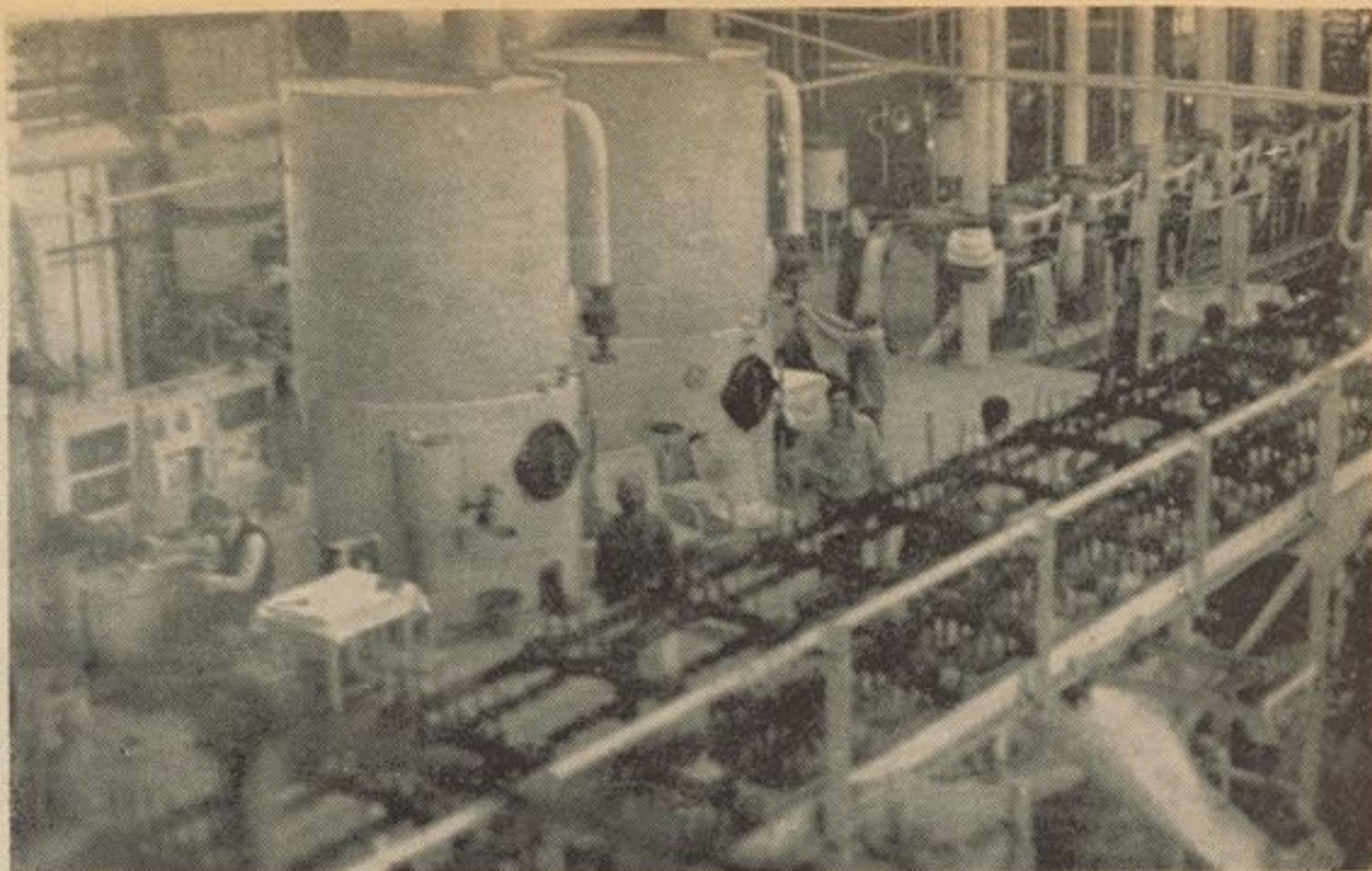
يك افزايش قابل ملاحظه فی در توليدات فابريکه بعد از انقلاب شکوهمند ثور و نما گردیده است، همچنان در بسا موارد در امور اجتماعي و عمرانی ولايت بغلان بصورت داوطلبانه سهم گرفته و ازین مدرک به لغ هنگفتی بدولت عايد گردیده است. موصوف فعاليت فابريکه را بعد از انقلاب شکوهمند ثور (در سال ۱۳۵۷) با یکسال قبل از آن یعنی سال ۱۳۵۶ طور مختصر چنین مقايسه نمود :

در سال ۱۳۵۷ مقدار ۷۳۱۹۱ تن لبلبو برای فابريکه خريداري شده و لبلبو مذکور را در مدت ۹۸ روز کمپاين (فعاليت) خود استهلاك نموده و از آن مقدار ۹۱۸۸ تن شکر سفيد و پنجاه هزار كيلو گرام شکر زرد توليد نموده است در حالیکه در سال ۱۳۵۶ از جمله ۷۲۳۸۷ تن لبلبو در مدت یکصد روز فعاليت خود مقدار ۸۷۰۰ تن شکر سفيد و ۳۴۳۰۰ كيلو گرام شکر زرد توليد کرده است.

که اگر ارقام مذکور باهم مقايسه گردد مقدار لبلبو در هردو سال تقريباً مساوی بوده و فابريکه در سال ۱۳۵۶ مقدار ۷۲۳۸۷ تن لبلبو را در مدت یکصد روز کار کرده است در حالیکه در سال ۱۳۵۷ همان مقدار لبلبو را در مدت ۹۸ روز استهلاك نموده و مقدار ۴۸۸ تن شکر نیز بيشتر توليد گردیده است که به اين اساس از مصرف دو روزه کمپاين فابريکه جلوگیری شده و مبلغ هنگفتی ازین

مو جود فابريکه گنجایش پنجاه هزار تن لبلبو را دارد که باقيمانده یعنی در حدود شصت و پنج هزار تن لبلبو ديگر برای فعاليت چند ماه فابريکه در ميدان و هوای آزاد روی هم انباشته می شود که تا اوایل ماه حمل امکان سالم ماندن آن موجود است. باینر آن علت فعاليت نکردن سال تمام فابريکه از یکطرف مشکل ذخيره نشدن مواد خام برای مدت زیاد و از جانب ديگر ظرفيت کم توليدي خود فابريکه می باشد، برای رفع اين مشکل و بالا رفتن ظرفيت توليدي فابريکه اخيراً وزارت معادن و صنايع به ابتکار جديدی دست زد و آن عبارت از تاسيس فابريکه توسعوی در جوار همین فابريکه می باشد که کار ساختمان آن شروع گردیده است و در آینده نزديک به اتمام رسیده و بفعاليت شروع خواهد کرد.

موصوف افزود که ظرفيت توليدي دستگاه جديد در حدود سه برابر ظرفيت فابريکه سابق است رئيس فابريکه شکر بغلان در مورد جگوتگی تهیه مواد خام فابريکه یعنی لبلبو روشنی انداخته اظهار داشت که لبلبو از فارم های دولتی و از دهقانان به اساس قرار داد خريداري می شود. به اساس اين قرار داد دهقانان همه ساله بايد بترجم قسمت زمین شانرا لبلبو بکارند. تخم لبلبو را دهقانان مجانی در يافت ميدارند و در صورتیکه مطابق قرار داد نتوانند لبلبو را به فابريکه تحويل بدهند فقط پول تخم لبلبو را قسم جريمه بايد



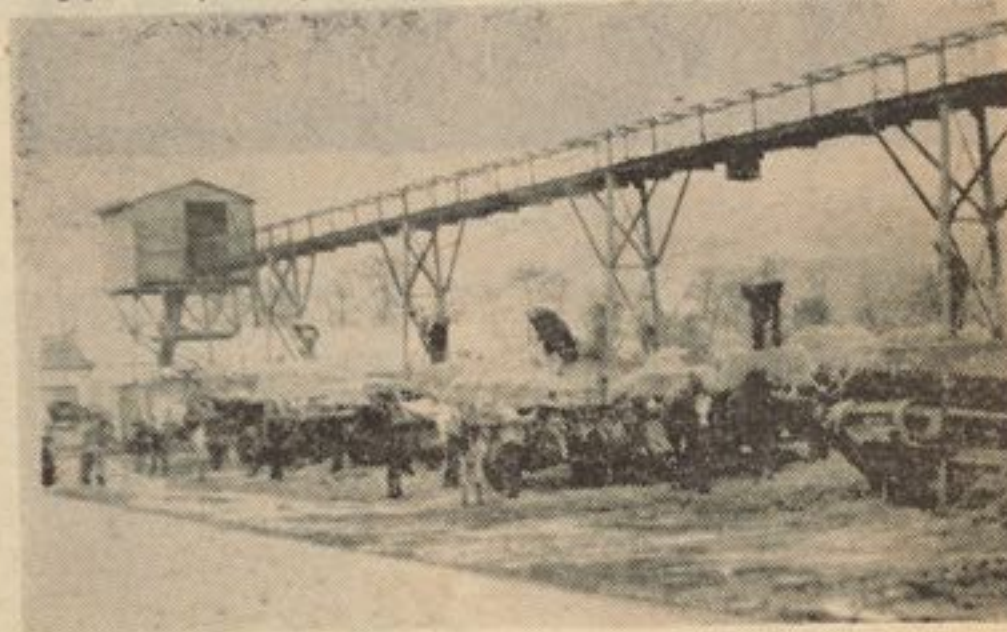
گوشه ای از فابريکه قند بغلان که کارگران را بداخل فابريکه در حال فعاليت نشان ميدهد

گزارش از: م. زن

با تاسيس فابريکه توسعوی در جوار فابريکه قند بغلان ظرفيت توليدي آن سه برابر خواهد شد.

با وجودیکه مدت فعاليت فابريکه خیلی کم (از سه و نیم الي چهار ماه در سال) می باشد با آن هم دوازده فيصد احتياجات داخل کشور را از نگاه شکر مرفوع ساخته می تواند. انجنير عبدالقدير رئيس فابريکه قند بغلان در مقابل اين سوال که چرا فابريکه نمیتواند در طول سال فعاليت نمايد گفت که چرن مواد خام (لبلبو) را برای مدت زیاد نمی توان حفاظت کرد مخصوصاً در موسم گرما که سيلو ها و مراکز ذخيره لبلبو به تعداد کافي و گنجایش زياد وجود نداشته و بنا بر آن لبلبو خراب و گندیده می شود فابريکه نمیتواند سال تمام بفعاليت خود ادامه بدهد. سيلو های

فابريکه قند بغلان در سال ۱۳۱۷ به همکاری و مساعدت کشور دوست چکوسلواکیا تاسيس گردیده و بشکل يك تصدي (۹۶ فيصد) سرمايه گذاری بانک ملی و ۴ فيصد سرمايه خصوصي در سال ۱۳۱۹ بفعاليت خود شروع کرد، در ابتدا ظرفيت توليدي فابريکه به ۶۰۰۰۰ تن لبلبو ميرسيد که بعداً در سال ۱۳۴۹ با نصب کوره بخار جديد، مانئين فلتر وغيره دستگاه های جديد ظرفيت توليدي فابريکه به هشتاد هزار تن در سال بالا رفت. اصلاً ظرفيت توليدي فابريکه هشتاد هزار تن است مگر در صورتیکه مواد خام اضافه باشد تا یکصد هزار تن را می تواند استهلاك نمايد



محل که قفاله لبلبو قسم مواد اضافی از داخل فابريکه خارج گردیده و بسدستر س دهقانان قرار داده می شود



توپیر غوښتونکی رژیمونه د ځنگدن په حال کې

د زمبا بوی ، رود یشیا د وطنپالو یو مبارز

تر بشپړې نا بودی پورې به خپلې وسلې پر مخکې کښیږي .

که څه هم د رودیشیا په پولو کې نورد (رود یشیا ته ښه را غلاست) لوحې نه لیدل کیږي ، چسپین پو ستکو د پاره دغه هیواد ته د راتګ بلنه ور کړې ، مګر سپین پوستکو دا ځانله ښه بولی چسپین خپلو غنیمتو نو سره یو ځای له رود یشیا څخه وتښتی .

په پای کې باید وویل شی چې اوس اپار تاید دخپل مړینی وروستی سلګی وهی .

نظامی او اقتصادی مرستی کیږي چې د دغې خبرې د اثبات یو څرګند مثال د انګلو رود یشیا د ټولنې شته والی ده چې د هغه د غړو په ډله کې د رودیشیا د پارلمان محافظه کارو غړو او د رود یشیا عدلیې د وزیر زوی شامل دی . او د هغه د ریاست ویاړ د سا لېزېری واکمن ته ورکړ شوی . همدا رنگه ځینې نورې ټولنې هم شته چسپین امپریا لیستی ټولنو او د رودیشیا د توپیر غوښتونکو تر منځ د نږدې اړیکو شته والی ثابتوی لکه په بریتانیه کې د رودیشیا د پر مختګ شورا ، د رود یشیا د سکا تلیندی ملګرو ټولنه او یو شمیر نور هغه ټولنې چې په رود یشیا کې توپیر غوښتونکی رژیم د بقا د تامین د پاره د اجیر شوو عسکرو پسه را برابرولو او د هغه د لګښتونو په منلو سره هر راز مرستو ته چمتو دي . د سکور پیون ټولنه

په رود یشیا کې چسپي اوس د زمبابوی ، رود یشیا په نامہ یادېری دابل موزور یوا گوډ اګی رژیم ته واک ورکړ شوی ، چې پدغه هیواد کې د چارواګی په لاس کې واخلي . لاتر اوسه پوری پدغه هیواد کې د توپیر غوښتنې پر ضد د وطنپالو نهضت د پخوا په شان پیاوړی دی . دغه هیواد چې اوس د جګړې په پوه ډګر او ښتی ، د هغه د کرنې دمخکو په نېه لسمه پر څه کې هیڅ کرڼه نه کیږي او هم د دغه هیواد له بودجې څخه دورځي ۱۶ ملیونه امریکایی ډالره د جګړو لګښت ته اختصاص موندلی . مګر باید وویل شی چې دغه ملا ماتونکی بیخایه لګښت د رود یشیا پر بودجه باندې له دی کبله تحمیلېری چسپي پدغه هیواد کې دوه سوه زره تنه سپین پوستکو د دغه هیواد پسر ۶۸ ملیو نه تنه اصلي اوسیدونکو یعنی نور یو ستکو باندې لکه د تیرو وختو نو په شان دوا کمنانو پسه توګه پاتی شی . یا په بله ژبه دغه بیخایه لګښت د توپیر غوښتونکي رژیم د واکمن ساتلو ورځنی خرڅ ده .

دایوه ښکاره او څرګند حقیقت دی چې په رود یشیا کې د توپیر غوښتونکي رژیم د بقا د تامین په مقصد له بهر نیو امپریا لستی او ار تجاعی ټولنو څخه د دغه انساني ضد رژیم سره بی پایانه



یو ملاک له خپلې ښځې سره د خپل زړه پوښ تر څنګ ولاړ دی

ترجمه از عباس

احیای مجدد کشتی های بادباندار و صرفه جوئی در انرژی

یک سلسله تحقیقاتی که توسط انجمن ایران مرکز کشتی سازی نپان کوکن جاپان از یک سال باینظرف صورت گرفته است ، به اثبات رسیده که نصب بادباندار کشتی های باربری و تجارتی ، صرفه جویی خیلی مفید برای انرژی میباشد . از نیرو امکانات بسیار موجود است که این نوع کشتی ها در آینده قریب وارد صحنه عمل گردند . ساختمان این کشتی های بادبان دار توسط مرکز انکشاف کشتی سازی جاپان طرح و پی ریزی گردیده است . آنها تجارت خویش را در اسیرسل امسال ، درجهیل آسی واقع در ایالت ها نشو ، بالای یک کشتی آزمایشی بنام دایو انجام داده اند . این کشتی آزمایشی دارای ظرفیت ۸۳ تن میباشد و ۱ بر ۱۵ برابر کوچکتر از اصل



کشتی آزمایشی جدید بادباندار

کار میدهد . اما بهترین شرایط برای کشتی بادباندار وقتی است که باد بزاویه یکصد و بیست درجه از عقب کشتی بوزد که تحت این شرایط کشتی دارای سرعت ۴۰۸ گونت میباشد (گونت واحد سرعت کشتی میباشد) در حالیکه یک کشتی مجهز باانجن تحت همین شرایط دارای سرعت ۴۰۲ گونت میباشد .

نتایج تجارب بالای این کشتی جدیدشودو غوغایی درکپنی های کشتی سازی جهان برپا نموده است . اگر چه یگانه نقص این کشتی هماناقت کراف آن میباشد که اگر یک کشتی بادباندار به ظرفیت ۲۰۰۰۰ تن یا زائد قیمت آن در حدود یکصد و پنجاه ملیون ین جاپانی تمام خواهدشد .

وضع سالخورده گان در ایالات متحده

امریکا

رخ داده است. اداره پولیس میگوید اگر شما بخواهید متجاوزین را مورد تعقیب قرار دهید، وظیفه شماست که گزارش بدهید. هویت او را تشخیص بدهید و سپس در جریان محاکمه حضور بهم رسانید و آنوقت شما عد مجازات او گردید. شما خودتان فکر کنید که من چگونه میتوانم همیشه باخود و پس داشته باشم؟ و چگونه میتوانم با پای شکسته و بدن نحیف خود جریانات محاکمه را تعقیب نمایم و تقریباً نیم وظایف پولیس را انجام دهم؟ چرا حکومت تعداد زیاد پولیس را در خیابان ها موظف نمیسازد؟ واز همه مهمتر اینکه چرا برای بچه های ولگرد کاری دست و پا نمیکند تا مجبور به چنین کار های ضد اجتماعی نشوند و زندگی خود را به دزدی و راهزنی سپری نکنند؟

هزاران زن و مرد سالخورده در خانه های زندگی میکنند که مجبورند برای آن تقریباً ۲۵ فیصد عواید خود را بپردازند و این چیزی هست که در ایالات متحده امریکا به اصطلاح کرایه اسمی میماند. بسیاری مریض، غلیل و ناتوان اند، ولی از ترس فرا رسیدن روز وحشتناک عاقبت نهایی، یعنی پرورشگاه سعد میکنند به وضع رقت بار خود سازش کنند از خود سخت جانی نشان دهند و از رفتن به پرورشگاه خوفناک خوداری ورزند.

از جمله تمام مسائل و مشکلات سالخورده گان در زندگی روز مره خود به آن مواجهه اند. بزرگترین مساله عبارتست از مساله ای صحت، طبق آمار منتشره توسط کمیته ملی بیه صحت، ۸۵ فیصد مردم ۶۵ ساله و بالاتر از آن، که خارج از هوسسات زندگی میکنند (در حدود پانزده ملیون نفر) حداقل به یکی از امراض مزمن عصاب عیاشند مریض قلب، مریض شکر، الفلج، ارتریش و غیره در بهلوی مسائل مشکلات سمعی و بصری و غیره که تمام بار مصارف معالجه آنها بردوش نا توان سالخورده گان سنگینی میکند.

سنا تور اتوارد کیندی در مجمع عمو می شورای ملی سالخورده گان منعقد در واشنگتن به تاریخ ۹ جون ۱۹۷۸، گفت: «سالخورده گان بیشتر و متناوب تر از سایر تقویمی برای مدت طولانی مریض میشوند و کمتر آمادگی دارند تا از عهده احتیاجات اساسی روز افزون خویش برای مراقبت صحتی برآیند، همچنین اکثر سالمندان فاقد بیمه صحتی و بقیه در صفحه ۶۴

عواید، پس انداز ها و بیمه ها را قلاً امضا و ارائه کرده باشند. در عوض، برای آنها غذا، مسکن و معالجه ای صحتی به اضافه حقوق ناجیزی برای مصارف آنها و در آنجمله مربوط به اصلاح سروریش و غیره، داده میشود. کمیته ملی بیمه صحتی اینها را بر حلق «پرورشگاه های نیمه داخلی» باطله دانی های ملی سالخورده گان - مینامند!

نیلسون کروگشتانک رئیس شورای ملی اتباع سالمند، در سال ۱۹۷۶ در بیانیه ای چنین گفت:

«تاوقتیکه صد ها هزار سالخورده گان اثار شده در پرورشگاه های «دام آتش» طسوری دست و پا بزنند که هیچ هدفی در زندگی برای شان باقی نمانده باشد به جز آنکه به نفس کشیدن ادامه دهند تا یکجده مسا لکین پرورشگاه ها میتوانند سود های حرام و نا مقدس از وجود درد دیده آنها بدست آورند. انقلاب امریکا انجام نا شده باقی میماند.... از سوی دیگر، جنایات فراوانی علیه سالخورده گان انجام می یابد. ارقام اداره پولیس شیکاگو گزارش میدهد که از ۱۸ اگست تا ۱۴ سپتامبر ۱۹۷۷، تنها در شیکاگو ۱۴۸۰ مورد سوء قصد و راهزنی علیه اشخاص ۵۵ ساله و مسن تر صورت گرفته است. شخص پیری که دو بار در خانه اش مورد دستبرد قرار گرفته بود میگوید: «اولین بار آنها، تمام جواهرات، ساعت دیواری، وسایل زینتی، قهرای و چیز های کوچک دیگری با خود بردند. بار دوم، آنها تمام ضروریات برقی، رادیو، تلویزیون، ماشین تایپ، خلاصه هر چیز، به استثنای موبل و فرنیچر، دزدیدند. زن ۸۲ ساله که در پروژه مسکونی اهالی سالمند زندگی میکرد، در روزروشن، یک پلاک دور تر از اپارتمان وی مورد دستبرد قرار گرفت. وی نخست در پیاده رو جلاده مورد لت و کوب سه جوان قرار گرفت و سپس چیز هایی که باخود داشت از نزدش ربودند. این زن بیچاره، یعنی که بدلتی مجروح و پایش شکسته بود، چندین هفته را در شفاخانه سپری نمود.

چندی بعد که با او مصاحبه ای انجام دادم، چنین گفت: «وقتی به دفتر شراوالت شکایت کردم برایم گفتند که اشخاص مانند من باید همیشه باخود و پس داشته باشند و چنینکه در خیابان با مشکلاتی مواجه میشوند باید آنها بصدا درآورند تا پولیس بداند حادثه ای

ازینکه کشور را باخون زندگی خویش غنی ساختند اکنون حتی از امنیت فریبده در آوان دوران سالخورده گی خویش محروم ساخته میشوند. لورتیا سمیونس، عضو شورای اتباع سالمندان پولندی امریکائی در شیکاگو، در سخنرانی خویش در یکی از اجتماعات عامه، درباره مسائل اتباع مسن چنین گفت: «... مادرهای دو جنگ جهانی، شکست بازار ذخایر مواد، ریکارد اقتصادی و کماد، کوریا، ویتنام، زندگی کرده ایم... مسا در بسیاری دوران های سخت آزمایش زندگی را تحمل کرده ایم. اکنون محکوم به مجازات هستیم، صرفاً به علتی که تحمل کرده ایم.»

یک زن ۷۶ ساله میگوید: «من در اردوی نجات» (سازمان خیریه مذهبی که در آن فقرا بطور مجانی تغذیه میشوند) غذا میخوریم و باقیمانده را با خود بخانه میاوریم. زن ۶۷ ساله دیگری اضافه میکند که «من به ماهانه ۷۷ دالر حقوق تقاعد امرار معاش میکنم و از آن جمله ۴۸ دالر کرایه میپردازم». نویسنده ۹۰ ساله، کورابیت لرد، کتاب دلچسپی بنام «لیمو» (فراغوش خانه) (فرهنگی که بحث جایگاه غفلت یا فراغوشی تعریف گردیده است) در باره اقامت خود در پرستار خانه جهت تدای الفلج بدن خود مینویسد، و ناشران کتب از چاپ آن خود داری ورزیدند، زیرا آنها به صحت چشم دید های وحشت آوری باور نداشتند.

اعمال و حشیانه دیگری نیز وجود دارد و آن

عبارت از جدا کردن زن و شوهر هنگام ورود به پرستار خانه ها است، زیرا مقامات اداری هیچگونه «حقه بازی» یعنی مسایل جنسی را در موسسه خود اجازه نمیدهند. پس از مبارزه طولانی، اینک یکجده هوسسات به اجازه دادن برای زندگی یکجایی و بدست آوردن آنچه که آنها اتاقهای محرمیت مینامند آغاز نموده اند.

البته، برای سالخورده گان تعداد زیاد آسایشگاه های متعلق به سرمایه داران انفرادی انحصارات سرمایه داری وجود دارد، ولی قیمت های آنها قوس صعودی می یابند و اکنون به هفته سه صد دالر، صرف نظر از

مصارف مربوط به مراقبت و معالجه صحتی، ادویه و غیره، رسیده است. برای اینکه شخصی بتواند سبببندی شده حکومت به خانه برگردد، باید تمام اسناد مربوط به

اکثریت قریب به اتفاق سالخورده گان در سر زمین وسیع من، ایالات متحده امریکا در واقع با معضلات و مشکلات فراوان دست به گریبان اند. زیرا آنها کارگران و دهقانان دیروزی اند که امروز در تمام جیب ها احساس بی امنیتی میکنند: آنها با عواید محدود خود چگونه میتوانند غذا، لباس و ادویه تهیه نمایند و سقفی بالای سر خویش داشته باشند.

وجه بر سر آنها خواهد آمد و قتیکه دیگر نتوانند از خود مواظبت نمایند. آنها توسط حقوق تقاعد تا چیز خود در شرایط انفلاسیون افسار گسیخته امروزی امرار معاش میکنند، بسیاری کار میخواهند ولی نمیتوانند به علت سن خود کاری برای خود دست و پا کنند.

بسیاری بیمار و غلیل و محتاج تدای اند، ولی قادر نیستند حتی از عهده پرداخت مصارف مراقبت صحتی متوسط برآیند.

بسیاری سالمندان ما برای خوراک خورد غذای سنگ میخورند، زیرا از غذای اماناها ارزانتر است. بسیاری مجبورند از سوپر مارکت ها غذا بپردازند و غالباً دستگیر میشوند، زیرا در شغل دزدی فقط آنها تور هستند. بنا بر گفته دکتر رابرت بلر از انستیتوت ملی سالخورده گان، در ایالات متحده امریکا یک ششم تمام مردم نسبتاً مسن در کلیه های زندگی میکنند که یالین تر از سطح رسمی فقر قرار دارند.

این سالخورده گان گروه کوچکی را تشکیل نمیدهند: تعداد آنها بر ۲۳ ملیون بالا تر از شصت سالگی، یعنی تقریباً ده فیصد تمام نفوس، بالغ میگردد. وضع این گروه قابل ملاحظه ای از مردم در یکی از سرود های مشهور کار گری به وضاحت تصویر گردیده است:

«این ما بودیم که چمن زارها را شخم زدیم، سوره ها را برای تجارت آنها ساختیم، معادن را کاویدیم، کارگاهها را ساختیم، خط ریل را هزاران میل کار گذاشتیم،

«ولی، اکنون، در میان اعتجازی که کرده ایم مردود، در بدر و گرمسنا ایم...»

کلمات و مفاهیم این سرود در مورد سالمندان کشور من کاملاً صادق است. آنها، بعد صفحه ۳۴

فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان

فستیوال هنری کودکان در شهر «زبنیک»

بالقان آشنایی زیادی ندا شتند در خلال فستیوال يك تعداد فلم های تلویزیونی و سینمایی نیز در معرض نمایش قرار گرفت. در روز ششم فستیوال کودکان جمهوری دموکراتیک کوریا از شهر های زا گریپ، زبنیک و بلگراد دیدن نموده يك سلسله پروگرام های اکرو با تیکی را نمایش دادند.

در فستیوال کودکان که بمناسبت تجلیل از سال بین‌المللی طفل در شهر (زبنیک) برگزار شد نماینده



گوشه ای از انسامبل آهنگهای فولکلوریک که توسط انسا مبل گروپ کودکان کشور های آسیایی در شهر «زبنیک» اجرا گردید.

گان ارگان ها و سازمان های جوانان و زنان با کودکان کشور های اشتراک کننده در تماس شده پیرامون تربیه و پرو بلم های اطفال در جهان معاصر مذاکره و تبادل افکار صورت گرفت.

طوری که در راپور تذکار رفته درین فستیوال برای اولین مرتبه چهار سمپوزیوم و سه ورکشاپ تربیوی و معلوماتی نیز دایر گردید که طی آن کودکان کشور های اشتراک کننده، پیرامون تبادلات فرهنگی و تعلیمی بین جوانان و اطفال به بحث و مذاکره پرداختند.

قرار است در این اواخر سال بین‌المللی کودکان يك اسامبله بین‌المللی به اشتراک کودکان پیش از شصت و دو کشور جهان در شهر ثقافت یوگو سلاویا و دول حوزه

بمناسبت سال بین‌المللی کودکان نشر انسان نوشته ام آنها را به متخصصین اخیرا يك فستیوال هنری به اشتراک کودکان بیش از پنجاه هزار کودک از سی و شش کشور جهان و شهر (زبنیک) واقع در کشور یوگو سلاویا دایر گردید. فستیوال که به کمک یونسکو از تاریخ بیست و سوم برج جون الی هفتم برج جولای (۱۹۷۹) دوام نمود به اشتراک کنندگان موقع آنرا فراهم نمود تا در سواحیل (اور یا تیک) پارچه های جالب،

مبارزه فدراسیون به مثابه يك فهرست خستگی ناپذیر حقوق انسانی برای استقلال ملی، ضدیت با استعمار و افسارنشایی از طرف زنان تمام کشورها حمایت میشود. فدراسیون در طول فعالیت های خود رول متباز را در جریان ۱۹۷۵ بازی نمود، زیرا این سال از طرف ملل متحد، سال بین‌المللی زن توأم با شعار «مساوات، ترقی و صلح» اعلام شد. در این سال که مجمع عمده نیز کنفرانس جهانی ملل متحد منعقد شد، شش کشور مرکب از نمایندگان ۱۳۳ کشور و بیش از صد سازمان غیر حکومتی و کانگرس جهانی منعقد برلین مرکب از دو هزار نماینده از ۱۴۱ کشور و هشتاد سازمان بین‌المللی برگزار گردید و فدراسیون در هر دو مجمع سهم فعال گرفت. مصوبه های مربوطه: بین مجمع، سفارش های مفید به سازمان های حکومتی، بین‌المللی و اجتماعی در مورد امحای عدم تساوی زنان با مردان و سهمگیری هرچه بیشتر شان در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تقدیم نمود و وظایف مشخص را به منظور تامین مساوات واقعی زنان در دوسال یعنی بین سالهای ۸۵-۷۶ تعیین نمود. سی و سومین مجمع عمومی ملل متحد این سال را «دهه زنان» اعلام نمود و هدف آن تامین (پلان جهانی عملی) مصوبه کنفرانس مکسیکو و سایر اسناد مهم که در جریان سال زن به تصویب رسیده بود تعیین شد. کمیته زنان شوروی به حیث يك سازمان ملی فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان در تمام فعالیت های آن حصه می گیرد. در ماه می ۱۹۷۸، مسکو محل جلسات شورا و یورو این فدراسیون بود. فدراسیون يك نشریه سه ماهه تحت عنوان «زنان تمام جهان» به الهه انگلیسی، فرانسوی، عربی، اسپانیوی، آلمانی و روسی و در یوگوسلاوی اطلاعاتی به الهه انگلیسی، اسپانیوی، آلمانی و فرانسوی انتشار میدهد. منابع مالی فدراسیون از سهم سازمان های عضو و هدایا تشکیل می گردد. نشریات رسمی فدراسیون عبارت از انگلیسی، روسی، اسپانیوی، آلمانی و فرانسوی بوده و مرکزیت فدراسیون در برلین (آلمان شرقی) موقعیت دارد.

فدراسیون، در اجرای امور مربوطه توجه خاص به حل مسائل حیاتی زنان و حل مسائل عمده جهانی مبذول می دارد. یکی از اهداف عمده آن تثبیت سهم زنان در جنبش به خاطر صلح و خلع سلاح عام و آتم می باشد. فدراسیون در سال ۱۹۶۹ یکی از مسؤولین کانگرس صلح جهانی که جنبش سرنامیری رابه نفع صلح آغاز نموده و به جمع آوری امضا برای تقاضای اول و دوم استاکهلم ببادرت ورزیده بود. فدراسیون به طور قاطع علیه تجاوز امپریالیسم پروتستان مبارزه نموده و به اساس ابتکار وی (کمیته بین‌المللی همبستگی) باویتنام در سال ۱۹۶۴ تأسیس شد. فدراسیون و سازمان های ملی آن سهم فعال در کانگرس ها، کنفرانس ها، و مجامع مختلف که از طرف شورای صلح جهانی و سایر سازمان ها به خاطر خلع سلاح

این فدراسیون در اول دسامبر ۱۹۴۵ به تعقیب اجلاس کانگرس جهانی زنان متشکل از نمایندگان هشتاد ملیون زن از چهل و يك کشور در پاریس تأسیس شد. در میان مؤسس این فدراسیون، کمیته ضد فاشیستی زنان سویدی را در سال ۱۹۵۶ به کمیته زنان شوروی مسما شد قرار داشت. در حال حاضر این فدراسیون به يك سازمان وسیع بین‌المللی تبدیل شده که در صفوف خود یکصد و بیست و نه سازمان زنان را از یکصد و چهارده کشور جهان متحد می سازد. اهداف عمده آن مبارزه به خاطر تامین حقوق مساوی زنان در جامعه، حمایت حقوق طفل و مادر، دفاع حق زندگی، تعلیم و رفاه اطفال و هم چنین مبارزه به خاطر صلح، دموکراسی همه خلق ها تعیین شده است.

ارگان عالی فدراسیون عبارت از کانگرس آن می باشد که هر پنج سال يك مرتبه اجلاس می کند. کانگرس، رئیس فدراسیون را انتخاب نموده، پروگرام و سایر دستورالعمل ها را برای فعالیت فدراسیون به تصویب می رساند. کانگرس، شورای رابه خاطر اداره امور در فواصل دو کانگرس انتخاب نموده، که این شورا به نوبه خود هر دو سال تشکیل جلسه میدهد. تصمیم کانگرس و شورای توسط يك بیورو (دفتر اجرایی) تعمیم می گردد. این بیورو متشکل از رئیس و هشت مرستیال سرکتر جنرال و اعضاء که همه توسط شورای انتخاب میشوند می باشد. هیات اجرایی فدراسیون يك دارالانشاء که متشکل از سرکتر جنرال، سرکتر ها و خزانه دار می باشد تشکیل میدهد و در حال حاضر رئیس فدراسیون فریده برون (آتریلیای) و سرکتر جنرال آن مرچام و یوتومین (فیلاندی) می باشند.

فدراسیون، در اجرای امور مربوطه توجه خاص به حل مسائل حیاتی زنان و حل مسائل عمده جهانی مبذول می دارد. یکی از اهداف عمده آن تثبیت سهم زنان در جنبش به خاطر صلح و خلع سلاح عام و آتم می باشد. فدراسیون در سال ۱۹۶۹ یکی از مسؤولین کانگرس صلح جهانی که جنبش سرنامیری رابه نفع صلح آغاز نموده و به جمع آوری امضا برای تقاضای اول و دوم استاکهلم ببادرت ورزیده بود. فدراسیون به طور قاطع علیه تجاوز امپریالیسم پروتستان مبارزه نموده و به اساس ابتکار وی (کمیته بین‌المللی همبستگی) باویتنام در سال ۱۹۶۴ تأسیس شد. فدراسیون و سازمان های ملی آن سهم فعال در کانگرس ها، کنفرانس ها، و مجامع مختلف که از طرف شورای صلح جهانی و سایر سازمان ها به خاطر خلع سلاح



دسپین غره په خو کی کبزی

چی بی ملا ټینگه ټولی
هم شمله نیغه ټو مېلی
تور پرېتونه بی تاوگری
دېنمن بی پیسز ندلی
دوطن دمور ناموس نه
غفلو لی ، غفلو لی
دا افغان دی ، دا افغان دی
داریا زوی قهرمان دی

سری ، سری سترگی غمی ، غمی
دا بیا وپی قوی موی
داخوانی اودنگه ونه
چی چار پری له وطنه
پېښتی مور زیسز ولی
دغیرت درس بی ودرگری
دا افغان دی ، دا افغان دی
داریا زوی قهرمان دی
وسله لاس کی نه پیدا دی
ددېنمن سر ته کلار دی
په کتم وپاندی نظر دی
دیر بی شانه زېور دی
پروت په پرېشو او پاڼو دی
داسی خوی دتنو زمرودی

دا افغان دی ، دا افغان دی
داریا زوی قهرمان دی

د دفاع وسله په لاس کی
ندی هېڅ هم په وسواس کی
نه غولیری په دالرو
نه غولیری په خبرو
یوآزاد مرغه په شانه
الوتل کړی په وژ رو
دا افغان دی ، دا افغان دی
داریا زوی قهرمان دی
دوطن و آبادی ته
د انسان و آزادی ته
د راتلونکی کړی فکروله
په تینگ هوډ نری تکلونه
لنه وی اوږده مزر نونه
ور کوی پاتی غمو ته
دا افغان دی ، دا افغان دی
داریا زوی قهرمان دی

شیی اوو دخی په سترگی
یاروان وی په لښکر کسی
په سرو اوپه تودوکی
کله سمو کله غرو کسی
پر غلگروته په غاروی
په آزاد و سر ددو کی
دا افغان دی ، دا افغان دی
داریا زوی قهرمان دی
چی په خوله می ویل کوشی
په قلم می لیکل نه شی
هو مړه زیاتی کارنامی دی
دپتمنو انسان دی
خودبه ویلوم ، خو دبه ویلوم
چی مردانان پرگنی دی
بل غولا نسی دا افغان دی
دازیازوی قهرمان دی
درمحمد افغانبار

بسوی فردای روشن

یاکستی شکسته بد ریا ستاقتیم
سوی سپیده در دل شبها ستاقتیم
از موجهای سرکش توفان خشمگین
زی آسمان آری فردا ستاقتیم
چون برق از حرارت خود سوختیم لیک
بیا درد ورنج و آفت تبها ستاقتیم
تا خنده بر لبان غمین بشکند چو گل

در راه پر مصیبت غمها ستاقتیم
حقا که ما فدا ای راء محبتیم
تا تنگنای مهر که تنها ستاقتیم
بیداد رهنمان نشود مانع و مال
با بال عشق تا به لریا ستاقتیم
خوش سوختیم و شکوه بردیم پیش غر
پروانه سان لگر که چه زیبا ستاقتیم
۱۳۵۸/۸/۲۴

بلجیخی
«سلیمان لایق»

مرثیه شکوه شهادت

ای ساکنان شهر شهادت !
ای خیل بی گناه مهاجر !
امروز رزمناغ آزادی -
با شعر خون تان شده جاوید .
هر یاد تان حماسه خشمی است .
آتششان کینه نسلی است .
شطی است سوی چشمه خورشید .

در گور های کوچک گمنام
در لحظه های پاک نجات ،
این خواب نقره بین شهادت -

خواب شقایق است

دیدار در نهایت معاد است .
هر قطره خون تان به دل خاک ،
باغی بر از قراة مرجان است
آلاله های وحشی فرداست .
فواره های آتش و فریاد است .

هان ای کبوتران مسافر !
در شهر سرخ خنجر و خون و خاک -
فریاد کودکان برهنه ،
برخاست مادران گرسنه .
اندوه همسران علیل تان -
رهوشه های هجرت تان باد .
مرثیه های ملت اندوهگین تان -
نذر ره شهادت تان باد .

آنکس که دستهای سپاهش را ،
با خون گرم تان به چنابست ،
افتاده است لاشه سنگینش -
در پرتگاه نفرت و فقرین .
گندیده روی زانوی غفرت شب تنش .
خون هزار رستم دستان به گردنش .
لطیف ناظمی

خلک او هیواد

دهیواد په سردرو کښی
یدی سمویدی غرو کښی
دیکتیا په زړینو غرو کښی
دهلمند په لوړو غرو کښی
دهلمند دسینه خپو کښی
دپامیر په لوړه خوکه
داسمار ټولو درو کښی
دشمشاد په لوړه تړه
ددی سپین غره په اوږدو کښی
پرگنی او ولسونه
داخواړه واره قومونه
یدی سموادی غرو کښی
داسی وایی په نارو کښی
چی هیواددی تل آزاد وی
دهیواد دښمن بربادوی
داسی وایی زموږ خلک
دلته خلک مېړنی دی
اولسونه همی دی
ننگیالی دی غیرتی دی
دلته خلک افغانان دی
په بودین اویو ایمان دی
جنگیالی او ننگیالی دی
دوی زمریان دی با تور ان دی
دهیواد په دښمنانو
تندرونه داسمان دی

دهیواد آبادی غواپی
ددښمن بربادی غواپی
داوډن افغانستان دی
دغه تاج دایشیا ده
دغیرت او ننگ له خوانه
پیژندلی ټول دنیا ده
دا هیواد افغانستان دی
داهیواد دهر افغان دی
ټول جهان یدی یوه سوی
دلته ژوند دنور و گران دی
داوډن، وطن دخلکو
داملشن ملشن دخلکو
انقلاب دلته کامیاب سو
نوره ورکه ظالمان شول
دبز گر ژوندون سمیری
خکه مخو فیودالان شول
داهیواد به وی دخلکو
دغه خلک به دهیواد وی
شی به یوموئی دادواړه
له وحدت ځنی به ښاد وی

(لاروق جریقی)



خاک خورشید

ستاره های شب من در آسمان دلم
- رقص می کنند و هنوز
- صدای شرفای عصیان شان بگوئیم هست
میان قلب من و آفتاب راهی است
- که با درخشش خود چشم غیر را سوخته
من از پناه شبی آمدم به غربت روز
و در فروغ زمان راه خویش می جویم
به مشتم خاک خورشید است
- که می کشم در چشم
بشیر سخاوورز

مکن رنجه

چون تیغ بدست آری مردم نتوان کنت
نزدیک خداوند بدی نیست فراموش
این تیغ نه از بهر ستمگاران کردند
انگور نه از بهر لبید است بچرخ خشت
عیسی بر هی دید یکی کشته فتاحه
حیران شد و بگرفت بدندان سرائگشت
گفتا که کرا کنشی تا کشته شدی زار
تا باز که او را بکشد آنکه ترا کنت
انگشت مکن رنجه بدر کو فن کس
تا کس نکند رنجه بدر کوفت مشت
«حکیم ناصر خسرو قبادیالی»

آزادی

خنجری داده مرا بر دست
و مرا گفته ست :
«پرو از جاده به دشت ،
و به شهر از دشت
و بکنش هر که دلش گشته زمین برافش
و به هر خانه در آی ،
و بگو مرد وزن و کونک هر خانه شهر ،
ز سحر گاهان ،
همه تا کوچ زمان با مهر ،
نام بر نور مرا
به زبان رانند
و مرا سجده کنند ؟
همه با قلب و زبان

دیده و دست

همه شب

در همه منزل

همه شهر .

خنجری داده مرا بر دست

و مرا گفته ست :

رو به میدان وسیع شهر

دل سیرتک هر آنکس را

که در آن نیست زمن سودا

بدر آ

و بپرداز به سوی باد

و به بادی که گذر دارد از آفاق بلند

نعره زن سخت ، بگو :

«بیرش تا ظلمات !»

خنجری داده مرا بر دست

و من از جاده به دشت آمده ام

و به شهر از دشت

می کشم هر که دلش گشته زاورفتن

«رضا پراهنی»

در ایالات متحده آمریکا نیز در مکاتیب،
پوهنشی ها و پوهنتون ها دو کتوران
ومتخصصین زیادی مشغول تحقیقات را جمع
با طفال و مسائل مربوط با آنها است
متخصصین اطفال در کشور های مختلف
طور عمده راجع با بین مسائل نگران اند که
اطفال شان چه میخواهند و چگونه برو-
گرام های فلم وتلو یزونی به آنها تهیه
وارانه میشود. متخصصین مخالفت شان را علیه
هرگونه مساعی مبنی بر استخدام ادبیات
طفل پروگرام های فلمی وتلو یزونی
خورد سالان برای اهداف کلان سالان و غایه
سیاسی ابراز نموده و تاکید می نما شد
که اهداف سیاسی با ید از جهان اطفال
بکلی محو گردد چه با ید مرحله مغولیت
را با طفال بگذاریم تا آنها بخوشی وآرامی
سپری کنند، دوره طفولیت بعدی کو ناه
ودر عین حال مهم است که گنجایش آنها
ندارد که ما آنها با مسائل بزرگ و پیچیده
آغشته سازیم. البته با ید اطفال برای
معامله موثر با یرا بلم های که معلوم می
شود از طرف کلان سالان ایجاد می گردد آماده
باشند ولی این معنی آنها ندارد که ما به
یکبارگی آن چه از کلان سالان
توقع داریم از خورد سالان نیز توقع
داشته باشیم گذار تهیه ادبیات فلم
وتیا تر خاص اطفال مسائل بخصو می
خورد سالان مد نظر گرفته شود. در سن
صورت ما با اطفال نیرو مزید حسی معنوی
وفکری می بخشیم تا قادر باشند هنگام
مواجه شدن با مسائل با آنها برخورد
درست و موثر بنمایند.

در چوکات سال بین المللی طفل و با در
نظر داشت اعلامیه ملل متحد در مورد حقوق
طفل که بیست سال از آن می گذرد لازم
است تا اقدامات بیشتری از طرف جمیع کشور
ها برای مصوون نگهداشتن اطفال از هر
نوع تشدد مخصوصا تشدیدات جنگی
بعمل آید.

گالینا بشکود او امدیر نشریه (ادبیات
طفل) در مسکو معتقد است که ادبیات طفل
باید نخست راجع به گروه خود ما و ماحول
سخن گوید راجع به خوشی ها و نگرانی
های خلق ها راجع به صلح و حفاظت محیط



رسول یوسفی

ترجمه و نگارش

اطفال را از دهشت و تشدد به هر شکلی که باشد حفاظت باید کرد

ایجاد محیط سالم و مصوون شرط اساسی برای رشد درست خورد سالان است.

موسسه را دارد.

این موسسه وظیفه تبادل اطلاعات و
تحقیقات در ساحه ادبیات طفل را برعهده
دارد. مفیدیت کار این موسسه نزد
همگان واضح است زیرا علی الرغم
موجودیت اختلاف در ادبیات طفل در کشور
های گوناگون برین نکته تاکید می
شود که با ید همه کتب اطفال صرف نظر
از کشور و ملیت چنان جهانی را پیش
چشم اطفال بگشاید که بتواند بهتر یسن
اوصاف انسانی را در آنها تولید نموده
و آن ها را از جمیع انواع ظلم و شکنجه های
روحی نجات بخشد و آن ها را از جمیع انواع
تشدد دور نگهدارد.

متخصصین امور اطفال طی تحلیل های
که در مورد چگونگی رشد سالم اطفال بعمل
میآورند برین نکته تاکید می نمایند که باید
کتب اطفال وظیفه معیوله را که تربیه سالم
وانکشاف سریع ذهن خورد سالان است به
بهترین وجه انجام دهد. چه هرگونه
اعمال راجع به تهیه کتب درست وآموخته
برای اطفال اثرات ناگواری بر سلامت
روحی و جسمی اطفال خواهد داشت در
کشور های مختلف کتب و نوشته های
خصوصی موافق به ذوق وفکر اطفال چاپ
وتبیه میشود. اتحاد شوروی یکی از کشور

اخیرا بنام سبب سال بین المللی طفل
محیطی در خانه دوستی در مسکو دایر شده که
در آن بر جنبه های مختلف رشد سالم
اطفال و مراقبت های لازمه محیطی از خورد
سالان تاکید بعمل آمده.

جمیز فرا سر رئیس انستیتوت تحقیقاتی
بین المللی برای اطفال و ادبیات خورد سالان
در جمله شرکت کنندگان این جلسه بود
که در آن طور مفصل راجع با طفال و آینده
سیاره ما از این رهگذر بحث شد جمیز فراسر
درین جلسه تاکید کرد او با اطفال رات
اناتولی الکسین نویسنده برجسته اتحاد
شوروی را جمع با طفال درین فکر هم
عقیده است که با ید حفظ محیط اخلاقی
وفکری اطفال مانند حفظ محیط طبیعی از
آلودگی توجه نهایی بعمل آید. همه کشور
ها در تحقق این هدف که سلامت آینده
جایزه بشری در آن مضمر است مسوولیت
بزرگ دارند.

در موسسه تحقیقات بین المللی در مورد
اطفال و ادبیات خورد سالان که در سال
۱۹۷۰ در فرا نکلورت تا سیس شد (۲۰۰)
شرکت کننده محقق از (۳۲) کشور بشمول
اتحاد شوروی راجع به مسائل مربوط با طفال
فعالیت دارند. ایگورا مانتا شوف متقد
ادبی اتحاد شوروی سمت معاونیت این

و موضوعات روز . موصوف گفت ما اداراتی برای تراجم کتب اطفال از السنه های مختلف داریم و بهترین آثار را در مورد ادبیات طفل بدسترس داریم . ما همچنان فستوال های نمایش کتب اطفال را وقتاً فوقتاً داریم سازیم و در جمیع فستوال های بین المللی کتب اطفال با علاقمندی تمام شرکت میکنیم . در یکی از فستوال های اخیر نمایش کتب برای اطفال که در مسکو دایر شد (۱۳۰) موسسه طبع کتب از (۲۲۵) کشور مختلف شرکت جستند . اتحاد شوروی از زمره شرکت کنندگان دایمی در مسابقات نمایش اطفال میباشند . دلایل زیادی برای دلچسپی خا رجی ها با ادبیات اطفال اتحاد شوروی موجود است زیرا در کتب مخصوص اطفال چگونگی ذوق و درشد سالم استعداد های خرد سالان و نو باوگان در نظر گرفته شده است . با در نظر داشت این امکانات تو سعه همکاری با کشور های مختلف در زمینه تبادل کتب اطفال موجود است . نکته مهم در مورد کتب اطفال این است که این کتب علاوه بر مساله رشد ذهنی طفل باید داعیه های عالی بشری چون صلح میهن پرستی انسان دوستی و خدمت به خلق را در اطفال تقویت و پرورش دهد و آنها را آینده روشن امیدوار گرداند .

شکنتجه اطفال باید متوقف گردد:

یکی از موضوعات تیکه در سال جاری که سال بین المللی طفل نیز می باشد جلب توجه کرده است موضوع تو چه بحال اطفال در کشور های عقب مانده و جوامعی است که هنوز تسلط استعماری از آن جوامع کاملاً پر چیده نشده است موجود است بحران های اقتصادی و اجتماعی عدم تسهیلات مناسب تعلیمی و صحتی برچگو نگی رشد جسمی و ذهنی خرد سالان اثرات ناگواری می گذارد .

حسرت اطفال شکنتجه و آزار آنها و گمانستن اطفال به کارهای شاقه و ثقیل جرم صریح علیه وجدان بشریت پنداشته می شود همچنان جدایی اطفال از والدین در سنین اولیه مستقیماً بر حیات اطفال تاثیر ستو می کند .

این يك حقیقت روشن است که در يك عده کشور ها اطفال در نتیجه سراسر استبدادی نظام های استعماری تحت فشار شکنتجه و تبعیض های گوناگونی قرار دارند که ميتوان و وضع اطفال را در کشور های چون رودیشیا افریقای جنوبی وینزویلا و غیره یاد کرد . در همچو کشور ها که در آنها رژیم های ضد خلقی و استبدادی حکمفرما است اطفال صرف نظر از محدودیت های غذایی و صحتی تحت انواع مختلف شکنتجه های روحی و جسمی نیز قرار می گیرند . نکته دیگر در مورد اطفال نجسات آن ها از فقر است اطفال با بد به حدائق به بهترین چیز های مورد نیاز دسترس نداشته باشند و لی کشور های موجود است که اطفال این کشور ها حتی از حداقل خوشی محروم بوده مسایل ستو نقد به بی سوادی و فقدان کمک های طبی آن هارا

رنج میدعد . در چنین کشور ها سنج زندگانی طور روز افزون به نفع طبقات استثمارگر حاکمه بالا میرود و فاسیل های بی بضاعت نمیتوانند طور در ست از عهده سرپرستی اطفال سالان بد ر آیند .

کشور وینزویلا یکی از کشور های است که شرایط دشواری برای اطفال و والدین در آن موجود است کارهای ثقیل پشت اطفال را درین کشور خم میکند و اثرات ناگواری بر رشد ذهنی و جسمی آن ها میگذارد درین کشور فقط از هر (۱۰۰) طفل (۳۰) طفل دارای سن اند که ميتوانند در مکاتب ابتدائی شامل گردند و قادر به تکمیل تعلیم می باشند .

جوانان و شاگردانیکه از نعمت تعلیم و تربیه درین گونه کشور ها محروم می گردند براه های خرابی سوق داده شده واز آن ها دزدان قاتلان معتادین مواد مخدره و افراد بار دوش جا معه بار می آید در همچو کشور های دارای رژیم های منقطع موسسات تربیه مجدد و دارالتا دیب ها بنا میباشند و کاری را از پیش نمی برند .

کذا در چنین کشور ها اطفال خیلی با امراض مبتلا می گردند و مریضی اطفال خا نواده های بی بضاعت را که بسوء تغذیه مواجه است زود از پای در میاورد . در همچو کشور ها اکثر يك طفل چهار ساله از لحاظ انکشاف ذهنی مانند طفل (۱۲) ماهه معلوم می شود بدون شك همچو اطفال نمیتوانند طوردست دروس مکتب را فرا گیرند چه قدرت اخذ مطالب و مفاهم را ندارند .

تنظیم خراب خدمات صحتی بر سوزن طبی و تربیوی و تسهیلات غیر مکفی ادویه وشفابخانه از مسایل رنج دهنده برای

اطفال درین قبیل کشور هاست .

مسئله محبت برای اطفال :

یکی از مسایل مهم در مورد اطفال موضوع محبت و ایجاد صمیمیت با این طبقه است چه از طریق محبت با اطفال ميتوان بانها يك محیط خوش و مصونی ایجاد کرد . يك معلم يك پدر و مادر باید علاوه بر نیاز محبت و صمیمیت با طفل خود از اوصاف نیک برخوردار بوده شخصی مهربان با عاطفه با حوصله قابل اعتماد و مجرب به دانش امروزی باشد چه در بر تو فضا ی محبت و صمیمیت ميتوان يك تفاهم خوب را بین طفل و محیط زیست او ایجاد کرد و همکاری او را باعث شد اطفال که هرگز کینه بد نمی گیرند با صمیمیت خاص از محبت والدین هر بیون وکلان سالان استقبال می کنند . محبت با اطفال در تربیه روحی و جسمی طفل و ایجاد يك ماحول خوش مسعود و مطمئن برای او تا ثیر بزرگ دارد .

خشونت ورو به نا هنجار در برابر اطفال وعدم یا سخ درست به سوالات آن ها عکس العمل های نا مساعد و بعضاً عقده های را نزد اطفال با رمی آورد که ایمن امر بذات خود در محیط آموزشی و پرورش طفل تا ثیر خراب وارد میکند .

موجودیت کودک گستان ها و سرخوارگاه ها برای تربیه اطفال و خورد سالان اهمیت کودک گستان ها و سرخوارگاه در جمیع کشور ها دارای اهمیت بسزای است . یکی از کشور های که در آن کودک گستان های فراوان و تسهیلات خوبی برای اطفال و خورد سالان موجود است کشور اتحاد شوروی می باشد . ویرا نظروف مدیر یکی از کودک گستان های مسکو اخیراً گفت در کودک گستان مر بو د او در صد طفل يك تا هفت ساله موجود است

این اطفال مر بو ط به کارگران ، عاموران انجیران و تکنیشن ها و غیره اختار ز حمت کش میباشند .

این کودکستان از خود معلمان تریسوی موزیک منیجر دوی و نگهبان دارد .

اطفال از ساعت ۷- الی ۸-۳۰ هر صبح به کودک گستان آورده می شوند و بعد از اینکه همه اطفال آمدند تمرینات صبح آغاز می گردد بعد از تمرینات ناشتای اطفال داده می شود . لست غذای اطفال در کودک گستان مذکور شامل غذا های متنوع از لحاظ مفاد پر مکفی کالوری پروتئین ویتامین های ضروری برای رشد بدن میباشند اطفال بعد از صرف نان چائت فعالیت های ورزشی و نوشت و خوان و کشیدن رسم را انجام میدهند . فعالیت های اطفال در خارج اتاق های کودکستان طبق موسم و هوای مساعد تنظیم می گردد .

کذا بمنظور رشد استعداد ذهنی اطفال وقتاً فوقتاً فستیوال های نمایش فیلم کتب مربوط با اطفال دایر گردیده و پروگرام های جالب و دیدنی برای سرگرمی مزید اطفال عملی می شود تا آن ها از هر حیث احساس آرامش اطمینان و مصو و نیت نمایند و با یتو سيله جوانان با درك و با احساس برای جا معه خویش بار آمده در همراهان جا معه و خدمت به خلق و مین خوشی سهم عملی و مؤثر گیرند .



اطفال در کودکستان ها از تربیه و پرورش خاص برخوردار میگردند

سیر در جهان هنر

از مجله پو لند

ترجمه ی « زهدی »

شور جاز در پولند

نخستین کسی است که نکات بر جنبه موسیقی محلی را شامل موسیقی جاز گردانید. در فستیوال جوانان مسکو (کریستوف ما تی، کو میدا) یکی از بر جنبه تر بن نوازندگان بود. فعالیت های هنری اندرز کور یلو یس « بقدری در فستیوال جوانان ۱۹۵۹ که در «وینا» بر گزار شد چشمگیر و پر آوازه بود که محبوبیت وی را دو چندان ساخت.

کنسرت های «کو میدا» در کلب عمومی جاز فرانسه در سال ۱۹۶۰ چنان موفقیت هارا نصیب او گردانید که وی را بر وی برده قلوب یون در خاند و به شهرت جهانی رساند.

یکسال بعد (اندرز کور یلو یس) این هنرمند معروف پولندی با رفتنای خویش در کلب جاز پاریس و المان غربی کنسرت های داد که باعث شهرت و محبوبیت بیش از پیش وی گردید. موسیقیدانهای جاز پولندی «گروه هنری ستا نیلا کالو نیسز کسز» با رها در هنگری و جمهوری دموکراتیک آلمان، کنسرت دادند و هر بار به پیروزی ها و موفقیت های چشمگیری رسیدند. امروز آر کسز های زیاد جاز در پولند فعالیت دارد و جاز عصری از جاز سابق بیشتر عمو میت پیدا نموده است. با این هم بعضی گروه ها، جاز مرو جی نیسز میوازند که این جاز از جاز اوسط اروپائی نامند گمی میکنند.

تاریخ جاز در پولند از سال ۱۹۵۶ که نخستین فستیوال جاز در «نیو پورت» بر گزار گردید آغاز شد. امروز مردم پولند نه تنها به شنیدن موسیقی جاز علاقه دارند بلکه جاز را بهجت موسیقی ای میثنا مند که در آن شور و هیجان نهفته است. در چند سال محدود جاز در پولند تکامل و پیشرفت چشمگیری نموده حتی در امریکا محبوبیت پیدا کرده است چنانچه ما لها قبل «ویلیس کالو و ا» که بهجت بنیان گذار «ساز امریکا» شناخته شده، چندین کنسرت خوب جاز پولندی را در شهر وارما شیزر و سه پروگرام مکمل را که هر یک آن چهل و پنج دقیقه را در بر می گرفت ترتیب نمود و روی پروگرام های مذکور جاز اروپائی نام گذاشت و به هنر دوستان شنوایانید. پروگرام های وی بقدری مورد علاقه مردم واقع گردید که اکثریت مردم با رها آنرا شنیدند. در فستیوال جاز ۱۹۵۹ که در «نیو پورت» برگزار گردید نامین زو یلو مسکی مسکوفون نواز پولندی، مسکوفون نواخت و به شهرت عالمگیر دست یافت. «رو یلو مسکی» اکنون از کمپوزر های معروف گیتی محسوب میگردد. وی



دو سیزده هنرمندی از پولند



یکی از رهبران آر کسز جاز پولند در حال ایراد بیانیه.



کلوپ جاز «کراکو» که در آن ملاقات هاومناقشه های زیادی پیرامون ، موسیقی ، نقاشی و آثار ادبی صورت میگیرد .

آن کشور همیشه چیز های بگرو مهم و آمیخته احساس نوگرایی و پشتکار و زحماتش آنهاست . مینوازند که این معرف استعداد های سرشار ، از سال ۱۹۵۹ با نظر طرف عقیده به جاز در پولند فرق کرده است . در آغاز مردم پولند جاز را یک چیز بیگانه و زشت میدانستند (حتی مادران دختران شان را اجازه نمیدادند که بکنسرت های جاز بروند) اما امروز نه تنها جاز را به یک هنر ممتاز میباشند بلکه اکثریت مردم به شنیدن آن علاقمند میباشند این عقیده تازه زاده این حقیقت است که نواهای موسیقی جاز راه اش را روز بروز بیش از پیش در میان مردم باز مینماید .

از چند سال باین طرف بر علاوه ای که در هر شهر پولند کنسرت های متواتر داده میشود توسط آموزش موسیقی جاز در پروگرام های مکاتب نیز شامل گردیده که گروه های هنری مکاتب توسط ارکستر ای فیل هار مونیک پولند رهنمایی و اداره میشوند .

بهترین و معروف ترین کلوپ جاز پولند کلوپ جاز «کراکو» است این سالون در یک جهان قرار خواهند گرفت .

تماسهای جاز پولند با جاز سایر ممالک تنها بافر ستادن جاز نوازان محدود نمیمانند بلکه با تبادل آهنگها و آهنگهای مشترک نیز توام میباشد .

درفستیوال دوم «نیوت» در سال ۱۹۵۷ پولندی هابیت میزبان برای نوازندگان چکی ، ایتالوی و آمریکایی چون «البرت نیکولاس» ، «بیک بیل رمزی» و «جکی فرونت کونیت» کنسرت هایی دادند که مورد پسند آنها واقع گردید .

کمیته «آر.سی.ای» ریکاردهای از موسیقیدانان جاز پولندی ثبت نمود که مدت ها بازار گرم داشتند و شنوندگان فراوان .

نخستین گروه های معروف جاز نوازان پولند در سپتامبر سال ۱۹۵۸ در وار سا جلسه نمودند .

گروهی «هیچولیمس» که یکی از گروه های جاز نوازان در فستیوال دوم «ستوری ویلا» شهرت و محبوبیت پیدا نموده امروز آهنگهای تقدیم شنوندگان جاز پولند مینماید که شور و هیله فراوانی را براه میندازد .

گروهی «هیچولیمس» که یکی از گروه های جاز نوازان در فستیوال دوم «ستوری ویلا» شهرت و محبوبیت پیدا نموده امروز آهنگهای تقدیم شنوندگان جاز پولند مینماید که شور و هیله فراوانی را براه میندازد .

گروهی «هیچولیمس» که یکی از گروه های جاز نوازان در فستیوال دوم «ستوری ویلا» شهرت و محبوبیت پیدا نموده امروز آهنگهای تقدیم شنوندگان جاز پولند مینماید که شور و هیله فراوانی را براه میندازد .



رهبر آرکستر جاز پولند در حال رهبری .

دی ښکلا و به ورځ په ورځ د یا -
شکا د تنګي زړه تسخیر و لو تښه
ادامه ور کړه خو دا ور که وه او
یوازی د یا شکا په زړه کې لیدل
کیدای شوای .

دا مهال غمجن یا شکا په
ژړغو نو سترگو او غوړو خیر نو
جا مو د مطبعی د کار گرانو له پاره
لږ بیګانه او غیر عادی غو نښی
ښکار یدی ، خپل ټول پخوانی عادی
تونه ، مستی ، ټوکی ټکالی اوځندا -
وی یی له لاسه ور کړی وی ، درو -
غتون د ښو خیالی ورځو ژونددهد
ژوند ټوله خوښی او مستی پخپلو
لمبو کې لاهو کړه او ایری یی ترینه
جوړی کړی .

اور یدی می دی چی وا یسی
تقدیر دا نسان پر سر نو شت لوبی
کوی ، دا با لکل سمه ده ، همدا
وجه وه چی یاشکا بیا هم (هغه)
ولیده .. یا شکا له خپلو ملګروسره
له ښار څخه وتلی یوه ښی ته تللی وو
په غبرگون کې یی د گڼو ونو له
مینځ څخه په یوه گاډی کې ولیده . که
خه هم چی دروغتون د دیدن څخه
دوه کاله تیر سوی وو خو دی
هیڅ تو پیر نه وو کړی او همغسی
جذابه او په زړه پوری وه . در ی
آسیری گاډی له لاری څخه در ندی
خاوری دوړی پور ته کولی ، دهغی
څنگ ته یو بل نفر ناست وو چی
پوځی جا می یی اغو ستی وی .

یاشکا ډاډه وو چی دا (هغه) ده ...
یاشکا خو شیبی غلی او ار یان
ودرید ، بیایي چیغه کړه او په
گاډی پسې یی منډه واخسته ، ده
هم چیغی وهلی او هم منډی ، د گاډی
د ټایرونو په شور ماشوراود گاډی
په دوړو کې د یا شکا منډو اوچیغو
دچا پام نه سوای ور جلبو لای ، تر
دیرو منډو او ډیرو چیغو ورو سته
پرځمکه ولوید اود خپلی ما تسی او
مایو سی په ویای یی ښه ډیر -
وژل .

وروسته ، بیاهم دهغی په لټه
کې شو ، په دریمه ورځ یی یوه
گاډی ونیو اود (هغی) دگاډی په
خط السیر روان شو ، په لاره کې به
یی له خلکو څخه پوښتنه کو نه چی
دری ورځی مخکی یوه خوا نه ښځه
له یوه پوځی ما مور سره له دی ځایه
څخه تیره شوه ، تا سو ته معلومه
نه ده چی چی -
باتی په ۵۸ مخ کی

کړی . یا شکا د ځوان ناروغ په
مړینه څکه خو شا له شوی وو چی
نور نو هغی ځوانی ښځی ورور نه
درلود او دا دبل چا په کټ نه
کینا سته . کله به چی دا خبری
یاشکا ته ور یادی شوی په ټول
وجود کی به یی دیوی خو ند وری
خو ښی خبی خبری شوی ...

هغه به هرو مرو دلته را شی او
زما څنگ ته به کیني ، یا شکا ډاډه
ووچی هغه ځوانه ښځه به رو غتون
کی بل څوک نه لری ...

خو هغه را نغله او یا شکا د ا
مو ضوع په ډیره خوا شینی داسی
تفسیر کړه :

- ښایي چی هغه ناروغ یسی د
عملیات له پاره وی ، هو ، که
داسی وی نو بیر ته را ځی او دلته
به زما سره چای څښی او کتاب به
راته لولی ... هرو مرو . خو هغه
رانغله یوه ورځ ، دوه ورځی ، خو
ورځی تیری سوی خو هغه رانغله ...
اویاشکا په هغو پنځلس ورځو کی

یاشکا سره دوه خبری هم نه
وی کړی ، له خپلی خور سره یسی
هم دونی خبری نه کولی . کله
به چی هغه ځوانه ښځه له رو غتون
څخه ولاړه یا شکا به غو ښتل چی
ورور ته یی ښی / سپکی سپوری
کنځاوی وکړی او خپل زړه پری
تش کړی ، زړه به یی وځور ید
اوپه سترگو کی به یی او ښکسی
را پیدا شول . یاشکا نهه ور ځی
په داسی له خور او نیکمر غسی
څخه به ډکو شیبو کی تیری کړی .
یوه ورځ سهار کله چی یا شکا
له خوبه را پا خید متوجه شو چی
اوږ د بر یتور ناروغ پر یوه تډ کړه
ږدی ژر یی له یوی پر ستا ری څخه
پو ښتنه و کړه :

- چیری یی وړی ؟
- به تا یی څه ؟ .. مه ویر یرره ،
ناهلته نه وړی ، خو ورځی ورو سته
رخصتیری او خپل کور ته به لاړ
شی . ته دلته ډیر شیطان شوی !
یا شکا بیا پو ښتنه وکړه :
- سړ سوی دی ؟

د ماکسیم گور کی لیکنه ژباړونکی : احسان آرینزی

یاشکا

- دوهمه برخه -

کی چی په رو غتون کی پا تسی وو
هغه ونه لیده ...

کله چی یاشکا له روغتون څخه
ووت په ټول ښار کی یی د هغی
د پیداکولو لټون پیل کړ . یا شکا
تصمیم نیولی وو چی دخپل ژوندانه
له هر څه نه تیر سی خو
(هغه) پید کړی . هره یکشنه اوکله
ناکله به نوری ورځی د ښار داعیانو
په برخه کی گرزیده او هغه به یی
لټو له . خو مځکه چاودلی او هغه
پری ننو تلی وه ... ډیری (هغی) ته
ورته وی ، هری یوی به یاشکا په تیرو
خوړو خاطرو کی ډوب کړ ، یا شکا
به په هر شی او هره خوا کی دا
شیان محسو سول : یو ښکلی سپین
نازک مخ ، دوه غټی توری هو سناکی
سترگی ، نر می او سری شونډی
تر تور نازک ټوکر لاندی سپین
اندا مو نه توره ښکلی خو لی او ...

- هو ... ژوندی سړی خو به
تذکره باندی نه باروی !
- سړ سوی دی ، هه ؟؟
یا شکا دغو ښی له دغی بی -
کنه او ډار وو نکي مجموعی څخه
لږ وډا ر شو ټوله شپه یی ځوان
بر یتور ناروغ ، دهغه زگیر وی او
پوځی په خوب لیدل ... یا شکا
یوه شپه مخکی ډاډه شوی وو چی د
ناروغ د ژوند د ډیوه غوړ تمام شوی
دی ... خو لږ ځند ورو سته خوشاله
شو او دروازی ته یی وکتل چی کله
به ځوانه ښځه دده ډیو ښتنی له
پاره رو غتون ته راځی .

یا شکا کولای شول چی د لکښی
په مرسته له خپله ځایه پاخیږی وپه
خو نه کی قدم ووهی ، خو خوب
بری زورور شو او پخپلو رویا یی
خیو کی یی لاهو کړ . یاشکا ډاډه و
چی هغه به راشی او ښکل به یسی

داوخت ځوانی ښځی د ډلک سترگی
شونډی ، مخ او تنده ښکل کړل ،
یا شکا هک اریان پاته شوی ووځکه
داشیان یی نه اور یدی وو ، نه
لیدلی . دا ټول شیان ور نه
نوی وو او دده پر مخ یی داحساسانو
دیوی نوی نړی ورو نه ور حلاصول
ښځه ولاړه ، یا شکا په خیالونو
کی ډوب شو اونپه ورځی یی په دی
خوړو خیالونو کی تیری کړی . په
دغو ښو ورځو کی یا شکا به خلی
روغتون ته را غله او یا شکا په دی
ښو ورځو کی له داسی ناپیژند لو
احسا سا تو سره لاس او کر یو ان
وچی دټول بدن رک رک یی له
خوښی څخه ډک کړی وو .

ځوانه ښځه به چی کله روغتون
ته راغله ، یاشکا به یی دروغسې د
تشی کلمی پر ځای ښکل کړ . بیا
په خپل ورور ته ور غله او هلته
په ډکټ پر داسی ځای کښینا سته
چی یاشکا به یی هم لیدلی شوای .
یاشکا به خو شا له سو ، په
خبره به یی ځوانی ښځی ته وکتل ،
ځوانی ښځی به هم ور نه
وکتل . یا شکا د ځوانی ښځی دورور
په وړاندی سخت حسا دت پیدا
کړی وو . غو ښتل یی چی زرمړشی
او ځوانه ښځه یوازی دده د پو -
ښتنی له پاره روغتون ته راشی .
دځوان بریتور ناروغ زگیرو یو -
به یا شکا خو شاله کاوه :

- لکه چی مری ، کا شکي چی مړ
شی !

خو ځوان بر یتور ناروغ نه
مړ کیدی او یا شکا به تل غمجن
وو . یا شکا په خپل ټول ژو ند کی
دلو مړی ځل له پاره له دا سی
نیکمر غی سره مخا مخ شوی ووځو
بریتور اوږده ناروغ دده د نیکمر غی
په لاره کی ډبری اچولی . ځوانه
ښځه به تل دخپل ورور پر کټ
کینا سته او کله نا کله به
یی یا شکا ته هم وکتل . یا شکا به
دځوانی ښځی لاس راو نیوه او له
زار یو څخه په ډکو سترگو به
یی ور ته وکتل ، په دغه ټوله مو ده
کی به یا شکا خبری نه کولی او
ځوانه ښځه به یی ورو ، ورو خپلی
خوا ته را کښله ، ښځی به وروخپل
لاس د یا شکا له ډنګرو منګو لو
څخه خلاص کړ او بیر ته به خپل
لومړنی ځای ته ستنه شوه . دځوانی
ښځی ورور تر دغه وخته لا له

متن بیانیه بهر ک کارمل

کمک های محدود نظامی اتحاد شوروی که بخاطر جلو گیری از تجاوزات پی هم دشمنان خارجی افغانستان از خارج سرحدات بخاطر دفاع از استقلال و حاکمیت ملی افغانستان تقاضا گردیده است بصورت قطع مطابق به منشور ملل متحد و حقوق بین المللی بوده و تخلف از اصول عدم تعهد بوده نمیتواند.

مطابق به ماده ۵۱ منشور ملل متحد هر کشور حق دارد در صورت لزوم از دولت دوست خود کمک در خواست نماید هر وقتیکه حکومت و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان خواسته باشد و تجاوزات خارجی بر قلمرو کشور مان افغانستان از میان برود، صلح و امنیت منطقه تضمین گردد، قطعات محدود و کوچک اتحاد شوروی با رضایت خاطر خاک افغانستان را ترک میدهند. ما بنابر عشق آتشی که به شرف و ناموس خاک وطن خود داریم با بانگ رسا و بی هراس به

جهانیان اعلام میداریم که هرگاه دشمنان خارجی افغانستان دست از تحریکات و تجاوزات در ساحه قلمرو ملی ما نبر دارند ما بر اساس اراده مردم افغانستان کمک های بیشتری از اتحاد شوروی و دیگر کشور های صلحدوست جهان بخاطر دفاع از دست آورد های انقلاب کبیر نور بخاطر دفاع از استقلال و حاکمیت ملی و ساحه خاک مقدس خود چون روش ویتنام قهرمان، کیوبای قهرمان، حبشه و انگولای قهرمان، ملل قهرمان اعراب و عرب فلسطین و غیره در خواست خواهیم کرد. باز هم با صدای بلند اعلام میداریم که بزرگ ترین افتخار و غرور ملی مردم آزاده و صلحدوست افغانستان ازینجا ناشی می شود که سیاهترین محافل امپریالیستی و ارتجاعی علیه یورش انقلاب به کاخهای استبداد و ارتجاع استعمار و امپریالیزم، دریک جبهه نامقدس سیاه بمثابه خصم آشتی ناپذیر خلق قهرمان

افغانستان قرار گرفته اند، در هر حال مردم افغانستان در وجود یک جبهه وسیع ملی و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان بطور پیگیر و بی امان دلیرانه بخاطر به پیروزی رساندن نهایی انقلاب دموکراتیک و ملی ضد فو دالیزم و ضد امپریالیزم برای یک افغانستان آزاد مستقل علیه دشمنان داخلی و خارجی شجاعانه به پیش میرود و یک گام به عقب نخواهد رفت.

رفقا! سرو صدای زیان آمیز و خاینانه دشمنان باین معنی است که دیگر دشمنان ما شکست خورده و خلق ما پیروز شده اند، خلق کشور ما تا اکنون به تجربه خود در یافته اند که حزب دموکراتیک خلق افغانستان مدافع پیگیر و سر سخت منافع واقعی ملی مردم افغانستان بوده و دارای پیوند های عمیق خلقی است به سعادت و سر نوشت حال و آینده، به آزادی، سربلندی رفاه و ترقی خلقهای ساکن این سر زمین دلبستگی عمیق

دارد، دفاع از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی و اقتصادی و حاکمیت ملی کشور را وظیفه مقدس خود می شمرد، باین جهت اعتقاد عمیق حزب ما به بین المللیت از ماهیت طبقه ای، جبهه ای و خصلت عمیق وطنپرستانه آن ناشی میشود، وطنپرستی و بین المللیت حزب ما با یکدیگر پیوند ناگسستنی دارند.

در پا نزد همین سالگی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در برابر خلق، طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور تجدید پیمان میکنیم که پرچم مبارزه علیه امپریالیزم و ارتجاع و در راه آزادی، دموکراسی، استقلال ملی و تمامیت ارضی کشور را همواره بر افراشته نگهداریم. زنده باد حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان. زنده باد آزادی و دموکراسی برای مردم افغانستان.

زنده باد مردم زحمتکش افغانستان. به پیش در راه حفظ استقلال ملی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و وطن پر افتخار مان افغانستان عزیز. (ب)

پیام هیات رئیسه شورای انقلابی

تحسین مینمایند زیرا بخوبی ملتفت شده اند که چه کسی در کنار توده های وسیع خلق مسلمان کشور ما و مسلمانان جهان، مسلمانان عرب و علیه صهیونیسم و امپریالیزم قرار دارند.

امپریالیزم امریکا و متحدین گوناگون ارتجاعی اش در تلاش بودند که ذریعه جاسوس خون آشام خود حفیظ الله امین پلان برده ساختن خلقهای مسلمان افغانستان را عملی کنند، ولی بپیروزی مرحله نوین انقلاب نور این نقشه های شوم خنثی گردید و این خود باعث دیوانگی امپریالیستها میگردد.

بپیروزی مرحله نوین انقلاب خلقهای مسلمان و برادر افغانستان، ایران و پاکستان دریک

صف واحد بر علیه دشمن مشترک و غدار قرار دارند، امپریالیستها انقلاب افغانستان و انقلاب ایران و نهضت پاکستان را تهدید به خفه ساختن مینمایند و در کو شش هستند این سه کشور آزاد و مسلمان را از جهان اسلام و کشور های روبانکشاف تجرید نمایند ولی کوشش های امپریالیستها، شوونیست ها و مرتجعینی که لباس مدافعین اسلام را در بر میکشند و بنام اسلام علیه اسلام و علیه منافع بنیادی مشترک عینی مسلمانان توطئه چینی و خیانت میکنند به مو فقتیت نخواهد انجامید، وحدت خلق های ماکه بر اساس دین مقدس اسلام استوار است شکست ناپذیر میباشد.

ما یقین کامل داریم آنهاییکه بوسیله تبلیغات امپریالیستی و چینی فریب خورده اند به اشتباه خود پی برده از مسلمانان افغانستان که درین مرحله آگنده از شور و هیجان پروسه انقلابی رابسوی تکامل آن میبرند پشتیبانی خواهند کرد.

ما از برادران مسلمان خویش از حکومت های کشور های اسلامی می طلبیم که بدشمنان اسلام، به امپریالیستها و د راس آن امپریالیزم جبهه نخواستار امریکا به یاران صهیونیستها این دشمنان آوارگان بیگناه فلسطینی، باین دشمنان خلقهای انقلابی تمام جهان اجازه ندهید که شمارا فریب بدهند، از انقلاب ملی و دموکراتیک وضد امپریالیستی ما پشتیبانی نمائید.

پلانیهای امپریالیستهای

امریکایی و هژمونیستهای پیکر آن سان که اکنون در ایران خنثی میشوند در افغانستان نیز در هم خواهند شکست، تهدید، توسل بزور، بکار بردن تحریکات، دروغ و افتراء نسبت به خلقهای مسلمان افغانستان و ایران به امپریالیستها کمک نخواهد کرد، چنانکه آیت الله امام خمینی رهبر جلیل القدر ایران اظهار داشته است. «بگذار ایالات متحده امریکا سعی و کوشش کند که مارا با اقدامات نظامی و اقتصادی بترساند ولی مایک قدم به عقب نخواهیم رفت» امر حق مسلمانان پیروز خواهد شد.

ما همه مسلمانان جهان را بدفاع از انقلاب های افغانستان و ایران برضد امپریالیزم، صهیونیزم و ارتجاع بدفاع از امر حق و عدالت فرا میخوانیم.



دوستان عزیز !
 بامکتابه نایه
 شعر، داستان و مطالب وچپ
 وخواندنی بفرستید

قسم است

مرا به آبله دست کار گر قسم است
 مرا به اشکم خالی رنجبر قسم است
 مرا به کودک بیچاره یتیم که او
 زلفش علم و کمال است بی خبر قسم است
 مرا به کوچی بی سر پناه و بی مسکن
 که هر زمان، به جانی کند سفر قسم است
 به دست و پنجه پر زور د هقان وطن
 که کار می کند از شام تا صبح قسم است
 مرا به آنکه شب و روز چوب می شکند
 به دست و پایش پود زخم صد بقر قسم است
 مرا به آنکه شبانی کند به دره و کوه
 ز وضع زندگی شهر بی خبر قسم است
 مرا به بیه زنا نیکه چرخ و دوک بدست
 ز بهر لقمه نانند در بدر قسم است
 مرا به با به پیری که بار غایله را
 دهد جواب به اشکی، چنان گهر قسم است
 که دژ گهت غدار سر نگون ساخت
 بسوی عالم نو کنم نظر قسم است
 ز خون اهل ستم نهر آسیاب سازم
 بدی طریق نمازم اگر «سحر» قسم است
 یعقوب «سحر» رستا قی محصل صنف
 سوم پوهنشی طب کابل

صلح میخو اهیم

بهر خلق نو خرو شان نویسن
 نو جوان و پر توان تابنده باد
 الفت و پیوند مر دان قمر
 غیرت شو ریده کو هسار ما
 ناله شور جوانی مید هد
 بر فضای اینجهان بالا شده
 بهر تحقیق رهو ز اینجهان
 جان باین دنیا و پنهانی ز نیم
 عالی و مقبل تر وزینده تر
 از رهبر صلح جو با دا کلام
 (کلیوال)

صلح میخو اهیم بانسان زمین
 شادمان و قهرمان پاینده باد
 وحدت دنیا ی خلقان بشر
 آرزوی زنده سر شار ما
 خود نو یسد جا و دانی مید هد
 شعر هستی ساز من دنیا شده
 پیشه کار و نبرد امتحان
 دست به دریا و صحرا می زنیم
 تا که دنیا یم شود رخشنده تر
 بر شما خلق زمین با دا سلام

وطن

وطن امید و همتی زمانم
 تویی یگانه بستان جهانم
 فدای سنگ و خاک و کوه و دشت
 کنم گل خارها را تا توام
 تویی ای میهن روح و روانم
 نوای منگرت در جسم و جانم
 توزادگاه منرگ شیر مردان
 به آزادی و حفظ خون فشانم
 بسوزد از نهیت سقف گیتی
 بجنبد کوه اگر وصف تو خوانم
 قیام خلق توورد زبالت
 تعالی و شکوه در بیالم
 همه پرورده دامان مهرت
 بود همواره نامت بر زبانم
 نخواهم جز تو معنوق و پر یوش
 جو عشق تو ست دایم در نهانم
 نیم هرزم در رزم همیشه
 وطن آرام جانم مهربانم
 یوسف هرزم

دم ، غرگندوی لیکنه

یوبام او دوهو ا

دغه وخت کی د (زوی اوزوم خاوند) گوری
 چی زوی او تگور یی سره لیدی پر ا ته
 دی او لور اوزوم یی سره لری ، زوی او تگور
 ته وایی : «داخه کوری سره لری شمی
 گرمی ده !» یوبام په هغه بل گوټ کی زوم اولور
 ته وایی :
 «بچیانو سره لیدی شمی چی سلاه
 دی !»
 خوی غریب سر را پورته کوی وایی چی
 مور جانی عجیبه ده چی :
 (یو بام او دوهو ا) ، په یوه بام کسی
 خنجه د مروه تو پیر شته چی خوک سره لری
 کوی او نورو ته وایی چی سره لیدی
 شی ، دا خویی فولکلور یک اېخ وچی په
 تکلونو او کورنیو چارو کی د بیلگی په
 ټول یی یادونه کیدله .

وی نودا خو دسوسیولوژی علم هم
 ټاټبه کړی ، خنجه چی خوانی فکر کوی چی
 تگور به په کور کی ددی خای و ایسی یاپه
 بل ټول دهغی دکور خا ونده به شمی
 او لور یی دبل دکور میرمنه کیږی نو دخپلی
 لور په خاطر هم دزوم ډیر لحاظ کوی دا چی
 پخپل کور کی دزوی میر من (تگور) خپل
 سیال گڼی نو دومره پیرو یه او مینه هم
 پری نه کوی .
 نو خنجه وایی چی : داوړی شپې ورځی وی
 د بام په یوه گوټ کی «زوی او تگوره او په
 بل گوټ کی یی لور اوزوم» ویده و په

پری د تعبیر او تفسیر خبری اتری کولسی ،
 په فولکلور یک اېخ ډیری غرگند و نی کیدلی
 او ډیر وخت به یی د فولکلوری یو هو په
 رڼا کی اصل هدف او معنی ته غیږولکی
 ورږدی کیدل .
 رښتیا هم چی د فو لکلور علم خود (خلکو)
 درو ایا تو ، نظر یاتو ، او غر گندو نو
 پر بنسټ کلک ولاړدی او دټولنود کړو،وو
 له تل خنجه یی سر چینه ټولی ده ، هغوی
 به ویل چی خبره خو داده چی :
 «که مو فکر کړی وی : «خوانی تل په
 زوم ډیره مېر بانه وی» دلور په نسبت
 یی ، د (تگور) سره چندان جوړه نه

نه پوهیږم چی خنجه یی ووايم او ولیکم .
 خولنده اوکنده یی داجی ، درلو لوستو لکو
 له ډیری مودی راهه دیخوا پور تنی خبری
 زما پاملرنه خانه گر خولوه، لهر چا به
 می چی دا خبره اوریدله چی : (یو بام او دوهو
 هوا) په رنگا رنگ فکر و نو کی به ډوب
 پاتی شوم ، دچا خبره کله به یو څه او کله
 به بل څه راته مخی ته کیدل.
 کله به می چی دچاله خو لی پور تنسی
 (اصطلاح) و اورید له نو بیا به می د خان
 دیو هید لو له پاره ترینه پو بښته کو له
 چی: یاره ! اصله معنی او هدف یی څه
 دی ؟
 خو هر چا به دخپل ذوق او توان په اندازه

پو هو ولاړدی نو هرو مرو اصلی رېښه او هو، داچې فولکلور د خلکو پر تېر بو او سر چینه یی هم علمی او ځونه لری ، هره خبره یی د خلکو له تېر بو او کړو وړو څخه را پورته شوی وی . د خلکو خبری تل طبقاتی اېڅ لری نو د پورته اساسی ټکی منبع او سر چینه هم دیو کلک طبقاتی اېڅ درلودونکی دی .

که دلو ستو نکو خو ښه وی نو د پو رته اصطلاح پر طبقا تی اېڅ به څه ناڅه ووايو، په هغه هیواد کی چی ټو لته یی په داسی دوه هو او کی ژوند و کړی چی د چا په کی سا په او دجا په کی گر می کیږی ، په داسی ټولنه کی چی یو یی له لو خوا لی او برېښه ټوب څخه دژمی یخنی اوساږه ژامی ورکړی پسوی او غم لری کړی سا تر ښه پورته کیږی ، بل یی داسی لوپ قیمته ، وړین او ډیل کالی اغو ستی وی چی په عماغه یخنی کی پری د عیاشی او مستی خو لی را روانی وی .

په داسی یوه ټولنه کی چی دیو ترغور د ډوډی آواز وی، یوته دی وچ او سوږ جواوی او دوی (ورېښته ډوډی) نه رسیږی ، د بل دی له ښو نعمتونو او خورا کو نو څخه زړه را سکیږی ، هغه دپښتو ژبی متل دی چی «موږ ډوډی په حال څه خبر دی»

په داسی یوه ټولنه کی چی د چا زړه د پلي تلو اوستو ما نیو څخه چاود وی ، پر شا یی د زخمو نو او پولو شمیر نه وی معلوم ، غو ډونه یی د شتمنی طبقی دموټرو خاوندانو په غر هار اوهار نښو ورکا ټی کړی وی ډیری وژلی یی دخپلی بی هوښی په وخت کی پر خپلو موټرو زخمی کړی او وژلی ، دایي لڅه کړی چی نور څو دشتو خاوند دموټر وله موندو نو څخه هم ستو مانه شوی وی او دا خبره چی : «سپوږد پلي په حال څه خبر دی»

آه ، چی له یاده می ونه وځی یوه ورځ می په یوه کتاب کی ولیدل چی لیکلی یی و . په یوه روغتون کی دوه تنه دڅنگندن (مرم) کېدلو ، په حالت کی وه هغه څنگه هغه داسی :

یوله ډیری مستی او عیاشی څخه دوینی دفتار د ډیو رته کیده له امله او بل یی دکم خو نی او بی وژلی له لاسه .

نوکه سترگی پټی نه کړو اوله وا قعیت څخه تیر نه شو په یوه ټولنه کی چی داپورته لنډ ټکی وویل شول مو جو دو ی نو ایا دغه ټولنه به دیو بام او دوه هواو خاوند نه وی ؟ **آیا په داسی یوه ټولنه**

به دغه ډول نور تو پیرو نه نه وی او که رښتیا ووايو د (یوبام او دوه هوا) داصطلاح طبقا تی اېڅ به موپه رښتیا سره پیژ ند لی نه وی ؟ زه خو فکر کو م چی د همدی خبری دطبقا تی اېڅ دڅر گندولو له پا ره به همدغه پورته بیلگی بسنه و کړی .

راځی نو در ټولو ستو نکو چی او سر په رښتیا نی ډول هغه بام ته پا ملر نه وکړو چی هلته په کی یوه هوا وی ، یعنی داچې ساږه او گر می یی په هر گوټ کی سره تو پیرو نلری ، نو داسی یو بام به کله او چیرته و میند ل شی او څوک به یی منځ ته راوړی ؟

شماره ۳۹-۴۶

آینه اعمال

نام توامین بود حقیقت بودی خائی	سفاک و جفاچو وستمگرو بدایین
از خون شهیدان همه دشت و دهن را	رنگین نمودیش چو کلکت همه رنگین
این لاله که برخاسته است رمزگاشش	هرکس نتوان دید بجز چشم جهان بین
این فطرت پست توازل بودنه امروز	یا شیوه قدرت جنای تو معین
کردی همه را در بدر و خاک بسر هم	ای وحشی جاهل وای ظالم پر کین
هیچ خانه نی بر گریه و افغان ندیدم	از جور توای خائی پس فطرت چرکین
خوبی ز توهیچکس ندیده است بکارت	ای جانی بدرگ وای خون خور بدبین
این لکه رنگین که برخاک گذاشتی	تا روز قیامت نشود دور بتو نفرین
آئینه نی اعمال تو این بود که دیدیم	نفرین بتو نفرین - نفرین بتو نفرین

(کیوان) تو مکن ناله و فریاد دگر یی

عالم همه گردید ز افغان تو غمگین

بیتو

بیتو هرگز نرود پای به کاشانه من
 پیوجود تو همیشه سرد بودخانه من
 گر نبا شی تو ، بود کلبه من چون شب تار
 که تویی مشعل رخشان جا و دانه من
 تو همچو شمع فرو زان مجلس آرا نی
 مشو بعمید خدا را ز آستانه من
 چنان کینانه بود قلب من ز تیرفسون
 مباد ز تیر محبت تهی کنانه من
 خروش بلبل طبعم زنگهت تو بود
 تو بی الهام شعر و گرمی ترانه من
 تا نبا شد گل روی تو در آئینه دل
 بر نخیز ددمی گلبا نک عاشقا نه من
 ز لوح روی من برد رنگ زرد «شفق»
 چو صبح روی تو تابد بر آشیا نه من

شعر از : میر حبیب الله «شفق»

زما شعره

مادزپه حالو نه چا ته
 پدی ژبه می ویلی
 ما دخلکو دا دردونه
 په څه رنگه را پییلی
 دکاغذ پرمخ به څنگه
 په ژړا ژړا لیکلی
 که ته نه وای که ته نه وای
 زما شعره - زما شعره
 ته زما دمینی راز نی
 ته زما دزپه همراز نی
 ته دخلکو یو آواز نی
 ته زما د ژ وندون ساز نی
 زه به چاسره په راز وای
 یا به چاسره همراز وای
 که ته نه وای
 که ته نه وای
 زما شعره - زما شعره
 ما دخلکو د غربت نه
 دکلو کلو فرقت نه
 پدی خپل کور او کاله کی
 دهرڅه له محرو میت نه
 ددوی تیت پرک ژوندون نه
 ددوی هرډول مشقت نه
 ما به څه شی وای لیکلی
 یا می څرنگه لیکلی
 که ته نه وای
 که ته نه وای
 زما شعره - زما شعره
 نن چی خلکو کی اوسیرم
 یا چی ساه لرم خو خیرم
 دا چی څه مخ په وړاندی
 نه تمیرم - نه تمیرم
 دا چی هر وخت اوهر ځای کی
 زه دخلکو نه جاریرم
 دا به نه وای
 که ته نه وای
 زما شعره - زما شعره
 ای زما سره تل مله
 ته زما دلاس اسا نی
 ته زما شمع یی بله

هو ، رښتیا هم موږ دهمدا سی بام په جو ډولو بوخت یو چی سر تر سره به دیوی هوا در لو دو تکی وی ، ددی بام زموږ د خلکو درښتینی بچیانو دخلکو ددموکراتیک گوند تر مشری لاندی اودنوردو غورنده او نه ماتید ونکی انقلاب د [] بنسټ دتورپه شانه تلونکی انقلاب وړانگو کی په په شا نه تلو تکی انقلاب وړانگو کی په خلیدو تکی ډول د بشپړ ید لو په لور روان وی .

که پا ملر نه و شی اوس موږ د یو داسی ټولنی خا وندا ن گرځو چی هلته یی بام یوه هوا لری ، هیڅ لوږ تیا او طبقا تی تو پیرو به یکی لوږه اوښکته طبقه نه وی ، هلته به یکی لوږه او ښکته طبقه نه وی ، هلته به د کار گر ، بزگر او مز دور د لاس په تهاکو څوکه به دوینو دفتار په ناروغی اخته نشی ، هلته به دزیا ر گا لو نکو د لاس محصول څوک نه شی استعمار ولی.

هغوی پي ژوندی دی

ژان کافایت

(تیر پسی)

زمون دوست (داکتر پارابلوم) هم ددوی په منځ کې دی. دخپلو ۱۰۰ اردوگاه (زمونډ اردوگاه هغه برخه چې دقرنطین لاندې نه وه) دخیلو ۱۰۰ اردوگاه په نامه یادوه او دایوه ټوکه (وه) ملگری داسې ترتیبات نیولی دی چې دوی ته هره ورځ خوندی ډوډی او یوه کاسه ښوروا ورکړي، ځکه چې ددوی د خواړه برخه (سهمیه) سره له دې چې ډیر زیات کارکوي دنورو په پرتله لږ ده. برسیره پردې دوی دهغو پېوښی بندیانو پاتې برخه دی کوم چې دیوه بسی ساری وژلو په ترڅ کې له مینځه تللي وو پدغه وژلو کې پنځلس یا شل زره پېوښان قربانی شوي و.

یو فرانسوی چې (نیوا) نومېږي مو ډېر سره په کارگاه کې کار کوي. دی په پنځم نمبر بلوک کې پېوښانو سره یوځای ژوند کوي او دهغوی خبرو ته راوړي. پدې وروستیو وختونو کې دهغوی یونې بلژیکي چې کمونیست

هم دی ژول ته یو پیغام استولی وو چې نور مقاومت نشي کولی او زیاته کړې وه چې د (کاپو) دورځ په ورځ زیاتیدونکي وهلو او ټکو. لږڅه معلومېږي چې ماوژني خوزه ددې لپاره چې ځان یې غمه کړم غواړم چې اغزی لرونکي مزی باندې ځان واچوم. ژول ورته وویل: یو کمونیست حق نلري چې خپلې کښې وکړي دغه پېوښ ملگری څو شیبې سوچ کړي وو

او وروسته یې پیاوړول ته ویلي وو چې دهغه خبره رښتیا ده او پس له دې نه به دهرې پېښې په وړاندې مقاومت وکړي. دغه تصمیم دهغه په ګټه وه داځکه چې څو ورځې وروسته دپنځم نمبر بلوک رئیس اعلان وکړ چې نور به کلیمان (پېوښان) ونه وژل شي، دغه خبره په پېره په ټوله اردوگاه کې خپور شوه او هر څوک

دهغه په شاوخوا کې غږېږي، مونږ دغه خبرې ته ډیر خوشبین نه یو ځکه چې دا لومړی ځل ندی چې دغه خبره دجلادانو دخولې نه اورو. خوله تردید ځخه یې پرته باید ومنو چې ددغه خبر څخه پس څه ناڅه زموږ دملګرو په وړاندې دداردوگاه دار بابانو چال چلند بدل شوی دی.

دهغوی کومانډو، اردوگاه ته دښکوپه وړلو راوړلو لومړی شوی دی او داکارندې ساعت تیري ده. مونږ یوه ورځ ماسپین هغوی ولیدل چې ډیر آرام یې کار کاوه او کابوهم هغوی

ته څه نه ویل.

چې چې عقیده در لوده چې:

دتیګم غی نښه نښانه ده. اوس انکار نشي

کیدلی چې آلمانیان خپل وروستی ورځی تیروي.

زمونډ دملګر و او دوستانو په زړونو کې نوی هیلی ژوندی شوی. (داکتر پارابلوم) چې تل به یې مونږ ته وایه:

(ما یواځې هیله داده چې ددسا مېر ترمیاشت پوری ژوندی پاتې شو) کله چې دلری نه مو ډ کوری وایی هلکا نو سلام! او دغه سلام له ډاډ او هیلی څخه ډک وی.

یوه سبابی (نیوا) په غمجنه بڼه راغی او مونږ ته یې وویل:

نن به دوه کسه پېوښ بندیان جانواړي کړي. بیګاشیه یې هغوی ته دغه خبر ورکړ ترسېا پوری موخوب ونه کړ.

ماښام چې دکار نه بیرته راستنیدو دحاضری په ډګر کې مو هغوی ولیدل. دهغوی پېژندنه

دژېړ مثلث دعلامې له مخې چې پرکالیو باندې یې نومېدلی دی، کوم گران کار نلیدی دوی یواځې شل کسه وو. وروسته له هغه نه یې یوآرام ژوند تیر کړ. اوبیایي یوه ورځ دهغوی دری کسه دمخکینې اطلاع څخه پرته ووژل. دغه کار ساتونکي له خوا اشتباها سر ته رسیدلی و؟! داځکه چې نوی دستور هغه ته نه وه رسیدلی.

بیاهم تکرار ول چې باید پېوښان ونه وژل شي. وروسته بیا یوه ورځ زموږ دوست داکتر پارابلوم دحاضری په وخت کې تری تم و، وروسته بیا یواځې شپاړلس کسه پاتې شول. بیا یواځې دوولس کسه، بیا یواځې اته کسه وروسته بیا پنځه کسه، نو هیڅ هیله نده پاتې.

نن سهار مود هغه ځنگل څخه چې اردوگاه ته څیر مه واقع شوی ده ددوډوژو غږ واوړید ماښام چې دکار څخه بیرته راتلو دواپ په منځ کې مویوه سپینه دایره ولیدله. دمخکې په یوه نقطه کې یې د جونې خاوری شیندلی وی اوس بیا بیا کله چې کار ته تلو دحاضری په ډګر کې اود

پېوښانو په مخصوص ځای کې هیڅ یو پېوښ نه وو. دهغوی وروستی سړی یواوولس کلن ځوان و چې سهار مړ شوی دی، سړی یې په هغه واپ کې چې دځنگل له څنډې څخه تیرېږي

دیون سره ټکولي وو او همدا اوس په هغه نقطه کې دجونې گرد د خټو اووینو سره یوځای پراته دی.

• • •

اوت - بیدیا څومره ښکلی ده. زه شارلو اوپو تن هسپانوي دکارگاه څخه بهر په کارگاهارل شوی یو مونږ ته دستور را کړ شوی و چې دکارگاهې کارگاه څخه یوه زینه راوړلو. دیونری واپ څخه تیریدو ددغه واپ په څېر کې ډیرې ونې او شته، شنی شوی دی زموږ په سترگو کې هر شې ښکلی او پر تمین ښکاري هغه کوو چې تر ممکنه حده پوری تازه هوائ نفس کړو مونږ

ته داسې ښکاري چې سل فرسخه دکارگاه څخه لیری شوی یو، بې له بهرې څخه په یو لیک کې او بودېل پسی لار وهو زه په منځ کې یم مونږ پسی یوز وې اس - اس دخپل سپک ماشین کې سره را روان دی دنجیو خلکو بڼه لری اومون باندې بیرته کوی نا څایه مو سترگی یوناک باندې چې دواپ په څنډه کې زموږ په دوه قدم کې پروت دی، لویږي. اسپانوي ساتونکي خواته ځي او د نیمګړي آلمانې ژبې سره اجازه

غواړي چې هغه ناک دمخکې څخه پورته کړي اوو خوری ساتونکي خاندی، داسې ښکاري چې

موافقه لری اسپانوي دناک خواته ټوپ وهي خوپه هماغه شیبه کې مونږ ته څیرمه دژونځ پورته کېږي او اسپانوي پرمخ پرمخګه لویږي لاس یې لاته اوسه دناک خواته اوږ ددی څو هغه به ناک ته ونه رسېږي دلاسونو ګوتې یې دتشنج په حال کې مخکه شوکاري کوي. دژونځ چمبر په منځ کې یې دوینو رنگ ښکاري.

هلی، هلی ژر، ژر لار و وهي.

اس اس مونږ ټپل وهي دماشین ګني دمیلي دخولې څخه یې لومې پورته کېږي.

همدا اوس به یو صاحب منصب راشي او عکاسی به وکړي.

دا (نورمال کومانډو) (معمولي کومانډو) ده.

• • •

سپتامبر - دانګور ود ټولو لو میاشت. نن په کارگاه کې دماسپین دتفریح وخت اوږدېږي. هغه نمایش چې تراوسه می نښه ولیدلی زما دستر ګوپه وړاندې روان دی. دیکور

یوه ستره تیره ده دپنځوسو مترو په جګوالی چې دڅاه په څنډه کې پرته ده. داهغه تیره ده چې تیرګال په زرګونو پېوښان دهغه له سره لاندې اچول شوي و. ددغه دتیرې نه جوړ شوي دیوال په منځنۍ برخه کې ددووسو ډیو په منځ کې یوه ونښته شوی ده او ځینې وختو نه هغو کسانو چې ددغې تیرې له سره به لاندې ګلار کیدل ځانونه به یې دغې ونې سره نښلول او وروسته بیا به همالته دمرګ کوټو باندې اوړیده تر څو چې وروستی ژغورنی دوسیلي څخه لاس واخلي خواوې په دغه کار څوک لاس نه پوری کوي.

دشیپو تنو په شاوخوا کې بندیان دهمدغې تیرې تر لاندې تګ راتګ کولای. دشوړی

بوخ په څیر یو نیلو رمو نه یې اغوستی دی.

دیو نیلوم شاکي د (اس-او) نښه لیکل شوی دی. ډیر ورو ورو کار کوي.

مونږ په ډیر حیرانتیا سره گورو چې دوی یوه ټوټه پنځه کیلومي تیره په زنبیل کې اچوي او په څلور کسيزه توګه یې وړي جر می ټوټونه په پښو کې لری. دپنځو څخه یې روغتیا او خوشحالی اوری. دهغو پتلیو پر منځ چې دباري واګونونو لپاره جوړ شوي دي یوه واړه باروونکي واګون ښویږي او پر هغه باندې دفلماختلو یوه کمره اود ستګاه ایښودل شوي ده، او یو سړی دکارگاه دبیلو بیلو برخو څخه فلم نیسي. ددې لپاره چې دپنځه یانو حقیقي ژوند! په ښه توګه وښیي، هریوه تیرې یوه دانه سګرې هم ورکړي چې دکار کو لو په ترڅ کې یې وڅکوي دادی یو تبلیغاتي تصویر دتیرې دیوی وحشتاکی څنډې څخه د(ګوبلز) نوکران دهرې پېښې نه ګټه اخلي.

(دخوشحالی شیبې)

کله چې ځوان هلک وم، دهغه زنداني کيسه مړلوسلې وه کوم چې پخپله بند یغانه کې یې یواځې ژوند کاوه. دغه بندې داوړدو کلونو په ترڅ کې پرته دخپل ساتونکي دڅیرې څخه بل هیڅ شې نه لیده او بیرته له هغه نه به یې له هیڅ چا سره لید نه کتنه نشوای کولای، او هغه چې هیڅ نه غږیده په نړۍ کې یې وژل او یواځې پاته شوی و. دجیل ځاني دپنځو دښانه

به یې یو ستر دیوال هم لیدلی شو. خود دغه دیوال دشته والی له کبله به ده آسمان نشو لیدلای. یوه ورځ معلومه نده چې څرنگه یوه وړه گیاه دیوی تیرې له درز څخه شته شوه ددې لپاره چې دغه گیاه دده اړیکې دپېرني نړۍ سره ټینګول له هغه سره لکه چې دیوه حیوان سره مخامخ وي آموخته شو. په ډیره مینه سره به یې دهغې ودې اولاشته کیدلو ته

کتل او دهغې دلید لوڅخه به یې ډیر خوند اخیست یوه ورځ ساتونکي دغه گیاه ولیده او هغه یې وشکاوه دهغه دا کار دې وژلی بندې زړه وشکاوه.

زه هره شپه دحاضری به وختکی پداسی
حال کی چی هغه باغچې ته چی بلولاته خبرمه
واقفح شوی ده ، گورم نوددغی کیسی په یاد
لویرم په دغه باغچه کی سړی راز رازتگونه
لیدلی شی اوزه دغه رنگونه پخپل یاد کی لرم
اودهغه دلید لونه یوه بی پایه او دښتتی
خوشحالی راپه برخه کیږی اودسپار له مخی
کله چی گلان لاغوبدلې ته وی زه دهغی لمخې
انتظار باسم چی گلان وغوب پری او ددغه
وحشتناک چاپیر یال په مخ وځاندي . هغه
شپه چی سړی دیوه گل دښکلا په شاو خواکی
سوچ کوی ، دژوند دښو شیبو څخه شمیرل
کیږی .

هرسپار په کارگاه کی دننه یوه غمجنه
چوپه چوپتیا خبریږی . په منظمو لیکونو کی
یوزرو پنځه سوه بندیان بی حرکت انتظار باسی
تر خوجی (کومانډو فوهر) راشی او بندیان
وشمیری . دغه کار یواځی ځوانی اودږیږی
خوداسی چوپه چوپتیاوی چی سړی کولی شی
دمچانو وژرو غږ واوری . هره ورځ په همدغه
شپه هغه مرغه چی دتیروپه سرکی بیخاله
جوړه کړیده په نغموپیل کوی ، دغه مرغه
دلمر دهر کلی لپاره سندری وایی .
ماهیڅکله ددغه مرغه دغږ په غیر خورده
نغمه نهوه اوریدلی ، څومره خورده ده کله چی
سړی دیوه مرغه غږ وپیژنی .

دنور وور څو په خبریومورځ ده دکنافاتو
دیرلو نود وړلود شافه کار څخه بیرته راځو .
مخکی له دی نه چی دروغتون خواته بیرته لاړ
شود غرمی دډوډی لپاره یوڅه تم کړ . هغه
اسپانوی (کاپو) چی واسره دی مون ته اجازه
راکوی چی دلته دواپ په خنده کی لږ څه سیم
شو . زه دهغه چمن دلته نږدی ده یوه دښته

گلان ټولوم اندره اوشا رلو پرته له دی نه چی
څه وواپی همدغه ار کارکوی ، نور فرانسویان په
لومړی سرکی مون ته څیر څیر گوری هو
وروسته بیا هغوی هم مون نه تقلید کوی .
مون په دیر تاثر سره دفرانسوی دری ونگه
بیرق ته گورو . نن دژونیه خوار لسمه نیټه
ده . دوه کاله مخکی دژوبیه غوادلسمی نیټی په
شا وخواکی کله چی په پاریس کی وم ، سوچ
کوم . دریو ځوانو نیچو نو کالی چی څنگ تر
څنگ روانی وی . دفرانسی دبیرق ښکارندوی
دی . دپاریس په هکله سوچ کوم چی د(پوشانو)
ترنظر لاندی دفرانسی له رنگونو سره بیخان
ښکلی کول ا وهر ورو نږه هم همداسی وی
مون هم دخپل ځان لپاره یو بیرغ جوړ کړی
دی .

څنگه ده چی دغه گلان پخپلو ټټرو ونو وټومبو
څنگه ده ملگرو ؟
هغه شپه څومره ځوندوروسته شپه ده چی سړی
دیو سمبول په ارزښت باندی پوه شی .

د منی یو ما زدیکر آسمان چـــــــســــی
دوریځو دخو ټوټو څخه پته شوی ده سورتنگ
شوی دی .

مون همداوس دهغو وحشتناکو زینو څخه
ښکته شوی یو ، زمون په وړاندی ددانوپ دښته
دیوه ستر سمندر په څیر څپور شوی ده او هلته
ډیر لری دالپ غرونه . لمر دهری شوی سگروټو
په څیر هلته چوپیری . غرونه مون ته ډیر
ستر ښکاری . غرونو څوکی دسینوزرو په
څیر برلیشی . داسی ښکاری چی ورپځی او آسمان
دسرو زرو په اورکی سوزیږی ماهیڅکله په
طبیعت کی دو مړه ښکلی منظره نهوه لیدلی
ورو ورو اوپه یوه ځانگړی حالت ددغه فوق العاده
ښکلا په وړاندی چی لیدل په کال کی دوه

ځلی لیدونکوت وړاندی کوی . لاروهم . پدغه
شپه کی دری زره کسه بندیان خپل ټول غمونه
ددغی منظری په لیدوسره له یاده باسی یوسترشی
یو فوق العاده احساس چی توصیف بی گران
دی دلامارتین یوشعر راپه یادوی : «دیونارځ
په بسترگوکی ، لمر څومره ښکلی دی .»

او اوس کوچنی شیان . کله چی دگروونکو او
گرانو کارو نونه وروسته ، ددوږ واو سړوپه
منځ کی ، لمر زمون خواته ځاندي . کله چی
سیوری دستری تیزی خواته ځی ، کله چی
درنایی دمنبعی لومړیوږ اتگودسړی بدن نوازش
کوی ، داسی دښکمرغی اوآرامی احساس مون
کی پیدا کیږی چی ته به وایی دژوند عصاوه
زمون ځانونو کی تزریق کوی . دغه احساس
ډیر نه اوږد ږیږی څومره څه چی ده دغوشحالی
شیبی دی .

دورځی په نیماپی کی . کله چی دوه یادری
کسه دتیر واویا واگونونو تر شاسره ټولیدو ،
کله چی په واسره یو سگرت ځکوو ، کله
چی ډیر لږ لوگی موسن وته تیروو سرونه
موجود لیر ی ، یو دگرختی حالت لاس راکوی
چی دځوانیو لپاره مویوی بلی دنیاته بیایی
ډیر لږ شی دی څو هر څه چی ده زمون په
کړیدلی ژوندکی دخوښی شیبی دی .

دشپی کله چی اردوگاه ته راستنیدو ، کله
چی حاضر ی تمامیږی او سخت کارونه سرته
رسیږی او مون یوه گوله ډوډی په لاس کی
لرو او کولی شوچی دکوټی په منځ کی کشینو
کله چی دغه ډوډی غوڅوو اودهغه وړی ژوی
هم ټولوو ، کله چی دغه توره ډوډی څولی ته
اچوو اوپه ډیره اشتها سره هغه خوړو کله
چی کولی شوو وایو : (هیڅ شی دومره ځوند
وره نده) دغه شیبی هم زمون دگر او څخه
ډک ژوندکی دخوښی لمخې دی .

خوددی نه هم هغه شپه ځونده وړنده کله
چی دغرمی دډوډی په هکله سوچ کوو .
څو خپل کار پسې ، منځ کی له دی چی بلوک
نه حرکت وکړو خپل بلزیکي ملگری ارنست

گورو . هغه رسمی ژبی سره بلد تیالری او
هره ورځ زیار باسی «ولکشیربشو باختره» (دنازی
دگوند ورځپاڼه) چی یواځی آلمانیان کولی شی
هغه ولولی ، لولی اودهغی له مخی نوی خبرونه
موندنه راوړی . کله چی دارد وگاهه دروازی څخه
وځو بندیان په منځ وپیل کوی فرانسو یان
سره ټولیری ، دهمیشنی عادت سره سیم
«سیر» وایی :

خبر شوی یی ؟
هوکی وضعه ښه ده خارکوف خپلواک
شوی دی .

هلکانو خار کوف آزاد شوی ، هلکانو !
دغه خبر خوله په خوله گرځی ، کاپو کولی
شی چی مون باندی چیغی ووھی ، اس ساس
کولی شی چی پوره وکړی څو خار کوف خپلواک
شوی دی .
شار لوپوښتنه کوی :

«بیایی چی (اورل) هم خپلواکه شوی وی ؟»
«هر ورو خپلواکه شوی ده . اوس نوځنډ
له مخی نه لری شوی دی اوده «دنیپر» لا ره
هم خلاصه شوی ده .»

«د(خار کوف) نه تر (کیف) پوری څو کیلو
متره و اتن ده !
دلته دسیمون واردی چی ډیر ژر ځواب
ورکړی :

«اپکلا دری سوه او پنځوس کیلو متره .
سیمون دتل په څیر داعداد واو ارقامو سره
سرو کار لری . هغه پوهیږی چی په شمال
کی سور پوځ دلتوا نی په پنځوس کیلومتري
کی دی او سیمون دجیبی ټولی گرښی پخپله
حافظه کی لری اودجگړی نقش دهغه په یاد
کی ده .»

«آیا دآلمان خبررسونکی آژانس دخار کوف
سقوط تایید کړی کهنه ؟»

«هوکی دپرونه راهیسی یی دغه خبر تایید
کړی ده .
په نورو جیبو کی څنگه ؟»

زه پدی هکله نور څه نه پوهیڼم .
یوبل بندی پوښتنه کوی :
دلویښخی جیبی ته څه خبرده ؟
سیمون دهغه خبره غوڅوی او وایی :
په لویډ یخ کی کومه جیبه نشته .

وبخښی ایطالیا څنگه ؟
«ایطالیا ؟ پدی هکله غواړی چی په څه
باندی پوه شی ؟ سوچ کوی چی که ایطالیا
تسلیم شی دجگړی سر نوشت به بدل شی .
منځ کی له دی نه چی متلقین (دبربر) یا (آن)
څخه تیرشی روسان به له (ویستول) څخه
تیر شی . ترهغه وخته پوری چی آلمانیان
دروسی په خاوره کی وی ، لویډ یخه جیبه
به جوړه نشی .
هوکی ټوله نړی پدغه مساله پوه شوی دی

دروسی په هکله هر څوک چی هرراژ نظریه
ولری پدغه مسله کی متفق الرای دی چی
اوس یواځی شوروی اتحاد پدغه جگړه کی
غوځ دریځ لری برسیره پردی دآلمانی ورځپاڼو
خبرونه یواځی دختیځی جیبی په هکله دی .
له همدی کبله ددی ځای بندیان داتلانتیک او
یامد یترانی دجگړو په سوچ کی ندی ډوی
یواځی د(دنیپر) دجگړی په هکله غږ یږی .
زینوته رسیږو . یو (گولیسټ) ملگری ژما
څخه پوښتنه کوی :

«داد خار کوف کیسه رښتیا ده ؟
هوکی رښتیاده .
پدی اساس نور په انگلیسان پلی شی .
دو همه جیبه پرانستل کیږی ؟
زه لاتر اوسه پوره باور نلرم .
نویدی اساس داسی وایی چی جگړه به
هیڅکله پای ته ونه رسیږی ؟»

«اوس پدی هکله څه نشم ویلای .
هوکی خودا جگړه ډیره اوږده شوی ده
ډیره اوږده»

پتی لوی چی تر اوسه پوری یی زمون
خبروته غوږ ایښی ویو ځلی په قهر کیږی او
واپی :

«سوچ کوی دهغو کسانو لپاره چی جنگیږی
دغه جگړه اوږده شوی نده ؟»

تاسی دخبرو نو دتر لاسه کولو په هکله
دومره پیره لری چی سړی ته ځنډورځی که یوه
ورځ تاسوته خبرونه ونه رسیږی وارخطا کیږی
ماته هیڅ شی مهم ندی پرته له دی نه چی
دآلمان ماتې حتمی بولم . آلمانیان به ماتې
وځوری .

«مون هم همدا سی پتی لویږ جاننه اوکه
دغه ډاډ هره ورځ تکرار شی کوم ضرر به
ونلری .»

په پیره دژینو نه ښکته کیږو کله چی دځاه
وروستی برخي ته رسیږو ددی لپاره چی
دکاوین څخه بیر ته پاتی نشو په منډه پیل
کوو خود قیقې وروسته به په کار پیل کوو . مون
تراوسه پوری هیڅ شی ندی خوړلی خودسپار
دځوند وروځپرونو څخه مونوی انرژي پیدا کړی
دی . مون پوهیږو چی هلته په ډیره لیری سیمه
کی سر ښند ونکی پوځیان منځ په وړاندی زمون
خواته راځی مون ته هم بیایی چی مقاومت وکړو
زمون بریالیتوب زمون په مقاومت کی دی .

هغه شپه څومره ځونده وړنده چی پوځیر
زمون قوت نوی کوی . همداسی شیبی داردوگاه
سختی ورځی زغم وپورځ گرځوی . څو
خوښی که لویه وی او یا کوچنی دیوی شیبی
نه زیات نه اوږد ږیږی .

دهماغه افسانوی بندی په څیر چی ساتونکی
یی دهغی هیلې او ارژو گانی له مینځه وړی
اودهغه اړیکې له پېر سره غوڅوی زمون هیلې
هم په یوی نری مزی پوری تړلی شوی دی .
(نوریا)



از : سپو تنيك

ترجمه از : احمد شاه

من و گروه من قطعه تفریحی از زبان يك حيوان (سگ)

چندی قبل توجه چار نفر را به خود جلب کردم : اینها صاحبم خا نمش ، پسر و دخترش هستند. اینها اشخاص خوب هستند ، فقط نقص آنها این بود که سر گروه یعنی مرا به خود نه پیوسته بودند حال من از آنها واری می کنم. شما فکر نکنید که این کار ساده است مردم را قسمی باید تسخیر کرد که آنها ازین نکته آگاه نشوند و فکر کنند که آنها ترا تسخیر میکنند . قبل از همه ضرور بود تا از صورت ظاهری آنها پر ستاری کنم ، زیرا آنها به گردش و تفریح و پیاده گردی ضرورت داشتند . قبل ازین پیاده گردی را فرا موش کرده بودند . همه وقت با موتر شهری ، تکسی در شهر گردش میکردند اما هوای آزاد رابه یاد فراموشی سپرده بودند .

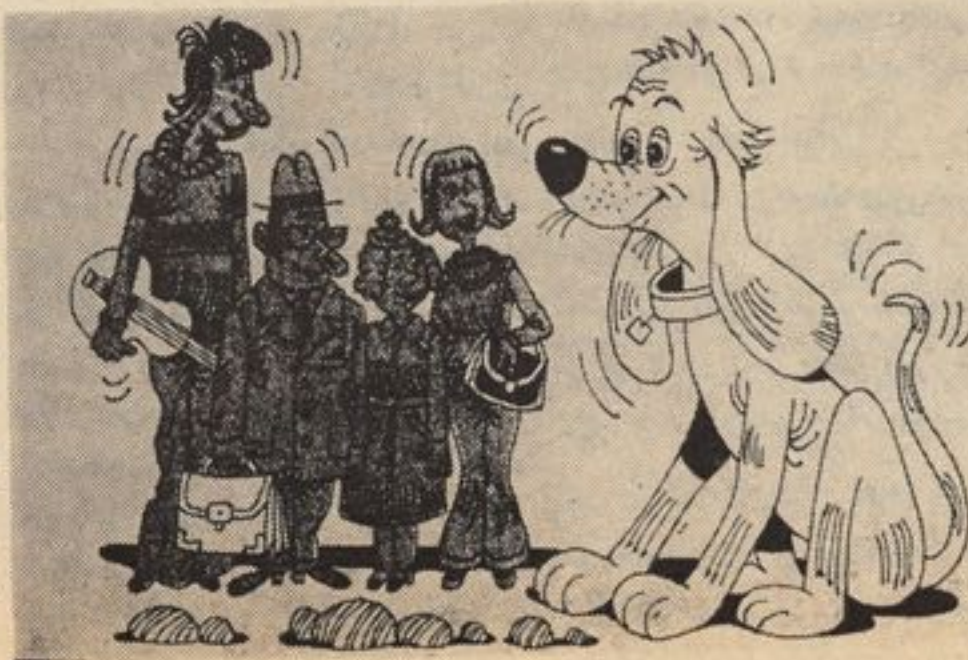
به این ترتیب به گردش شروع کردیم . این کار بسیار مشکل بود و بسیار مقاومت بخرچ میدادند زیرا در انسانها غریزه حفاظه بدن وجود ندارد . اینجاست که ماسکها به کمک آنها شتا فتم . هر روز

انجام میدادم مرا به خانه می کشا نیدند چندی بعد آنها را فریب داده و وقت را طویل میسا ختم و آنها را هر چه بیشتر از خانه دور میسا ختم . بتدریج خود را از جلو رها میکردم تا آنها نیز بتوانند با اشخاصی که در همین اوقات باسکهای خود به تفریح می آمدند ، ملاقات نمایند .

به این ترتیب به گردش عصر نیز آغاز کردند و مرحله دوم کار هایم شروع شد .

در خانه اینها هیچ وقت نان تیار نمی شد و با هم یکجا طعام صرف نمیکردند یکی در طعام خانه دومی در رستوران و سومی در جای دیگر صرف طعام میکردند . آنروز یکی از بهترین روزها در زندگیم میبود که خاتم صاحبه کمی گوشت و یا پنیر برایم میخرید ، اما از اتفاق بد ، پسر و یا دختر آنرا صرف میکردند . فکر کردم به این ترتیب اگر ادامه یابد مشکل میشود و به عملیات جدی آغاز کردم . از خوردن پنیر ، گوشت و حتی کانسرو امتناع می ورزیدم و خود را قسمی نشان میدادم که ازین خورا که ها خوشم نمی آید اما از دهنم افراشات جاری میبود و به یک پارچه استخوان اکتفا میکرد . وقتیکه برای اولین بار خاتم صاحبه مرغ پخت من تا آن اندازه خوشی برپا کردم که حتی آنها اشک می ریختند. اما اگر راست بگویم ما سگها استخوان های مرغ را چندان دوست نداریم زیرا ممکن است در گلولی مان گیر بماند .

مگر با ریسک صحت وجود خود آنرا میخوردم . بعد از همین قبیل نمایشات غرض پخت و پز بسوپ شیر برنج و حتی کاهو که نمی خواهم آنرا ببینم برپا کردم . به



این ترتیب بدون اینکه آنها به این نکته متوجه شوند هر روز باهم جمعا نان صرف میکردند . اما در مقابلم پرابلم های دیگر نیز وجود داشت .

همینکه شام فرا می رسید صاحبم نزد رفقای خود میرفت و به شطرنج بازی میپرداخت ، خانم صاحبه نزد همسایه میرفت و با آنها به گفتگو شروع میکرد ، پسر در پارک با رفقایش گیتار مینواخت و دختر ازینکه محصل بود هر روز به کدام محفل خوشی باهم صنفان خود میرفت . خلاصه هر يك به سوی

کار خود میرفت و ادامه این کار برایم مشکل تمام میشد . در آنوقت از خود حر کاتی نشان داده و بسیار خود را عصبانی نشان میدادم . وقتیکه یکی از آنها از خانه خارج میشد ، عف عف میکردم بسوی در وازه مید و یدم و لباس آنها را میگرفتم . آنها به بسیار دلسوزی میگفتند : ببین چقدر بخاطر ما از خود ناراحتی نشان میدهد و به این ترتیب به خانه دوباره باز میگشتند. رفقای خود را بخانه دعوت میکردند و از من تو صیف میکردند و می گفتند : « ببینید حال یکی از ما بالا پوش را بتن کرده و نشان میدهم که میخواهم بیرون روم و سگ ما از خود نا راحتی نشان میدهد. »

من با خود میگفتم خیر به هر صورت اگر مرا دلک میسا زند فرقی ندارد هدف یکی است و آن اینکه اینها عادت کنند تا از خانه وقت و بی وقت خارج نشوند به عف عف زدن شروع میکردم و آنها خود را خو شبخت احساس می کردند .

بتدریج آنها در خانه می نشستند جای باهم می نوشیدند و مسایل ذی علاقه خو را مطرح میکردند . من در نزدیکی آنها بالای قالین نشسته و به طرف ساعت دیواری نگاه میکردم . همینکه عقرب ساعت به یازده نزدیک میشد به عف عف شروع میکردم و به طرف چراغ مید یدم و قسمی نشان میدادم که میخواهم بخوابم اما چراغ اخلال میکند . در آنوقت چراغ را خاموش کرده و همه بخواب میرفتند. چندی نگذشته بود که به این رژیم عادت کردند . اما بعد چه ؟

بقیه در صفحه ۶۴

لکه چې ټولو ته څرگنده ده د زړه درېدل یوه ناوړه پېښه ده چې هر کال په نړۍ کې یو زیات شمیر خلک د دغه ناوړه پېښې له امله خپل خوږ ژوند له لاسه ورکوي او هم دغه نا روغۍ په آتی توگه او له پخواني کومې نېښې نه پرته په لوړې توگه د انسان ژوند ته ځانته ورکوي ، با ید وویل شي چې ددغه ناوړه نا روغۍ زیاتره پېښې په هغو خلکو کې لیدل کېږي چې د زړه په ناروغۍ اخته وي .

د زړه د ناروغۍ خورا مهم فکتور و نه له سگرت څکول، دویني دلوې فشار ددرلودلو او په وینه کې دکو سترو لی موادو دزیاتوالي څخه عبارت دی .

دیو شمیر هغو احصایو له مخې چې د نړۍ په بیلا بیلو هیوادو نو کې تر سره شوي ، دغه حقیقت تر لاسه شوی چې په سلو کې څلو یښت تنه هغه څو ا نا ن چې له د یار لسو څخه تر نه لسو کالو پورې عمر ونه لري ، پخپلو کې دغه فکتورونه لري .

د طب پوهانو د زړه د ناروغۍ دپېښېدو او ددغه حیاتې غړي ددرېدو څخه د مخنیوي

له ساینس دايجست څخه

د بريالي علی زاد ژباړه

گاز شته ، نو دسگرتو په څکولو سره ، دغه گاز د آکسیجن ځای په وینه کې نیسي، او نه پریردی چې آکسیجن په آسانه توگه او په کافي اندازه دویني دهموگلوبین سره تعامل وکړي ، چې پدې توگه د بدن غړي و نه په کافي اندازه او آکسیجن نه رسوي . بر سیره پر دی لیکو ټین د شر یا نو نو مجرا هم تنگوي او پدې توگه د وینې فشار د لسو څخه ترسلو درجو پورې لوړ وي . زړه د دغه پېښې سره د تطابق او د بدن ټولو غړو ته د هغو د اړتیا وړ او کسپجن او وینې د رسولو په مقصد د خپل پمپولو په شدت کې زیاتوالي راوړي ، چې دغه بد لو ن پخپله په زړه کې د ځینو نورو نا وړو بد لو نو او ستونزو درامنځ ته کېدو سبب گرځي .

همدا رنگه لیکو ټین په وینه کې د شحمي تیر او یو نو د آزاد یدو او پدې توگه دویني دسر پیښا ته کېدو با عث گرځي او په وینه کې ددغه بد لو ن د رامنځ ته کېدو په صورت کې دویني په جریان کې د وینې د کرویاتو د یو ځای کېدو څخه ځینې کافي جوړې پیري چې دویني دگا ټو په نا مه یاد پیري . کله چې ددغو گا ټو څخه یو یا

د زړه د دریدو څخه

دمخنیوی ځینې لازمي لاری چاری

څو دانې یې دویني د سگرتو په څکولو څخه د کوم شر یا ن تنگي برخې ته ورسیږي ، شر یا ن بندوی او پدې توگه په شر یا ن کې دویني دجریان او د هغه غړي دوظایفو خنډ گرځي ، چې نو موړي شر یا ن ور ته وینه رسوي ، کیدای شي د زړه د شر یا نونو په را بندو لو سره ددغه وظایف اخلال او په ځینو مواردو کې د هغو ددریدلو با عث وگرځي .

دوهم - دویني د فشار دلو یدو څخه مخنیوی وشي:

دویني ډیر لوړ فشار د شریالونو چسپاړه روله تخریبوي ، چې په نتیجه کې لسی دشر یا نونو جدا روله تنگیږي ، ددی دپاره چې وینه پد غو تخریب شو و شریالونو کې جریان و مو می ، دویني فشار لالو ډیری که څه هم پدغه وخت کې زړه بیه کوي چې فشار کنترول اودهغه د لوړیدو مخه ونیسي مگر نشي کولی او ددغو

په خاطر د لاندې ټکو مراعات حتمي گڼي:

لږې دسگرت څکولو څخه باید به کلکه ډډه وشي :

هغه خلک چې سگرت څکوي ، د زړه له نا روغیو د اخته کېدو او د زړه د دریدو چانس یې د هغو خلکو په پرتله چې سگرت نه څکوي ، دوه چنده دی . لیکو ټین چې د تنباکو یوه اساسي ماده ده ، داوړینا لږ د هور مون افراز تبه کوي چه دغه اضافي او رینا لین چې د لیکو ټین د تبه په اثر په وینه کې زیات شوی ، د زړه د ضربان (دریدو) شمیر زیاتوي یعنې د زړه ضربان چې په لوړ مال حالت په یوه دقیقه کې او یا ده ، لوی ته لوړیږي . او حتمی ده چې د زړه د ضربان په زیاتیدو سره د انسان اړتیا آکسیجن ته هم لوړیږي .

لکه څنگه چې د سگرتو په لوگي کې په زیاته پیمانه د کلرین دای او کما پد

بیر و په نتیجه ناروغ ته ځینې صدري دردونه چې د زړه ددریدلو څر گنده مقدمه بلل شوي ، پیدا کیږي .

درېم - د بدن دچا غیدو څخه مخنیوی وشي :

زیا ته وینه دویني د فشار د لوړ یدو سبب گرځي او د فشار په لوړ و ا لسی سره د زړه ددریدو څخه مخنیوی په زیاتیدو سره زړه لوړیږي مگر زړه د خپل دغه عکس العمل سره سره چې لوړیږي بیا هم نشي کولی چې زیا ته وینه زیر مه کړي ، له دی امله چې زړه لوی شوی ، باید د هغه د غصلاکو دپاره په کافي او زیا ته اندازه وینه او آکسیجن ور سیږي ، مگر له دی کبله چې ددغه دشریانونو په جدارونو ځینې پټا لوزیک تحولات رامنځ ته شوي، د زړه غصلاکو کافي وینه او آکسیجن نه رسوي او په نتیجه کې زړه د آکسیجن د لږ والی سره مخامخ کیږي . او پدې توگه ناروغ ته صدري دردونه پیدا کیږي .

څلورم - دغو موادو دزیات خوړلو څخه ډډه وشي :

د طب د پوهانو په عقیده که دکو ستروول مقدار چې یوه شحمي ماده ده د وینې په سل ملیتره سیروم کې له یو سلو پنځوس ملی گرامو څخه ، دوه سوه او پنځوس ملی گرامو ته لوړ شي ، د زړه دریدو احتمال درې چنده کوي ، مگر سره له دی د دکو ستروول ټاکلی مقدار په وینه کې نه د زړه د ناروغۍ با عث نه گرځي .

د کوستروول ټاکلی مقدار په وینه کې نه یواځې زیان نه لري بلکې زموږ د پاره حیاتي اړ زېت هم لري . دا ځکه چې بر سیره د هغو نورو اړتیا وونه چې دغه ماده ته لیدل کیږي ، زموږ د بدن زیا تره هور مو نو نه دهغې څخه جوړ پیري .

د زړه د ناروغیو په وخت کې یواځې د ری ډوله لیو پرو ټینو ته دویني په جر پان کې د کوستروول د انتقال دنده سر ته رسوي .

په لوړې گروپ کې هغه لیو پرو ټینونه شامل دي چې ډیر سپک وي او شحمي مواد له څگر څخه هغه وخت ټول بدن ته رسوي چې زیات قند لرونکی خواړه اخیستل شوي وي . دوهه ډله سپک لیو پرو ټینو نه دي چې له څگر (ینه) څخه ټولو غړو ته دکو ستروول دانتقال دنده سر ته رسوي او بالاخره دویني د لیو پرو ټینو نه دي چې غیر ضروري کوستروول له ټول بدن څخه ټول او بیښي ته راوړي .

هر هغه خواړه چې په زیاته پیمانه له مشبوع شحمي (غوړ) موادو لری لکه هغه خواړه چې له حیوانی منابعو څخه لاس ته راځي او شحمي مواد لری ، ینه تبه کوي ، تر څو سپک او ډیر سپک لیو پرو ټینو نه چې د زړه د ناروغیو چانس زیاتوي ، تولید کوي .

مگر د هغو پر خلاف غیر مشبوع شحمي مواد چې په ټا نا تو لکه جواړی ، لوبیا ، نخود د لمر گلی د گل په دانو او نور کې پیدا کیږي ینه تبه کوي چې دروندلیو پرو ټینونه چې د زړه د ناروغیو دله منځه وړ لو دپاره خورا گټور دی تولید کوي ، نو د پودتینو څرگندو نو پر اساس د نباتی خوړو څخه استفاده دروغتیا ساتی د پاره ډیر گټور دی ، نو له همدی کبله باید د نباتی موادو څخه د استفادې ساتی ته پر اختیا ور کړ شي .

پنځم - دمنظم سپورتي پرو گرام لار او دگټورو سپورتي ما نورو اجرا کول :

دیو لږ علمی تجربو دتر سره کیدو په نتیجه کې را په ډا گه شوی چې په هغو خلکو کې چې په منځني توگه جسمي فعالیتونه لري د هغو خلکو په پرتله چې لږ جسمي فعالیتونه لري ، د زړه د ناروغیو دپېښیدو چانس لږ دی له همدی امله هر ډول سپورتي تمرینات او په هر وخت کې د سپورتي تمریناتو اجرا کول ، گټور بلل شوی ، مگر که ځینې تمرینات لکه بایسکل خفلول ، خفاسته ، لامبو وهل ، رسی کښول ، والیبال ، فوټبال ، پلوسی - تنگ او نور که په منظم توگه تر یو ټاکلی پرو گرام لاندی عملی شي ، ډیر گټور ثابتیږي .

هغو خلکو چې تل په د ماغي کارونو بوخت وي او دغو کلو نو په موده کې هیڅ ډول سپورتي تمرینات او جسمي فعالیتونه نه وي کړي ، که په ډیره چټکتیا تر یو ټاکلی پروگرام لاندی ، په سپورتي تمریناتو پیل لکړي ، امکان لري د ځینو روغتیايي ستونزو سره چې په سر کې یې په د زړه نا روغی وي مخامخ شي . بر سیره پر دی که څو غواړي چې په منظمه توگه سپورتي تمرینات پیل کړي او د سپورت په یوځانگړي ځانگه

بریالیتوبونه هم تر لاسه کړي ، لازمه بریښي چې د تمریناتو د پیل څخه مخکې، لومړي په نوموړي سپورتي ځانگه کې خپل استعداد او توان معلوم او بیا ددا کتر د دقیقې معاینې او مشورې څخه وروسته په تمریناتو پیل کړي .

د طب ډاکتر او د ټولو تمریناتو په پرتله، پلي تنگ، روغتیا ته گټور بولي، داځکه په پلي تنگ سره د بدن کالوړی داشتیا دزیاتوالي نه پرته په مصرفی رسوي .

که څو د زیاتي مودی د پاره نه کوم سپورتي تمرین اجرا کوي او نه جسمي فعالیت کوي د هغه د بدن پوتانشیم (چې د زړه د منظم ریډو د پاره یوه ضروري ماده او په سلو کې اوه لوی یې د بدن د حجراتو په جوړښت او په سلو کې دوی برخه یې په دورانی وینه کې شامل دی) افراز له پاتې په ٦٥ مخ کې

سرگرمی ها و مسابقات



تهیه و تنظیم از صالح محمد کهنسا ز

برای ما بنویسید ؟

به این تا بلو نگاه کنید ما اسم آنرا نگاه گذاشته ایم ، حالا شما هم تحت عنوان نگاه برای این تا بلو مضمون ، شعر ، اسم تهیه داشته و برای ما ارسال دارید و ما هم آنرا بنام خود شما چاپ مینمایم .

جدول کلمات متقاطع

افقی :-

- ۱- این جدول را به آن منسوب سازید ، یکی از کشور های جهان ۲- به پشتو آنرا نوبت هم میگویند ، یکی از ماه های سال عیسوی ، آغاز یاری ۳- نوعی از باد چنان است ، تل خون ، اول آغاز ، ۴- پایان دری ، آغاز لیل ، نصف رگ ، ۵- حرف بعد از کاف ، د ربین مهر ، اول اسد می آید ، ۶- شروع النبا ، درین دار ، نصف در ۷- بدون حرف اول یکی از فلم های هندی به اشتراک سیاره بانو و ذلیپ کمار ، یکی از براعظم های جهان ۸- روشن نیست ، اوم اول ، خودم ۹- یکی از ولایان کوهستانی کشور ما ، از آن طرف از کشور های جهان ۱۰- رسام مغموش ۱۱- ضمیر اشاره ، آغاز نام ۱۲- در ستون دوازدهم عمودی هم میباشد ۱۳- یکی از کشورهای پرتغوس جهان ، از حروف مکتب انتخاب کنید ، وظیفه دروگر ، ۱۴- پایان لیل ، دروازه ۱۵- آغاز میم ، آغاز شرنه ، آغاز انجام ۱۶- اول این ، ضمیر اشاره ۱۸- شروع تمام ، یکی از لسانهای رسمی کشور ما .

- شروع دشت ۱۰- خود حرف جیم ، راحت ، در بین همین جدول نوشته شده است ۱۱- بازار که دانه کش است ، سبب ، ۱۲- چند جنگل ، از حشرات مضره ، نصف خندق ۱۳- اول اعداد ، نامانیت و ظیفه آن میباشد ، شروع دود ۱۴- آغاز روز ، آخر نصف ، درین سود ۱۵- آغاز سواد از حروف کار انتخاب کنید ، وسط ماه اسد ، ۱۶- شروع تم خای ، قند میان لپی ، خوش و مسرور ۱۷- در وسط نان ، سر قلم ، گندم ریزه ریزه شده ، پیرود سرش بریده شد ، ۱۸- یکی از بزرگترین آسمان های جهان ، منسوب به نور میباشد .



طرح کننده :- شرمیلا (ویسی)

عمودی :-

- ۱- درین کتب ، منظم آن به پشتو از خود میشود ۲- لوده بود سرش بجا ماند ، نوعی از فلم خودکار ۳- درین بوم ، تیر شکسته ۴- درین تیر ، خودش رهی است ۵- پایان روز ، آخر النبا ، درین جام ۶- با علاوه (رین) اولین فضا نورد جهان میشود ۷- از حروف النبا ، در بین دور ۸- ضد سخت است ، درین اول ۹- اول يك ، هابین لیل



این ستاره سینما کیست ؟

اوبه عنوان زیباترین ستاره سینمای غرب در سر تا سر جهان معروف میباشد و در شبکاگر چشم به جهان گشود در خوردی



این خاتم را که مهمات جنگی را سر گذاشته و آنرا برای اینکه برای برادران مبارز خود برساند هر لحظه و ثانیه او را خطر مرگ نیز تهدید میکند و لی باز هم از راه مبارزه بر نمیگردد خوب شما از روی قیافه وی و همچنان معلوماتی که در باره مبارزات آزادیخواهی ملل جهان دارید بگویید که این خاتم از کدام کشور جهان میباشد .



ماقتد سو قیا لورن زشت بود اما از چهار سالگی به بعد زیبا تر شد . آن چنان زیبایی او زیاد بود که متخصصین زیبایی به این عقیده بودند که سینما هرگز به زیبایی او نخواهد داشت . او زمانی به عنوان ملکه زیبایی نیز انتخاب گردید بود و بعدا به سینما راه یافت و در فلم های زیادی رول های مهم را بازی نمود . ما از شما اسم او را میخواهیم حل آنرا برای ما ارسال دارید .

معلومات صحی تانرا آزمایش نمائید

معلومات صحی تانرا آزمایش نمائید

خوانند گان ارجمند !

ما برای اینکه در بلندپروایی سوبه دانش صحی شما کمک نموده باشیم تصمیم گرفتیم تا یک بخش از سوالات صحی را برایتان مطرح نموده و برای تشویق بیشتر شما خوانندگان ارجمند به کسانی که جوابات درست یا بلند ترین پاینت را تصاحب کنند به حکم قرعه به سه نفر از حل کنندگان یک یک شماره از لیف لیت ویپامفلیت بقسم تحفه به شما تقدیم می‌داریم .

امید که حل جوابات تانرا هر چه زود تر باین آدرس بما بفرستید : مدیریت مجله ژوندون مقابل ریاست مطابع دولتی . همچنان باید تذکر داد که آسمای پرندگان را در شماره آینده به نشر می‌سپاریم . باید یاد اور شویم که خوانندگان محترم از چار جواب صرف یک جواب صحیح را انتخاب نمایند .

سوال اول - کدام یک از منرال های ذیل در نگهداری دندان رول بیشتر دارد ؟

الف - فاسفورس .

ب - کلسیم .

ج - فلورین .

د - ویتامین آ .

سوال دوم - کدام یک از ویتامین های ذیل در سبوس گندم موجود است .

الف - ویتامین بی

ب - ویتامین سی

ج - ویتامین دی

د - ویتامین ک

سوال سوم - جز عمده ترکیب خون کدام چیز ذیل خواهد بود .

الف - شکر .

ب - فولاد .

ج - آهن .

د - ویتامین

سوال چهارم - کمبود کدام ماده سبب بوجود آمدن جاعوری شود .

الف - آهن

ب - فلورین

ج - سودیم

د - ایودین

سوال پنجم - اوژا ترین و محفوظ ترین غذای انرژی ده کدام است ؟

الف - نمکیات

ب - غله جات

ج - گوشت

د - لبنیات

سوال ششم - کدام عضو وجود زیاده تریه تویر کلوز مصاب میشود .

الف - شش ها

ب - گره

ج - استخوان

د - دماغ

سوال هفتم - کدام یک از امراض ذیل خیلی ساری است ؟

الف - جزام

ب - تیتانوس

ج - فلج اطفال

د - تویرکلوز

سوال هشتم - واکسین ضد امراض خطر ناک (دفتری، سیاه سرفه و تیتانوس) کدام است ؟

الف - پی تی دی

ب - پی تی پی

ج - پی تی پی

د - پی تی پی

سوال نهم - فشار خون نارمل یک جوان چند خواهد بود .

الف - ۱۲۰ بر ۸۰

ب - ۱۴۰ بر ۲۰

ج - ۱۰۰ بر ۵۰

د - ۱۷۰ بر ۷۰

سوال دهم - درجه نارمل حرارت وجود انسان چند درجه سانتی گرید خواهد بود .

الف - سی درجه سانتی گرید

ب - ۴۰ درجه سانتی گرید

ج - ۳۷ درجه سانتی گرید

د - ۵۰ درجه سانتی گرید

سوال یازدهم - سازفت یا کمبود کدام ویتامین در وجود شبکوری بوجود می‌آید ؟

الف - ویتامین دی

ب - ویتامین ب

ج - ویتامین ک

د - ویتامین آ

سوال دوادهم - غذا ها که در ساختمان و ترمیم انساج بدن بکار میروند عبارت اند از

الف - قندها

ب - پروتین

ج - شحمیات

د - منرال ها

سوال سیزدهم - یک گرام قند چه مقدار کالوری تولید می‌کند ؟

الف - ۴

ب - ۶

ج - ۱۰

د - ۹

سوال چهاردهم - واکسین بی سی جی ضد کدام مرض ذیل میباشد ؟

الف - سیاه سرفه

ب - تیتانوس

ج - دفتری

د - تویرکلوز

سوال پانزدهم - در وجود انسان چند لیتر خون موجود است ؟

الف - ۹ لیتر

ب - ۵ لیتر

ج - ۲ لیتر

د - ۲۰ لیتر

سوال شانزدهم - اطفال در کدام سن باید اولین دندان شیری خود را بکشند ؟

الف - ۱۲ - ۱۴ ماهگی

ب - ۳ - ۴ ماهگی

ج - ۱ - ۴ ماهگی

د - ۸ - ۱۰ ماهگی

سوال هفدهم - زرد کدک ویتامین را بیشتر در خود دارد ؟

الف - ویتامین آ

ج - ویتامین ک

ب - ویتامین سی

د - هیچکدام

سوال هجدهم - مرض سرخک بیشتر دو کدام سن دیده میشود ؟

الف - کهنوت

ب - بلوغ

ج - دیگر او را هیچ واکسین نمی‌کنید

د - هیچکدام

ب - جوانی

ج - طفولیت

د - هیچکدام

سوال نوزدهم - مرض پیس یا ویلگو چه است ؟

الف - ساری است

ب - ساری نیست

ج - هر دو

د - هیچکدام

سوال بیستم - اگر طفل تب داشته باشد وقت تطبیق واکسین او هم باشد آیا شما او را به واکسین نمودن می‌برید ؟

الف - بلی

ب - نی

ج - دیگر او را هیچ واکسین نمی‌کنید

د - هیچکدام

حل کننده گان جدول این هفته



عبدالسلام خالقی



محمد قاسم



الله محمد خالقی



عبدالحمید نائینی



محمد کفریف



عبدالرسول

ادبیات باستانی را میگرد. در سال پنجم دوباره به موسیقی رو آورده و شراب میخواست. کسانی که ناظر حال او بودند میگفتند که در طول این مدت وی خورده، نوشیده و در بستر استراحت نموده اکثر اوقات خمیازه کشیده و یا خود در مجادله و گفتگو بوده کتاب مطالعه نموده. بعضا چیزی مینوشت و بعدا آنرا پاره نموده و دور می انداخت.

در نیمه دوم سال ششم محبوس مشتاقانه به مطالعه ادبیات، فلسفه و تاریخ آغاز نمود. وی آنقدر در این موضوعات دلچسپی پیدا نموده که برای بانکدار تهیه کتب مورد ضرورت وی مشکلات بار آورده بود. در مدت چار سال قریب شش صد جلد کتاب به اثر تقاضای محبوس خریداری شده بود.

درین وقت بود که بانکدار مکتوب آتی را از محبوس دریافت کرد:

دوست عزیزم! این خطوط را به شش لسان نوشته ام. آنها را به متخصصین نشان دهید تا آنها بخوانند. هرگاه آنها هیچ نوع غلطی در آن پیدا نکردند در آنصورت خواهانم به رسم اطمینان فیری در گوشه باغ انجام دهی تا من بدانم کوشش هایم به حد نرفته است

باعث این شرط گردیده.

بانکدار جریانات عقد قرار داد را بخاطر آورد. طبق قرار داد فیصله شده بود که قانون دان حبس خود را در یک گوشه باغ خانه بانکدار تحت نظارت شدیدی بگذراند و موافقه شده بود که محبوس نمیتواند از سلول خارج شود، بامردم ملاقات نماید، آواز انسان ها را بشنود و مکتوب یا روزنامه از مردم اخذ نماید.

به اساس قرار داد موافقه شده بود که محبوس از روزنه کوچکی که به همین منظور ساخته شده بود با مردم خاموشانه گفت و شنود نماید و اشیای مورد ضرورت از قبیل کتاب، آلات موسیقی، شراب و غیره را به هر اندازه که ضرورت داشته بانوشتن یا دداشت و سپردن آن از راه همان روزنه به نفر مسوول را، تقاضا نماید.

تمام جزئیات دیگر نیز شامل قرار داد بوده محبوس با یک ساعت ۱۲ مورخه ۱۴ نوامبر سال ۱۸۷۰ تا ساعت ۱۲ مورخه ۱۴ نوامبر سال ۱۸۸۵ در زندان با شد و هر عملی از طرف وی که مغایر متن قرار داد باشد باعث فسخ قرار

من با شما در مقابل دو میلیون شرط می بندم که نتوانید پنج سال را در سلول زندان سپری نمایید.

قانون دان گفت:

اگر در این گفته خود جدی باشید من شرط می بندم که از عوض پنج سال، پانزده سال را بگذرانم.

بانکدار فریاد زد:

پانزده سال! آقامن دو میلیون را به شرط گذاشتم.

قانون دان گفت:

موافقم. شما دو میلیون و من پانزده سال زندگی ام را به شرط میگذارم. این شرط احمقانه و لغتی صورت گرفت بانکدار که بر آن زمان بسیار متمول بود دو میلیون به نظرش هیچ اهمیتی نداشت. در وقت صرف طعام شب، بانکدار بطور مسخره آمیزی قانون دان را مخاطب قرار داده و گفت:

قبل از اینکه وقت بگذرد باز هم بالای تصمیم تان دوباره غور نمایید دو میلیون برای من هیچ پولی نیست ولی شما سه و یا چهار سال زندگی پر بهای تان را میبازید. سه و یا چهار سال را به خاطر میبازید که شما نمیتوانید زیاد تر از آن

شب تاریک و خزان بود. بانکدار که پن سال از این طرف به آن طرف اطلاق ملا لعه قدم میزد و خاطره محفل پانزده سال قبل را بخاطر می آورد. در آن شب اشخاص بانفوذ و تحصیل کرده ای گرد هم جمع شده و مباحثه دلچسپی به راه انداخته بودند. از جمله موضوعات مورد بحث یکی هم موضوع مجازات اقتصادی بود. تعداد زیادی از مدعین مجازات اقتصادی را تقبیح نموده و آنرا بدتر از هر مجازاتی می شمردند و معتقد بودند که این عمل یک عمل غیر اخلاقی میباشد. بعضی از آنها عقیده داشتند که مجازات اقتصادی قبیح تر از حبس ابد میباشد. در این اثنا میزبان یعنی بانکدار داخل صحبت شده و گفت:

من باین نظر مخالفم. گرچه بنده هیچ کدام آنها را ندیده ام اما اگر آزادانه قضاوت گردد عقیده من مجازات اقتصادی بهتر و انسانی تر از حبس ابد میباشد. اعدام مرگ لحظوی ولی حبس ابد مرگ تدریجی میباشد. کدام قاتل مهربان تر است؟ این یکی که عمل قتل را در ظرف چند ثانیه انجام میدهد و یا آن یکی که زندگی را در طول چند سال از انسان میگیرد.

یکی دیگر از مدعین تبصره نموده و

اثر آنتون چخوف

ترجمه زلمی ذاهب

شرط

انسان های روی زمین به السنه مختلفی مکالمه می نمایند و لی منظور آنها عین چیز بوده و عبارت تقسیم و بیان مطلب است. ای کاش شما خوشی من را درک میتوانستید. چقدر محظوظم از اینکه لسان آنها را میدانم.

خواهش محبوس برآورده شده و دو فیر از طرف بانکدار در گوشه باغ انجام شد.

بعد از سال دهم محبوس دایما پهلوی میز خود نشسته به مطالعه مد هب عیسویت پرداخت.

بانکدار در تعجب افتیده بود که این شخص در طول چار سال شش صد جلد کتاب را مطالعه نموده در حالیکه مطالعه یک جلد آن یک سال وقت کار دارد تا عمیقاً مطالعه گردیده و کاملاً تحلیل و تفسیر گردد چندی بعد مطالعه مد هب عیسویت جای خود را به تاریخ ادیان و عقاید عو ض

داد میگرد حتی اگر عمل ترک یک دقیقه بیشتر زندان از وقت معینه آن باشد بانکدار از پرداخت دو میلیون معاف خواهد شد.

در سال اول حبس، تاجاییکه از بلا ی یادداشت های قانون دان فیهیده میشد، وی از تنهایی و خستگی شدیداً رنج میکشید. از سلول وی شب و روز آواز پیانو شنیده میشد. شراب و دخانیات را بکلی رد میکرد و مینوشت:

شراب باعث بروز خواهشات نفسانی گردیده و این خواهشات بدترین چیزی برای یک محبوس میباشد.

استعمال دخانیات باعث خرابی هوای اطلاق میگردد.

در این مدت وی تقاضای کتابهای عشقی، کومیدی، جنائی، فانتزی و غیره را مینمود.

در سال دوم آواز پیانو شنیده نشده و وی خواستار کتابهای در باره علوم

زنده بماند و هم نباید فراموش کرد که حبس داو طلبانه مشکل تر از حبس مجبوری می باشد. نعمت آزادی بهترین نعمت بوده و در هر لحظه عدم موجودیت آن حکم زهر را برای انسان دارد.

حال که پانزده سال از آن شرط گذشته وقت آزاد شدن قانون دان و بانکدار نزدیک شده است، بانکدار صورت مباحثه و خاطرات آن زمان را به یاد می آورد و در حالیکه به اطراف اطلاق به قدم زند پرداخته از خود می پرسد: چرا آن شرط لغتی را بستم؟ چه فایده ای برای من دارد؟ قانون دان پانزده سال

عمر خود را باخته و من دو میلیون را، آیا این شرط مردم را قانع خواهد ساخت که مجازات اقتصادی بهتر یا بدتر از حبس ابد میباشد؟ خیر، به هیچ صورت. تنها ضایع و بیبوده، بوالهوس و خوش نگر می من و حرص و ولع دار شدن قانون دان

چنین اظهار عقیده نمود:

به نظر من هر دوی آنها به یک سو به غیر انسانی است. زیرا هدف یکی است و آن ختم زندگی. هیچکدام آنها زندگی را واپس مسترد نمیکند.

در جمله مدعین یک قانون دان هم حضور داشت. وقتی از وی خواسته شده در این باره اظهار عقیده نماید گفت: مجازات اقتصادی و حبس ابد هر دو یک عمل غیر انسانی است ولی اگر حق انتخاب بمن داده شود حبس ابد را بهتر از مجازات اقتصادی میدانم زیرا من زنده ماندن را نسبت به زنده نماندن ترجیح میدهم.

مباحثه ادامه پیدا کرد. بانکدار که در آن وقت جوان و خونگرم بود حوصله اش را از دست داده در حالیکه مشت هاش را بالای میز گوید قانون دان را مخاطب قرار داده و فریاد زد این دروغ است

نموده بود.

در مدت دو سال اخیر حبس، سرعت مطالعه محبوس بسیار زیاده شده و شدت یافته بود.

به مطالعه علوم طبیعی پرداخت و سپس

آثار شکسپیر و بایرون را مطالعه میکرد در عین زمان محبوس تقاضای کتب کیمیا،

ادویه سازی، ناول، و بعضی آثار فلسفی

و غنای را مینمود. سرعت مطالعه وی مانند

کسی بود که در بحری غوطه ور گردیده و جهت رهایی خویش به عقب تخته های شکسته کشتی به این طرف و آن طرف سعی

و تلاش میورزد.

تمام این خاطرات در رمز با تکدار

مروارذ نموده و فکر کرد:

فردا ساعت دوازده وی آزاد می گردد.

به اساس موافقتنامه من مکلف به پرداخت دو میلیون می باشم. در صورت پرداخت این مبلغ همه دارایی ام تمام شده و ورشکست خواهم شد.

پانزده سال قبل بانکدار خیلی ها پولدار بود ولی فعلا به این فکر بود که

سرمایه اش زیاد است و یا قرصداری

وی. قمار، تبادل بیمورد اسعار، و غیره

بوالهوسی ها تجارت وی را تضعیف نموده

و مثل سابق يك با تکدار با نفوذ نبوده

بلکه يك بانکدار معمولی گردیده بود.

بانکدار در حالیکه سر خود را میان

دو دستش قرار داده بود با خود زمزمه

کنان میگفت:

آن شرط لعنتی! چرا این مرد نمرده؟ وی

فعلا صرف چهل ساله بوده و پول واقعی

را از من می گیرد، عروسی میکند، از زندگی

لذت میبرد، پول تبادل میکند و من مثل

يك گدا از وی تقاضای معاونت خواهم

کرد. برایم خواهد گفت: زندگی من

مدیون شما است. ترا کمک می کنم. نه

این غیر ممکن است. تنها راه نجات

از این فلاکت و ورشکستگی این است که

محبوس را مخفیانه به قتل برسانم.

ساعت سه شب را اعلام نمود. سکوت همه

جارا فرا گرفته بود و تنها آوازی که

شنیده میشد، روزه درختان یخ زده بود.

تمام ساکنین خانه به خواب عمیق

فرو رفته بودند. تنها بانکدار بیدار بود

و به اطراف اطاق قدم میزد. وی خاموشانه

و با احتیاط زیاد به طرف سیف پول رفته

و کلید اطاقی را برداشت که در مدت

پانزده سال برای یکدفعه هم باز نشده

بود. بالا پوش خود را پوشیده و از اطاق

خارج گردید. باد مرطوب و شدید

میوزید و درختان یخ زده باغ را به استراحت

نمی گذاشت. با وجودیکه چشمان خود را

تیز نمود ولی نسبت تاریکی زیاد هیچ چیزی

را ندیده نمیتوانست نهدرخت، نه زمین

و نه هم مجسمه سفیدی را که در کنج

باغ قرار داشت. به گوشه باغ رسید، محافظ

را صدا کرد اما جوابی نشنید زیرا محافظ

برای نجات خود از سردی هوا به گوشه

پناه برده و به خواب فرو رفته بود.

بانکدار با خود فکر کرد.

هرگاه نقشه ام عملی شود مورد سوء ظن

قرار نخواهم گرفت و بدینجه اول محافظ

مسئول واقعه خواهد شد.

در تاریکی شب با احتیاط تمام به طرف

سلول محبوس به حرکت افتاد. به

راهرو سلول رسید.

درواهرو گویگردی را روشن نموده و راه

خود را به دروازه سلول پیدا نمود هیچ

ذیرواحی در آنجا نبود. چیرکت محافظ در

نزدیکی در ورودی سلول زندان قرار داشت

ولی خود محافظ در آن نبود. بخاری آهنی

در گوشه دیگری راهرو واقع گردیده

ولی حرارتی از آن انتشار نمیکرد.

مهرولاك دروازه محبوس دست نخورده

باقی مانده بود. در این اثنا گویگرد خاموش

شده و در حالیکه دستان بانکدار

از اضطراب و آشفتگی به لرزه افتاده بود

کلکین اطاق را تکت تکت کرد.

در اطاق محبوس يك شمع کم نور و

ضعیفی روشن بوده و در پهلوی میزش

قرار داشت.

بشت محبوس به طرف کلکین واقع

بوده و موهای بشت سر و دستان معلوم

میشد. کتابهای باز به این طرف و آن

طرف میز پراکنده بود.

پنج دقیقه گذشت ولی محبوس هیچ

حرکتی ننمود. با تکدار فکر کرد پانزده

سال حبس وی را از حرکت باز مانده

است. دو باره کلکین را به انگشت زده

ولی باز هم هیچ حرکتی از محبوس نداشت.

سپس با احتیاط تام کلید را در قفل گذاشت

از دوران کلید در داخل قفل ز تکت

زده صدای دلخراشی بر خاست. بانکدار

منتظر شنیدن ناله وزاری و صدای پا بود.

سه دقیقه گذشت ولی در داخل اطاق

خاموشی قلبی بر قرار بود. بانکدار

مصمم به ورود در داخل اطاق گردید.

دربیشروی میز مردی قرار داشت بر خلاف

انسان های دیگر، يك اسکلیت

خالی. بشت خشکیده، موهای هراز و -

البوه، و ریش در هم و بر هم، و تکت

چهره اش زرد، گونه هایش فرو رفته، تنه

باریک و دراز، و دستان نحیف که حکایت

از رنج و محنت زیاد می کرد. موهای

خاکستری و تکت مانند کما نیکه

دوره پیری و تناهت را سپری نمایند. در

روی میزش صفحه کاغذی که چیزی بالایش

نوشته بود قرار داشت. بانکدار با

خود فکر کرد.

بیچاره خوابش برده و ممکن میلیون ها

راه خواب ببیند. اما من این نقش نیمه جان

را بالای بستر گذاشته و با بشت

آنها خسته خواهم کرد و این عمل

را آنقدر محتاطانه انجام خواهم داد تا

هیچ اثری بر جا نگذارم و تماما فکر کنند

که وی به مرگ طبیعی خود مرده است

اما اول باید این صفحه کاغذ را بخوانم

که چه نوشته است.

ورق کاغذ از میز بر داشته و چنین

خواند.

فردا ساعت دوازده آزاد خواهم شد

و حق خواهم داشت با مردم بینم اما

قبل از اینکه این سلول را ترک نموده

و مشرف به دیدن آفتاب گرم لازم

میدانم چند نکته ای به شما بگویم. به

خداوند که مرا می بیند و به وجدان پاکم

اعتراف میکنم که من از زندگی، آزادی،

صحت و تمام چیز ها یکه کتابها آنها

نعمت میخوانند بیزارم در مدت پانزده

سال، با جد و جهد، زندگی روی زمین

را دیده ام و نه مردم را. اما در لایلهای

کتابهای شما شرابهای معطر و خوشبو

را نوشیده، آواز خواننده آهوان و حشی

و پرندگان مقبول را شکار کرده، با زنها

عشق ورزیده، زندهای مقبول و افسانوی

که شعر را در وصف زیبایی آنها شعر ها

سروده اند به شبها با من ملاقات کرده و

داستان های عاشقانه برایم زمزمه

نموده اند. به قله های البرز و مونت بلان

صعود نموده و ز آنجا طلوع و غروب و

خورشید را تماشا نمودم کوه ها و ابحار را

با رنگ های بنفش و زردین آنها

در طلوع و غروب، شکافتن ابر ها را

توسط رعد و برق، جنگل ها، مزرعه

های سبز، دریا ها، شهر ها، جیل ها و

مناظر زیبای طبیعت را نظاره نموده ام

صدای خوشنوی مرغان صحرایی را

شنیده ام.

از مطالعه کتابهای شما در گودال بی-

پایان معجزه ها فرو رفته ام، شهر ها را

سوخته اند و به خاک کشانیده ام

مذاهب جدیدی را پیروی کرده و فاتح

ممالک بشمار می شده ام.

کتابهای شما برایم معرفت و بصیرت

بخشید. تمام افکار خستگی نا پذیری

که طی قرون متناهی به وجود آمده

با هم یکجا جمع و داخل جعبه سر

گردیده. من میدانم که نسبت به شما

هشدار تر هستم، من از کتابهای شما

بیزارم. بیزارم از آن نعمات و بصیرت

های خیالی. همه اشیا بیپوده، فانی،

رویایی، و فریبنده ما تند سراب است

گرچه شما هشدار، مقبول، مستعمل و

مغرور باشید باز هم مرگ آلتار شما را

از روی زمین خواهد شست.

شما راه غلطی را تعقیب می نمایید،

غلطی ها را اصلاح و زشتی ها را زیبایی

میبندارید. تعجب نخواهید کرد اگر در

درخت سیب و نارنج دفعا بیه و سنگین

بروید و گل بجای پوی معطر و خوشبوی

عرق مانند بدهد. بهمین ترتیب من

هم به شما تعجب می کنم که جنت را به زمین

عوض می کنید من نمیخواهم شما را درک

کنم.

من نفرت را در عمل نشان میدهم

من از آن دو میلیونی که يك زمان آنها

بهشت می خواندم، متصرف و از آن

بیزارم. من خود را از حق خودم محروم

مینمایم و پنج دقیقه بیشتر از وقت موعود

از این سلول خارج میشوم تا از ماده

موافقتنامه خلاف رفتاری نموده و شما را

سند معافیت داده باشم.

و قتی با تکدار کاغذ را تا آخر خوانده

و دو باره بالای میز گذاشت بر سه از

سراین مرد عجیب برداشته و به گریه

آغاز نمود. از سلول خارج شد

هیچگاهی حتی در وقت باخت معامله گزاری

خود را تا این اندازه خوار و حقیر حس

نکرده بود. به خانه آمد و در بستر افتاد

اما اضطراب و جریان اشکهایش برای

مدت زیادی وی را از خواب باز داشت.

فردای همان شب محافظ به عجله وارد

اطاق بانکدار شده و اطلاع داد مردی

که در سلول زندگی می کرد از راه کلکین

به پائین آمده و قرار نموده است. با تکدار

و محافظ فوراً به سلول رفته و راه

قرار را ملا حظہ نمودند. برای اینکه

از هر گونه سوء ظن و شایعه برحذر باشند

سند ترك دنیا را از میز برداشته و آنرا

در سیف پول خود قفل نمود.

ختم



پرندۀ زیبایکۀ برای جوجہ ہائیش غذا میدہد

چگونہ پرندگان شکل و خاصیت شانرا تغییر میدہند

تمام فعالیت های این پرندگان، تحت تأثیر آشیانه ها، در آب می باشد. هیچ نوع پرندۀ، کرسید گر گریب. در زندگی بروی آب مو فق نمیباشد. اما باید بدانیم کہ این پرندہ در نواحی کہ برگزیدہ و آشیانہ ساختم، بہ روی آب پیروز مندانہ و بہ خوشی زندگی کردہ میتواند و اگر آنرا از محل مذکور دور سازیم و بہ جای دیگر، ولو کہ جای مذکور شباهت زیادی بہ محل اولی داشته باشد انتقال بدہیم موفقیت و خورسندی خویش را از دست میدہد.

اگرما گریبی را با یک نوع پرندہ ای کہ روی شاخچہ های درختان می نشیند و آشیانہ میسازد مقایسہ نمائیم باین نتیجہ میرسیم کہ پرندہ گریبی، نسبت بہ آن پرندہ دیگر وقت زیاد برای استراحت بالای آب دارد زیرا در عین زمان غذايش را نیز بدست آورده میتواند در حالیکہ پرندگان کہ بروی شاخچہ های درختان آشیانہ میسازند مدت از اوان استراحت شان را در بدست آوردن غذا از دست میدہند.

همچنان پرندہ ای کہ بہ روی درختان زندگی میکند بہ مشکل میتواند روزانہ (۱۶) ساعت یا بیشتر از آن، در پرواز باشد و در عین زمان غذاي خود را ہم حاصل نماید.

گریبی بہ ہراندازہ ای کہ قناعت داشته باشد کہ در آب حیات بہ سر برد بہ همان اندازہ ضرورت بکار انداختن یا برای گردش وبال برای پرواز ندارد زیرا این اعضای مذکور برای زندگی آبی آن، بدر د ش مانندش، با گردن سفید و قرہ ئی وبالہا و نمخورند.

پرہای زیبایش در میان آب دیدہ شود پرندہ شناسان عقیدہ دارند کہ تقریباً

بعضی پارک ہائیز دیدہ اند کہ در آب های حوضی ہا شنای نمایند.

پرندہ گریبی زیبایی خاصی دارد و قشنگی او وقتی حیرت انگیز مینماید کہ جسم زورق مانندش، با گردن سفید و قرہ ئی وبالہا و نمخورند.

پرہای زیبایش در میان آب دیدہ شود پرندہ شناسان عقیدہ دارند کہ تقریباً

موتر و عمدہ دارد و پرندگان خود را، با محیطی کہ در آن سکونت اختیار مینمایند انطباق میدہند و حتی احتمال میرود کہ در شکل و ظاہر آنها نیز تغییری رو نما گردد.

ما همین اکنون، دردنیای خود، یک تعداد زیاد انواع پرندگان را داریم کہ در مقابل چشمان ما، بہ مستمرہ ساختن بعضی حصص روی زمین پرداختہ اند مطالعہ زندگی و انکشاف فکر آنها خیلی دلچسپ میباشد. یکی ازجملہ انواع پرندگان مذکور، کرسید گریبی نام دارد و طرز زندگی آن خیلی جالب می باشد. تعداد این نوع پرندہ ہا تا همین چند سال قبل خیلی محدود بود اما اکنون روز بہ روز بہ سرعت اضافہ شدہ میرود پرندہ کرسید گریبی بروی قطعات بزرگ آب آشیانہ می سازد، آن ہم در نقاطیکہ، دہ سال قبل، پرندہ ای در آنجا پر نمی زد.

تحقیق کنندگان دیدہ اند کہ بعضی این پرندہ ہا حتی روز ہا و ہفتہ ہا (ہشت ہفتہ) بروی آب توقف کردہ و برخی دیگرشان در عین زمان یعنی از ماہ مارچ تا ماہ اپریل، بہ روی آب بہ شنآوری مصروف بودہ و سایر پرندگان را، بہ نزدیک محلی کہ برای خود انتخاب نمودہ نگذاشتہ اند.

این نوع پرندہ ہا را، پرندہ شناسان در

از آن روزگار کہ اجداد ما، برای نخستین بار زندگی را، بروی زمین آغاز نمودند بعضی پرندگان نیز در جہان ما بہ مرور زمان شکل و خاصیت شان را تغییر دادہ اند امروز نیز مامیتوانیم این دگر گوئی

را در شکل و خاصیت نسل های بعدی همان پرندہ ہا بتکبیریم و بہ حقیقت تنازع بقا در طبیعت، بیش از پیش ملتفت گردیم. اکنون این حقیقت از ماہ علم و تجربہ برای بشر روشن گردیدہ کہ پرندگانی کہ در زمان حیات نیاکان ما، تعداد شان خیلی کم بودہ و یا بدین اصلانہا رانیدہ و نمی شناختند بہ کثرت وجود دارند و بہ قدری کثرت کردہ اند کہ با وجود مفید بودن، بعضی از آنها مضر ہم گردیدہ اند. مانند بوم کوچک و گنجشک های مہاجر و غیرہ. بعضی انواع دیگر پرندگان، مانند غنجی ہا تقریباً یک قرن قبل، در جہان خیلی زیاد بودند و امروز تعداد شان محدود گردیدہ است

البتہ نباید تصور کرد کہ این عمل یا اثر آزار رسانیدن انسانہا بہ آنها بودہ است، زیرا علت اصلی آن خیلی مرموزات و ممکن ارتباط مستقیم بہ تغییر جوی، عادت و شکل آنها داشته باشد.

تحقیقات و مطالعات تازہ ای کہ، پیرامون این موضوع صورت گرفتہ بہ وضاحت نشان میدہد کہ ممکن اصلی پرندگان نقش خیلی



شاخچہ های درختان برای بعضی از این پرندگان بہترین آشیانہ بشمار میرود
ژوندون



بعضی از پرندگان با محیط ششمان سازگاری نداشته به جای دیگری مهاجرت میکنند.

وجودیت این بسوم ها در جا های که جوجه گیری مرغها صورت میگیرد، پاسداری جدی بکار دارد. می دهند اما علاقه زیادی برای خوردن آنها ندارند در صفحه ۵۹



پرندۀ بزرگ برای جوجه هایش آشیانه میسازند.

ضرر دیگری که این پرند گان برای دهقانان بار می آورند، عبارت از آن است که در سوراخ های اشجار آشیانه میسازند و جای سایر پرندگان را که حشره های مضره را از بین می برند، میگیرند.

اگر قریبی به میان آید که گنجشک ها عادت آشیانه ساختن خود را تغییر بدهند کار بسیار جالبی صورت خواهد گرفت.

نخستین جفت این پرندۀ هر گاه در جایی آشیانه بسازند که شگاف درخت نباشد شاید به روزمان یک نوع گنجشک دیگری بوجود آورند که خوی و عادت و شکل اجزاء و نیاکان خود را نخواهد داشت.

مشروط بر اینکه برای آنها غذای کافی پیدا شود و انسانها آنها را آزار ندهند.

در این مورد نیز پرندۀ ششمان تجاربی نموده اند و دیده اند که برخی از جوره های گنجشک ها در سوراخ سنگ ها برای خود آشیانه ساخته اند.

فضایی دشمنانش در بین آب غوطه برند و خودش را از شر آنها نجات بدهد. اما دشمنان آبی پرندۀ موصوف خیلی خطرناک هستند و حفظ و نگهداری هر گریبی از شر دشمنان آبی آن، وابسته به بزرگی و نیروی معنی جسم آن می باشد.

اختیار نمودن سیستم نگهداری جوجه ها خارج از آب برای گریبی ارزش و اهمیت فراوان دارد و گریبی این عمل را تازمانی انجام میدهد که جوجه های آن، شنا و ران قوی و ماهر گردند.

همچنان، گریبی برای حفاظت تخم های خود، ضرورت زیادی به ساختن آشیانه بزرگ در خارج آب دارد. روی همین منظور است که گریبی مانند مرغابی، تخم ها را می پوشاند.

جوجه های گریبی همیشه از تخم جدا شوند میتوانند، شناوری کنند چون وجود جوجه های مذکور از موی و پر پوشیده



پرندۀ هادر حالت دفاع از خود دیده میشوند

تکثر این نوع گنجشک ها، تقریباً در ظرف پنجاه، شصت سال قبل صورت گرفته و اکنون آنها را میتوان در هر نقطه جهان پیدا کرد.

جوجو کردن و یا سرانیدن این پرندگان، بگوش پرندۀ ششمان، خیلی خوش آیند میباشد علاوه بر آن این پرندگان برای خواندن و سرانیدن خود به جای مخصوص ضرورت ندارند بلکه در تمام نقاط داخل شهر ها گرفته تا سواحل ابحار آواز آنها شنیده میشود.

باید اظهار داشت که تعداد گنجشک های مذکور تا قبل از پنجاه شصت سال خیلی محدود بود اما امروز تعداد آنها بقدری در جهان زیاد است که مقام اول را دارد.

همچنان امروز بوم های کوچک در جهان خیلی با موفقیت زندگی می نمایند و از مدت چهل، پنجاه سال باینطرف تعداد شان زیاد گردیده است. این نوع بوم هادر از بین بردن موشها و قانقوزک ها، عمل خیلی ارزشمندی را انجام میدهند. بر علاوه

خیلی زیاد دیده شده که بوم ها به شکار کردن پرندۀ های کوچک نیز میپردازند. لذا

میباید لذا آب به وجودش نفوذ نموده نمیتواند.

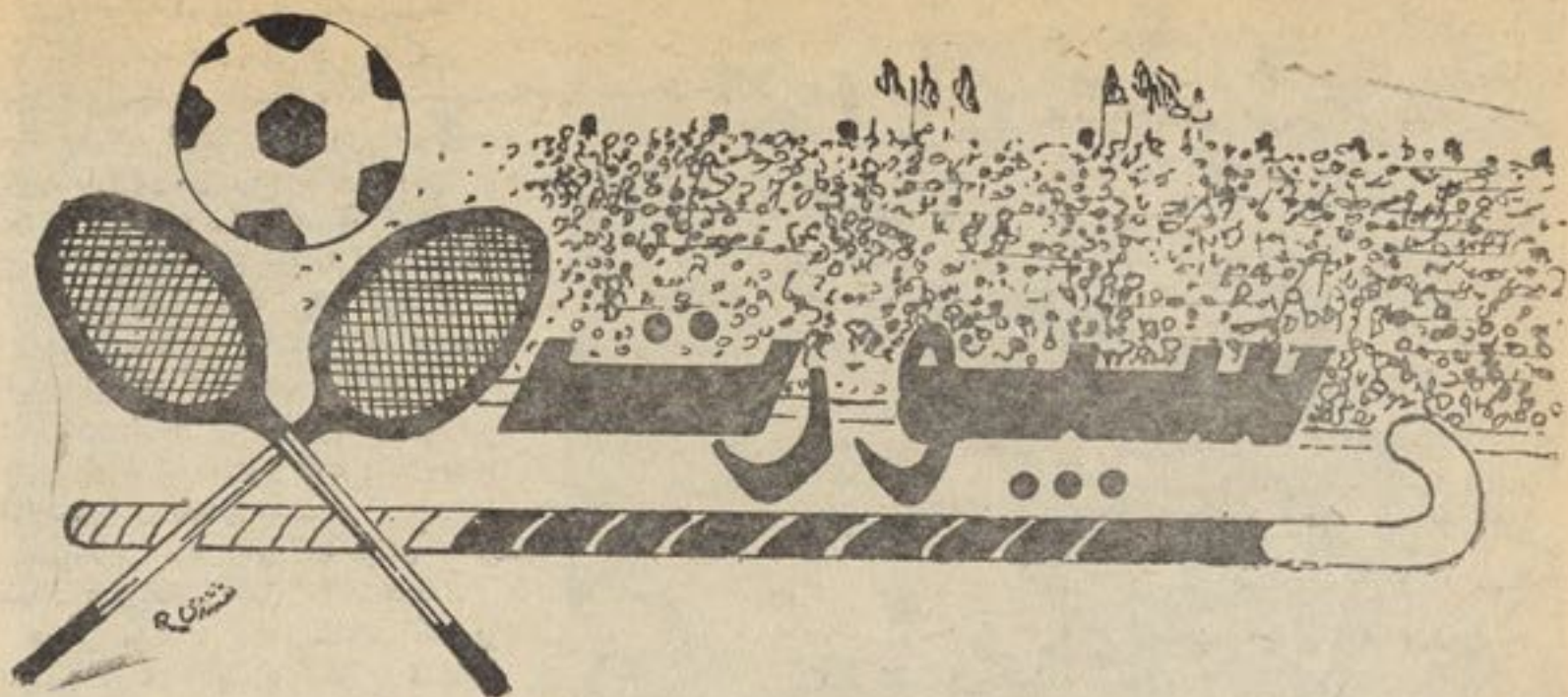
البته جای تردید وجود ندارد که در سابق مردم به پرند گان آزادی بیشتر میدادند و امروز نیز که انجمن های دفاع از پرند گان در بعضی کشور ها فعالیت دارند باز هم پرند گان قادر شده اند که برای شان محل دلخواهی پیدا کنند و در آنجا سکو بست

اختیار نمایند.

گنجشک های مهاجر از جمله پرند گان موفق محسوب میشوند ما در بهار و خزان دسته های بزرگ آنها، دسته های از آنها را که تعداد شان حتی به یک میلیون میرسد می بینیم که به پرواز درمی آیند و در حال پرواز از یک افق تا افق دیگر، میروند.

این پرندۀ ها اگر تعداد شان متناسب باشد، رفیق و مدد کار قوی و خوبی برای دهقانان میباشد.

ما دسته های بزرگ آن، خیلی خطرناک میباشند. زیرا آنها هنگامیکه در جستجوی یافتن کرم ها میگردند تا ناسازگاری و نور شدرا، خراب میکنند. گذشته از آن مواد غذایی یک تعداد زیاد پرند گان را که خیلی مفید میباشد، از میان می بردند.



ترجمه و نگارش

عبدالله (محب حیرت)

نگرشی بر سوابق تربیت بدنی و تحولات ورزشی در اتحاد شوروی

(قسمت دوم)

امریکایی بعین بازیها و تاریخهای مذکور مجموعاً شدند. همچنان در المپیای ملبورن استرالیا (۱۹۵۶) مدال را حاصل کرده بودند، ولسی روم، توکیو، انسبروک و غیره، ورزشکاران شوروی از خود مهارتها و شطرنجهای خارق العاده را نشان دادند و برنده مدالهای زیادی شدند. در بازیهای المپیای سال ۱۹۶۸ مکزیکو ورزشکاران شوروی نیز پیروزیهای چشمگیری را نصیب ورزشکاران شوروی مجموعاً برنده نود و شش

(نوویکوف) در بازیهای المپیک المپیای هلستکی (پایتخت فنلاند) پیروزیهای رابندست آورد و سال ۱۹۵۳ موصوف در رشته پتانلون المپیک بحث نخستین قهرمان اتحاد شوروی شناخته شد و در بازیهای سوئد، استرالیا، برتانیه، مکزیکو، روم و توکیو به اخذ مدالهای ورزشی نایل آمد. با تراش تراک وی در بازیهای (لدرشات) و ۱ قس برتانیه که از خود مهارتهای سپورتی را بخرچ داد، مردم ورزش دوست آنجا به افتخارش یک کلوب سپورتی را به اسم او تاج عنوان (نوویکوف سپورت کلوب) مسهمی افتتاح کردند. همچنان وی یک کلوب عصری پتانلون المپیک رادر (ایرپان) مرکز جمهورییت سوسیالیستی ارمنستان تاسیس نموده است.



صحنه جالبی از مسابقه فوتبال

مدال شدند که از آنجمله تنها سی مدال آن (مدال طلا) بود و با تر حصول ششصد و هشت پانزده تیم اضلاع متحده امریکا را که برنده پنجصد و هشتاد و یک پانزده (امتیاز) بود، شکست داد. المپیای توکیو در حقیقت چهارمین المپیای جهانی بود که اتحاد شوروی در آن سهم گرفت و قبلاً در بازیهای المپیای هلستکی، ملبورن، و روم ورزشکاران شوروی خوب درخشیدند و اکثر رکارد های المپیک و جهان را شکستند و در بازی های المپیای هلستکی هفتاد و یک مدال را حاصل کردند که از آنجمله بیست و دو عدد آن مدال طلا بود. خاصه در جمناسیک، کشتی آزاد، کشتی رومن، نشانزنی و وزنه برداری جایزه اول تیم را بدست آوردند. در بازیهای ملبورن که همه ورزشکاران شوروی مهارتهای راز خود بروز دادند، در آتمیان (ولادیمیر کوتس) خوبتر در خشید و بنام هیرو یا قهرمان بازیهای المپیک مورد شناخت و قدردانی قرار گرفت.

بدین ترتیب ورزشکاران شوروی بتعداد نود و هشت مدال راز ملبورن به میهن خویش ارفغان آوردند که از آنجمله سی و هفت عدد آن مدال طلا بود، بشعوبکه (۶۲۳۵) پانزده رادر برابر (۴۹۷) پانزده تیم امریکا موفقانه حاصل کردند در حالیکه تیمهای ورزشی اضلاع متحده امریکا تا آنوقت (در هرور شصت سال) بازیهای خود طی المپیا های مختلف غالباً سرآمد ورزشکاران جهان شناخته میشد، لذا شکست شان گوار آسانی نبود. همچنان موفقت های ورزشکاران اتحاد شوروی در المپیای ۱۹۶۰ روم بسیار جلب توجه کرد، بطوریکه شهرت پیروزمندانه آنان در حلقه های ورزشی جهان زبانزد همگان گردید. چنانچه در سال ۱۹۶۲ مقارن تجلیل و بزرگداشت اژدهمین سالگرد المپیک شوروی، روزنامه فرانسوی موسوم به (ل. یو منیت)

موفقتهای ورزشکاران اتحاد شوروی رادر قطار سایر ورزشکاران جهان منجمله اضلاع متحده امریکا بیهمال خواند و تصریح داشت که به درخششی ورزشکاران اتحاد شوروی در بازیهای بین المللی و انکشاف سپورت در کشور شان اتحاد شوروی در اکثر موارد سپورتی خود نسبت به امریکا پیشی جسته و کامیابیهای خارق العاده را همیشه و بیسم حاصل میدارد. بطور مثال: جدول آتی بیانگر یکسلسله حقایق در مورد پیروزیهای ورزشکاران شوروی و روشنگر بسط و گسترش انواع سپورتهای طی دوازده سال در بازیهای المپیک جهانی میباشد که از روی آن معیار کامیابیهای ورزشکاران اتحاد شوروی به تناسب اضلاع متحده امریکا بخوبی معلوم میتواند شد.

چند سال بعد یعنی در ۱۹۶۰ بتعداد (۳۹۹) هیات سپورتی بخارج رفت و با مقابل (۴۰۷) هیات ورزشی از خارج وارد اتحاد شوروی شد. در سال ۱۹۶۱ این معیار متقابل به (۴۰۰) و (۴۹۰) رسید. در سال ۱۹۶۲ این رقم رفت و آمد هیاتهای ورزشی به (۴۱۱) و (۴۳۰) در سال ۱۹۶۳ به (۴۰۹) و (۴۵۸)، سال ۱۹۶۴ به (۱۴۰۵) و (۳۱۸) مشخص شد. اتحاد شوروی برای اولین بار به سال ۱۹۵۲ در المپیای هلستکی وارد گردید و از آنجا برنده بیست و دو مدال طلا شد. در حالیکه اضلاع متحده امریکا از همان المپیا چهل مدال طلا گرفت، در چهار بازی و مسابقه المپیک تابستانی سالهای ۱۹۵۲-۱۹۵۶ و ۱۹۶۰ و ۱۹۶۴ جهانی، ورزشکاران شوروی (۳۶۸) مدال را بدست آوردند که شامل ۱۳۲ مدال طلا بود. در حالیکه ورزشکاران

اول کولچین سال ۱۹۵۶ در مسابقه دلی
دویدن يك مدال طلا، دو مدال برنز و سال
۱۹۵۸ در مسابقه قهرمانی (لاختی فنلند) بازهم
يك مدال طلا را کمای کرد. حصول سه مدال
نقره از موفقیت های دیگری بین بهترین سکی-
بازان شوروی است، موصوف به سال ۱۹۶۴
در المپیک بازیها يك مدال برنز را بدست
آورد. ابراهیم حستوف اهل تاجیکستان شوروی
سال ۱۹۵۹ در مسابقه دوش (دویدن) فاصله
ده هزار متر برنده جایزه قلی المپیک و قهرمان
اروپا داشت. داد، پیروزی هایش در ۱۹۵۷
ثابت تاریخ سپورت است، در بازیهای المپیک
روم شرکت داشت و در مسابقات المپیک توکیو
يك مدال نقره گرفت.

مراد نیا زاوی اهل عشق آباد ترکمنستان
شوروی قهرمان دیرینه نشانی و تیراندازی
سال ۱۹۵۸ ضمن مسابقه قهرمانی جهان
منعقد ماسکو برنده سه مدال طلا و دو مدال
نقره شده و در بازیهای المپیک روم مقام دوم
را احراز کرد، همچنان سال ۱۹۶۲ ضمن اجرای
مسابقات قهرمانی گیتی در قاهره دو مدال طلا
و دو مدال نقره را بدست آورد، از جمله
شاگردان وی نشانی ولادیمیر لوف، محمد
رضایف و نیکولای گورودنی مقام استادی را در

رشته خود احراز کردند. جانشین لومیس نیزه
انداز جوان وقتی قهرمان اروپا شد که شطرنجیهای
وی در بازیهای بلگراد مورد توجه زیادی واقع
گردید و وی بمسابقه ۸۴۴ متر نیزه اشرار قاب
کرد، وی يك مدال برنز را از بازیهای توکیو
حاصل کرد و در سال ۱۹۶۶ بار دیگر قهرمان
اروپا شد. (ناتمام)



یکی از ورزشکاران اتحاد شوروی حین اجرای خیز از مانع.

اتحاد شوروی درین بازیها پنجاه و هفت مدال
طلا، چهل و سه نقره و بیست و پنج مدال برنز را
بدست آوردند، در حالیکه ورزشکاران آمریکایی
هفت مدال طلا، پانزده مدال نقره و شانزده
مدال برنز را حاصل کردند. در ۱۹۶۲ یوری-
نیتوف قهرمان جهانی دروزنه برداری شد،
در بازیهای بلگراد (یوگوسلاویا) و ستاکهولم
(سویدن) تیم اتحاد شوروی به اخذ سیصد و هشتاد
مدال، شش مدال نقره و ده مدال برنز موفق
شدند، در بازیهای هلنکی (فنلند)، یوری
توکالوف شامبیون شد و (ویاچسلاو یوانوف
در ردیف ورزشکاران ممتاز قرار گرفته و در
بازیهای ملیورن، روم و توکیو غالباً برنده
مدالهای طلا شده است.

در سال ۱۹۶۲ تنها ورزشکاران اتحاد شوروی
در چهل و پنج مسابقه قهرمانی و تورنمنت اروپایی
و جهانی اشتراك کردند که از آنجمله در ۲۶
مسابقه آن برنده شدند و در بیش از هشت
مسابقه دیگر آن مقامهای برانزده و چشتمگیری
را بدست آوردند. همچنان در سال ۱۹۶۳
ورزشکاران شوروی بیست و سه مقام قهرمانی
جهانی و سی و هشت مسابقه قهرمانی اروپا را
در تمام بازیهای المپیک حاصل کرده توانست

در سال ۱۹۶۳ که با بازیهای
قهرمانی و شامپیو نشیب در ماسکو برگزار
شد، ایک گریگوروف خوب درختید و سپس
در ۱۹۵ لقب قهرمانی اروپا را در بوکسنگ
بدست آورد. ولادیمیر ینگیاران قهرمان معروف
مشت، زنی المپیک و گرات شاگریان قهرمان
جمناسیک المپیک اتحاد شوروی و جهان و
ویکتور زخارینکو شاگرد نوریگوف برنده مدال
طلائی در حلقهای سپورتی اتحاد شوروی و
ممالک ذیل آن شهرت زیادی داشته و دارند.

پاینتها (امتیازات)	مقامها و موقعیتها			نوع مدالها			مجموع مدالها	سال	مملکت
	۶	۵	۴	برونز	نقره	طلا			
۴۹۴	۱۳	۱۴	۲۵	۱۹	۳۰	۲۲	۷۱	۱۹۵۳	اتحاد شوروی
۴۲۳,۵	۱۳	۱۹	۱۴	۳۳	۲۹	۳۷	۹۸	۱۹۵۶	
۴۸۴,۵	۱۳	۲۳	۳۰	۳۱	۲۹	۴۳	۱۰۳	۱۹۶۰	
۴۹۳,۳	۱۰	۲۴	۱۹	۳۵	۳۱	۳۰	۹۶	۱۹۶۴	
۴۹۳	۷	۴	۱۳	۱۷	۱۹	۴۰	۷۸	۱۹۵۳	رومانی و اتحاد شوروی
۴۹۷	۷	۹	۳۱	۱۷	۲۵	۲۲	۷۳	۱۹۵۶	
۴۴۴,۵	۹	۹	۱۰	۱۶	۲۱	۳۴	۷۱	۱۹۶۰	
۵۸۱,۸	۱۴	۱۰	۳۰	۲۷	۲۴	۳۴	۹۰	۱۹۶۴	

این ورزشکاران و رزمیه غالباً در بازیهای المپیک، مسابقات جهانی و قاره اروپا از زمره
برنده مدال طلا از المپیک توکیو (ارکادی اورویوف، قهرمانان و شامپیونهای معروف بر شمرده شده اند
که اسمای شان در مقام عالی و موفق قهرمانی قرار داشته است به تفصیل آتی :
والری برومل، ایگور تر اوالتیان، نیکولای اوزولین، ولادیمیر دیاچکوف، انا تولسی
میخایلوف، ولادیمیر کوتس-ولیک، مونچارتکس تیوتربلو، تینکوف دینکه، تیوتربلو تینکوف،
یوری ولاسوف، الکسندر گوریتوف و یکتور چاکا رینگ الکساندر میدوید (برنده مدال
طلا از المپیک توکیو) ارکادی روبریوف لیو نید زها-بو تینسکی،
واسیلی کوزنیتسوف، رومیوالد کالیم (قهرمان بازی هامر در المپیک توکیو)، والری پونچکو
، ناول کولچین، ویکتور الیکسیوف، اندری خیمچ، ستیان او سچیکوف، ویا چلا و
پوپوف انا تولی گوریشین، ولادیمیر موروزوف نیکولای چیهیکوف، یوری شباروف، هر-
من سوشنکوف یوری سیمسکین، ویکتور زه دانوویچ، یاکوف رولسکی، عمر مولخانوف
، مارک راکیتا، یوریس میلنیکوف، ایوگنی کوند راتیوف، الکسندر شیبایوف، الکسندر
شمارایوف، نیکولای کزیتسوف، یاکوف میلنیکوف و یکصد و یک نفر دیگران که ذکر
اسمای همه شان سخن را بدرازا میکشاند. در اتحاد شوروی پدها میلیون نفر در رشته های
مختلف سپورتی مصروف اند.

يك رقم دست داشته مستند بطور مثال از سال ۱۹۳۶ بعد يك تفاوت قابل ملاحظه رقمی
را در افزایش تعداد ورزشکاران تا سال ۱۹۶۴ یعنی در ظرف سالهای متعدد طوری نشان
میدهد که بحیث مشت نمونه خروار طی آن مدت تعداد ورزشکاران را هشت برابر کرده
کرده است :

سال	شمار ورزشکاران اتلیتیک
۱۹۳۶	۷۰۶,۰۰۰
۱۹۴۰	۳۳۲,۰۰۰
۱۹۴۸	۷۹۱,۰۰۰
۱۹۵۲	۸۳۳,۰۰۰
۱۹۵۶	۵۶۸,۰۰۰
۱۹۶۰	۷۲۲,۰۰۰
۱۹۶۴	۸۳۸,۰۰۰

بعد از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۸ تعداد ورزشکاران شوروی نه تنها در رشته اتلیتیک، بلکه در
سایر شقوق سپورتی به تناسب افزایش نفوس کلی کشور چندین بار و چندین برابر دیگر
افزایش نموده، بطوریکه انواع سپورتها و ورزشهای ملی و بین المللی میان ملیتهای
مختلف اتحاد شوروی جز و مصروفیت های عادی و سرگرمیهای محیطی باشندگان آن سرزمین
قرار گرفته است و برای فراهم آوردن وسایط و تسهیلات بیشتر سپورتی بحیث طرق توسعوی
و مرفه تدابیر و اقدامات پیگیر و سودمندی اتخاذ شده است. مثلاً: کنفرانس علمی بین المللی
در باره مسائل و پروبلیمهای آموزشی سپورتی که سال ۱۹۶۲ در مسکو دایر شد، روشهای
جدیدی را در آموارد پیریزی کرد. از اترتجاولیز موثر در راه بسط و اکتشاف مزین ورزش
در ظرف سال ۱۹۶۲ مجملات انستیتوت تربیت بدنی بدرفت سه صد جایزه از رهگذر
موفقیت های ورزشی نایل گردیدند. علاوه سال ۱۹۶۲ بشابه کلید سال پیروزیهای مطلوبی
برای ورزشکاران شوروی شناخته شد و این در حقیقت حد فاصل و نیه راهی رابین المپیک
۱۹۶۰ و ۱۹۶۴ مشخص ساخت که با موفقیت های قهرمانان اروپایی و جهانی توانم بوده و در آن
چهل و پنج قهرمان اروپایی و جهانی تنها در سال ۱۹۶۲ اشتراك ورزیدند. ورزشکاران

امین و کام امین

کشتار دسته جمعی، بزنجر کشیدن و دریغ نمی ورزد، لایا اینکه این گونه عناصر باز دوبند های خانانه ی که با ارتجاع و امپریالیزم جهانی برای حوام سلطه ی خود برقرار می نمایند در ردیف وطن فروشان نامدار تاریخ قرار می گیرند. چنانچه بعد از آنکه امین فاسد و اجنت به اراده ی مردم وادروی آزادیبخش ما معدوم و نا بود شد اولین آواز و ندبه از آن طرف اوقیانوس ها از جایکه در آن علیه خلق قهرمان ویتنام دمیسه و توطئه و پلان جنگ طرح می شد از جایکه طرح توطئه علیه خلق فلسطین و سایر خلق های آزاده ی عرب صورت میگیرد آری قصر سفید و آقای جیمی کارتر از او دفاع کرد و همه ماشین تبلیغاتی خود را بکار انداخته تا بازهم خلق ما و سایر خلق های زحمتکش را فریب دهد ولی باید اذعان بداریم که امپریالیزم امریکا و شوونیسم یکپسند درین معامله نیز می یازد زیرا آنها از آدم کتس حرفه ای و ناموری که بیاد آوردن اسمش انسان را به گراحت و نفرت و می دارد، دفاع و پشتیبانی کرده و می کنند. چنانچه بازهم درین مورد می توان سخنان موجز ویر منسوب و واقعی بیک کارمل منشی عمومی کمیته ی مرکزی حزب واحد و کراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان را ذکر کرد ایشان در ادامه ی جواب شان به سوال خبرنگار آزادی باختر درین مورد چنین فرمودند: «... او شرف و ناموس هزار ها خانواده ی مردم کشور را غارت کرد جای بسیار تعجب است که آقای کارتر اساس شعار پلاتفورم خود را هیومن رایت یعنی حقوق بشر قرار داده ولی در مقابل تمام این فجایع که از طرف ایجنت وی صورت می گرفت، مهر سکوت بر لب داشت، لیکن امروز که چلو صافش به اصطلاح وطنی ما از آب بیرون می آید، دچار یک روح هستریک گردیده است...»

امین و دارودسته فاسد وی علی الرغم ندبه ها و دروغ پراگنی های امپریالیزم معدوم گشته و یوزکشیش به خاک مرگ مالیده شده است، دیگر وطن ما و مردم ما از شر این وحشی خنثی خون خوار و ددمنش نجات و رهایی یافته اند، دیگر مردم، زحمتکشان، آزادیخواهان، انقلابیون، وطن پرستان و خلاصه قاطبه ی مردم شریف وطن واحد ویر افتخار مان افغانستان از شنیدن نام امین و «کام» اس-اس مانند او از چهره ی خونخوار و سفاک او و بالاخره از موجودیت او بخود نمی لرزد. دیگر آن امین میرغضب که هر خواست معقول و وطن پرستانه، هر عمل آزاد بخوا هانه و مترقی را بسا گلو له و غل و زنجیر و توهین جواب می داد تا بسود گشته است. دیگر آن «کام» کامی که برای کامگار ساختن امین و دارودسته ی فاسد و سیاهش در تکاپو بود و سایه وار و ظنیرستان و آزادیخواهان را تعقیب می کرد، در هم شکسته است و با امین یکجا به کام نیستی و مرگ سپرده شده است.

ما در حالیکه به همه مردم نجیب و شریف هموطن خود از صمیم قلب تسلیت می گوئیم و خود را در ماتم و سوگن همه داغ دیده ها شریک و سهیم می دانیم. (زیرا هیچکس هیچ فامیلی در کشور نیست که از گزند این خار مگیلان در امان مانده باشد) تمام

د ۴۲ مخ پاتی

یاشکا

او کار کاوه ...

یاشکا او س دیرش کل دی، که نیمه ورخ په مطبعه کی وی، نیمه نور خو حنا په میخا نو کی تیروی د کار گرا نو او کار فرما یانو په مینځ کی په مستی، غلاوې شموری باندی مشهور شوی دی. هر څوک یی چی و-ینی فکر کوی چی یاشکا یو پنځوس خیری خیری او خیرنی جامی اغوندی. سترگړی خپل پخوانی حالت له لاسه ورکړی او تل پر سید لی وی.

خو په هغه ورځ چی دواړه په میخانه کی ناست وو او ما د ده د ژوند دی دا ستان ته غوړنیولی وو سترگی یی خلیدی او د خو بنی

سی، آی، ای واین ددمنش خون آشام با همه بادبجان های دور بشقاب خود از اریکه قدرت بریز کشیده شدند وحق وحقار بجای اصلی خود قرار گرفت هموطنان سوگوار در غم عزیزان، پس از این سوک وغمی نخواهید داشت زیرا منبع غم و سوگواری شما یعنی امین وباندش به گورنستی سپرده شده اند. زنده باد آزادی، زنده باد انسان زحمتکش و آزاده.

بخر کی ترینه اوریدل. دا ستان یی چی خلاص کړ غلی شو او وی ویل:

پخپل ټول ژوند کی می همغه خو خوړی ورځی در لودی

دیری لنډی وی ... هو، اوس مست یم اود هغو ورځو خاطره دیر- راته خوړه ده. یادول یی ماته په زړه پوری دی. که (دا) نه وی ... ه ... که (دا) می نه وی لیدل ز ماژوند به هرو مرو بله بڼه در لو دای او بڼه به وای. خو ... ارمان لعنت دی وی پری ... شیطان دی ورته وگوری آخر مرگ دی چی هر دو ل ژوند وکړو آخر به مروا.. ټول یو شی دی. خو اوس چی (هغه) مته، داسی شی هم شته چی انسان یی وریاد کړی. (پای)

صداها

به خاله اش پرود. پیر زن گفت: هه؟ ... خط دروغی بود؟

پدرش نا جور نیست؟ ای شما! ... از سراسیمگی می خواست کاسه شیرش را پس ببرد. شیرمحمد گفت: مادر، لحاظ خدا، شیر را نبر!

پیر زن که نمیدانست گریه کند یا خنده گفت: بینی پریده ها جوان را چگرخون کردند. من هرای تان کار دارم خانه تان پر گندم. و چیز های نامفومی گفته از جایش پرخواست.

حلیم گفت: مادر قهر نشو. اگر خانه نمیرفت آن تب لعنتی او را می کشت. ما هم راه دیگری نیافتیم. اما زن کسپ کسپ به راه افتاد. میرفت و گوشه چادرش را بر زمین می کشید.

شاید رفت که تمام ده را از آن گپ خبر کند. -پایان-

مردم به ده باز گشتند. پیر زنی که هر روز غروب هنگام یک کاسه شیر برای مارزک می آورد مانند هر روز آمد و کاسه را به دهن دروازه خر گاه گذاشت و خود گوشه چادرش را به چشمانش گرفته گر به کرد. پیر زن گفت: مارزک پسرم بود ... مانند پسرم دوستش داشتم حیف که با دل غمگین از اینجا رفت. بیچاره پدرش شاید مرده باشد. از شما بوی مارزک می آید. یا دوا به خبر، شیر را برای شما آوردم.

حلیم گفت: ما در غصه تکن پدر مارزک مریض نیست.

پیر زن گفت: خط آمده که مریض است. خط که دروغ نمی گوید.

حلیم گفت: خط؟ آن خط از شهر نیامده بود. آقا من و شیر محمد نوشته به پوسته رمان دادیم که مارزک مجبور شود

آماده شد. پس از نیاز محمد و صوفی یاسین عثمان ریش سفید ده حساب می- شد. او رویش را به طرف قبله کرد و دست هارا به دعا بالا نمود. دعای طولا نی کرده به پدر مارزک شفا خواست و به خودش سرخ روی و کامیای و به مردم ده اتفاق و آرامی. دعا کرد که زنان ده همیشه با شرف باشند، و کودکان با رنگ و بی قوی بار بیایند و تمام نیک برای پدران شان کسب کنند.

به معموری کشت ها و سر سبزی چراگاه ها و سلامت مواشی دعا کرد.

و برای مارزک سفر با عافیت خواست. زنان با لای با مها گریه کردند کودکان شان هم گریه کردند. و مردان با دل پر اندوه دقیقه ها به دشت چشم د و خند دو سوار آرام آرام به سوی افق دوردست میرانند.

چگونه پرندگان شکل و ...



عده ای از پرندگان در ساحل دیده می شوند.

پرندۀ مذکور را میتوان در ساحه های فراخ جنگلات بلوط پیدا کرد. زیرا امروز زندگانی این پرندۀ منسوب به میوه بلوط است که آنرا در سوراخ درختان می گذارند اما اکثرا دیده شده که پرندۀ های موصوف دانه های بلوط را از آشیانه به سوراخ ها می برند و برای آیندۀ شان ذخیره مینمایند.

همچنان مشاهده شده که این پرندۀ تنه اشجار خالی شده را تا ارتفاع بیست فوت از دانه های بلوط مملو کرده اند، در حالیکه خود شان هرگز باین ذخیره گاه شان رسیده نمیتوانند امروز زندگانی این پرندۀ ها بیش از هر زمانی شکل اجتماعی را به خود گرفته و به صورت دسته جمعی به سر می برند.

پرندگان موصوف بقدری در زندگانی خود موفق هستند که از مهاجرت صرف نظر کرده به صورت فامیل های بزرگ یکجا زیست مینمایند.

این نیز روشن است که اگر این پرندگان تغییر عادت نمیدادند طبیعا شیوه زندگانی تازه و مخصوص آنها منجر به از بین رفتن شان می گردید.

مثال دیگر تازع برای حیات که شاید منجر به آیندۀ نا معلومی شود عبارت از دگرگونی است که در اسلوب زندگانی «برنگ» برده پرندۀ ایکه میدود، پدید آمده است.

این پرندۀ امروز با های خویش را نسبت به بالهای خویش بیشتر استعمال میکند. همچنان دو نوع شتر مرغ نیز وجود دارند که در ردیف برنگ برد قرار میگیرند.

کار نگرفتن و یا ضایع کردن بالها برای این پرندۀ بخصوص برای شتر مرغ خیلی گران تمام شده است و در اکثر حصص استرلیا، از بین رفته اند.

غچی شاید یکی از مشهورترین پرندۀ های باشد که تغییر عادت داده است. این پرندۀ در سال ۱۷۶۹ در بعضی کشورها به نام پرندۀ دودکشی ها یاد میشد زیرا عموما در چنین جاها خانه میکرد. بر علاوه غچیها عادت داشتند که در اصطبل ها نیز خانه بسازند.

تا امروز نیز این پرندۀ اگر دود و یا اصطبل را مناسب بداند در آن به خانه سازی می پردازد، زیرا پرندۀ مذکور این عادت خود را تا امروز حفظ نموده است اما این پرندۀ مقبول اکنون برای پیدا کردن جای برای ساختن آشیانه به مشکلات زیادی روبرو گردیده، از ینرو، از آن جاکه اجداد این پرندۀ تغییر عادت داده اند.

در زمان های قدیم دود کشی که در آن غچی خانه تکرده باشد خیلی به ندرت پیدا می شد اما امروز تعداد این پرندۀ نسبت به سابق خیلی کم گردیده است.

همچنان هنگامیکه لین های تیلون و تلگراف در سراسر کشورها تمدید شد این پرندۀ تغییر عادت داد. زیرا تا آن وقت عموما در ایام خزان اجتماع آنها به روی

نداشتند. چنانچه یک نفر مرغدار که از جهت این گونه بوم ها خیلی در تکلیف بود یک صد بوم را در یک فصل از بین برد و هنگامیکه شکمهای آنها را پاره کرد تگرست که اثری از گوشت مرغهای او در شکم آنها وجود ندارد. بعداویک تعداد بوم های دیگر را مورد مشاهده قرار داد، دید که بوم ها چوچه های مرغها را گرفته به طرف جوی آب میروند و آنها را در یک ردیف کنار هم می گذارند همچنان مرغدار مذکور مشاهده نمود که این بوم ها روز چند بار برای دیدن شکارهای خود می آیند اما از گوشت آنها هرگز نمی خورند، بلکه از قانغوزک ها استفاده میکنند. مرغدار با دیدن این صحنه نتیجه گرفت که جسد چوچه های شکار شده توسط بوم ها برای بوم ها، حیثیت دایمی را دارند که قانغوزک ها را به چنگ آورند.

بهر صورت، یک تغییر دگرگونی ناچیز در خواص پرندۀ ها، فرق بزرگی را در پیروند لسل آن به میان می آورد. از جانب دیگر یک دگرگونی در شرایط ماحول زندگانی پرندگان، مانند رونما گردیدن دوست و

و یا دشمن، به معنی زندگانی و یا از بین رفتن است. طوریکه ملاحظه شده بوم ها همیشه خواص شکار خود را تغییر میدهند بخصوص در مواقعی که تعداد زیادی از پرندگان کوچک را بنگرند و بدانند که آنها را به سهولت به چنگ آورده میتوانند، عشق و میلان شدیدی، برای گرفتن آنها در خویش احساس مینمایند و علاقه کمتری به شکار موشها

میگیرند علاوه بر آن دلچسپی شدیدی برای شکار کردن در روز پیدا میکنند روی همین منظور است که خود بوم ها مورد شکار واقع میشوند و بدام می افتند.

جای تردید نیست که پرندگان درین اواخر، در پیدا کردن جای برای ساختن آشیانه به مشکلات شدیدی گرفتار گردیده اند. زیرا طوریکه دیده میشود روز به روز

سرمها و خانه ها عصری و عصری تر شده میروند و جنگلات قطع و ساحه باغها را مناطق تجارتی و عمارات بزرگ اشغال میکند و جای مناسبی برای آشیان پرندۀ ها، از بین می رود.

علمای پرندۀ شناسی می گویند که اگر پرندگان شیوه آشیانه سازی و خوی و عادت شان را تغییر ندهند خیلی خوب است. خوشبختانه پرندگان، این موضوع را درک نموده و روز تا بسروز، خصوصیات و عادات شان را دگرگون میسازند.

چنانچه تغییر دگرگونی عجیبی در بعضی پرندگان جهان رویداده است که دگرگونی پرندۀ ای بنام «ودیکس» خیلی دلچسپ و چشمگیر است. زیرا این پرندۀ با تجارب زیادی می خواهد بسوی زندگانی جدیدی پیش برود.

چنانچه تغییر دگرگونی عجیبی در بعضی پرندگان جهان رویداده است که دگرگونی پرندۀ ای بنام «ودیکس» خیلی دلچسپ و چشمگیر است. زیرا این پرندۀ با تجارب زیادی می خواهد بسوی زندگانی جدیدی پیش برود.

چنانچه تغییر دگرگونی عجیبی در بعضی پرندگان جهان رویداده است که دگرگونی پرندۀ ای بنام «ودیکس» خیلی دلچسپ و چشمگیر است. زیرا این پرندۀ با تجارب زیادی می خواهد بسوی زندگانی جدیدی پیش برود.

چنانچه تغییر دگرگونی عجیبی در بعضی پرندگان جهان رویداده است که دگرگونی پرندۀ ای بنام «ودیکس» خیلی دلچسپ و چشمگیر است. زیرا این پرندۀ با تجارب زیادی می خواهد بسوی زندگانی جدیدی پیش برود.

چنانچه تغییر دگرگونی عجیبی در بعضی پرندگان جهان رویداده است که دگرگونی پرندۀ ای بنام «ودیکس» خیلی دلچسپ و چشمگیر است. زیرا این پرندۀ با تجارب زیادی می خواهد بسوی زندگانی جدیدی پیش برود.

کرده توانست. زیرا سمت خانه اش را نسبت آتن را دیوار دست داده بود و به مجری که استیشن رادیو از پرودکاست باز ماند کیوتر مستقیما به طرف خانه خود در پرواز شد.

در تجربه دیگر چند کیو تر، از عقب استیشن و آتن رها شدند تا از بالای استیشن عبور کرده بخانه برسند. این بار هم کیوتر هابه پرواز دورانی شروع کردند.

علمای که این تحقیقات و تجارب را بعمل آوردند چنین نتیجه گرفتند که تأثیر مقناطیسی امواج بالای اعضای مخصوص پرندۀ ها، که در سر شان وجود دارد اثر گذاشته و آنها را به پرواز دورانی وا میدارد.

سر انجام باید اظهار داشت که باوجودیکه عادت تحت تأثیر محیط زیست قرار بگیرد بیش از یک میلیون سال بکاراست تا ریشه عمیق یک غریزه را از بین برداشت.

چنانچه تغییر دگرگونی عجیبی در بعضی پرندگان جهان رویداده است که دگرگونی پرندۀ ای بنام «ودیکس» خیلی دلچسپ و چشمگیر است. زیرا این پرندۀ با تجارب زیادی می خواهد بسوی زندگانی جدیدی پیش برود.

چنانچه تغییر دگرگونی عجیبی در بعضی پرندگان جهان رویداده است که دگرگونی پرندۀ ای بنام «ودیکس» خیلی دلچسپ و چشمگیر است. زیرا این پرندۀ با تجارب زیادی می خواهد بسوی زندگانی جدیدی پیش برود.

چنانچه تغییر دگرگونی عجیبی در بعضی پرندگان جهان رویداده است که دگرگونی پرندۀ ای بنام «ودیکس» خیلی دلچسپ و چشمگیر است. زیرا این پرندۀ با تجارب زیادی می خواهد بسوی زندگانی جدیدی پیش برود.

چنانچه تغییر دگرگونی عجیبی در بعضی پرندگان جهان رویداده است که دگرگونی پرندۀ ای بنام «ودیکس» خیلی دلچسپ و چشمگیر است. زیرا این پرندۀ با تجارب زیادی می خواهد بسوی زندگانی جدیدی پیش برود.

چنانچه تغییر دگرگونی عجیبی در بعضی پرندگان جهان رویداده است که دگرگونی پرندۀ ای بنام «ودیکس» خیلی دلچسپ و چشمگیر است. زیرا این پرندۀ با تجارب زیادی می خواهد بسوی زندگانی جدیدی پیش برود.

چنانچه تغییر دگرگونی عجیبی در بعضی پرندگان جهان رویداده است که دگرگونی پرندۀ ای بنام «ودیکس» خیلی دلچسپ و چشمگیر است. زیرا این پرندۀ با تجارب زیادی می خواهد بسوی زندگانی جدیدی پیش برود.

چنانچه تغییر دگرگونی عجیبی در بعضی پرندگان جهان رویداده است که دگرگونی پرندۀ ای بنام «ودیکس» خیلی دلچسپ و چشمگیر است. زیرا این پرندۀ با تجارب زیادی می خواهد بسوی زندگانی جدیدی پیش برود.

تخنیک معاصر ...

بیش از سه صد نمونه از بیست و دو کشور جهان به معرض نمایش گذاشته شده بود این نمایشگاه صرف بخاطر نمایش تخنیک و تکنالوژی

زراعتی نبوده بلکه تبادل نظر و استفاده از تجارب همدیگر نیز در نظر بوده است تا بین سازندگان، علما و

طراحان در مورد انجام یابد. فعلا در اتحاد شوروی نه تنها تخنیک زراعتی بلکه رشته های مختلف صنعت شوروی در کشور

های دیگر سو سیالیستی در معرض نمایش قرار داده شده و هم چنان تخنیک در آیندۀ ی قریب نیز نمایش

داده می شود.

درخان صورت می گرفت و از آوانی که عادت کردند روی سیم ها خود را محکم کنند مجبور شدند عادت سابق را ترک نمایند.

امروز دهاتیان، از قلت گنجشک ها، در تشویش بسر می برند و علت آن را قوه مقناطیسی سیم های تیلون می دانند، زیرا این قوه مانع مهاجرت آنها به سواحل می گردد. همچنان شاید سیم تلگراف در عادت این پرندۀ ها تغییری پدید آورده باشد.

توسط کیوتر خانگی نیز تجاربی صورت گرفته و این نتیجه بدست آمده که در جریان یک توفان آنها سمت پرواز شان را تغییر میدهند در تجربه نخست از یک کیوتر نامه رسان، استفاده بعمل آمد. این کیوتر را از فاصله پنج میلی آشیانه اش در نزدیکی یک آتن رادیو که به امواج مختلف پرود کاست می گردید، رها کردند. این پرندۀ جز آنکه پرواز دورانی را انجام بدهد کار دیگری

نکرد. در تجربه بعدی از یک کیوتر نامه رسان، استفاده بعمل آمد. این کیوتر را از فاصله پنج میلی آشیانه اش در نزدیکی یک آتن رادیو که به امواج مختلف پرود کاست می گردید، رها کردند. این پرندۀ جز آنکه پرواز دورانی را انجام بدهد کار دیگری

نکرد. در تجربه بعدی از یک کیوتر نامه رسان، استفاده بعمل آمد. این کیوتر را از فاصله پنج میلی آشیانه اش در نزدیکی یک آتن رادیو که به امواج مختلف پرود کاست می گردید، رها کردند. این پرندۀ جز آنکه پرواز دورانی را انجام بدهد کار دیگری

نکرد. در تجربه بعدی از یک کیوتر نامه رسان، استفاده بعمل آمد. این کیوتر را از فاصله پنج میلی آشیانه اش در نزدیکی یک آتن رادیو که به امواج مختلف پرود کاست می گردید، رها کردند. این پرندۀ جز آنکه پرواز دورانی را انجام بدهد کار دیگری

نکرد. در تجربه بعدی از یک کیوتر نامه رسان، استفاده بعمل آمد. این کیوتر را از فاصله پنج میلی آشیانه اش در نزدیکی یک آتن رادیو که به امواج مختلف پرود کاست می گردید، رها کردند. این پرندۀ جز آنکه پرواز دورانی را انجام بدهد کار دیگری

نکرد. در تجربه بعدی از یک کیوتر نامه رسان، استفاده بعمل آمد. این کیوتر را از فاصله پنج میلی آشیانه اش در نزدیکی یک آتن رادیو که به امواج مختلف پرود کاست می گردید، رها کردند. این پرندۀ جز آنکه پرواز دورانی را انجام بدهد کار دیگری

نکرد. در تجربه بعدی از یک کیوتر نامه رسان، استفاده بعمل آمد. این کیوتر را از فاصله پنج میلی آشیانه اش در نزدیکی یک آتن رادیو که به امواج مختلف پرود کاست می گردید، رها کردند. این پرندۀ جز آنکه پرواز دورانی را انجام بدهد کار دیگری

نکرد. در تجربه بعدی از یک کیوتر نامه رسان، استفاده بعمل آمد. این کیوتر را از فاصله پنج میلی آشیانه اش در نزدیکی یک آتن رادیو که به امواج مختلف پرود کاست می گردید، رها کردند. این پرندۀ جز آنکه پرواز دورانی را انجام بدهد کار دیگری

نکرد. در تجربه بعدی از یک کیوتر نامه رسان، استفاده بعمل آمد. این کیوتر را از فاصله پنج میلی آشیانه اش در نزدیکی یک آتن رادیو که به امواج مختلف پرود کاست می گردید، رها کردند. این پرندۀ جز آنکه پرواز دورانی را انجام بدهد کار دیگری

نکرد. در تجربه بعدی از یک کیوتر نامه رسان، استفاده بعمل آمد. این کیوتر را از فاصله پنج میلی آشیانه اش در نزدیکی یک آتن رادیو که به امواج مختلف پرود کاست می گردید، رها کردند. این پرندۀ جز آنکه پرواز دورانی را انجام بدهد کار دیگری

خاموش ډاکټر

یو ناروغ سړی په داسې حالا کې چې د پاڅه عمر خاوند وو په خپل ژوند کې د لومړي ځل له پاره د ور پېښې شوی ناروغیا د تشخیص په خاطر ډاکټر ته ولاړ .

کله چې ناروغ سړی ډاکټر ته ورغی نو ډاکټر پوښتنه وکړه :

ښه گرانه اته باید اوس ماته پښه رښتیا سره ووايه چې څه تکلیف لری ؟

ناروغ ځواب ور کړ : څرنګه

چې تاسې زیاته حق الزحمه اخلي

په دې لحاظ باید په ټولو شيانو باندې هم پخپله و پوهیږی نو زه

نه غواړم . چې د خپلې ناروغۍ په

هکله څه درته و وایم .

ډاکټر لږ فکر وکړ او و ویل :

ښه اوس نو هغه څه چې لازم دی تاسې ته به یې در کړم .

پس له دې میز تر شا کښیناست

او په لیکلو یې پیل وکړه .

په دې وخت کې ناروغ سړی پوښتنه وکړه : ماته دوا لیکي ؟

ډاکټر وویل : نه خیر ! دیوه خاموش ډاکټر ، آدرس درته لیکم .

ځکه چې هماغه خاموش ډاکټر یې له دې چې ناروغ د خپلې ناروغۍ په

هکله څه ورتنه ووايي ناروغی یې تشخیص کوي او سم دلاسه دوا

ورته لیکي .



از بالا به پائین بدون شرح



بدون شرح



بدون شرح



يك اعلان فوق العاده

الېر تو منسېس مدير عمو مې شرکت هوا پيمایي پېرو متفکرا نه عقب ميز تحریر خود نشسته بود. بعد از اندیشه زياد ي بالا خوره گوشك تيلفون را بر داشت و به سکرتر خود گفت :

فورا آمر اعلانات را نزد من بفرستيد .

دو دقيقه بعد هردو رو بروی هم نشسته بودند . منسېس گفت :

من نميخواهم هم زياد حرف بزنم . قرار يکه ميدها نيد شرکت هوايي ما در اين ماه های اخير يك وضعيت بحراني را مي گذراند و اگر طياره های ما چند ماه ديگر نيز تقريباً خالی همه جا پرواز کنند ديگر ور شکست خواهيم شد و مجبور هستيم شرکت را منحل نماييم . خلص اينکه من شما را خواستم تا در اين مورد مشوره بدهيد و بگوئيد که چه مي توانيم بکنيم تا به رقبای خود خايق آئيم ؟ آمر اعلانات گفت :

من ميدانم . بنابر آن يك فکرفوق العاده برای پخش اعلانات راجع به شرکت دارم .

مدير عمو مي با عصبانيت دستش را بالای ميز زده گفت :

ديگر اعلانات چاي و راديو يرس است . هيچ کسی آنها را نه مي خواند و نه مي شنود . مايک فکر تازه و يك ابتکار تازه بکار داريم . يك چيزی که تا کنون قطعاً نشده باشد فهميديد ؟ آمر اعلانات فکري کرده گفت :

در اين صورت پيشنهاد مي کنم تا يك متحد المال به تمام تاجران موسسات و مديران شرکت های مختلف مملکت بفرستيم و در آن ذیلا تذکر بدهيم :

«اگر شما ميخواهيد در سفر تجارتي خود خانم تان را همراه ببريد ، آنوقت با طياره های ما پرواز کنيد ، ما بخانم شما يك پرواز ميداهيم تا او بتواند امتيا زات طياره مارا که در آينده شو هرش با آن پرواز مي کند از نزديک مشا هده کرده و شخصا شاهد راحتی های باشد که طياره ما تقديم مي کند .

منسېس با شور و شعف دستا نش را بهم مالیده گفت : فوق العاده ! فوق العاده ، اين يك فکر خوبی است و فورا تائير خود را مي کند .

حقيقتاً هم بعد از فرستادن اين مکتوب متحد المال ، تائير آن فوق اتعاده بوده و يك هجوم بی نظير بالای طياره های شرکت آمد . «منسېس» از خو شحالی در پيراهن نمي گنجيد . هنگاميکه لسټ اولين صد جوړه زن و شوهر مسافر را روی ميزش گذاشتند يك فکر تازه در مخيله اش پيدا شد و فوراً دستور داد تا به زنان اين صد نفر مسافر يك مکتوب صميمانه نوشته و ضمناً سوال نمايند که آيا از پرواز خوششان آمده است و سفر خوبی نموده اند ؟

دو روز بعد آن «منسېس» نودونه تيلگرام از زنان مسافرین حاصل کرد که در آن تحریر يافته بود :

« مقصد تان چيست ؟ کدام پرواز را مي گوئيد ؟

بايد گفت که نو دو نه فيصد از مسافرین رفيقه های شانرا با خود برده بودند .



بدون شرح

مامور پرکار

زن- چرا امروز اینقدر دیر از دفتر آمدی ؟
مرد- برای اینکه رفقا یاد شان رفت موقع آمدن مرا از خواب بیدار کنند *



بدون شرح

جواب درست

ترافیک خطاب به راننده گفت :
آقا مگر چراغ سرخ را ندیدی ؟
راننده با خونسردی جواب داد :
چرا جناب ، چراغ سرخ را دیدم ولی شما را ندیدم *



هر دفعه آدمک برفی ساختن بسیار کسل کننده بود این دفعه من زنك برفی ساختم *

صاحب!

معلمی به شاگرد خود گفت:
- بابتخت عراق کجاست ؟
شاگرد- صاحب! لندن، نی صاحب شما نگویید
صاحب خودم میگویم صاحب صاحب برلین نی
صاحب صبر کنید صاحب میگویم ...
معلم گه به اندازه کافی عصبانی شده بود
گفت *
اگر دیگر صاحب صاحب گفته بودی برت
نمره صفر خواهم داد *
شاگرد به چشم صاحب دیگر نمی گو ییم
صاحب *



Ohne Worte

PPR

دوروز در نقشه

شخصی گزاف گوئی نزد دوستان خود به
گزاف و لاف میپرداخت * میگفت :
المان رفتم سه هفته خوشگذرانی کردم
درسویس يك هفته بکلی سر گرم بودم که
معلوم نشد چطور این هفته گذشت در جاپان
مدت دو ماه چنین و چنان کردم
چون گفت این شخص خلاف خط لسیز طیاره
ها بود بناء دوستش گفت :
چه میگوئی نقشه را دیده ای ؟
یکبار الافوک سخن را از ذهن دوستش فابید
و گفت :

بلی ! نقشه را هم دیده ام دو روز در آنجا
به بسیار خوشی سپری نمودم *

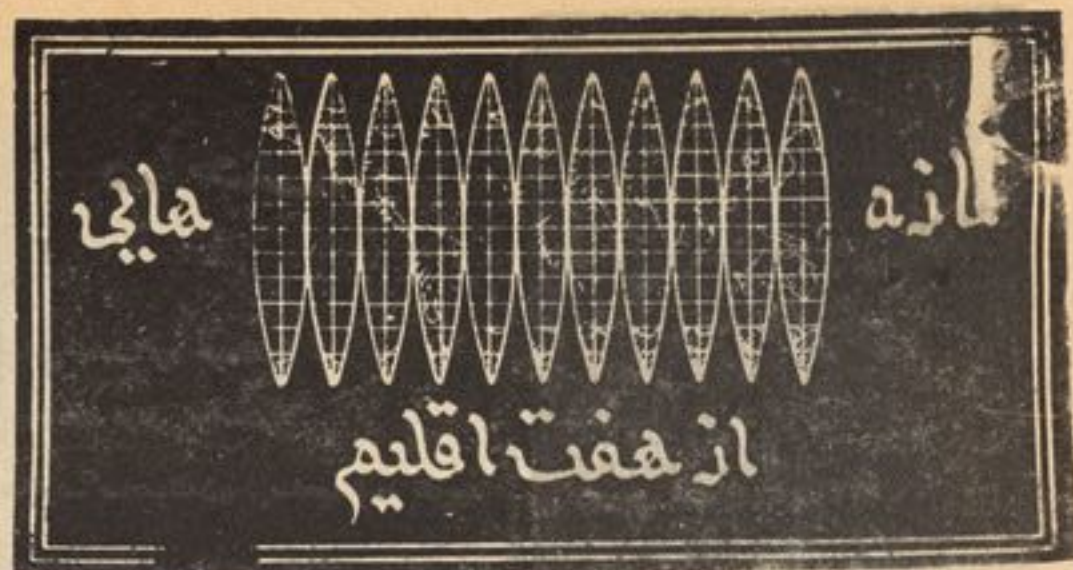
خودتان بخورید

شخصی بسیار پر خور و ز ی با
رفقایش در خانه مهمان شد وقت صرف غذا همه
بعد از چند لحظه از سر میز طعام بلند شدند
اما وی هنوز مصروف خوردن غذا بود و همچنان
که میخورد در جواب تعارف صاحب خانه میگفت:
خودتان بخورید ... خودتان بخورید ...
روز بعد رفقایش علت این حرف را از وی پرسیدند
او در جواب گفت :

وقتی که غذا میخوردم * حتما صاحب خانه
دردل خود میگفت خاك را بخور زار را بخور
چقدر خوردی ومن هم به جوابش میگفتم خودتان
بخورید خودتان بخورید



برادر جان شما نباید همیشه کثافات خود را
بالای سرک بیندازید!



تنظیم و ترجمه از : میرحامد الدین برومند

انکشاف سریع ساینس و تکنالوژی در ارتباط با انرژی آفتاب

مورد انرژی آفتاب از طریق معلومات های
تلگرافی ، تیلیفونی و انتقال از طریق شبکه

مطالعات کار متدنان فضایی می و ساند
که انرژی مستحصله اشعه آفتاب (۵۰۰۰)
مرتبه بزرگتر از تمام انرژی های مولد
در زمین است . این منبع سرشار طوری که

شاید و باید در تحت تسلط و بهره برداری
بیاید مشکلیست امروز همین نور فروزان
آفتاب است که در بسیاری نقاط روی زمین
حسی و زندگی موجودات را تامین میکند

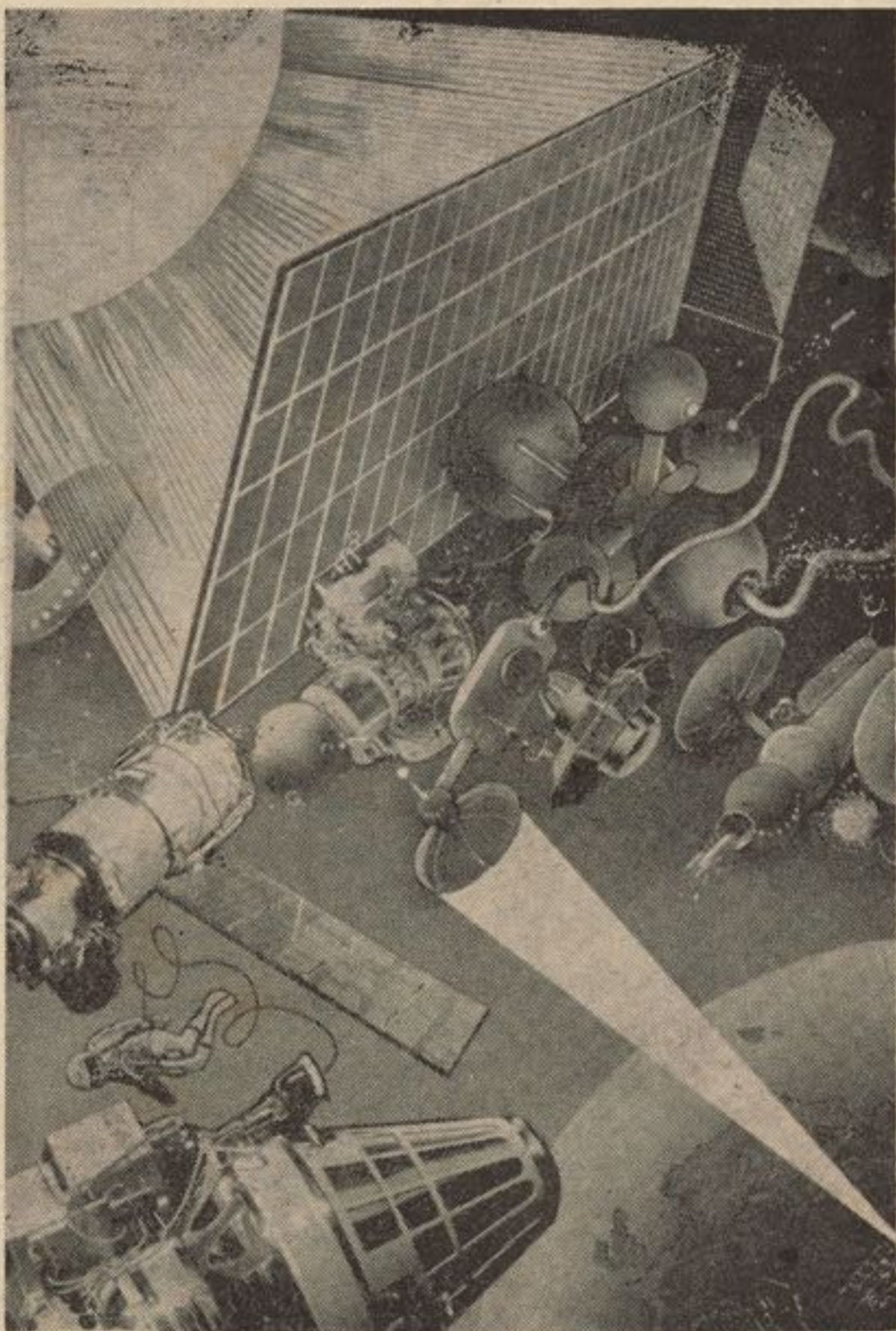
نقاطی در روی زمین است که آفتاب در
آنجا نمی تابد در حالیکه در صحرا های
افریقای جنوبی و آسیای مرکزی ساعات
تابش آفتاب روزانه بیشتر از ۱۲ ساعت
گزارش یافته . و این شکفت آور و تعجب
انگیز نیست که اینک بشر به کسب انرژی
آفتاب دست یافته و آنرا به انرژی برق
تبدیل مینماید و در منابع مورد استفاده
قرار میدهد . دانشمندان را عقیده براینست
که آفتاب طبیعتا برای فیض رسانی به کائنات
بوجود آمده و ناگزیر است انرژی خود را وقف
زمین نماید . برای استفاده مطلوب تر از انرژی آفتاب
و تبدیل آن به انرژی الکتریکی متخصصین

اولیای امور پیگیرانه کار میکنند
در آینده نزدیک کشتی های فضایی و اقمار
مخصوص بترقی تنظیم و عیار ساخته
شوند که خود شانرا در فضا نزدیک کره
آتشین آفتاب رسانند . انرژی را کسب
و خود بخود آنرا به انرژی الکتریکی

تبدیل و به زمین بفرستند که اینکار
ایجاب از حساسات بسی پائینی
را مینماید . مفکوره کسب انرژی از نزدیک
کره آفتاب و تحویل مجدد آن پس از یک
عملیه مغلق تر به زمین همان با اعمار
پایگاه فضایی «هوریتال» که توسط
متخصصین فضایی و ویدست گرفته شد .
ایجاد گردید . این پایگاه که به فاصله
(۳۵۸۰۰) کیلومتری زمین در فضا اعمار
گردیده و به طور مغلق در فضاء به منظور
عملیات فضایی ساخته شده فضا شنا -
سانی که با سفاین به فضا رفته اند ،
اخباری را در مورد چگونگی فضا ، به علاوه در

های فرستنده اقمار تلویزیونی از فواصل
بعید گزارش کرده اند . گفته شده که در هر
متر مکعب تصاویر یا فوتو گرافی ها بیکه
از فضا بسوی زمین گسیل می گردد مقدار نیم
کیلوانرژی بکار میرود که از انرژی آفتاب به انرژی
الکتریکی به صورت اتماتیکی به ذریعه وسایل
تخنیکی که در فضا حرکت میکند بدست
گردیده . مساله دیگر اینست که مقدار انرژی
که از طریق ماشین های مخصوص آنهم
در فضا به انرژی الکتریکی تبدیل می گردد
در چند کمتر از انرژی آفتابست بهاره دیگر
همینکه انرژی آفتاب به برق تبدیل
می گردد در چند کمتر می گردد . در نظر
است (کارخانه تولید انرژی برق از
انرژی آفتاب در فضا) بتواند از فاصله
پنج کیلومتری پایگاه مزبور (۵۰۰۰) میکا-

وات انرژی برق استحصال بدارد . با تولید
انرژی برق در فضا قسمت عمده نیاز های



بشر با وسایل تخنیکی مدرن خود برای انتقال انرژی الکتریکی از فضا بزمین سخت
میکوشد .

فضا نوردان در آینده برآورده خواهد شد
انرژی آفتاب بوسیله شیشه های عدسی
میشود به بخار تبدیل ساخته شود که
اینکار نیز توسط علمای فضا می عملی
گردیده . و همین بخار های مولده است
که توربین ها را به حرکت درمی آورد ، توربین
های را که با جنراتور های برق و صل
گردیده که البته انتقال انرژی مذکور بسوی
زمین اشکالاتی را در خود دارد که مخصوصا

غیر اقتصادی بودن این انرژی است . لکن
مطالب ارزنده همانا چنین پیشرفت های
سر سام آور و غیر قابل باور بشر عصر
امروز است که قدرت یافتند که فضا را
تحت تسلط آورده و در فضا به کمک وسایل
تخنیکی ساخته شده سیار ، خودش انرژی
طبیعی آفتاب را کسب و آنرا به انرژی برق
تبدیل سازد که واقعا این معجزه است .
البته طرق جدیدی برای انتقال انرژی مزبور
فراهم دیده شده که برای تطبیق اشعه لایزر
وسایل مسایل مربوط به ما و راه
الطبیعت در کار است . همچنانکه مقادیر

زیاد انرژی برای اهداف بخصوص
و بگردش آوردن چرخ های صنعت از طریق
حفر کانال ها و شراین زیر زمینی برای
کشف و انتقال نفت ، گاز و غیره صورت
میکبرد ، میشود در آینده دانشمندان فضایی
و سایر علماء به این موفقیت نیز دست یابند
که بسیار بسادگی انرژی مولده را راسا
بزمین و یا یکی از اقمار و سیاره های دیگر

بفرستند در قدم اول (پیوتر کاپیزا) یکتن
از فزیکدانان اینک بدین مفکوره دست
یافته که برای ترانسپورت انتقال انرژی برق
از کائنات میشود . پلی میان فضا و زمین

کشید اما این بستگی به کثافت هوا و غبار
و انقلابات هواست که آیا میشود این مفکوره
را در عمل پیاده کرد ؟

زیرا زمستان و تابستان و گرما و
سرما ، تولید شب و روز و غیره ممکنست
اشکالاتی را در زمینه اعمار پلی که فضا
را بزمین مرتبط سازد بار آورد . لکن یک
مفکوره مغلق تر دیگر توسط یکتن از دانشمندان
خبره طرح گردیده و آن اینست که انتن های
آخذ می تواند انرژی را بسان امواج
تلویزیونی و رادیویی ، امواج الکتریکی
را کشف و در زمین ذخیره بدارد . روی این
ملحوظ یک آنتن آخذ که دارای (۱۰۰۰) متر قطر
میباشد نیز تدارک دیده شده است . هر چند
دستیابی به این پیروزی ها ظاهرا خواب
و خیال مینماید لکن علماء خود معتقدند
که این یک فرضیه نیست بلکه واقعیتی
است که این یک ملکه در فضا وجود دارد .
است که بزودی تحقق خواهد پذیرفت . در نظر
(۱۰۰۰۰) میکاوات برق را خواهد داشت
و (۳۵۰۰۰) تن وزن کارخانه بشمول جنراتور
آن به (۱۰۰۰۰۰) تن بالغ خواهد گردید
رویدست گرفته شده و تدابیری حتی برای

دو تاز گرفته شده این کارخانه قراربرو -
گرام باید با وسایل خود کار در فضا
ساخته شود که بتواند خودش را در فضا

نیالیزم و امپریالیزم مبارزه نماید تا اندازه‌ای که کانون بشریت کاملاً مسرات از همجواری روش‌ها گردیده صلح عام و قام و یکرنگی و برابری در تمام جوامع بشری مسلط گردد. (الیو بلو ندین بین) وزیر خارجه مالی با اظهار سیاست از تلاشهای ثمر بخش اتحاد شوروی در زمینه تامین صلح همگانی و جهانی و ریشه کن ساختن ابرقاید و راسیزم، گفت که وی برای آینده آفریقا زیاد نگرانست لکن میاوزه آشتی تا بدین مردم آفریقا علیه راسیزم و تمامی اشکال آن روز تا روز در حال گسترش می باشد امروز آئنده از کشور های جهان کنه چنین تا برابری ها و سیستم های نسیب بشریت متوجه ایشان بوده او شانرا در بند کشیده تصمیم گسسته اند علیه راسیزم پیگیرانه مجادله نموده و طریقی و میتود ها می را طرح و در دست اجرا بگیرند و قورم های جدید را برای حقوق بشر سراغ بدارند.

و ابرقاید میاوزه کرده است اشاره شده و تسریع گردیده بود که برای گسترش و انسجام یک زندگی بهتر و راهها می بسوی جوامع سوسیالیستی که آنجا هیچگونه استعمار و طبقات وجود نداشته باشد. اتحاد شوروی همیشه نقش موثر و فعالی را ایفاء داشته است. امروز حقوق دانان اتحاد شوروی با اتکاء به همکاری مردم شوروی مصممانه در جهت تساوی حقوق و تامین صلح گام های سریع به جلو گذاشته و همیشه سعی شان بر آمنت تا علیه ابرقاید، نژاد پرستی و حتی علیه بقایا و اثرات کلونیالیزم و راسیزم در جهان مجادله نمایند. (آیادی ستومی) سکرتار حقوق دانان اتحاد شوروی در مورد وظایف بزرگ و سنگین حقوق دانان بخاطر تحقق یافتن دموکراسی مردم در جهان و مقابله علیه راسیزم و ابرقاید تاکید صحبت نموده و از حقوق دانان سیمگیزنده در کنفرانس خواست تا به طور آشکارا و علنی به طور مجدانه فعالیت و روی این اصل بزرگ فشار آورند که بشرناگزیر است علیه نژاد پرستی، ابرقاید، کلونی

مالیزم و تکنولوژی بدان حد برسد که در فضا کارخانه تولید برق اعمار نماید انرژی آفتاب را به الکتریکی تبدیل و یا یکی از میاوزه های دیگر گسیل دارد لا کس از نظر پشتکار هیچ چیزی پوشیده نیست و بشر بزودی شاهد این پیروزی ها نیز خواهد بود.

لایتنای تکپدارد. این کارخانه در فاصله (۲۰۰-۳۰۰) کیلو متری زمین تو سطا انسان و انسان مصنوعی که به شکل خود کس در عیار و بداخل آن ماشین ها می فعالیت خواهد کرد وضع و تنظیم این امر را به عهده خواهد داشت، پیچیدگی و مغلفی این فعالیت بحسبیت که مشکلات باور کرد که

انزجار کتله های بشری در برابر

نژاد پرستی و ابرقاید

لکد مال نموده و حتی ابتدایی ترین حقوق را با پیش گرفتن همجواری ها سلب میدارند و آزادی ایشانرا روز تا روز تقلیل میدهند (لیف زیمر نو) که جز سیمگیزندگان کنفرانس بود پیرامون تساوی کنفرانس جهانی علیه راسیزم و ابرقاید بحث بعمل آورده و پیاپی را از طرف حکومت اتحاد شوروی با خود همراه آورده بود در پیام در مورد اتحاد شوروی که همواره برای محو انواع تبعیض، نژاد پرستی

راسیزم و ابرقاید به منزله تنگی ترین سلب در جهان امروز به حساب میرود که نیرو های مترقی کتله های بشریت یکی پس دیگر از آن فاصله میگیرند و بدین شلاق های وحشتناک قرن بیست و هروان آن نفرین بی پایان می فرستند یقیناً دیگر انسان پیشرو عصر کنونی درین قرن بیستم که دوران شگرفایی نبضت های مترقی در چپا نیست، دیگر تحمل تضاد های طبقاتی و برتری بر تنگه جلد و نژاد را ندارد. روی این اصل عمده در کنفرانس که در باکو پایتخت آذربایجان شوروی منعقد ماه سپتمبر از طرف حقوق دانان بسی از کشور ها که شمار کشور های شامله به ۳۶ کشور می رسیده، دایر

گردیده پیرامون بر طرفی نژاد پرستی و ابرقاید این بلای بزرگ آسایش و صلح بشریت بحث صورت گرفت. درین کنفرانس از نگاه حقوق دانان راجع به نژاد پرستی و ابرقاید در جهان بحث صورت گرفته و بدی های آن بر شمرده شد. در افتتاح کنفرانس (لیف زیمر نو) رئیس اتحادیه حقوق دانان اتحاد شوروی و رئیس محاکم عالی آن کشور گفت: راسیزم با تمامی انواع آن و ابرقاید در بسیاری کشور های کاپیتالیستی به شکل حادثات

مسلط است. این بازی مهلك باعث گردیده که بیشتر از پیش این سیستم، منفور و ضد انسانی، میلیون ها انسانرا خاستا در آفریقای جنوبی، رودیشیا، نامیبیا و غیره به مرگ و بدبختی سوق بدهد و

رهبران سیاسی و حتی دکتورین صهیونیست اسرائیل و فلسطین غیر انسانی ترین شیوه را که بشریت از آن ننگ فراوان دارد بر خلق مذکور تحمیل نمایند و سیاست همجواری ها بیکه منحیت چتر راسیزم و ابرقاید در کره زمین نقش بازی میکنند. پیش از پیش نا آرامی و ظلم و ستم بر خلق ها را در جهان دامن میزنند و رهوان این سیاست نه تنها حقوق انسانی را زنی ها می گذارند بلکه با حمایت خویش از رژیم هاییکه پایه های آن بر نژاد پرستی، تفرقه رنگه و پوست و ابرقاید استوار میباشد، مدعی ترین حقوق بشر را



در آفریقای جنوبی سیاهوستان هنوز از حقوق انسانی شان محروم اند.



صحنه بی از نمایشات تیاتر امروز .

بقیه صفحه ۲۷

چگونه تیاتر را هوش را...

را تعقیب نماید همان طوریکه در مکاتب و دانشگاه های دانش پژوهان مصروف تحقیق و مطالعه مفکوره ها و نظریات نوین اندوختن آموزش نبوری های نو میخواهند دگرگونی های رادر ساحه زندگی بوجود آورند همین سان در تیاتر تقریباً باید صحنه انتقالی و عروجی از مدارج و پائین به مدارج عالیه تر باشد در چنین تیاتر مردم عملاً اندیشه های خوب رادر صحنه عمل نمایش نموده و از آن استنتاج نموده . یکی از متخصصین امور تیاتر عقیده دارد که تیاتر باید راهش رادر میان توده مردم باز نماید و کارکنان امور تیاتر باید با خواص و

خصوصیات بینندگان خویش آگاهی کافی داشته باشند در چنین صورت است که میتوانند در باید که چه اندیشه هایی را روی صحنه تیاتر به منظور تغییر سیمای روحیات مردم پیاده نمایند . کارگران و کارکنان تیاتر باید نهایت تلاش و زور و توان صحنه ها را تمثیل نمایند که بایر و بی حد حادثات توافق داشته و بینندگان حین تماشای صحنه خود را از آن کاملاً بدور است . احساس نه نمایند هر قدر تماشاگر سر نوشت خود را با حادثه نزدیک ترین باید همان اندازه نقش ممثل ارزش پیدا خواهد کرد . تیاتر امروز در جهان نقش مهم تربیتی داشته از زمانه های شکسیر در انگلستان تا زمان بر تولد برشت این هنر پروسه رشد عروجی اش را پیموده و گفته میشود که هنوز هم نقش آن در جمله سایر پدیده های هنری پابرجا

بقیه صفحه ۴۸

من و گروه من

دختر صبا حب خانه محصل بود و من برایش جوان بسیار خوش چهره را تحت نظر گرفتم . این جوان نیز با سنگ مشقت زن خود به آنجا می آمد . من با مشقت زن جوان مقبول به بازی می پر داختم به این ترتیب جوان با دختر صاحبم آشنا شد . اما از مشقت زن جوان چندان خوشم نمی آمد ، زیرا اول اینکه رنگ مو هایش مانند مو های پلنگ بود و دوم اینکه بسیار بی حیا بود و خود را نزدیک میساخت . اما من می دیدم که مالک او به دختر صاحبم نظر عمیق می انداخت و حوصله نمیکردم . حال تقریباً هر روز به خانه صاحبم می آید و همراهی ما جای مینوشد فکر میکنم درین روز ها

باهم عروسی خواهند کرد . حال کار هایم نسبتاً کم شده است و وقت بیکار زیاد دارم . وقت آن رسیده تا در قسمت زندگی شخصی خود فکر کنم چوچه ها بدنیایم بیآورم . آه راستی مشقت زن جوان آنقدر بی حیا نبود حتی میتوان گفت که جلب توجه نمیکند . بهر صورت نخواهیم دید . اهداف عمده بدست آمد . گروه من حالا يك گروه بسیار متفوق و تسخیر شده است . همه اوامر مرا به بسیار زودی اجرا میکنند . من برای این نکته را بدون کدام مبالغه گفته میتوانم که اگر نمایشش صبا حبان سنگ ها بر گزار شود صبا حبا نم حتما مدال های طلایی را کسب میکنند .

بقیه صفحه ۴۴

وضع سالخورده گان در

مراقبت مجانی صحی میباشد . در ایالات متحده امریکا يك تبعه سالمند برای مصارف مراقبت صحی خویش بیشتر از میزان سال گذشته میپردازد . دکتر رابرت پتلیز از انستیتوت ملی سالخوردگان ، میگوید : « احتیاجات مربوط به مراقبت صحی افراد سالخورده ، ما نسبت گذشته ، ارضا نا شده باقی میماند . باید گفت که از آنجاییکه هیچگونه خدمات ملی برای مراقبت صحی سالمندان وجود ندارد ، آنها با مشکلات صحی و طبی خود تا وقتی دست به گریبان باقی میمانند که به شفاخانه انتقال یابند .

یکی از سالخوردگان ، در ارتباط با مشکلات عدیده ای که افراد مسن در « طرز زندگی امریکایی » با آن مواجه اند ، چنین گفت : « سالمندان ، که تعداد مابین ۲۳ ملیون میرسد ، آنگاه زیر بار سنگین زندگی روزمره خورد و خمیر شده ایم که وضع رفیقار زندگی خود را تغییر ناپذیر و ابدی تلقی مینماییم :

ما به پول کافی احتیاج داریم تا بتوانیم آبرومندانه زندگی کنیم ، ما به مسکن ضرورت داریم که در خانه ، در شفاخانه ، در آسایشگاه ها و غیره مورد احترام قرار گیریم و چنان حفظ حیثیت و عزت خود را داشته باشیم ! کسانی از ما که هنوز مستعد به کار اند ، به دریافت شغلی محتاج اند که از عهده انجام آن برآمده بتوانند ! ما ضرورت داریم که هنگام قدم زدن ، تفریح یا در خانه از احساس ترس و دلهره آزاد باشیم ! و بیشتر از همه ، ما به مراقبت صحی وادویه مجانی محتاج هستیم ! قانون گذاران ملی ، که ما به انتخاب آنان کمک کردیم ، از بهترین مراقبت صحی مجانی برخوردارند ، چرا ما نمی توانیم از آن بهره مند گردیم ! و هنگامیکه تمام این خواجی اساسی بشری مرفوع گردد ، ممکن دست سالخوردگان ما بتواند گامی از مزایای این کشور ، که به ساختمان و آبادی آن کمک نموده اند ، تا اندازه ای مستفید گردند .

صفحه ۶۴

پلینوم کمیته مرکزی ح. د. خ. اتصامیم ...

- ۲۱- فیض محمد، دگرمن.
- ۲۲- گل آقا، دگرمن.
- ۲۳- گل داد.
- ۲۴- محمد اسلم وطنجار، دگرمن.
- ۲۵- محمد اسماعیل دانش، انجنیر.
- ۲۶- محمد حسن پیمان.
- ۲۷- محمد رفیع، دگرمن.
- ۲۸- محمد هاشم، دگرمن.
- ۲۹- محمود بریالی.
- ۳۰- نجم الدین اخگر کاویانی، انجنیر.
- ۳۱- نجیب الله دوکتور.
- ۳۲- نظام الدین تهذیب.
- ۳۳- نظر محمد، دگرمن.
- ۳۴- نظر محمد، انجنیر.
- ۳۵- نور احمد نور.
- ۳۶- نیاز محمد، دوکتور.

اعضای علمی البذل کمیته مرکزی

ح. د. خ. افغانستان

به ترتیب حروف الفبا:

- ۱- جمیل پلو شه.
- ۲- دوست محمد، جگرمن.
- ۳- سلیمان لایق.
- ۴- سید امیر شاه ذره، دوکتور.
- ۵- سید اکرام پیکیر.
- ۶- سید طاهر شاه پیکارگر.
- ۷- محمد حسن باریق.
- ۸- هنر غیرت.
- ۹- غلام سرور یورش.
- ۱۰- غلام فاروق، دوکتور.
- ۱۱- فضل الرحیم مہمند.
- ۱۲- فدا محمد دهنشین.
- ۱۳- فیض محمد دگرمن.
- ۱۴- گل آقا، دگرمن.
- ۱۵- گل داد.
- ۱۶- محمد ابراهیم عظیم، پوهاند.
- ۱۷- محمد اسماعیل دانش، انجنیر.
- ۱۸- محمد حسن باریق.
- ۱۹- محمد حسن پیمان.
- ۲۰- محمد خان جلال.
- ۲۱- محمد رفیع، دگرمن.
- ۲۲- محمد عیان عیان.
- ۲۳- محمد نبی عظیمی، دگرمن.
- ۲۴- محمد هاشم، دگرمن.
- ۲۵- مفتاح الدین صافی.
- ۲۶- محمود بریالی.
- ۲۷- نجم الدین اخگر کاویانی، انجنیر.
- ۲۸- نجیب الله، دوکتور.
- ۲۹- نظام الدین تهذیب.
- ۳۰- نظر محمد، دگرمن.
- ۳۱- نظر محمد، انجنیر.
- ۳۲- نیاز محمد مہمند، دوکتور.
- ۳۳- هنر غیرت.

شورای انقلابی جمهوری دمو کرا تیک افغانستان

هیئات رئیسه شورای انقلابی

ج. د. افغانستان

به ترتیب حروف الفبا:

- ۱- ببرک کارمل، رئیس شورای انقلابی.
- ۲- اسد الله سروری معاون شورای انقلابی.
- ۳- سلطا نعلی کشتمند معاون شورای انقلابی.
- ۴- نور احمد نور.
- ۵- جنرال عبدالقادر.
- ۶- دگرمن محمد اسلم وطنجار.
- ۷- دگرمن گل آقا.

اعضای شورای انقلابی

ج. د. افغانستان

به ترتیب حروف الفبا:

- ۱- ببرک کارمل، رئیس شورای انقلابی جمهوری
- دمو کرا تیک افغانستان.

پیشگوئی...

ورتون که از نظر سیاست بسودجویی
رهنمائی شده استفاده میکند و دیگری عیانت
نظار بانک فدرالی امریکا است که در
ختم سال ۱۹۶۸ از آن درسیاست پولی
استفاده کرد.

تفسیر مجدد تیوری کینز:

کلاین که هنوز محصل فاکولته اقتصاد
یونیورسیتی کالیفورنیا بود وازان فاکولته
د ۱۹۴۲ فارغ شد به مودل سازی مسمی
پر داخه.

کلاین نیز سی دکتور دای خود را در
وقت بسیار کم یعنی در ظرف دو سال در
انستیتوت تکنالوژی مساجوست زیر
نظریا و لسان متونیل سان تکمیل کرد
بدین وسیله تجربه تیوری کینز را که
در اثر کینز بنام تیوری عمومی استخدام
ریج، و پول در سال ۱۹۳۶ انتشار یافت
به عهده داشت و آنرا بصورت معادل
ریاضی در می آورد. کتاب کلاین تحت
عنوان «انقلاب کینز» که یازده سال بعد
از تحریر آن نشر شد متن درسی را در
اکثر فاکولته های آن وقت تسکیل
میداد.

البته عالی ترین موجد مودل در سالهای
۱۹۳۰ اکانو متریک ها لیندی بنام جان
تینبرگن بود که جایزه نوبل ۱۹۶۹ را به
اثر تحقیقات در رشته اکانو متریک بدست
آورد.

کلاین اولین موجد مودل اکانو متریک
در ایالات متحده امریکا است.

اوبزودی پس از اخذ دکتورا (در آنوقت
کلاین ۲۴ سال عمر داشت) در یونیورسیتی
شیکاگو مودل ۲۰ معادله وی اقتصادایالات
متحده را ترتیب داد که در زمان بعد از
جنگ شهرت زیاد یافت.

مؤسسات حکومتی پیشگوئی های
کلاین را جدی نگرفتند طوری که خودش
اظهاری میدارد.

«به آستین کپنه کسی توجه ندارد» اما
کلاین خود را و در شکسته فکر نکرد و در
سال ۱۹۵۱ که دانشمند یونیورسیتی مشیگان
بود به همراهی یکی از شاگردان که
کار دیپلوم خود را تکمیل میکرد مودلی
را که از آن وقت به این طرف بنا مودل
کلاین گوئد برگزید میشود بسوجود
آورد که بنام مودل اکانو متریک نمونه
نسل جدید شناخته شد.

پس از آنکه ازین مودل در اجرای یک
پیشگوئی استفاده کرد کلاین برای چند
سال به آکسفورد رفت. سپس دوباره
به ایالات متحده برای اشغال کرسی پرو
فیسوری فاکولته تجارت یونیورسیتی
پنسلوانیا برگشت.

پروژه لینک:

از هفت سال به این طرف کلاین بر
آثار اکانو متریک معادل مختلف جهان
به منظور ایجاد یک مودل اکانو متریک جهانی
تحت عنوان لینک نظارت
نظارت دارد.

تجمع مودلهای منعکس کننده سیستم های مختلف
اقتصادی وظیفه دارد که مطالعات «میکانیزم
انتقالی» را ممکن سازد. این سیستم ها
بر همدیگر موثر اند.

عناصر اساسی پروژه لینک:

(در مرا حل آخری فعالیت خود در حدود
۳۰۰۰ معادله را احتوا میکند) عبارت از
مودلهای اکانو متریک بزرگ و وسیع
برای جاپان و ۱۲ مملکت صنعتی غرب و
چهار مودل کوچک منطقوی برای ممالک
رو به انکشاف است.

پروژه لینک ضروریات وارداتی هر
مملکتی را مد نظر دارد و مبلغ معینی را
برای صادرات اموال به ممالک دیگر
یا حوزه های دیگر مطابق به نمونه های
موجود تخصیص میدهد.
مجموع تقاضاهایی که برای تولیدات
یک مملکت موجود است صادرات آن
مملکت را معین میسازد بنابراین به مقیاس
چهارنی ارزش صادرات با یک مساوی
ارزش واردات باشد.

البته ابراز این حقیقت سبب تعجب خواهد
شد که معادله ای که قدرت صادراتی
هر مملکت را بصورت جداگانه نشان
میدهد قوس صعودی را می پیماید در
حالیکه معادلات بیان کننده احتیاج واردات
این ممالک قوس نزولی دارند.

تعداد آنها ئی که به پیشگوئی عسای
پروژه لینک ضرورت دارند زیاد است.

در دسامبر ۱۹۷۳ دیپارتمنت مالیه ایالات
متحده امریکا از کلاین خواست کرد
تا مودلی را جهت تحلیل فوری اندازه تاثیر

ذخایر پترول جهان بر اقتصاد هر یک
از ممالک بدست آنها بگذارد. مطابق
به پیشگوئی لینک محدود ساختن ذخایر
پترول به تدریج آهنگ رشد اقتصادی را
کم میسازد.
اولین پیشگوئی که به اساس پروژ
لینک (در اخیر سال ۱۹۷۴ منتشر شد
است)

عملی شد پیشبینی شده بود که در رشد
تولیدات ملی تمام ممالک جهان در سال
۱۹۷۵ حداقل ۴ فیصد خواهد بود و در
سال ۱۹۷۶ در حدود ۶ فیصد و ضریب
انفلاسیون کمتر ۱۹۷۴ در حدود ۱۰ فیصد
بود در ۱۹۷۵ به ۷ فیصد و در ۱۹۷۶ به ۶
فیصد تنزیل کرد.

آثاری که بر پروژه لینک نوشته شده
بود زمینه خوبی را برای مسافرت های
کلاین مساعده گوی دانید که به این ترتیب
هر شش ماه بعد به یکی از ممالک جهان
به ملاقاتهای بین المللی پرداخته که
مباحثات و مناقشات بر مودل فوق صورت
گرفت.

کلاین در ابتدا گمان می برد که این
مودل آنقدر بزرگ نخواهد شد و لی بر
عکس در این مودل پیش از ۸۰ معادله بکار
برده شد و دایما رو به ازدیاد است.

مطابق به پرستیز و شهرت تجارتی
که مودل اکانو متریک دارد لذا اندکترین
شکی در برتری آن بر میتود های تاکتیکی
پیشگوئی وجود ندارد.

پیشگوئی که از اقتصاد ایالات متحده
در سال ۱۹۷۴ به اساس مودل اکانو متریک
تنظیم شده بود کمترین برتری ندارد و
هیچ وسیله وجود ندارد که بر نری آنرا
بر حدس های آتیه بنیان که پیشگوئی
شان بر مشاهدات شخصی استوار است ثابت

ساخت
البته کلاین به این ناکامی های خود
چندان ارزش قایل نیست. به نظر
کلاین هدف واقعی از تحقیقات مطالعات
پیشگوئی کردن بهتر نیست بلکه تحلیل
ساختن سیستم ها است. با تکیه
اینکه احصایه ها دقیق نیست میگوید:
اندازه تولیدات عمومی ملی را به دقت

تأجاییکه ممکن بود سنجیدیم.
چون از مودل مذکور در سکتور انفرادی
و سکتور دولتی استفاده میشود. این
کار موجب شده تا تمام موسوعاتی
را که قبلا در باره آن بصورت عمومی بحث
و مناقشه شده احتوا نماید.

با آنهم عجیب معلوم میشود که مطالعه
دقیق و ساختن سیستم ها موجب
پیشگوئی بهتر نگردد. بصورت عمومی
چنین تصور میشود که شناخت بهتر شخصی
تیوری و سیاست مملکت باید به قسم
یک پیشگوئی با نتیجه ظاهر شود.

گمبوند این نوع اتصال از عدم کلیت
تفاهم عمیق بین عناصر مشکله تعاملات
اقتصادی نمایانند می کند. میتوان به
موضوع از نگاه خوشبینی دید. ختمی و
ضروری نیست که نسل آینده از نو بنده
پیشگوئی اکانو متریک از نیمه سال
هشتادم قرن بیستم منعطف یک متبکر و
دانشمند عالی و روشنفکر یاد کند یا
اینکه مودلهای بزرگ و اصلاح شده در
آینده پیشگوئی های واقعی تر را انجام
خواهد داد.

سختگیری های که امروز از طرف نویسندگان
بر اکانو متریک ها ئی که میخواهند
انکشاف اقتصادی را پیشگوئی کنند وارد
میشود تا دقیق باشند آنها را و امید اردنا
بیشتر از متو ده های عنعنوی استفاده کنند.



عده ای از زندانیان سیاسی که از طرف دار و دسته جنایتکار امین در زندان بلخ رنج می بردند.

د آهنگو نو د جوړولو پیاوړی شخصیت واسیلی سلویوف

ورید ه او ور ته سلا کړې چې دمو سیتی د تخنیک د آهنگ جوړولو په رشته کې باید زده کړه وکړي. واسیلی دا خبره ومنله او از موینه یې په بریا لیتو بـرسـه ورکړ.

په ۱۹۳۶ کال کې خپله زده کړه پای ته ورساوه او وروسته د سیمو نې اړکمر وټو بـالـت ، او پرا او د فیلو نو لپاره یې موسیقی لیکل . واسیلی پخپله او یـسـی دهغه وخت چې د خپل آهنگونو د جوړولو

فعالیت یې پیل کړ داسې آهنگونه یې جوړکړ چې په ډیرو کتسر ټولنو کې اوریدل کیده مگر تر څو هغه پراوټه نه وه رسیدلې چې خلک یې دملی سندرې په شان زده کړي. په ۱۹۴۱ کال کې د فـا شیمـنـا نو سره د شو روی د خلکو جگړه پیل شوه. واسیلی او د لیننگراد ټول آهنگ لیکونکي هم خپل ونډه د جگړې شاته مخکې وړل. د لیننگراد محاصره په وخت کې واسیلی د چلیا بـنـک بـا رته ولاړ او دهغه ځای څخه لار کتسر سره د جگړې چې ته تلـسـر او هلته یې د عسکر واو پار تیزانا نو لپاره کتسر ټولو ور کول .

دجنگ دتفا مینو نه وروسته واسیلی سلویوف د پـرو شا عراو سره همکارۍ کوله او هغوی ته آهنگونه جوړول واسیلی سلویوف وایی : « کله چې درانیو له څپو نه دمسکو دشا و خوا د ماینامونو» سندرې اورم ما ته د هغه تاریخچه را په یا دیری څکه چې لو مری د آهنگ دپو مستند فلم لپاره په ۱۹۵۶ کال کې لیکل شوی و ه کله چې درانیو نه څو ځلې خبره شوه ډیر ویاړلې نوم یـسـی وگاڼه او اوس ټول خلک دملی سندرې په نامه بولي .»

د واسیلی سلویوف په عقیده د آهنگ جوړولو لکو او نورو کسانو تر منځ هېڅ کوم توپیر نشته ، دی وایی : « ما نه ډیری پو پستی کیری دهغوی دپو پستونو نه دا احسا س کیری چې گویا د آهنگ جوړـو ونکو او نور و تر منځ توپیر باید موجود وی

او د هغوی پو گرافي دنورو سره با یـسـد یو شان نه وی . مگر پیاوړی اکا د مین او فر یولو جست پاو لوف ویل چې. د آهنگ جوړونکو او نورو تر منځ هېڅ تفا و ت موجود ندی . مگر یو شی دی چې آهنگ جوړونکي د نورو څخه جلا کوي او هغه داچې آهنگ جوړو نکی دکار په وخت کې

یوازی وی هېڅ څوک ورسره مرسته نه کوي یوازی کو لای شی چې خپل نظریات ورته ووايي . مگر دامسلک بله خوا هم لری او هغه دا چې که داسې آهنگ جوړشو چې دخلکو خوښ شی هغه وخت به په ملیونو خلک در سره وی او دا هغه وخت دی چې ته یوازی نه یی .

د (مسکو د شا و خوا د ما بـا مو نو سندرې) چې اوس د شوروی اتحاد د موسیقی که به می څه ورته وویل ځواب به یې دسمبول په نامه سره یادیز ی په خلکو کې د ملی سندرې شهرت یې گټلی . مگر ددی سندرې مو لـف دـشو روی اتحاد پیاوړی آهنگ جوړونکی واسیلی سلویوف سیدوی دی .

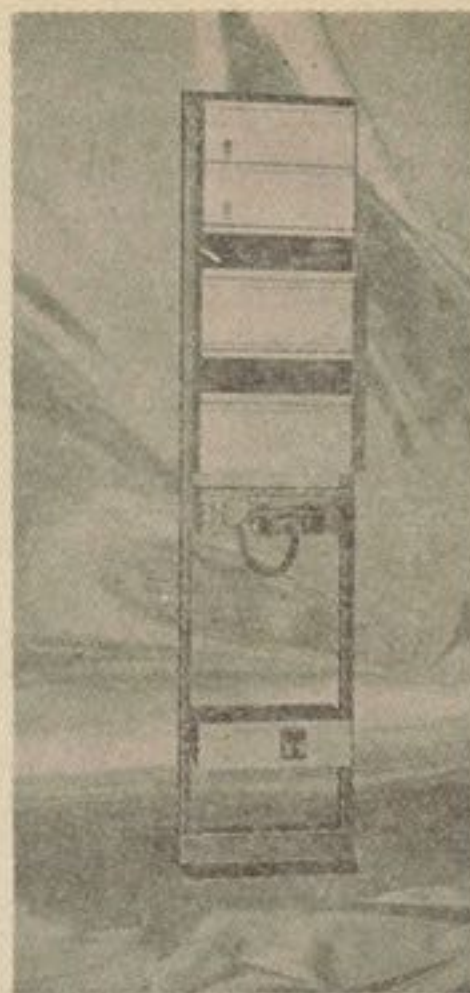
دا سړی دروسی ډیر پورگت په ښار کې چی اوس د لیننگراد په نامه سره یادیز ی زین ید لی دی .

پلا رتی له کلي نه بـا رته دیو مری پوډی دلاس ته راوړلو له پاره راغی او پـسـیو ځای کې د کور و نو د پا کو لو څخه خپل دتیمگری ژوند اړتیا وی یې پوره کول. کورـ یی یې د پنځو کسو یعنی پلار، مور او دروکوـ چنیا نو څخه جوړه شوی وه . دمو سیتی سره د کو چنیو ا لی څخه یې زیا ته علاقه در لوده . پلار یې په ډیر زیار سره گیتار ورته تر لاس کړ چې په هغه کې واسیلی په ډیر شوق د خپل گیتار سره دهغه وخت سندرې ویل . په ښو نځی کې د شو را سا نو د دولت په وخت کې شا مسل شو د شو روی حکومت په ټینگیډو سره ددوی ژوند هم ښه شو . دی په هغه ښوونځی کې درس ویل چې پخوا هلته خلک د پـسـو په بدل خپل هلکان یې په ښو و نځی کې دا خلو ل . ټول هلکان او ددوی په منځ کې واسیلی هم دا ما توری دهنر سره یې ډیره مینه درلوده . ښو نځی دمو سیتی ستوری په هغه وخت کې واسیلی ملگری الکساندر باریسوف وو . هغه به سندرې ویل او واسیلی دهغه سره ملگر تیا کول الکساندر باریسوف څو موده وروسته دسینما او تیاتر پیاوړی لو بغای شو او واسیلی د آهنگونو جوړونکی .

ډومی واسیلی غوښتل چې د بـیـریـو د جوړولو الجیر شی مگر د هغه دکا لکور به از موینه کی بریالی نشو .

پدی وخت کې واسیلی سلویوف د ډیرو کور نیو ستو نرو سره مخامخ شو او مجبوره وه چې خپله کار و کړی او دټول د ژوند اړتیا وی برابر کړی ځکه چې مو ر یی مړه شو هـاو پلاری ډیر سخت ناروغ شو په او لوو وختو نو کې واسیلی دپا نو په واسطه دفلو نو ملگر تیا یی کول . دی په خپله وایی : «ډومی دا کار زما دو مړه ښو و نکی نه ښکاریده اما وروسته ناڅه شوه چې دا کار د آهنگو نو د جوړولو لوی مړنی درسته یی راته را کړ .»

وختو نه تیریدل او واسیلی نشو کو لای چې خپله اصلی لاره و پا کی مگر یو ه خبره ور ته ښکاره او څر گنده وه چې باید لو ست زده کړی نو دا چې د څه شی لو ست ورو ستي پرېکړه ورسره نه ورځو چې یوه ورځ دمو سیتی دښوونځی پوزی زد کو نکی دهغه آهنگو نه یی وا



آلات بررسی وضع جغرافیایی و اقلیمی جدید

می سازد .

دانشمندان در مورد این که این همه تغییرات ناگهانی که در اوضاع جوی بوجود می آید چه تأثیرات را در امر رشد فعالیت های اقتصادی خواهد داشت کاملاً مبهم و پیچید تصور نموده اند. اینقدر میگویند که درجه گرما و شدت آن در امر رطوبت در روی زمین زیاد خواهد بود مناطق یخچالی منقبض شده به تدریج مناطق یخبندان ذوب خواهند شد ، بنابراین مناطق طبیعی دچار شکستگی های خواهد شد که به تدریج در امر فعالیت های اقتصادی زیان وارد خواهد نمود .

اما این امر مشکل به نظر می رسد و آن عبارت ازین است که چگونه درجه حرارت تأثیری در سطح ابحار جهانی وارد خواهد نمود اما دانشمندان عقیده دارند که تنها ذوب شدن یخچال ها (در صورتیکه یخبندان های مناطق گرم نشد ، و سایر مناطق قطبی ذوب نشوند) به تنهایی تأثیر در سطح جهانی ابحار نخواهند داشت. عده دیگر از دانشمندان عقیده دارند که

مناطق یخ بسته قطب شمال به تدریج در طول همین دهه های آخر ذوب نشده و سطح ابحار را به تدریج تا حدود پنج متر بالا خواهد برد. این حقیقت است که تعداد زیاد دانشمندان به آن ایتان داشته و میگویند که تغییرات عیسق در وضع اقلیمی در جهان بوجود خواهد آمد. در سال ۱۹۷۷ مقال بنام انرژی و اوضاع جوی در ایالات متحده به نشر رسید که درین مقاله گفته شده بود ازدیاد گازات کاربنـ دای اکساید به ازدیاد درجه حرارت دروضع جوی تأثیر زیاد داشته و اظهار داشته که در اواخر قرن بیست و یکم تأثیرات آن درجهان کاملاً مشهود خواهد بود متخصصین عقیده دارند برای اینکه جلو چنین مضله گرفته شود لازم دیده میشود تا از موسسات که بر اساس احتراق فوسیل وقت استوارند تا حد لازم جلو گیری شدمو در عوض از برق و سایر اشکال انرژی استفاده بعمل آید .

در صورتیکه در چه حرارت منا طق قطبی ازدیاد یابد گفته میشود که گرمی و حرارت در نقاط مختلف خطوط طول البلد و عرض البلد نیز همگون نخواهد بود . در صورتیکه در طول سالهای دو هزارو بیست و پنج درجه حد وسطی در نیم کره شمالی در ارتفاع بلندتری به ۳-۲ درجه ازدیاد یابد بنابراین درجه حرارت در زمان تابستان به ۱۰-۷+ درجه سانتی گرید ازدیاد خواهد یافت و این رقم در زمستان به ۱۰- درجه سانتی گرید خواهد بود که این تغییرات تأثیرات عجیب در فعالیت اجتماعی - اقتصادی آدمیزاد در روی زمین وارد خواهد نمود .

اکنون این سوال طرح میشود که چگونه ذوب یخچال ها در طول قرن بیست و بیست و یکم صورت خواهد گرفت اما اینقدر گفته میشود که در ابتدا ذوب یخچا به تدریج صورت گرفته و بعد ه این مساله سریع تر خواهد شد .

در صورت که اگر شدت گرما و ذوب شدن آن منکی به حجم گاز های کاربونی خصوصاً کاربن دای اوکساید باشد پروسه ذوب یخچال ها نیز بطی خواهد بود .

دانشمندان عقیده دارند که تغییرات عیسق و کیفی در سالهای بعدی در وضع جوی رخ خواهد داد ، گرمی هوا منجر به تبخیر شده و این امر باعث باریدن باران در روی زمین میگردد و گفته میشود که ازدیاد گازات کاربونی که منجمد گاز کاربن دای اوکساید در تبخیر هوا و باریدن باران تأثیر مثبت و زیاد خواهد داشت .

متخصصین عقیده دارند که در صورت که پروسه ازدیاد حرارت سریعتر پیموده شود درجه حرارت در ارتفاعات بلند تر نسبت به ارتفاعات پست و پایین به مراتب زیاد خواهد بود . هم چنان عده براین نظر اند که اختلاف درجه حرارت در ارتفاعات پایین و بلند نیز تا حدی زیادی کاهش خواهد یافت .

درین جا این حقیقت را نیز باید ناگفته نگذاریم که در وحله های نخستین ازدیاد درجه حرارت مناطق که دارای اقلیم و رطوبت متغیرند و این مناطق مانند مناطق آسیای مرکزی - امریکای شمالی به خشکسالی های بی مانند روبرو خواهند شد که ایمن مصیبت ها ناگزیر به مناطق دیگر نیز سرایت خواهد کرد .

پیشگویی ها در مورد تغییرات وضع جوی مربوط به جمع آوری ارقام و احصایه ها است که به اساس تجارب عینی بدست آمده و پایه شناخت و قدرت پیش بینی آدمیزاد را تشکیل میدهد و بنابراین گفته این حقیقت که آینده عصر بدون یخ چگونه خواهد بود کاری است تا حدودی مشکل زیرا جهان پیوسته در حالت تغییر و تکامل قرار دارد .

دانشمندان اقلیم شناسی معتقدند که تغییرات وضع جوی دوران های ماقبل تاریخ از امروز همانا ازدیاد گازات کسار بونیک و کاربن دای اوکساید است چنانچه در گذشته و در دوران های نور باستانی درجه حرارت در نیم کره شمالی سه تا چهار درجه از درجه حرارت امروزی زیاد تر بوده است که درجه پروت در آن زمانه ها از منفی پنج درجه پایین نبوده است که این رقم بزرگترین رقم را نسبت به درجه حرارت امروزی و انمود



جواب به نامه ها کسما

همکاران عزیز سلام!

به امید سلامتی و صحتمندی شما می پردازیم بجواب نامه ها، ولی دعا بدارید که جوابیه ی پوهاند محمدفاصل، تمام صفحه را بگیرد و حدیث حکایت ما و شما بجایش نماند... بپر حال صفحه دیگری را نیز به جواب نامه ها اختصاص دادیم که آرزو میبریم در پایان، به جواب نامه های شما بپردازیم... در غیر دست ما کوتاه دست شما برنخیزد!

به مجله محترم وزین خواندنی ژوندون بجواب نامه یشاغلی عبدالمجید «ایشچی» منشی کمیته ولایتی و مدیر تعلیم و تربیه بامیان که در صفحه جواب به نامه ها در شماره ۲۸ مجله بچاپ رسیده است یادداشت ذیل را تقدیم میدارم. برای فهم بهتر موضوع یادداشت متذکره را به حصه تقسیم مینمایم:

- ۱- تمجید از عقیده راسخ انتقاد کننده.
- ۲- مقام علما در جهان و شخصیت بین المللی آنها.

۳- تحلیل تعریف روان شناسی و آلتاریکه براساس آن انتقاد وارد شده است.

قبل از آنکه داخل اصل موضوع شوم بطور مقدمه باید تذکر دهم که سپاس گزارم نویسنده و انتقاد کننده محترم از مقام ارجمند استادی و معلمی به احترام یاد آور شده است و اسم مرا به اعزاز و اکرام یاد کرده است. ما از جوانان و فارغ التحصیلان معارف و پوهنتون ها همین توقع را داریم چه معلم و استاد است که

همچو تحرك، تشبیه و ابتکار را بار آورد. از آنجا که انتقاد کننده محترم موضوع را به مراجع مربوط ارسال کرده بود و من هم با شعبه روان شناسی اکادمی تربیه معلم بتماس آمده بشوریه آنها این جواب را تهیه دیده ام که در آن افکار متخصصان روان شناسی و تعلیم و تربیه شوروی و فارغ التحصیلان آن دیار شامل است.

۱- برحسب پلان مطروحه، نخست از عقیده راسخ انتقاد کننده محترم تمجید می کنیم. آنچه به نظر و احساس پر شور او تضاد باشد و حتی اگر بوی ضدیت از آن شنیده شود باید عکس العمل از خود ابراز دارد اما دقت و تأمل امیخته،

چه زبان زد دیرینه ملی و تلفاتی ماست که صد بار بپندیش یکبار بینداز، من ازین احسانات گرم و پر شور این جوان بحیث یک معلمیکه او و امثال او را چنان بسیار آورده است بر خود میبالم. چه او و امثال او که با همچو ابتکار و نوآوری بار آمده اند محصول فکر من و امثال من هستند اما یککاش تا در قضا و کما و حکم ها عجله نکنند و شخصیت ها را بشناسند و بعد از آن تصمیم بگیرند که چه کنند ایککاش

تا این جوان هم مسلک من بصورت مستقیم در صنف سمت شاگردی مرا میداشتند تا خویشاوندی را می شناختیم و به نظریات هم آشنا می بودیم آنگاه خود را به نوشتن این سوال و جواب زحمت نمیدادیم چه من خود را در تبارز تحولات مثبت شریک میدانم و افتخار سمت یکی از منشیان اتحادیه محصلان پوهنتون کابل رادوقوت بیدادگری سلطنتی داشتم. از آنجا که عقیده راسخ هرچه باشد نزد من مقام ارجمند و خاصی دارد بران احترام می گذارم و آنرا می ستایم.

۲- همچنان باید متذکر شد که در پهلوی عقیده محکم و راسخ حوصله جهان بینی علمی و حتی گاه حوصله شنیدن تضاد هارا جوان مبارز و حزبی داشته باشد. افق نظر و سبب و تحمل شنیدن نظریات ازهر قبیلیکه باشد کلید موافقت را بدست نسل جوان میدهد.

عده کثیری از علما و نوایغ جز ازین ابتکار و تعلیم علم دیگر چه هدفی خواهند داشت. واقعا آنها زمینه های تنویر اذهان عامه و سعت نظر ذهنیت های مثبت و مطلوب و آسایش خلق خدا را فراهم می آورند و برای علم در خدمت خلق و پیاده کردن آن در عمل و بهبود حیات کاله مردم

مبارزه و مجادله می کنند. ما باید در پی آن نیرویم که کی و از کدام سر زمین گفته است بلکه به بینیم که چه گفته است.

از آنجا است که پیشوای کارگران جهان می گوید آنکه کار می کند اشتباه می کند پس میتوان گفت که هر کار و علمی صد در صد درست نیست از آنجا است که علما در صدد جستجوی حقایق در هر کجای که باشند در تلاش و تپش اند و باهم روابط معنوی دارند.

و منحصر بیک سر زمین و احد ابداع و ابتکار آنها باقی نمی ماند بنابراین آنها شخصیت بین المللی دارند.

برعلاوه باید متذکر شد که عده زیادی از پیشوایان، نویسندگان و علمای جهان مترقی محصول و مولود تضاد های محیط های امپریالیستی و بورژوازی اند. اگر از هر يك از آنها نام بگیریم و به شرح حیات هر کدام بپردازیم سخن بدرزا می کشد و باید رساله یی نوشت. اما این

امر يك حقیقت انکار ناپذیر است که مثال های مشهود و محسوس آن در سایر ممالک خورد و بزرگ دیده می شود.

غرض از تذکر این مدعا نفی عقیده ایست که محیط به تنهایی خود انسان مبتکر فعال، متحرك و متبديع را تا به اقتضا آن خود می سازد بلکه برای اثبات آن است که عنصر استعداد ذاتی و نبوغ انسان هم نقش بزرگی را در تحقق شخصیت شخص و تحول محیطش دارد که نمی توان از این حقیقت مبرم انکار کرد و انسان را چون برودگان درین عصر آزادی

محض تا به محیط دانست زیرا اگر چنان بپنداریم که انسان امروز بدون قید و شرط مقید بفرمان انقلابات بزرگ تکنالوژی و ماشین با شد گویا از قدرت ابتکار و ابداع انسان انکار نموده ایم بلکه حقیقت او چنان است که به درجه اول انقلاب تکنالوژی و ماشین زاده دماغ انسان مبتکر و مخترع است. به درجه دوم این اختراعات و اکتشافات برای بهبود و آسایش زندگی هائی همه افراد و جوامع بشری و فراهم آوردن تسهیلات در راه انجام کار و زندگی انسان است تا انسان دمی راحت کند و فرصت مزید فکر کردن را بیابد و مصدر ابتکارات و اختراعات مزید بشود. پس اختراعات و تکنالوژی و ماشین ها تا به ابداع بشر و برای بهبود حیات و تأمین صلح و سلام مردم گیتی اند نه آنکه انسان تابع و غلام آن (محیط ماشینی خود) بدون قید و شرط بشود. بحث تأثیر محیط و استعداد از سالیان متبادی و عصر های دور و درازی به میراث مانده است که با لاخره علمای شرق و غرب به نقش هر دو صلح کرده اند و به این حقیقت گراییده اند که هر دو، هم محیط و هم استعداد اثری در

تثبیت شخصیت فرد فرد انسان و بوجود آوردن ابتکارات و اختراعات و کشف حقایق و تعلیم آن نقش تعیین کننده دارند که نمیتوان یکی از آن را بر دیگری رجحان داد. به این شکل بین مکتب پیروان اصالت محیط و وراثت صلح و آشنی برقرار شده است. از آنجا است که علمای جید و مبتکر جهان را نمی توان محض مربوط به کشور خاص و يك محیط بخصوص محدود دانست بلکه خدمت بزرگ و جهان شمول آنها به آنها شخصیت بین المللی داده است چنانکه شخصیت علمی پا و لوف فزیولوژی دان معروف شوروی و فروید اطریشی و امثال آن محدود و منحصر بیک کشور خاص

نیست. به این شکل بین مکتب پیروان اصالت محیط و وراثت صلح و آشنی برقرار شده است. از آنجا است که علمای جید و مبتکر جهان را نمی توان محض مربوط به کشور خاص و يك محیط بخصوص محدود دانست بلکه خدمت بزرگ و جهان شمول آنها به آنها شخصیت بین المللی داده است چنانکه شخصیت علمی پا و لوف فزیولوژی دان معروف شوروی و فروید اطریشی و امثال آن محدود و منحصر بیک کشور خاص

نیست مانند بلکه براساس جهان تعلیق میگیرد چنانکه در کشور های بورژوازی از باولوف پیروی می کنند و نظریات او را وائسن و سیکز بحد اعلی آن اکتشاف داد.

همچنان جان دیوی در تعلیم و تربیه و روان شناسی یکی از شخصیت های برانزده است که پیرو اصالت تطبیق نظر در عمل است و روزگار انی علمای اتحاد شوروی نظریات او را و خاصا آموزش از طریق عمل او را مورد تطبیق قرار داده و میدهند.

۳- اکنون می پردازیم به تحلیل تعریف روان شناسی و آلتاریکه بر اساس آن مقالات من انتقاد شده است.

انتقاد کننده محترم اگر مقالات نگا رنده را که در شماره های (۱۶-۱۷ و ۱۷)

مجله وزین ژوندون نشر شده است بغور مطالعه می نمودند در می یافتند که محض در آن مقالات تعریف روان شناسی با کم و کیف آن در شرایط عینی و تجربی بحیث علم سلوک جا ندارند و خاصا بشر برای تنویر اذهان جوانان متر قسی و وطن خواه و خانواده های محترم معرفی گردیده است. من کجا از روان شناسی اجتماعی و شعیات آن به تفصیل بحث کرده ام تا فرمایشات انتقاد کننده محترم مد نظر گرفته می شد. مرا با آنکه از الکار مترقی زیکنند - فروید اطریشی بفع بورژوازی استناده شده است چه کار و غرض است. من هم آنرا به نوبه خود نادرست و ناشایست می پندارم که نظر عالمی را بر اساس اغراض شوم و پلید خود بر غلط قوجه کنند.

از آنجا که انتقاد کنند محترم مقاله مرا که تحت عنوان « روان شناسی از جا بحث می کند » انتقاد کرده نوشته اند. استاد محترم فاضل بدون آنکه این اصل و انحصار اقتصادی بانحصار علمی همراه شده هست، آشننگی اجتماعی به پریشانی جا معه شناسی (روان شناسی) کشیده است... را مد نظر بگیرند و حتی

به مقام بسیار اعلای خطوط اساسی وظایف انقلابی ج.ا.د. استناد کرده اند و از ایجاد يك سیستم مترقی فرهنگ ملی و تجدید نظر بر کلیه پروگرام های درسی یاد آورنده و نوشته مرا ارتجاعی خوانده اند نخست گله مندم زیرا من خود را در نهفت های کشور عزیز خود و در تربیت جوانان سالم و وطن دوست و بوجود آمدن فرهنگ ملی و ورود تحول در نظام تربیتی بر حسب احتیاج و نیاز مند های اطفال، جوانان و وطن ماسیم میدانم و به کسی حق نمیدهم تا بر من همچو تهمت را وارد کنند.

دوم عبارات رنگین و پر کینگی که ناقد محترم جا معه شناسی را عین روان شناسی دانسته است نه من و نه آنکه روان شناسی می داند موافق خواهد بود.

از همین جا است که تحلیل انتقاد کننده در باره مقالات من نا درست است. زیرا آنچه بر آن استناد شده و مسایل اقتصادی

دوم عبارات رنگین و پر کینگی که ناقد محترم جا معه شناسی را عین روان شناسی دانسته است نه من و نه آنکه روان شناسی می داند موافق خواهد بود.

سال نو، بهار نو، بهار نو

بیابانهای فرستادگان
درختان شکفته بر طرف باغ
راز آینه سیمگون سکه نو بهار
سهر سردار بال بر شرف فراخ
ز سیمای سبزه فرو شو کرد
که روشن بشستن شعله لاجورد
دم ریخته نسیم بر لب جویبار
بقر خیره ده که سبزه است شاخ



1359 سال 13

1359	1358	1357	1356	1355	1354	1353	1352	1351	1350
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
11	12	13	14	15	16	17	18	19	20
21	22	23	24	25	26	27	28	29	30

1359 سال 13

1359	1358	1357	1356	1355	1354	1353	1352	1351	1350
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
11	12	13	14	15	16	17	18	19	20
21	22	23	24	25	26	27	28	29	30

1359 سال 13

1359	1358	1357	1356	1355	1354	1353	1352	1351	1350
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
11	12	13	14	15	16	17	18	19	20
21	22	23	24	25	26	27	28	29	30

1359 سال 13

1359	1358	1357	1356	1355	1354	1353	1352	1351	1350
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
11	12	13	14	15	16	17	18	19	20
21	22	23	24	25	26	27	28	29	30

س ۵۹

هدیه

ژوندون

1359 سال 13

1359	1358	1357	1356	1355	1354	1353	1352	1351	1350
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
11	12	13	14	15	16	17	18	19	20
21	22	23	24	25	26	27	28	29	30

1359 سال 13

1359	1358	1357	1356	1355	1354	1353	1352	1351	1350
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
11	12	13	14	15	16	17	18	19	20
21	22	23	24	25	26	27	28	29	30

1359 سال 13

1359	1358	1357	1356	1355	1354	1353	1352	1351	1350
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
11	12	13	14	15	16	17	18	19	20
21	22	23	24	25	26	27	28	29	30

1359 سال 13

1359	1358	1357	1356	1355	1354	1353	1352	1351	1350
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
11	12	13	14	15	16	17	18	19	20
21	22	23	24	25	26	27	28	29	30

1359 سال 13

1359	1358	1357	1356	1355	1354	1353	1352	1351	1350
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
11	12	13	14	15	16	17	18	19	20
21	22	23	24	25	26	27	28	29	30

1359 سال 13

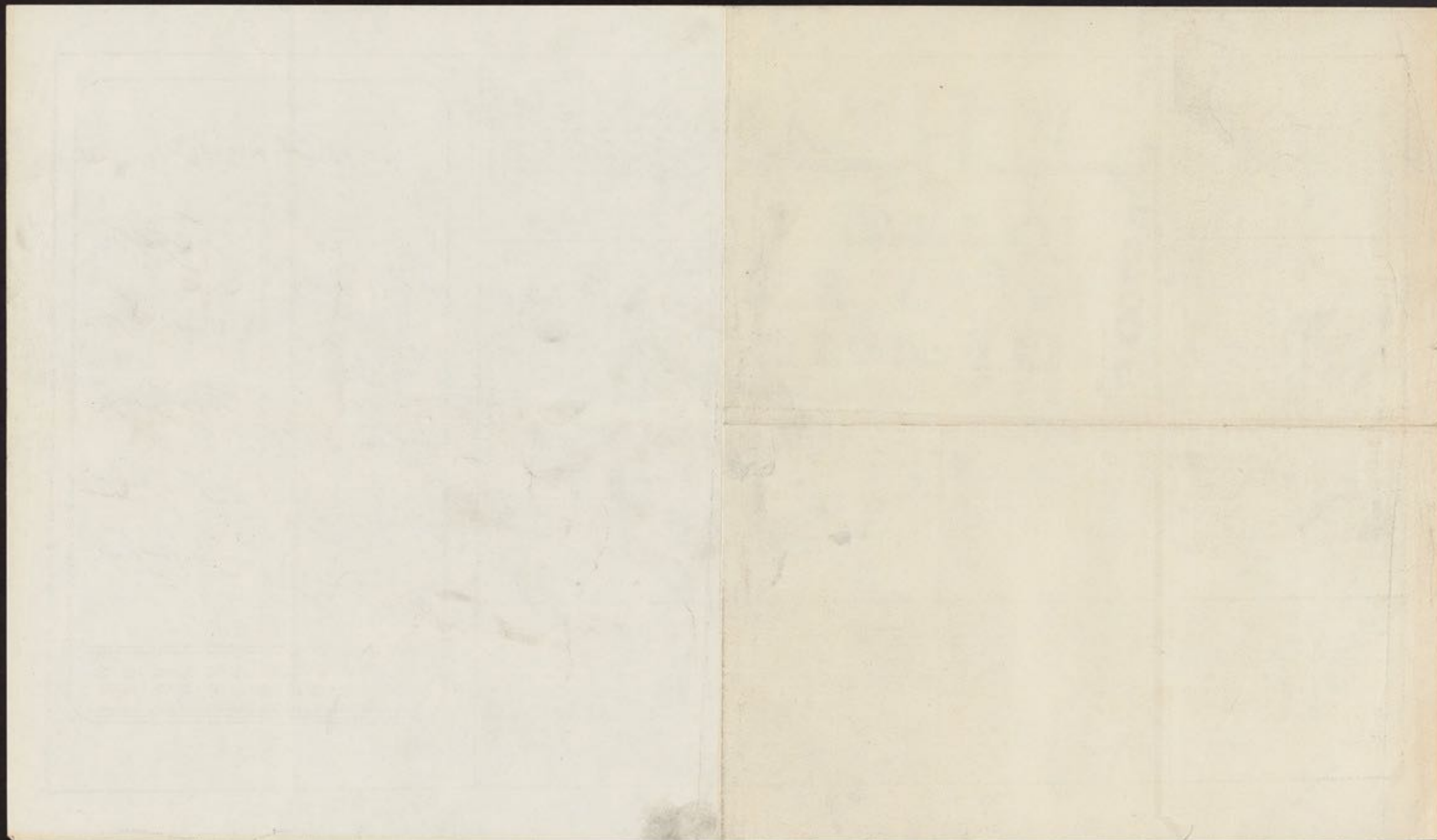
1359	1358	1357	1356	1355	1354	1353	1352	1351	1350
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
11	12	13	14	15	16	17	18	19	20
21	22	23	24	25	26	27	28	29	30

1359 سال 13

1359	1358	1357	1356	1355	1354	1353	1352	1351	1350
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
11	12	13	14	15	16	17	18	19	20
21	22	23	24	25	26	27	28	29	30

1359 سال 13

1359	1358	1357	1356	1355	1354	1353	1352	1351	1350
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
11	12	13	14	15	16	17	18	19	20
21	22	23	24	25	26	27	28	29	30





چند صحنه از مراسم عزاداری
پدران، مادران، خواهران و
برادران داغیده کشور ستمدیده
ماله عزیزان خه را در دوراندیشی
امین جلاد و باند جایتقاروی
از دست داده و در روز
غلامی که از طرف جمهوری
دموکراتیک افغانستان
اعلان کعبه شرکت در میزند.

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library